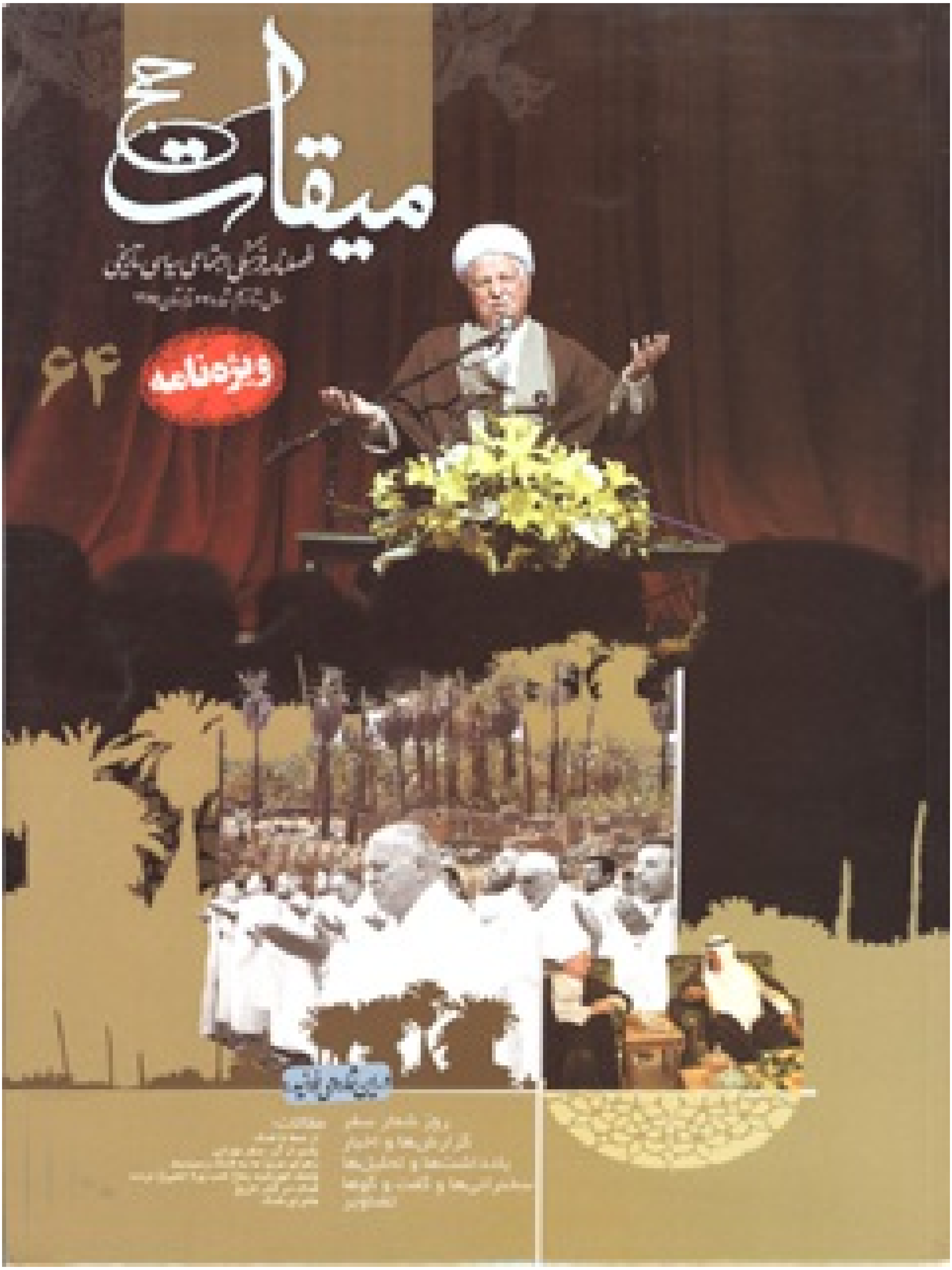

میقات حج
ویژه‌نامه
۶۴

بسم الله الرحمن الرحیم

میقات حج

نویسنده:

نادر سلیمانی بزچلوئی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
میقات حج-جلد ۶۴ ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
اشاره ----- ۶
سرمقاله ----- ۹
روز شمار سفر ده روزه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عربستان سعودی ----- ۱۰
گزارش ها و اخبار ----- ۳۲
یادداشت‌ها و تحلیل‌ها ----- ۶۵
سخنرانی ها و گفت و گو ها ----- ۱۰۳
مقالات ----- ۱۳۹
اشاره ----- ۱۳۹
از صفا تا فدک ----- ۱۴۰
یادی از آن سفر نورانی ----- ۱۷۰
زهرای عزیز! ما به فدک رسیدیم ----- ۱۷۲
وصف خورشید به «شب پره اعمی» نرسد ----- ۱۷۶
فدک درگذر تاریخ ----- ۱۸۵
ماجرای فدک ----- ۲۰۳
درباره مرکز ----- ۲۳۲

میقات حج-جلد ۶۴

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمانی، نادر، - ۱۳۳۹

عنوان و نام پدیدآور : میقات حج/ نویسنده نادر سلیمانی بزچلوئی

مشخصات نشر : تهران: نادر سلیمانی بزچلوئی، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ص ۱۸۴

شابک : ۹۶۴-۳۳۰-۶۲۷-۰۰۵۴۵۰۰ریال

یادداشت : عنوان دیگر: میقات حج (خاطرات حج).

یادداشت : عنوان روی جلد: خاطرات حج.

عنوان روی جلد : خاطرات حج.

عنوان دیگر : میقات حج (خاطرات حج).

عنوان دیگر : خاطرات حج

موضوع : حج -- خاطرات

موضوع : سلیمانی، نادر، ۱۳۳۹ - -- خاطرات

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/س۸۵م۹ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : م۸۰-۲۵۲۴

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

سرمقاله

ص: ۴

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۷ ه‍- . ش. آیت الله هاشـمی رفسنجانی، رییس مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی پادشاه عربستان برای شـرکت در کنفرانس بین المللی گفتگوی اسلامی در مکه، به عنوان میهمان ویژه دعوت شدند که مورد قبول ایشان واقع گردید.

در این سـفر، احترام و ارج‌گـذاری ویژه ملک‌عبدالله به آقای هاشـمی رفسـنجانی، به عنوان یک عالم شـیعی ایرانی، زمانی برای همه نمود یافت که:

- این دو شخصیت همزمان و در کنار هم، وارد اجلاس شدند.

- در افتتـاحیه کنفرانس قرار گرفتن سـخنرانی آقـای هاشـمی رفسـنجانی، نقش جمهوری اسـلامی ایران و جایگاه این عالم شـیعی را برجسـته نمود؛ به عبـارت دیگر، بهترین زمان کنفرانس به آقای هاشـمی رفسـنجانی اختصاص یافت. موضوعی که بنا به گفته پادشاه عربستان در ملاقات پایانی با آقای هاشمی رفسنجانی، اسباب گلایه برخی از علمای عربستان را فراهم آورد.

- موضوعات چهارده‌گانه‌ای که از سوی ایشان در کنفرانس مطرح شد، به عنوان منشوری برای کنفرانس آینده مدّ نظر قرار گرفت.

- آقای هاشـمی رفسـنجانی، به عنوان اوّلین‌ایرانی، به منطقه فـدک رفت و از این مکان مهم تاریخی، که جایگاه ویژه‌ای نزد شـیعیان دارد، دیدن کرد. در این سفر، محدوده فدک، بوستان و چشمه‌های فاطمه ۳ مورد دیدار وی قرار گرفت.

- همزمان با شب شـهادت حضرت زهرا ۳، درِ بقیع به روی زائران ایرانیِ همراه ایشـان، به خصوص بانوان گشوده شـد و چهار شـب متوالی، هر شب بیش از ۱۵ هزار نفر ایرانی؛ اعم از زن مرد، در آنجا حضور یافتنـد و فضای معنوی خوبی در بقیع ایجاد شـد و آنان به راحتی به عزاداری پرداختند.

- در دیدارهای رسـمی ایشان با ملک عبدالله و دیگر مقامات سعودی، احیای بقیع، برخورد مناسب با زائران ایرانی و آزادی تعدادی زائر ایرانی که در عربستان بازداشت شده بودند، در میان گذاشته شد و آنان وعده حلّ آن‌ها را دادند.

- و ...

اکنون به جهت ثبت وقایع و رخدادهای این سفر و ماندگاری آن در تاریخ و نیز ناشناخته ماندن اهمیت آن برای عموم مردم و حتی فرهیختگـان جـامعه، دست انـدرکاران «میقـات حـج» لازم دیدنـد برای آگاه نمودن خواننـدگان محترم از جزئیات این سـفرِ موفقیت آمیز، شصت و چهارمین شماره از این فصلنامه را به آن اختصاص دهند و آن را به صورت «ویژه نامه» منتشر نمایند.

گفتنی است به جهت متفاوت بودن موضوع این شماره از فصلنامه، عناوین آن نیز به شکل زیر تغییر و در شش عنوان سامان یافت:

* روزشمار سفر*

گزارش‌ها و اخبار*

یادداشت‌ها و تحلیل‌ها*

سخنرانی‌ها*

مقالات*

تصـاویردر پایـان، از مسؤولاـن محترم دفتر و روابـط عمومی مجمع تشـخیص مصـلحت نظـام، دفتر جامعه محترم مدرسـین و روزنامه جمهوری اسلامی، به خاطر در اختیار گذاشتن برخی تصاویر و مطالب، سپاسگزاری و قدردانی می‌نماییم.

امید آن‌که مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد. «فصلنامه میقات حج»

ص: ۵

روز شمار سفر ده روزه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عربستان سعودی

دو شنبه ۱۳/ ۳/ ۱۳۸۷

تا

چهارشنبه ۲۲/ ۳/ ۱۳۸۷

دوشنبه ۱۳/ ۳/ ۱۳۸۷

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به منظور سفری ۱۰ روزه به‌عربستان سعودی، ساعت ۴ بعد ازظهر وارد پاویون جمهوری فرودگاه مهرآباد شدند. آقایان محسن رضایی، موحدی کرمانی، مسیح مهاجری، حسینی علمی، فلاحیان، مولوی سلامی، دانش جعفری، مظفر، معادیخواه و ... همراهان سفر بودند که پس از سوار شدن، هواپیما در آسمانِ دود گرفته بعدازظهرِ تهران به پرواز درآمد و خلبان پس از خوش‌آمد گویی و یادآوری نکات ایمنی، مدت پرواز را ۳ ساعت و از طریق آسمان کویت اعلام کرد.

پس از گذشتن از بالای آب‌های نیلگون خلیج همیشه فارس، وارد فضای کویت شدیم و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ارسال پیامی به امیر کویت بر تقویت روابط دو جانبه و تلاش برای حفظ وحدت کشورهای اسلامی تأکید کرد.

هواپیما خیلی زود از آسمان کویت گذشت و تقریباً از سمت شمال شرقی وارد فضای عربستان شد و در جهت جنوب غرب حرکت کرد و دقیقاً ۵۳ / ۱۶ به وقت عربستان در فرودگاه جده به زمین نشست و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مورد استقبال آقایان خالدالفیصل، امیر منطقه مکه، دکتر عبدالمحسن ترکی، رییس روابط العلمای عربستان و دبیر کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی، دکتر المطعمی، وزیر همراه، دکتر حسینی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در ریاض و مرتضایی‌فر، سرکنسول‌گری جمهوری اسلامی ایران در جده قرار گرفت و پس از مصاحبه‌ای کوتاه در خصوص اهداف سفر، به سوی محل اقامت خویش در قصر المؤتمرات و پس از استراحتی کوتاه، برای مُحرم شدن، به سوی میقات جُحفه حرکت کرد.

گرگ و میش هوا بود که خودروها از جده بیرون رفتند و در جهت جنوب حرکت کردند و ساعت ۳۰/ ۸ شب به جحفه رسیدند و پس از مُحرم شدن، نماز واجب مغرب و عشا و نماز مستحبی احرام و تحیّت مسجد، به جماعت و فردا اقامه شد. حجت‌الإسلام عسکری، از امور روحانیون مکه، میان دو نماز توضیحی درباره آداب عمره مفرده ارائه کرد و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و همراهان لبیک‌گویان به سمت مکه حرکت کردند.

ساعت ۱۱ شب، پس از گذشتن از شهرهای صعیر، خلیص، غران، عسفان و الجموم، به مکه مکرمه و از طریق خیابان اجیاد به مسجدالحرام رسیدند و چشم همه به عظمت مناره‌های آن، که در هاله‌ای از نور بودند، روشن شد. پس از استراحتی کوتاه در قصر الضیافه، که محلّ اسکان سران کشورهای اسلامی در مکه می‌باشد، مراسم طواف آغاز شد که انجام طواف، نماز طواف، سعی صفا و مروه، تقصیر، طواف نساء و نماز طواف نساء تا ۲ بعد از نصف شب طول کشید.

سه شنبه ۱۴/ ۳/ ۸۷

به خاطر خستگی مسیر و طولانی شدن مراسم طواف در شب گذشته، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صبح هیچ برنامه‌ای نداشت و به استراحت پرداخت و انبوهی از برنامه‌ها از ساعت ۵/ ۳ بعد از ظهر شروع شد.

ابتدا سه تن از روحانیون شیعه منطقه شرقیه عربستان با ایشان دیدار کردند و گزارشی از اوضاع زندگی شیعیان در عربستان ارائه کردند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این دیدار با اشاره به سیاست‌های سعودی‌ها در سال‌های اخیر گفت:

شیعیان عربستان می‌توانند در تعاملی سازنده به زندگی توأم با آرامش بپردازند.

پس از آن‌ها، دکتر محسن رضایی، دیداری نیم ساعته با رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام داشت.

برنامه بعدی، دیدار آقای احمد هُلیّل، قاضی القضات اردن بود که مصرّانه از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای سفر به کشور متبوع خویش دعوت می‌کرد و می‌گفت: پادشان اردن آمادگی کامل دارد از جناب‌عالی استقبال کند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این دیدار با تأکید بر موقعیت استراتژیک اردن به خاطر همجواری با اشغالگران صهیونیسم و حضور میلیون‌ها آواره فلسطینی در اردن، نقش این کشور را مهم توصیف کرد و در پاسخ به دعوت قاضی القضات، گفت: ان‌شاءالله در فرصتی مناسب به اردن خواهم آمد.

ص: ۶

ایشان در ادامه، به خاطره‌ای از سفر خویش به اردن در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی اشاره کرد وگفت: آمده بودم تا از اکرم زعیتر اجازه ترجمه کتاب «القضیه الفلسطینیه» را بگیرم که بعدها با عنوان «سرگذشت فلسطین» ترجمه و چاپ شد.

برنامه بعدی، دیدار با روحانیونِ همراه بود که آقایان موحدی کرمانی، مسیح مهاجری، عباسی‌فرد، معادیخواه و حسینی علمی به بیان دیدگاه‌های خویش درباره مسائل مختلف پرداختند. در ادامه، آقای حسینی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در ریاض با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دیدار و گزارشی از روابط سیاسی دو کشور و وضعیت زائران ایرانی و مشکلات آن‌ها ارائه کرد.

آیت‌الله تسخیری، رییس مجمع تقریب مذاهب، دیدار کننده بعدی بود که وی نیز گزارشی از روند تفکّر برگزاری همایش بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی و محورهای برنامه‌های دو روزه آن ارائه کرد و گفت: تنها روحانی شیعه هستم که ریاست یکی از جلسات را برعهده دارم. در ادامه آقای مولوی سلامی نماینده اهل سنت در مجلس خبرگان با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دیدار و گزارشی از اوضاع فرهنگی و دینی استان سیستان و بلوچستان ارائه کرد.

برنامه بعدی، دیدار وزیر عربستان و آقای بکر بن لادن، مجری طرح توسعه مسجدالحرام بود که گزارش کاملی از طرح ارائه کردند. شاید برای ایرانیان که پیش‌تر به حج مشرف شده‌اند، جای تعجب باشد که اگر تا یک سال دیگر بروند، دیگر کوهی را اطراف مسجدالحرام نمی‌بینند. واقعاً با جدیت کار می‌کنند تا کوه‌ها را بردارند و به وسعت مسجد بیفزایند.

آیت‌آلله هاشمی رفسنجانی ساعت ۹: ۲۵ شب به بعثه مقام معظم رهبری در مکه رفتند تا با زائران ایرانی دیدار کنند. فضای دیدار بسیار صمیمی بود. پس از ارائه گزارش توسط حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی شریف، نماینده بعثه مقام معظم رهبری در عربستان، در خصوص تعداد زائران ایرانی در سال ۸۶ و چند ماه اخیر سال ۸۷، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سخنانی کوتاه با گرامیداشت یاد امام راحل و شهدای ۱۵ خرداد، بر رعایت اعتدال توسط زائران ایرانی در برنامه‌های عبادی حج تأکید کردند.

ایشان حج را عنایت الهی خواندند که خداوند بر بندگان خویش کرده است و گفتند: باید از ساعات حضور در مکه و مدینه برای قرب به خدا استفاده کرد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، خواستار تداوم پاسداشت مقام والای امام ۱ و قیام مردمی ۱۵ خرداد شد و افزود: شخصیت حضرت امام بعد از ائمه معصوم: منحصر به فرد است.

وی با بیان این‌که حضرت امام خمینی ۱ حلقه استکبار را شکست و امت نیز با «الله‌اکبر» های خود بساط رژیم پهلوی را برچیدند؛ افزود ۱۵ خرداد و همت امام ۱ را باید با هم ببینیم و بدانیم حکومتی که در چارچوب اسلام و با آرای مردم انتخاب شود؛ در تاریخ اسلام به جز حکومت حضرت علی ۷ استثنا و بی‌سابقه است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تأکید بر تداوم بخشی اهداف انقلاب اضافه کرد:

بی‌اعتنایی به انقلاب و جنبش عظیم مردمیِ ۱۵ خرداد، خطای بزرگی است و باید احترام به امام ۱ و شخصیت ایشان پایدار باقی بماند.

رییس مجلس خبرگان همچنین با اشاره به این که برای تحکیم روابط میان دو کشور ایران و عربستان باید محکم و با بصیرت عمل کنیم؛ تصریح کرد: «باید برای تحکیم روابط میان دو کشور تلاش کنیم و تخریب روابط به نفع هیچ کس نیست.»

برنامه بعدی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دیدار با ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی در محل اقامت ایشان در کاخ صفا بود. ملک عبدالله در این دیدار ضمن ابراز خوشحالی از سفر آیت‌الله هاشمی به عربستان، به خصوص شرکت و سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی، به بیان اهداف برگزاری این کنفرانس پرداخت و گفت: «تلاش می‌کنیم فرهنگ جدال احسن را جایگزین تنازعات فرقه‌ای در میان علمای اسلامی نماییم.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در این دیدار با تقدیر از نقش کشور عربستان و شخص ملک عبدالله در تقویت وحدت جهان اسلام، آن را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در شرایط کنونی خواند و گفت: «دشمنان اسلام به اختلافات فرقه‌ای مسلمانان امید بسته‌اند و حاکمان و علمای اسلامی نباید بگذارند آنان به این هدف شوم خود برسند که برگزاری کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی یکی از اقدامات شایسته در این مسیر خواهد بود.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت: «پیشنهاد می‌کنم به دلیل تأثیرگذاری ایران و عربستان، خوب است کمیته‌های مشترکی برای افغانستان، عراق و فلسطین تشکیل شود و کمیته‌ای هم برای رفع مشکلات ایجاد گردد.»

ملک عبدالله در این خصوص گفت: «نمی‌توان در حد کارشناسان این مشکلات مهم را حل کرد، باید عالی‌ترین مقامات در این مسائل وارد شوند.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت: «شما در عربستان عالی‌ترین مرجع هستید و من هم در ایران صحبت می‌کنم تا یک نفر از طرف ایران مسئول این کار شود.»

ص: ۷

در ادامه دیدار، ملک عبدالله به نوع عملکرد شیعیان در عراق انتقاد کرد و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ وی گفت: «به شما گزارش‌های بدی می‌دهند. چون بیشتر کارهای افراطی از طرف مقابل است. عملیات انتحاری و انتقامی از هر دو طرف صورت می‌گیرد و آمریکا هم نقش دارد.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خصوص سیاست جمهوری اسلامی ایران در عراق گفت: «ما هرگونه افراطی‌گری را محکوم می‌کنیم و بر خلاف ادعای اشغالگران، نیازی به نفوذ در عراق نداریم. مردم شیعه به ما علاقه‌مند هستند.»

ملک عبدالله در خصوص مسائل هسته‌ای گفت: «نمی‌دانم چرا این همه اورانیوم غنی می‌کنید!؟» که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ گفتند: «اگر چند صد برابر فعلی غنی‌سازی داشته باشیم، باز هم درحد یک نیروگاه نمی‌شود. بارها گفته‌ایم که ما سلاح هسته‌ای را نمی‌خواهیم. صنایع موشکی را برای دفاع داریم.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خصوص شرایط حجاج ایرانی گفت: «در زمان شما وضع خیلی بهتر شده است، ولی متأسفانه هنوز هم سخت‌گیری‌هایی می‌شود.»

ملک عبدالله با ابراز نگرانی از این شرایط گفت: «ما جلوگیری می‌کنیم؛ به شرطی که شما هم جلوگیری کنید.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت: «مطمئن باشید مسؤولان و علمای ایران در توصیه‌های مکرر به مسافران سرزمین وحی بر رعایت اعتدال در انجام مناسک تأکید می‌کنند.»

پس از دیدار و گفت‌وگو، شام در فضایی صمیمی صرف شد و در ادامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله به مدت نیم ساعت دیدار خصوصی داشتند.

چهار شنبه ۱۵/ ۳/ ۸۷

تغییر متوالی ساعت شروع کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی، که گویا برای رسیدن میهمانان خارجی بود، باعث گردیدکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صبح برنامه مشخصی نداشته و بتوانند به زیارت مسجدالحرام و کعبه روند.

ساعت ۱۵/ ۱ بعد ازظهر بود که پس از ادای نماز، کنفرانس در سالنی بسیار زیبا در محل اقامت ملک عبدالله در مکه آغاز شد.

حضور خبرنگاران بی‌شماری که برای پوشش خبری کنفرانس آمده بودند، چشمگیر بود وسعی می‌کردند با هر یک از علمای حاضر در سالن مصاحبه کنند.

ورود همزمان ملک عبدالله و هاشمی رفسنجانی به سالن، در حالی که دست در دست همدیگر داشتند و آن صحنه، از تلویزیون‌های عربی به صورت زنده پخش می‌شد، نشان از جایگاه جمهوری اسلامی ایران و شخص آیت‌آلله هاشمی رفسنجانی نزد ملک عبدالله داشت.

مراسم، با تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید آغاز شد و پس از آن، ملک عبدالله، در سخنانی که ایستاده و از روی نوشته می‌خواند گفت:

«برادران گرامی! دور هم جمع شده‌ایم تا به جهان بگوییم که صدای ما صدای عدالت و ارزش‌های انسانی است. صدای حکمت و پند و اندرز است.»

وی در ادامه به تهدیدات دشمنان اسلام اشاره کرد و نسبت به آن هشدار داد وگفت: «چقدر تهدیدات دشمنان زیاد است که جمع شده‌اند تا صفات عالی اسلام را از بین ببرند!»

پس از سخنان ملک عبد الله، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ، مفتی کل عربستان (که نابیناست) در جایگاه حاضر شد و گفت: «اختلاف بین انسان‌ها طبیعی است که خداوند آن را در رنگ و لباس و زبان آورده است. اختلاف عقیده هم در قرآن آمده است،

آنچه که مسلمانان از آن نهی شده‌اند، تنازع و درگیری است.»

وی در ادامه گفت: «متأسفانه دشمنان، امروزه اسلام را دین تروریست‌ها می‌خوانند و می‌گویند حقوق در بین مسلمانان رعایت نمی‌شود، حال آن‌که اسلام که دین رحمت و کرامت است، برای حیوانات هم حقوق مترقی دارد.»

در ادامه مراسم، نوبت به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رسید که سخنان متین ایشان علاوه بر شبکه‌های عربیِ منطقه، از شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز پخش گردید. (متن کامل را، در بخش سخنرانی صفحه ۹۸ ببینید (.

زمانی که سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی به پایان رسید، رییس دانشگاه الأزهر مصر و پس از آن محسن الترکی، دبیر همایش در سخنرانی‌های خود، به‌نوعی سخنان ملک عبدالله و هاشمی رفسنجانی را تکرار کردند و پس از آن ناهار در فضایی کاملًا صمیمی صرف شد.

ص: ۸

ساعت ۴۰/ ۱۶ مفتی کشور آذربایجان در محلّ اقامت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ایشان دیدار کرد. دیداری صمیمی و سیاسی، آقای عبدالمجید در این دیدار به بیان خاطرات سال‌های سخت پس از استقلال پرداخت و از نقش ایران در رسیدگی به امور مردم تشکّر کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی با گرامیداشت یاد آقای حیدرعلی اف، اوّلین رییس جمهور آذربایجان گفت: «واقعاً اقدامات ایشان مایه آرامش بوده است.»

آقای عبدالمجید از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای سفر به آذربایجان دعوت کرد و گفت: مردم آذربایجان بی‌صبرانه منتظر دیدار شما هستند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از آقای عبدالمجید خواست سلامش را به مردم و رییس جمهور و مسؤولان آذربایجان برساند و گفت: «ان‌شاء الله به آذربایجان خواهد آمد.»

از نکات زیبای این دیدار آن بود که آقای عبدالمجید با لهجه تند ترکی، فارسی صحبت می‌کرد.

پنج‌شنبه ۱۶/ ۳/ ۸۷

صبح برنامه خاصی نبود و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مطالعه گزارش‌هایی که از ایران به صورت نمابر می‌رسید و رصد سایت‌های اینترنتی پرداخت.

ساعت ۵ بعدازظهر به طرف منا رفتند تا از این منطقه و اقدامات دولت سعودی برای رفاه بیشتر حجاج در حج تمتّع، دیداری عبوری داشته باشندکه همراه با توضیحات وزیر همراه و مسؤولان حج عربستان انجام شد.

در ادامه، به جبل الرحمه رفت‌که می‌گویند محل هبوط آدم است. ارتفاع کوه که باید با پله‌های متعدد به رأس آن رسید، مکان مناسبی برای دیدن عرفات ومناست. دست‌فروش‌ها بالای کوه بساط پهن کرده بودند که بیشتر آنان تسبیح بود. در ادامه، از محل رمی جمرات نیز دیدار به عمل آمد.

دولت سعودی پس از حادثه غمبار چند سال پیش، که باعث ریزش پل رمی جمرات به خاطر ازدحام جمعیت شده بود، منطقه وسیعی را در ۳ طبقه زیرین، همکف و اول، برای این‌کار در نظر گرفت. جالب این‌که نماد شیطان نیز بزرگ‌تر و گسترده‌تر شده است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از این دیدارها، به محل اقامت خویش در مکه بازگشتند. در این رفت و آمدها، هر تازه واردی ذهنیتی نسبی از شهر به دست می‌آورد؛ تونل‌های متعدد، مناطق مختلف بین کوه‌ها در مکه را به‌هم وصل می‌کند.

ساعت ۸: ۲۰ سه نفر از اعضای سازمان روابط اسلامی آمریکا در محل اقامت با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دیدار کردند.

آقای نهاد عوض که از اعضای مؤسس است، به سؤالات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خصوص این سازمان پاسخ داد:

- کی تأسیس شد؟

سال ۱۹۹۴ میلادی

- چند نفر عضو دارد؟

۵۰

هزار نفر- عدد خوبی است!

اینها فعالان هستند.

- دفتر شما متمرکز است؟

نه، در ۳۵ شهر آمریکا و کانادا دفتر داریم.

– چقدر مسلمان در آمریکا داریم؟

هفت میلیون نفر که اکثر آن‌ها مهاجر هستند.

– اعضای شورا از لحاظ سیاسی با احزاب موجود در آمریکا رابطه دارند؟

ص: ۹

گرایش‌های فردی دارند، ولی به اسم شورا رابطه ندارند.

سئوالات زیاد و پاسخ‌های در نوع خود تازه، باعث طولانی شدن جلسه گردید و آن‌قدر طولانی شد که با برنامه بعدی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که دیدار با روحانیون کاروان‌ها بود، تداخل پیدا کرد و رییس مجلس خبرگان از آنان خواست که اگر معطل نمی‌شوند، بمانند تا برنامه بعدی تمام شود.

دیدار با روحانیون، در ساعت ۸: ۵۰ شب در یکی از سالن‌های قصرالضیافه، محل اقامت انجام شد.

درآغاز این دیدار پس ازتلاوت آیاتی ازکلام‌الله مجید، حجت‌الإسلام والمسلمین سید احمد حسینی شریف، مسئول بعثه مقام معظم رهبری در عربستان در سخنانی گفت:

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی- ایدکم الله- خداوند بزرگ و منّان را سپاسگزاریم که بر ما منت نهاد در ایام فاطمیه و سالروز رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بزرگمردی از تبار آن امام همام را در کنار مهبط وحی، در جمع اجلاس سران و رهبران مذاهب اسلامی، به‌عنوان پرچمدار اسلام ناب محمدی ۹ در دفاع از مکتب تشیع شاهد بودیم و این بزرگ‌ترین افتخار برای نظام مقدس جمهوری اسلامی است. اینجانب به‌عنوان نماینده بعثه مقام معظم رهبری در عربستان، از سوی خود و به نیابت از جمع حاضر؛ روحانیون محترم کاروان‌ها، این موفقیت را به حضرت بقیه‌الله الأعظم، رهبر معظم انقلاب و حضرت‌عالی تبریک می گویم.

با اجازه از حضرت‌عالی، اجازه می‌خواهم عملکرد فرهنگیِ بعثه مقام معظم رهبری را به‌عرض برسانم؛ عزیزانی که در این دیدار شرف حضور دارند، روحانیون کاروان‌های عمره می‌باشند.

عمدتاً روحانیون کاروان‌ها متشکّل از اساتید و فضلای حوزه‌های علمیه سراسر کشور، ائمه محترم جمعه، نمایندگان رهبری در دانشگاه‌ها، اساتید دانشگاه، نمایندگان رهبری در نهادها، سازمان‌ها، نیروهای مسلّح، نیروی انتظامی و قضات محترم دادگستری می‌باشند که با تجارب علمی و اجراییِ چندین ساله، وجودشان در کاروان‌ها مایه مباهات و افتخار برای روحانیت است.

با افتخار به عرض می‌رسانم ۲ سال قبل، که یک نظرسنجی از زائران بیت‌الله الحرام به‌عمل آمد، بیش از ۷۰٪ زائران اعلام کردند: ما در این سفر به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از بایدهای زندگی که تاکنون در زندگی‌ها وجود نداشت، از این پس باید به وجود آید و بسیاری از نبایدهای زندگی که در زندگی ما تاکنون وجود داشته، پس از این نباید وجود داشته باشد. همه این‌ها به برکت وجود روحانیان در کاروان‌ها است. از ابتدای عمره سال جاری تاکنون دوهزار و دویست و شصت و چهار (۲۲۶۴) روحانی در قالب همین تعداد کاروان و با جمعیتی بالغ بر ۲۷۰۰۰۰ زائر مشرّف شدند که تا پایان عمره به بیش از ۵۰۰۰ روحانی با بیش از ۶۲۵۰۰۰ زائر می‌رسد.

توسط روحانیون، قبل ازعزیمت، ۳ جلسه در ایران برای زائران گذاشته می‌شود؛ ۵ جلسه در مدینه منوره و ۳ جلسه در مکه مکرمه، به‌علاوه دیدار از اماکن متبرکه و مساجد سبعه در مدینه منوره و زیارت دوره‌ای در مکه مکرمه که شامل دیدار از مشاعر جبل‌النور، جبل ثور، حدیبیه، جِعرانه و زیارت حضرت خدیجه ۳، عمو و اجداد پیامبر ۹ می‌باشد.

بحمد الله جلسات دعای کمیل شب‌های جمعه در تمامی هتل‌های مکه مکرمه و مدینه منوره برگزار می گردد. شیفت پاسخگویی به سؤالات در حرم شریف و هتل‌ها، دعای ندبه وجلسات بعثه مقام معظم رهبری به‌عنوان انس معرفت، همچنین حلقات قرآنی در حرم شریف و در هتل‌های بزرگ، از دیگر فعالیت‌های فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری می‌باشد. در سالی که به‌عنوان سال نوآوری و شکوفایی از طرف مقام عظمای ولایت نامگذاری شده، ایجاد شبکه متمرکز ویدیویی در هتل‌های مکه مکرمه نیز از اقدامات مؤثر فرهنگی بود.

در ادامه دیدار، رییس مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام در سخنانی گفت:

«تمام روحانیون؛ از مراجع تا طلبه‌های مبتدی، ائمه جمعه و سایر روحانیون باید به صورت یک مجموعه هماهنگ با معیارهای اسلامی و با توجه به زمان، مکان و شرایط، از انقلاب و ارزش‌های آن دفاع کنند ...»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از دیدار با روحانیون، دیداری داشت با اعضای سازمان روابط اسلامی آمریکا که در این دیدار نیز طی سخنانی به تشریح سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران پرداخت. ایشان به‌دیدارکنندگان توصیه‌کرد برای جلوگیری از هرگونه بهانه‌تراشیِ دولتمردان آمریکا درخصوص ارتباط مسلمانان آمریکا با دیگر مسلمانان جهان، به اقدامات خویش رسمیت ببخشند.

در ادامه دیدار، سناتور لاری شو و ابراهیم هوپر دو عضو دیگر حاضر در جلسه به بیان دیدگاه‌های خویش، در خصوص مسائل مسلمانان آمریکا پرداختند.

جمعه ۱۷/ ۳/ ۸۷

اقامت در مکه به پایان رسید، در این لحظات، هر مسافری با خود می‌گوید: عقربه‌های ساعت چه با شتاب چرخیدند!

ص: ۱۰

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای آخرین بار و ادای نماز وداع از طریق باب ملک عبدالعزیز به مسجدالحرام رفتند و پس از ناهار و نماز، ساعت ۴۰/ ۳ از طریق بزرگراه به سوی جده حرکت کردند. عبور از جاده‌ای خسته‌کننده که از دل کوه‌های عبوس و بادیه‌های بی‌آب و علف می‌گذرد، برای هر مسافری خسته‌کننده است، اما شوق سفر به مدینه خستگی‌ها را می‌زداید. ساعت ۵ بعد ازظهر بود که به فرودگاه ملکی در جده رسیدند و یک فروند بوئینگ ۷۷۷ «الخطوط الجویه العربیه السعودیه» به سوی مدینه پرواز کرد.

هواپیما ساعت ۳۰/ ۵ دقیقه به آسمان مدینه رسید و مسافران از پنجره‌های کوچک آن دنبال گلدسته‌های مسجدالنبی می‌گشتند. با صلوات آن‌ها می‌شد فهمید که چه کسانی موفق شدند ...

آقای ماجد، امیر منطقه و چند تن از مسؤولان به استقبال میهمان خویش آمدند و پس از پایان مراسم استقبال در سالن تشریفات، حرت به سوی محل اقامت خویش (هتل انترکونتینانتال) که در نزدیک‌ترین فاصله ممکن به مسجدالنبی بود، حرکت کردند.

پس از استراحت و شام، اعلام شد که ساعت ۵/ ۱۱ شب برنامه زیارت مسجدالنبی، مضجع نبوی و قبرستان بقیع است. نگاهی به تقویم کردیم. عجب شبی است! شب وفات حضرت فاطمه زهرا ۳، عقربه‌های ساعت به خلاف مکه که گویی با شتاب می‌چرخیدند، حالا دیگر نمی‌چرخند. درست ساعت ۵/ ۱۱ شب آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و همراهان وارد حیاط مسجدالنبی شدند. مأموران امنیتی و انتظامی عربستان در دو نوع لباس متفاوت؛ یعنی لباس عربی با دستار سفید و لباس نظامی پلنگی با کلاه قرمز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را در میان گرفتند. ایرانیان حاضر در حیاط مسجدالنبی بسیار سریع فهمیدند و به حلقه پیوستند و شعارهای انقلابی طنین‌انداز شد.

پس از قرائت متن اذن ورود، وارد مسجدالنبی شدند و آرام و آهسته به سوی قبر پیغمبر ۹ به راه افتادند. یکی از همراهان که بعدها معلوم شد از مشهد برای زیارت آمده است، مرثیه‌سرایی کرد. زیارت و نماز درکنار ستون حنانه و منبر پیامبر و محراب مسجد، از برنامه‌هایی بود که همه را به حالت خود برده بود.

هر لحظه که می‌گذشت، بر جمعیت ایرانی افزوده می‌شد و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از زیارت قبر نبوی، به سوی بقیع رفت. در آستانه در آهنِ ورود به بقیع ایستاد و برای همراهان سؤال شده بود. جواب را وقتی گرفتیم که یکی از همراهان به زنان ایرانی گفت: آقای هاشمی اینجا می‌ایستند تا شما وارد بقیع شوید. چون اگر ایشان بروند، در را می‌بندند.

همه زن و مرد ایرانی و شاید شیعیان دیگر کشورها وارد بقیع شدند و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حرکت کرد. قبرستان بقیع تاریکِ تاریک بود. امشب دقیقاً- شاید همین ساعت- هزار و چهار صد و هجدهمین سالی است که حضرت علی ۷ تابوت زهرا را به دوش گرفت و با استفاده از تاریکی شب، به بقیع آورد تا به وصیت او عمل کند که گفته بود: «قبر مرا پنهان کن!»

مرثیه‌سرایی، دل‌ها را با غم علی ۷ پیوند داد که در آن تاریکی شب می‌گفت:

بریز آب روان اسما به جسم اطهر زهرا

ولی آهسته آهسته

گریه افراد نمی‌گذاشت صدا به گوش برسد. زنان ایرانی که چنین سعادتی پیدا کرده بودند، دل‌ها را در باران اشک شستشو دادند. ساعت ۱ بامداد روز شنبه بود که مأموران سعودی درِ قبرستان بقیع را بستند، اما شیعیان در آن یک ساعت، به اندازه همه تاریخ زیارت کردند.

شنبه ۱۸/ ۳/ ۸۷

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ساعت ۵/ ۱۰ صبح به مسجدالنبی رفتند تا بار دیگر حرم نبوی را زیارت کنند. برنامه بعدی، دیدار با زائران ایرانی در بعثه مقام معظم رهبری یا هتل قصرالدخیل بود که اتفاقاً در شارع علی ابن‌ابی‌طالب ۷ قرار دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین نجفی روحانی با اشاره به حضور مؤثر هاشمی رفسنجانی در اجلاس سران و رهبران اسلامی، از سخنان روشنگرانه و سرنوشت‌ساز وی دراین اجلاس قدردانی کرد.

آقای نجفی روحانی با ذکر این نکته که سالیانه بیش از ۶۲۵ هزار زائر ایرانی به عمره مشرف می‌شوند، این اتفاق را زمینه‌ساز یک تحوّل فرهنگی و معنوی بزرگ در کشور دانست و گفت: در این زمینه با تلاش بعثه مقام معظم رهبری و همکاری مستمر مسؤولان عمره، همگام با سند چشم‌انداز و با مخاطب‌شناسی، نیازشناسی و آسیب‌شناسی، روند مطلوب و رو به رشدی آغاز شده است.

نماینده بعثه مقام معظم رهبری در مدینه منوره، در ادامه به بیان برخی از کارها و اقدامات انجام شده پرداخت که برخی از آن‌ها بدین شرح است:

ص: ۱۱

– برگزاری محافل هم‌اندیشی پیرامون آسیب‌شناسی وحدت اسلامی، با حضور علما و زائران اهل سنت، در جهت انسجام و اتحاد و خنثی‌سازی توطئه‌های گسترده دشمنان.

– تشکیل گردهمایی‌های کوثرشناسی و کوثرگرایی به منظور تعمیق در حوزه معرفتی دانشجویان.

– تدوین طرح جامع آمار و اطلاعات جهت بالا بردن کیفیت برنامه‌ها.

– تشکیل محافل انس و معرفت با حضور مبلّغان برجسته کشوری؛ اعم از مرد و زن، در هتل‌ها.

– برگزاری جلسات روحانیون کاروان‌ها به منظور ایجاد وحدت رویه و بیان مسائل و تذکرات لازم و نیز جلسات نقد و بررسی مدیران و روابط فرهنگی.

– برنامه‌ریزی دیدار از اماکن تاریخی و مذهبی مدینه منوره.

– ترویج فرهنگ انس با قرآن و قرآن شناسی.

– برگزاری دعای پر فیض کمیل و ندبه در هتل‌ها.

– راه‌اندازی برنامه نظارتی و ارشادی روحانیون، حراست و رابطین فرهنگی در بقیع و بین‌الحرمین به منظور پیشگیری از امور موهن و تنش‌زا.

در ادامه مراسم، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس خبرگان رهبری در سخنانی اعلام کرد: «ملک عبدالله، پادشاه عربستان در حضور وی دستور داده است در صورتی که رفتار نامناسبی با زائران ایرانی صورت گیرد، با افراد خاطی برخورد شود.»

وی افزود: «ما نباید بگذاریم افراد نادان اتفاقی را که چند سال پیش افتاد، تکرار کنند. در یک خانواده اختلاف طبیعی است، اما باید مواظب باشیم که هدف اصلی عبادت و حج را حفظ کنیم.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با اشاره به برخوردهای نامناسبی که در فضای حج اتفاق می‌افتد، از مذاکراتش در این زمینه با مسؤولان کشور سعودی خبر داد و اظهار داشت: «من با مسؤولان سعودی و شخص ملک عبدالله صحبت کردم و ایشان در حضور من دستور داد که چنانچه کسی با ایرانیان بد رفتاری کند، با افراد خاطی در آن کشور با عزل و زندان و مجازات برخورد شود.»

رییس مجلس خبرگان به حضور خود در اجلاس سران و رهبران اسلامی اشاره کرد و گفت: «در حالی که مسلمانان یک چهارم جمعیت دنیا و آرای سازمان ملل را دارند، چرا مستکبران باید بتوانند بین آن‌ها تفرقه بیندازند و حکومت کنند، این با روح قرآن سازگار نیست.»

در این دیدار که علاوه بر زائران ایرانی، روحانیون کاروان‌ها، نمایندگان بعثه آیات عظام، مسؤولان ستاد عمره، مدیران ثابت و راهنما و رابطین فرهنگی هتل‌ها وهیأت پزشکی در مدینه منوره نیز حضور داشتند، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت:

«شما خدمتگزاران حج باید قدر این نعمت را که در خدمت زائران خانه خدا هستید، بدانید و متوجه باشید که این امکان برای همه فراهم نمی‌شود.»

ایشان به اهمیت موضوع حج اشاره کرد و افزود: «حج یکی از عبادات بسیار مهم اسلام است و به تعبیر قرآن، خانه خدا با اهداف خاصی ساخته شده و همه ادیان دعوت شدند تا این خانه را زیارت کنند.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی افزود: «اگر همه دستوراتی که در حج معین شده عمل شود، میلیون‌ها انسان پاک و ممتاز و متّحد خواهیم داشت و این، جهان اسلام را مثل دانه‌های تسبیح به هم متصل می‌کند، اما متأسفانه برخی اوقات اختلافات بین کشورها و دولت‌ها باعث می‌شود که کفّار بتوانند از آن (سوء) استفاده کنند.»

ایشان با اشاره به صبوری علی و فاطمه ۸ در بیان اسرار و همچنین دستور آیه شریفه قرآن مبنی بر چنگ زدن به ریسمان الهی، تأکید

کرد که زوّار ایرانی در برخورد با مسائل ناگواری که می‌بینند، باید با استدلال برخورد کنند و به آتش اختلافات دامن نزنند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در بخش دیگری از سخنانش به بیان نکاتی درباره شهادت حضرت فاطمه ۳ پرداخت و گفت: «بعد از رحلت پیامبر ۹ با این بانوی بزرگوار و شخصیت ممتاز جهان اسلام خوب رفتار نشد و عمر مبارک ایشان در خانه‌ای که مرکز معنویات اسلام بود، به پایان رسید.»

رییس مجلس خبرگان رهبری افزود: «با این حال، رفتار شیرمردی هم چون علی ۷ نشان می‌دهد که ایشان مایل نبودند جوری حرف بزنند یا رفتار کنند که وحدت و یکپارچگی مسلمانان لطمه بخورد.»

ص: ۱۲

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: «تاریخ می‌گوید هنگام تدوین حضرت زهرا ۳ پیکر مبارک ایشان درطول ۷۵ یا ۹۰ روز پس از آن واقعه، تبدیل به سایه شده بود، اما بخش عجیب ماجرا این‌جاست که علی ۷ از پیامبر ۹ درخواست می‌کند که خود ایشان از دخترش سؤال کند که چه اتفاق افتاده است!

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پایان سخنان خویش در حالی که بغض در صدایش پیدا بود، اظهار امیدواری کرد که روزی قبر مطهر حضرت زهرا ۳ شناسایی شود.

هنگام خروج آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از قصرالدخیل، ترجیع‌بند زائران ایرانی این بود که «امشب به بقیع می‌روید؟» انگارپاسخ مثبت برای آنان شیرین‌ترین پاسخی بود که در عمرشان می‌شنیدند. اعلام شد که ۱۱: ۵ شب به بقیع می‌رویم. باخود می‌گفتم چرا این‌قدر دیر؟! یکی از همراهان گفت: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفتند دیرتر برویم تا همه زائران بتوانند بیایند.

برنامه، مثل شب گذشته بود. زیارت قبر پیامبر ۹ و حرکت به سوی بقیع. جمعیت آنقدر زیاد بود که باعث وحشت مأموران سعودی شده بود؛ به خصوص وقتی که زن و مرد یک صدا فریاد می‌زدند: «هاشمی هاشمی، تشکّر تشکّر.»

ازدحام جمعیت مانع حرکت است و باز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌ایستند تا همه وارد بقیع شوند. امشب هم شب نازنینی است. شام شهادت فاطمه ۳. زیارت زنان چنان هیجان دارد که هر بیننده‌ای را به گریه وامی‌دارد. کدام دل می‌تواند قبر چهار امام شیعه را آن‌گونه مظلوم ببیند و آب نشود، حتی اگر سنگ باشد؟!

یک‌شنبه ۱۹/ ۳/ ۸۷

اولین برنامه، زیارت قبر شهدای احد است که آن را نیز با میله‌های آهنین محصور کرده‌اند. کوه احد در مسیر جاده از فرودگاه تا شهر مدینه و مقتل شهدای آن نیز در دامنه آن قرار دارد.

زنجیری که بر درِ مشهد شهیدان زده‌اند، از کوه‌های اطراف عبوس‌تر است. در اطراف میله‌ها دست‌فروش‌ها چنان تراکمی دارند که به زحمت می‌توان خود را به میله‌ها رساند. زیارت از پشت درهای بسته هم حالی دارد. شاید به آن عادت کرده‌ایم.

بعد از آن، به سوی مساجد سبعه رفتیم. سه کاروان زیارتی ایرانی نیز مشغول دیدار از مساجدی بودند که درهای آن‌ها بسته بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با دیدن گریه و زاری آنان نتوانست خود را کنترل کند. زن ومرد در صدایی که درست فهمیده نمی‌شود، مطالبی را عنوان می‌کنند و تنها سخنی‌که فهمیده می‌شود، این است که «به مسئولان عربستان بگویید مساجد امام علی و فاطمه زهرا ۳ را باز کنند. می‌خواهیم نماز بخوانیم.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر یک بلندی قرار می‌گیرد و چند دعا می‌کند و مردم هم همزمان با دست‌های خویش، مرغ «آمین» را از قفس سینه به آسمان می‌فرستند.

برنامه بعدی دیدار از طرح توسعه حرم مسجدالنبی بود که بسیار کوتاه انجام شد. شاید به خاطر این بود که مسؤولان مربوط نبودند که توضیح بدهند.

ضیافت ناهار امیر مدینه برنامه بعد بود که ساعت ۱۰/ ۱۴ در کاخ وی برگزار شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی قبل از ناهار دیداری نیم‌ساعته با ایشان داشت و محور مذاکرات در خصوص حضور زنان ایرانی در قبرستان بقیع بود. امیرماجد گفت: ملک عبدالله به من دستور این کار را داده‌اند و ان‌شاءالله پس ازهماهنگی با مسؤولان مربط عمل خواهیم کرد.

ناهار در فضایی صمیمی صرف شد، البته بیش از آن‌که صرف ناهار باشد، ادامه مذاکرات بود. پس از آن، برنامه‌ای نبود تا این‌که ساعت ۴۵/ ۹ شب خودروها به حرکت درآمدند تا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با شیعیان مدینه دیدار کند.

از خیابان‌های عریض و طویل گذشتند و به کوچه‌های تنگ و باریک رسیدند. از بافت کوچه‌ها و خانه‌ها فهمیده می‌شود که از

محله‌های فقیرنشین است. به محلی رسیدیم که می‌گویند باغ شخصی آیت‌الله عمری، رهبر شیعیان مدینه است. اما بر سر در آن تابلوی «حسینیه حسنی» نصب بود. شادی زایدالوصف شیعیان را می‌توانستیم از گلریزان نوجوانانشان بفهمیم. به فرهنگ ایرانی اسپند دود می‌کردند و همگی به استقبال آمدند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وارد حسینیه می‌شوند. چشم ما که به مهرهای نماز داخل قفسه افتاد، به یاد مساجد خودمان افتادیم. مراسم با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آغاز شد و پس از آن، ابتدا آقای عدنان محمد الصالح که می‌گفتند رییس جماهیر مدینه است و بعد از او، آقای کاظم عمری، فرزند آیت‌الله عمری در سخنانی ضمن خیر مقدم، با استناد به آیات و روایات، بر حفظ و تقویت وحدت مسلمانان تأکید کردند و پس از آن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به همراه مترجم در جایگاه قرار گرفت و سخنانی ایراد کرد. (متن کامل در صفحه ۱۱۳).

بعد از سخنرانی، شام در زیرزمین حسینیه صرف شد. میهمان شیعه مدینه بودن لذتی معنوی دارد. به خصوص وقتی می‌بینی آنان نیز نگاهی محبت‌آمیز دارند.

ص: ۱۳

آخرین برنامه، مانند شب‌های گذشته زیارت مضجع پیامبر ۹ و قبرستان بقیع بود. موج جمعیت از دو شب گذشته بیشتر بود. به نظر می‌رسد همه ایرانیان حاضر در مدینه آمده بودند تا در بقیع حضور یابند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ۴۵ دقیقه، در بیرون درِ بقیع و در کنار دیوارهای بلند آن ایستادند تا همه زائران بروند. ازدحام به گونه‌ای بود که گروه گروه می‌رفتند و برمی‌گشتند و سرانجام خود آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز وارد شد. زائران که فرصت را مناسب دیده بودند، با تلفن همراه خویش، شروع به گرفتن عکس و فیلم کردند و در آن سیاهیِ شب، گویی در دست هر کسی شمعی روشن است.

از میان آن همه، دقت مسؤولان و نگاه مأموران عربستان بر اعمال و رفتار ایرانیان برایم جالب و تعجب انگیز بود. علاوه بر عدسی‌های فراوان دوربین‌ها، چشمهایشان نیز از لحظه لحظه عزاداری‌ها فیلم و گزارش تهیه می‌کردند. مطمئناً به دنبال بهانه بودند و شاید به دست آورده باشند، چون عاشقانی که پس از سال‌ها چشم‌انتظاری، به بقیع رسیده‌اند، نمی‌دانند چه می‌کنند! آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز با بلندگوی دستی یکی از کاروان‌ها مردم را دعوت به صبوری می‌کرد. اما خود صبوری نمی‌کرد و اشک می‌ریخت!

دوشنبه ۲۰/ ۳/ ۸۷

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ساعت ۷/۳۰ به سوی فدک حرکت کردند. آب و آذوقه‌ای که به همراهان می‌دادند، برایشان تعجب‌انگیز بود؛ زیرا همه فکر می‌کردند فدک باغی است در نزدیکی مدینه!

خودروها به راه افتادند. از مدینه خارج شدند و به سوی جنوب حرکت کردند. در جاده هیچ گیاهی سبز نبود، هر از گاهی گله‌های شتر در دوسوی جاده دیده می‌شدند. دلم به حالشان سوخت که ژاژ می‌خاییدند. هنوز حدود ۲۰۰ کیلومتر تا شهر حایل مانده بود که خودروها به سمت چپ تغییر مسیر دادند و خیلی زود به میدانی رسیدند که بالای آن نوشته‌ای، مقدم مسافران را به شهر حائط گرامی می‌داشت.

خنده‌ام می‌گیرد که درباره بافت گیاهان بنویسم؛ چون گیاهی نبود و اصلًا خاکی نبود. زمینی بود پوشیده از سنگ‌های سیاه که گویی سنگ‌ها را در آن پهن کرده‌اند. به شهر حائط رسیدیم و از بلوارهای تمیز آن گذشتیم. زمین همچنان پوشیده از سنگ بود. جاده جز فراز و فرود چیزی نداشت و پس از گذشتن از بلندی و چرخش ۴۵ درجه‌ای و ورود به جاده‌های فرعی، منطقه‌ای سرسبز نمایان شد.

نخل‌های سربریده و سوخته‌اش هر ایرانی را به یاد آبادان زمان جنگ می‌انداخت، اما منطقه آن‌قدر سرسبز بود که هر بیننده‌ای را به تعجب وا می‌داشت.

چند تن از اهالی شهر فدک که یکی از آنان خود را مسؤول امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده بود، توضیح می‌دادند و در دوردست‌ها گروه گروه مرد و زن از پشت‌بام‌ها و بالای دیوارها تماشا می‌کردند.

وجود چاهی بزرگ با دلوی که روی آن بود، همه را به سوی خود برد که با هشدار مسؤولان کنار کشیدند. به پشت‌بام یکی از خانه‌های قدیمی تقریباً مرتفع رفتیم تا دوردست‌ها دیده شود. به ساختمان ساده‌ای رسیدیم که پنجره‌های آن را گِل گرفته بودند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از این مکان پرسید و مردی ریش قرمز که خود را برادرزاده رییس قبیله معرفی می‌کرد، گفت: اینجا مسجد حضرت فاطمه است. بارها خراب شده و باز ساخته‌اند.

خانه‌های قدیمی ساخته شده از سنگ و گِل، یادآور قلعه‌های قدیمی ایرانیان بود. به سوی چشمه‌های کم آب رفتیم و هر کس برای تبرّک و شاید شفای دردهای ناشناخته خویش از آن می‌نوشید. کمی شور بود، اما در آن بیابان بی‌آب و علفی که از مدینه تا آنجا

دیده بودیم، «تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الأنهار» بود. دیدار ۴۵ دقیقه طول کشید و در برگشت، به شهرداری حائط آمدیم. مراسم استقبال رسمی انجام شد و برای ناهار به آلاچیقی رفتیم که سقف آن از چادر بود! ناهاری که همراه برده بودیم، صرف کردیم و نماز جماعت در نمازخانه کوچک شهرداری برپا شد.

در محل باغ فدک خبرنگاران به سوی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رفتند و از ایشان پرسیدند، که ایشان پاسخ‌ها را به همراهان فدکی خویش محوّل کرد.

ساعت ۲ بعد ازظهر خودروها در مسیر تقریباً ۳۰۰ کیلومتری برگشت به سوی مدینه حرکت کردند و به محل اقامت رسیدند. پس از استراحتی کوتاه، برنامه بعدی مصاحبه با روزنامه الریاض بود که پرسش‌های فراوانی درباره انرژی هسته‌ای، روابط ایران و آمریکا، سیاست داخلی و ... پرسید و شنید؛ آنچه می‌بایست می‌شنید. یک‌ساعت طول کشید. پس از مصاحبه، مسؤولان ایرانیِ همراه، در جلسه‌ای با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در صدد لغو برنامه شبانه زیارت بقیع، به دلایل امنیتی بودند و خیلی سریع گفتند که مسؤولان عربستانی ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند: امکان دارد افراطی‌ها برنامه‌های شومی داشته باشند!

اما پاسخ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صریح، زیبا و شنیدنی بود. گفت: «من دیشب به مردم قول داده‌ام که می‌آیم. می‌روم و همه مسؤولیت‌ها را برعهده می‌گیرم. مردم امشب به امید زیارت بقیع می‌آیند و اگر من نباشم، احتمالًا نمی‌توانند وارد بقیع شوند. اصرار نکنید. به خاطر مردم هم که شده، باید بروم.»

ص: ۱۴

ساعت ۱۰، برنامه طبق هر شب آغاز شد. مأموران امنیتی عربستان بر تعداد نیروهای خود افزوده بودند. مردمِ منتظر، تمام حیاط حدّ فاصل میان بقیع و مسجدالنبی را پوشانده بودند و واقعاً جای سوزن انداختن نبود. شعار «صلّ عَلَی محمّد، بوی خمینی آمد» در فضا طنین‌انداز شد. این صحنه تعجبِ اندک زائران دیگر کشورها را بر می‌انگیخت. به یقین بقیع گنجایش آن همه جمیعت را نداشت. لازم به برنامه‌ریزی داشت. قرار شد اول زنان وارد شوند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی این فرصت را در مسجدالنبی نشست. او می‌داند که ثواب یک رکعت نماز در مسجدالنبی معادل ده هزار رکعت است. هم نماز خواند وهم زیارتنامه حضرت رسول را و از آن طرف، فرصتی پیش آمد تا مأموران سعودی- حتی اگر دلشان نمی‌خواست- به زائران ایرانی اجازه ورود به بقیع را دادند. زنان گروه گروه وارد شدند، زیارت کردند و برگشتند. پس از آن مردها گروه گروه رفتند و سرانجام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به زیارت بقیع پرداختند. شب وداع با مدینه و بقیع بود. اشک‌ها بر گونه‌ها جاری بود و هر کس زیر لب زمزمه می‌کرد. باز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای مردم صحبت کرد و از آنان خواست با رعایت نظم خارج شوند. ساعت ۲ پس از نصف شب شد که با بسته شدن درهای آهنین، بین بقیع و عاشقانش فاصله افتاد.

در مسیر برگشت، مردمی که به خاطر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شهد شیرین زیارت بقیع را طی ۴ شب متوالی چشیده بودند، تا ورودی هتل مانند پروانه‌ها که گرد شمع می‌گردند، هاشمی رفسنجانی را در میان گرفته و شعار می‌دادند:

«هاشمی هاشمی، تشکّر تشکّر»

سه شنبه ۲۱/ ۳/ ۸۷

ساعت ۸/ ۳۵ دقیقه به سوی فرودگاه مدینه حرکت کردیم و پس از سوار شدن در هواپیمای بوئینگ ۷۷۷ خطوط هوایی عربستان سعودی، ساعت ۹ / ۱۰ به سوی شهر ابهاء در استان عسیر حرکت کردیم. ساحل دریای احمر از بالا پیدا بود و هواپیما پس از ۱ ساعت و ۲۰ دقیقه پرواز در فرودگاه ابهاء نشست.

پوشش گیاهی ابهاء همه را متعجب کرد. مطمئناً ندیده‌ها هیچگاه فکر نمی‌کنند که در جغرافیای بیابانی و خشک عربستان، منطقه‌ای سرسبز باشد. سه کودک عرب با شاخه‌های گل به میهمان خویش خیر مقدم گفتند و پس از آن، مراسم استقبال که آقای فیصل بن خالد بن عبدالعزیز امیر تقریباً جوان منطقه عسیر در رأس آن‌ها بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سالن تشریفات از اوضاع جغرافیایی و شغل مردم پرسیدند و پس از آن، حرکت به سوی روستای باستانی «ظافربن حمسان» آغاز شد. قلعه‌های قدیمی با موزه‌هایی از وسایل بسیار قدیمی‌تر. به افتخار میهمان ویژه خویش برنامه رقص غزال با متونی بسیار معنادار در سه سالن برگزار کردند:

. یا فخامه رئیس المصلحه باسم الأمیر الحبیب جناب رییس مصلحت (نظام)، به نمایندگی از امیرعزیز ما

. واسم حامنا و اسم المل و المملہ و القیادەو به نمایندگی از حاکمان ما و به نمایندگی از پادشاهی عربستان سعودی

. بلّغ ایران من شعب السعودی رساله وفاءپیام وفاداری ملت عربستان را به ایران برسان

. ربّنا واحد والدّین واحد و الأمم واحدخدای ما یکی است، دینمان نیز یکی و امت یکی

. فارس أقرب شعوب الأرض لبلاد العرب و العروبەسرزمین فارس نزدیکترین ملت روی زمین به سرزمین‌های عرب و عربیت است.

. فره الخندق الذی فی المدینه جاء بهاطرح خندق که در مدینه است، یک ایرانی (سلمان فارسی) آن را برای ما آورده است.

درباره میهمان‌نوازی‌های ساکنان روستا، همین بس که به گردن همه میهمانان شاخه‌های گل آویزان کردند و به هر کدام از آن‌ها نیز گل اهدا کردند.

ص: ۱۵

رقص شمشیر، ریشه درفرهنگ آنان داردکه به زیبایی اجرا می‌کنند. امیر عسیر در لابلای اجرای برنامه توضیحاتی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌داد. پذیرایی‌های به شکل سنتی و مدرن، نشان از خوشحالی آنان بود.

اقامت در روستا یک ساعت طول کشید و پس ازآن به‌طرف شهر ابهاء حرکت کردیم. پوشش گیاهی و هوای آن وصف ناپذیر بود. هر از چند گاهی صدای رعد و برق چشم‌ها را به آسمان می‌دوخت. وارد شهر شدیم. شهری زیبا که سدّی را درمیان گرفته است. تپه‌های پوشیده از درختچه‌های سرسبز، چشم‌ها را تا دور دست به تماشا دعوت می‌کرد. حرکت خودروها در فراز و فرود خیابان‌ها فرصتی به همراهان می‌داد تا از هوای مطبوع و مناظر زیبا لذّت ببرند.

به محل استراحت در فندق قصر ابهاء رسیدیم که کاملًا مدرن و جدید بود. توقف در آن، کوتاه بود و می‌بایست به ضیافت ناهار امیرِ عسیر می‌رفتیم. کاخش بالای یکی از بلندترین تپه‌های شهر قرار داشت. در آغاز ورود، امیر منطقه که از فرودگاه همراه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود، به ایشان خوش‌آمدِ مجدد گفت و پس از مذاکراتی کوتاه، هدایای خویش را تقدیم کرد.

خبرنگاران عربستانی حاضر در جلسه، از فرصت استفاده کرده و پیش رفتند و خبرنگار شبکه تلویزیونی الاخبار سؤالاتی از کنفرانس گفت‌وگوی اسلامی، سیاست‌های ایران و عربستان و اوضاع استان عسیر و شهر ابهاء پرسید و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از پاسخ به سؤالات سیاسی، در خصوص ابهاء گفت: فکر نمی‌کردم در عربستان چنین منطقه‌ای باشد. واقعاً زیباست.

پس از آن، ناهار در رستوران کاخ، که مشرف به همه شهر بود، صرف شد و پس از آن، به سوی پارک سوده حرکت کردیم. این پارک که منطقه وسیعی را شامل می‌شود، در بلندترین نقطه شهر قرار دارد.

خودروها پس از نیم ساعت حرکت در سربالایی، به محلّی رسیدند که به نظر می‌رسید، نقطه اوج پارک است.

مه غلیظی که در دور دست جا خوش کرده بود، بر شانه‌بادها آمد و آمد تا میهمانان را دعوت به خنکای خویش نماید. آمدن مه همان و بارش باران تند همان. آن قدر تند بود که پذیرایی نیمه تمام ماند.

خودروها مسیر رفته را در شیبی تند به سوی فرودگاه‌ابها آغاز کردند و ساعت ۵ به آنجا رسیدند. مراسم بدرقه رسمی آغاز شد و هواپیما پس ازسوار شدن مسافرانش، در آسمان اوج گرفت و پس از ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه در فرودگاه جده به زمین نشست.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به محل اقامت خویش در قصر المؤتمرات رفت و پس از ادای نماز ساعت ۹/۵ شب برای دیدار مجدد با ملک عبدالله به کاخ صفا رفت.

دیدار در فضایی کاملًا صمیمی برگزار شد. ملک عبدالله از مشاهدات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پرسید و ایشان نیز از برنامه‌های خویش در مکه، مدینه، فدک و ابها گفت.

ملک عبدالله با تشکّر مجدّد از حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در عربستان و شرکت در کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی گفت: «امیدوارم این سفر نیز مانند همه سفرهای جناب‌عالی نقطه عطفی در تاریخ روابط دو کشور و آغازی برای توسعه همکاری‌ها باشد.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز با سپاس از میهمان‌نوازی گرم مسؤولان عربستان و شخص ملک عبدالله و با تشکّر از دستورات اکید ایشان برای کم کردن سخت‌گیری‌ها برای زائران ایرانی درعبادتگاه‌ها و زیارتگاه‌های عربستان، به‌خصوص بقیع، گفت: «ان شاءالله با رعایت اعتدال توسط دو طرف، شاهد تداوم این برنامه‌ها باشیم.»

پس از مذاکرات کوتاه، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به همراه خانواده خویش به اندرونی منزل ملک عبدالله رفتند تا شام را در کنار خانواده ایشان صرف نمایند.

چهارشنبه ۲۲/ ۳/ ۸۷

آخرین روز سفر است. سفری که ابعاد گوناگون را در بردارد؛ عبادی، سیاسی، دینی، تاریخی و تفریحی. استقبال‌ها و بدرقه‌ها در جده، مکه، مدینه، فدک و ابهاء بسیار معنادار بود و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی قبل از حرکت از محل اقامت و رفتن به سوی فرودگاه، جلسه‌ای با همراهان داشت و به جمع‌بندی سفر و برنامه‌های آن پرداخت. همگان از برنامه‌ها راضی بودند. یکی از سخنرانیِ ایشان در کنفرانس گفت‌وگوی اسلامی گفت، دیگری از سفر به فدک و احیای تاریخ مظلومیت‌های حضرت فاطمه ۳. سومی از زیارت‌های چهار شب بقیع یاد کرد و چهارمی از زیبایی‌های طبیعت در منطقه ابهاء و سرانجام آیت‌الله هاشمی نیز از مذاکرات خود با ملک عبدالله و امیران مکه، مدینه و عسیر.

ساعت ۹/۴۵ صبح بود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سالن تشریفات فرودگاه جده از خالد الفیصل بن عبدالعزیز، امیر منطقه مکه، که برای بدرقه رسمی آمده بود، به خاطر همه میهمان‌نوازی‌ها و برنامه‌ها تشکر و بر گسترش روابط دوجانبه ایران و عربستان و تقویت وحدت همه کشورهای اسلامی تأکید کرد.

ص: ۱۶

امیر خالد الفیصل نیز این سفر را سفری به یادماندنی در تاریخ روابط دو کشور خواند و اظهار امیدواری کرد که در آینده‌ای نزدیک، باز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را در عربستان زیارت کند.

ساعت دقیقاً ۳۲/ ۱۰ دقیقه بود که هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ خطوط هوایی جمهوری اسلامی ایران پس از حرکت روی باند، در آسمان پرواز کرد و خلبان حسین‌پور درباره شناسنامه سفر گفت:

ارتفاع: ۳۳ هزار پا

مدت پرواز: ۳ ساعت از طریق آسمان کویت

چشم‌هایم را بستم و به مرور برنامه‌های سفر پرداختم و وقتی خلبان گفت: ان‌شاءالله تا دقایقی دیگر در فرودگاه مهرآباد به زمین می‌نشینیم، ساعتم را به وقت ایران تنظیم کردم. ساعت ۲۰/ ۲ بعد ازظهر بود که عطر صلوات همزمان با تماس چرخ‌های هواپیما با باند در فضا پیچید.

ص: ۱۷

گزارش ها و اخبار

دعوت عربستان از آقای هاشمی رفسنجانی برای شرکت در کنفرانس گفت و گوی اسلامی

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

چهارشنبه اردیبهشت

احمد السنوسی سفیر عربستان سعودی در تهران روز چهارشنبه (۲۵/ ۲/ ۸۷) ضمن دیدار با آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی رییس مجلس خبرگان رهبری، دعوت رسمی همراه با پیام ملك عبدالله پادشاه عربستان را برای حضور در کنفرانس بین المللی گفت و گوی اسلامی تقدیم کرد. سفیر عربستان تأکید و توجه ویژه پادشاه عربستان را برای حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این کنفرانس خاطرنشان کرد و گفت: «ملك عبدالله به دلیل جایگاه والایی که در دنیای اسلام برای حضرت‌عالی قائل است و معتقد است باید از اندیشه و دانش شما بهره کافی برد، شخصاً به من مأموریت داد تا از جناب‌عالی برای حضور در این اجلاس دعوت کنم.»

به‌گزارش روز چهارشنبه ایرنا به‌نقل از مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیت الله هاشمی رفسنجانی در این دیدار با قدردانی از این دعوت، اهمیت انجام کنفرانس گفت‌وگوی اسلامی در مکه را به‌ویژه در وضعیت کنونیِ جهان اسلام یادآور شد و گفت: «انتظار می‌رود انجام این کنفرانس با حضور شخصیت‌های علمی و دینی جهان منشأ ثمرات و نتایج مطلوبی برای ایجاد وفاق و همدلی در جهان اسلام و رفع تنش و تفرقه میان کشورها و به ویژه کشورهای اسلامی باشد.»

رییس مجلس خبرگان رهبری، تفرقه در دنیای اسلام را در جهت منافع دشمنان ارزیابی کرد و افزود: «اختلافات در دنیای اسلام؛ چه در سطح سیاسیون و چه در سطح علمای مذهبی، مایه رنج بوده و وضعیت نامطلوبی را ایجاد کرده است.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آثار کشتار، تخریب‌ها و درگیری‌ها در برخی کشورهای اسلامی، به‌ویژه عراق و لبنان را در عمیق کردن فاصله‌ها در جهان اسلام با اهمیت عنوان کرد و افزود: «برگزاری کنفرانس گفت و گوی اسلامی می‌تواند فضای مطلوب‌تری برای همکاری میان کشورهای اسلامی ایجاد نماید.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «از تقدّسی که در سرزمین وحی وجود دارد می‌توان برای حل مشکلات در جهان اسلام و کل جهان سود برد و جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند در کنار کشور عربستان، در حلّ اختلافات دنیای اسلام مؤثر باشد و در این راه تلاش خواهد کرد.»

سفیر عربستان نیز در این دیدار هدف از برگزاری کنفرانس بین‌المللی گفت وگوی اسلامی در عربستان سعودی را بررسی راه‌های افزایش همکاری میان جهان اسلام و ارتباط آن‌ها با دیگر کشورها ذکر کرد وگفت: «امیدواریم با برگزاری این اجلاس بتوانیم به وحدت جهان اسلام کمک کنیم.»

ص: ۱۸

آغاز سفر رسمی

آقای هاشمی رفسنجانی به عربستان

خبرگزاری مهر

شنبه خرداد

به گزارش خبرگزاری مهر، به نقل از روزنامه «القدس العربی»، منابع موثق و نزدیک به هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران خبر دادند که هاشمی رفسنجانی ظهر روز دوشنبه آینده (۳ خرداد) در رأس هیأتی بلندپایه، به عربستان می‌رود.

به گفته این منابع، هاشمی رفسنجانی به دعوت «عبدالله بن عبدالعزیز» پادشاه عربستان که از سوی سفیر این کشور در تهران تقدیم وی شد، به‌عربستان سفر خواهد کرد.

منابع یاد شده خاطرنشان کردند: سفر هاشمی رفسنجانی به عربستان، با هدف تثبیت توافق لبنانی‌ها و کشورهای عربی درباره توافقنامه دوحه‌برسر بحران لبنان و انتقال این تجربه موفق به صحنه فلسطین انجام می‌شود؛ به‌ویژه بعد از آن‌که منوچهر متّکی، وزیر امورخارجه ایران در خلال حضورش در بیروت، این موضوع را به سعود الفیصل، وزیر امورخارجه عربستان پیشنهاد کرد.

به نوشته این روزنامه چاپ لندن، در نشست ایران و عربستان همچنین همه جوانب موضوع عراق؛ به‌ویژه تلاش آمریکایی‌ها برای اعمال توافقنامه ذلّت بار امنیتی طولانی مدت بین بغداد و واشنگتن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر قرار است انجمن جهانی مسلمان، چهارشنبه آتی (۱۵ خرداد) کنفرانسی را با عنوان «ضرورت گفتگوی اسلامی» برگزار کند که هاشمی رفسنجانی‌در این کنفرانس، سخنرانی مهمی ایراد خواهد کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی دقایقی پیش

وارد جده شد

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

دوشنبه خرداد

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس خبرگان رهبری، دقایقی پیش برای شرکت در اجلاس گفتمان اسلامی وارد فرودگاه جده شد و مورد استقبال خالد الفیصل امیر منطقه مکه مکرمه و چند تن از وزرای کابینه عربستان سعودی قرار گرفت. به گزارش خبرنگار سیاسی اعزامی ایرنا به مکه مکرمه، هاشمی پس از ورود به جده برای انجام اعمال عمره مفرده عازم مکه مکرمه می‌شود.

اجلاس بین المللی گفتمان اسلامی با حضور شخصیت‌هایی، ازبیش از کشور اسلامی وآیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی رییس مجلس خبرگان رهبری ورییس مجمع تشخیص مصلحت نظام از فردا (سه شنبه ۴ خرداد) به مدت دو روز در مکه مکرمه برگزار می‌شود.

رییس مجلس خبرگان رهبری قرار است روز سه شنبه با ملک عبدالله پادشاه عربستان در شهر جده دیدار و گفت وگو کند.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین روز چهارشنبه در اجلاس بین المللی گفتمان اسلامی سخنرانی خواهد کرد.

از شخصیت و متفکّر جهان برای حضور در این اجلاس بین المللی دعوت به عمل آمده است.

آقای هاشمی رفسنجانی: هدفم از سفر، شرکت در کنفرانس گفتمان مذاهب اسلامی است

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

دوشنبه خرداد

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس مجلس خبرگان رهبری، هدفش از سفر به عربستان را شرکت در کنفرانس گفتمان مذاهب اسلامی اعلام کرد.

ص: ۱۹

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی در بدو ورود به‌فرودگاه جده، در جمع خبرنگاران خاطرنشان کرد: در این سفر که به دعوت رسمی ملک عبدالله پادشاه عربستان صورت گرفته، علاوه بر سخنرانی در این اجلاس، دیدارهایی را نیز با علمای میهمانِ این نشست خواهیم داشت.

به گزارش خبرنگار سیاسی اعزامی ایرنا به جده، هاشمی رفسنجانی رسیدگی به اوضاع ایرانیان و مسائل مربوط به حج را از دیگر محورهای مورد بحث با مقامات عربستان عنوان کرد.

دکتر عبدالله الترکی دبیر سازمان ارتباطات اسلامی عربستان سعودی در رابطه با اهداف این سفر گفت: قرار است در این اجلاس بر تجربیات گذشته درباره گفتگو بین مذاهب اسلامی و راه‌های آینده بحث شود.

هاشمی رفسنجانی عصر دوشنبه برای شرکت در اجلاس بین المللی گفتمان مذاهب اسلامی وارد فرودگاه جده شد و از سوی خالد الفیصل امیر منطقه مکه مکرمه، مشاور امور مجلس عربستان سعودی و سفیر ایران در عربستان و جمعی از مسؤولان بعثه مقام معظم رهبری مورد استقبال قرار گرفت.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام را در این سفر محسن رضایی دبیر و جمعی از اعضای مجمع همراهی می‌کنند.

هاشمی رفسنجانی با ملک عبدالله درباره منطقه و جهان اسلام تبادل نظر کردند

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

چهارشنبه خرداد

آیت الله هاشمی رفسنجانی سه شنبه شب و در شهر مکه مکرمه با ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی دیدار و در مورد روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای و جهان اسلام تبادل نظر کرد. در این دیدار که تعدادی از اعضای مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام و مقامات دولتی عربستان حضور داشتند، هاشمی رفسنجانی با اشاره به برگزاری کنفرانس گفت وگوی اسلامی که در شهر مکه برگزار می‌شود، گفت:

ابتکار برگزاری این همایش‌ها می‌تواند در بررسی و یافتن راه‌های رفع مسائل و مشکلات جهان اسلام نقش آفرین باشد.

رییس مجلس خبرگان رهبری ایجاد هرگونه اختلاف و تشتّت در جهان اسلام و فِرَق اسلامی، در قالب چاپ کتب و نشریاتِ بی محتوا و انتساب خرافه و مطالب کذب علیه مذاهب را آفتی جدی برای تحقّق وحدت اسلامی ذکر کرد و آن را خواست دشمنان اسلام دانست.

ملک عبد الله نیز با قدردانی از حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در کنفرانس بین‌المللی گفت وگوی مذاهب اسلامی اظهار امیدواری کرد، که حضور ایشان و دیگر شخصیت‌های مؤثر جهان اسلام، به نزدیکی مواضع کشورهای اسلامی و ارائه راهکارهای مناسب برای ارتقای نقش و جایگاه جهان اسلام در دنیای معاصر بیانجامد.

ایشان طرح توسعه بیت‌الله الحرام برای گنجایش هزار نمازگزار و زائر در رعایت احترام زوار از همه مذاهب اسلامی را یکی از برنامه‌های مهم دولت عربستان ذکر کرد.

وی اقدام برخی افراطیون در چاپ کتب بی ارزش دینی علیه مذاهب را اقدامی نامناسب دانست که موجب ایجاد اختلاف بین مسلمانان می‌شود.

پادشاه عربستان سعودی، خواستار ملاقات‌های دوره‌ای برای پیشبرد روابط دوجانبه و رایزنی در مورد موضوعات مهم منطقه‌ای شد.

طرفین در این ملاقات، بر ضرورتِ یافتن راهکارهای جدید و سازنده در خصوص مسائل فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان و تشکیل گروه‌هایی از علمای آگاه و فهیم کشورهای اسلامی؛ به‌ویژه درکشور ایران و عربستان برای کاهش فتنه‌های طایفی و تبادل نظرهای

مستمر در منطقه برای اتخاذ تصمیمات مهم تأکید کردند.

آقای هاشمی رفسنجانی و هیأت همراه، اعمال عمره مفرده را به جا آوردند

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

سه شنبه خرداد

رییس مجلس خبرگـان رهـبری، ساعـاتی پس از ورود بـه عربسـتان سـعودی اعمـال عمره مفرده را بـه‌جـا آورد. آیـت‌الله هاشـمی رفسـنجانی، رییس مجلس خبرگـان رهـبری وهیـأت همراه، که عصـر دوشـنبه برای شـرکت در اجلاـس بین المللی گفتمـان مـذاهب اسلامی وارد جده شده بودند، پس از حضور در مسجد جُحفه محرم شده و با عزیمت به مکه مکرمه اعمال عمره را بجا آوردند.

ص: ۲۰

به گزارش خبرنگار اعزامی ایرنا به مکه مکرمه، جمعی از مسؤولان محلّی عربستان سعودی و اعضای بعثه مقام معظم رهبری هاشمی رفسنجانی را همراهی می کردند.

اجلاس دو روزه بین‌المللی گفت وگوی مذاهب اسلامی، از سه شنبه در مکه مکرمه برگزار می‌شود و رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار است روز چهارشنبه در این اجلاس سخنرانی کند.

از شخصیت و متفکّر جهان اسلام برای حضور در این اجلاس دعوت به عمل آمده است و طی آن، قرار است مسائل مربوط به روابط مذاهب اسلامی، راه‌های وحدت جهان اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

پادشاه عربستان: اسلام دینی ارزش مدار و عدالت گستر است

خبرگزاری فارس

چهارشنبه خرداد

خبرگزاری فارس: پادشاه عربستان سعودی روز چهارشنبه، در جلسه افتتاحیه کنفرانس بین المللی گفتگوی اسلامی تأکید کرد: اسلام دینی ارزش مدار و عدالت گستر است.

به گزارش خبرگزاری فارس، به نقل از شبکه خبری العربیه، عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان کنفرانس بین المللی گفتگوی اسلامی را افتتاح کرد که طی سه روز در شهر مکه برگزار می‌شود.

بنابر این گزارش، این کنفرانس با هدف مشورت مسلمانان درباره کنفرانس گفتگو با ادیان آسمانی سه گانه از سوی پادشاه عربستان تشکیل شد.

ملک عبدالله در افتتاحیه این کنفرانس گفت: پیام این نشست به جهانیان این است که ما مسلمانان امتی هستیم ارزش‌مدار و عدالت گستر.

وی افزود: این کنفرانس مشکلات اساسی امت اسلام را بررسی خواهد کرد.

ملک عبدالله گفت: تسامح زبان اسلام است. از این رو، زبان احترام باید بین ادیان آسمانی رایج شود.

کنفرانس بین المللی گفتگوی اسلامی با حضور میهمانانی از کشور، شامل وزرای اوقاف و امور دینی جهان اسلام، رؤسای مجالس اسلامی، شیخ ازهر و سایر شخصیت‌ها همچون دکتر عزالدین ابراهیم، مشاور رییس دولت امارات و محمد علی تسخیری، رییس مجمع تقریب مذاهب برگزار می‌شود.

همچنین اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس تشخیص مصلحت نظام ایران نیز در رأس هیأتی ایرانی در این کنفرانس شرکت کرده است.

از سویی دکتر عبدالله الترکی، دبیرکلّ انجمن جهان اسلام که مسؤول برگزاری این کنفرانس است، در گفتگویی با شبکه خبری العربیه تأکید کرد: برخلاف دیدگاه کسانی که فکر می کنند هدف این کنفرانس اتحاد ادیان یا عقب نشینی از برخی احکام اسلامی است، اعلام می کنم که کنفرانس گفتگوی اسلامی بر اشتراکات انسانی تأکید خواهد کرد.

این در حالی است که برخی از علمای عربستان با نوشتن مقالاتی با برگزاری این کنفرانس مخالفت کرده بودند، ولی پادشاه عربستان تأکید کرد که برای گفتگو با سایر ادیان آسمانی، از علمای کشور خود موافقت کسب کرده است و می‌خواهد با سایر مسلمانان در این باره مشورت کند.

آقای هاشمی رفسنجانی: اختلافات پنجره امید دشمنان اسلام است

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

چهارشنبه خرداد

به گزارش خبرنگار اعزامی ایرنا به مکه مکرمه، آیت الله هاشمی رفسنجانی که برای شرکت در اجلاس بین المللی گفتمان مذاهب اسلامی به عربستان سعودی سفر کرده است عصر سه شنبه در دیدار جمعی از علمای شیعه منطقه شرقیه عربستان، از اقدامات افراطیون در برخی نقاط جهان اسلام ابراز تأسف کرد.

رییس مجلس خبرگان رهبری برلزوم توجه پیروان مذاهب اسلامی به مشترکات فراوان خود تأکیدکرد و گفت: اختلافات پنجره امید دشمنان اسلام برای رخنه در صفوف مسلمانان است که دامن زدن به آن با مصالح دنیوی و اخروی جهان اسلام ناسازگار است.

ص: ۲۱

وی با تأکید بر این‌که عقل و شرع این اقدامات را نمی‌پذیرد، اظهار داشت:

علمای شیعه و سنی با استعانت از تعالیم الهی، در راه گسترش مبنای اسلام تلاش کنند.

حسن صفار، از علمای شیعه منطقه نیز با ارایه گزارشی تأکید کرد در سال‌های اخیر وحدت شیعه و سنی در عربستان پیشرفت داشته است.

هاشمی رفسنجانی همچنین در دیدار احمد هلیل قاضی القضات کشور اردن با وی حل مسائل اسلام را نیازمند همکاری مستمر کشورهای تأثیرگذار دانست.

وی گفت با توجه به حضور انبوه آوارگان فلسطینی در اردن انتظار می‌رود از این جایگاه برای کاهش فشار رژیم صهیونیستی بر ملّت مظلوم فلسطین استفاده شود.

قاضی القضات اردن نیز با ابلاغ درودهای پادشاه اردن از رییس مجلس خبرگان رهبری برای سفر به این کشور دعوت کرد.

وی جمهوری اسلامی ایران را کشوری بزرگ و با اهمیت در جهان اسلام دانست و گفت: با گسترش همکاری کشورهای اسلامی، می‌توانیم در حلّ مسائل روز جهان اسلام نقش داشته باشیم.

آقای هاشمی رفسنجانی در اجلاس گفتمان مذاهب اسلامی:

جمهوری اسلامی ایران آماده همکاری کامل برای وحدت جهان اسلام است

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

چهارشنبه خرداد

رییس مجلس خبرگان رهبری با اشاره به برگزاری بیست و یک کنگره وحدت اسلامی پس ازپیروزی انقلاب اسلامی در ایران، و استقبال از همّت عربستان سعودی در برگزاری اجلاس بین المللی گفتمان مذاهب اسلامی، آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای همکاری کامل در جهت استقرار وحدت و همدلی بین کشورهای اسلامی اعلام کرد.

به گزارش خبرنگار اعزامی ایرنا، آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی امروز چهارشنبه در سخنرانی افتتاحیه اجلاس بین المللی گفتمان مذاهب اسلامی در مکه مکرمه، به عنوان میهمان ویژه، مشکلات امت اسلامی را واقعی و غیر قابل انکار دانست و اظهار داشت:

«کانون‌های آشوب و شرارت در منطقه ما خطرناک شده و فلسطین پنجره‌ای برای نشان دادن ظالمان و مظلومان است.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطرنشان کرد: «امروز در غزه، ملت مظلوم فلسطین را محاصره کرده اند، لبنان دچار تفرقه شده است، عراق اشغال شده و اشغالگران، دیگر کشورهای منطقه را تهدید می کنند.»

هاشمی رفسنجانی با اشاره به تلاش اشغالگران آمریکایی برای انعقاد قرارداد امنیتی با عراق گفت: «آنان با این قرارداد می خواهند عبودیت دایمی ملت عراق را در برابر خود پایه ریزی کنند.»

وی تأکید کرد: «همه ما باید به ملت عراق کمک کنیم تا از خطر اشغال و گرفتاری در آینده و استعمار غیر رسمی نجات یابد که البته با هوشیاری ملت عراق این مهم محقّق خواهد شد.»

رییس مجلس خبرگان رهبری ادامه داد: «امروز استکبار، افغانستان را تکه تکه کرده و ناامنی‌ها در این کشور هر روز بیشتر می‌شود، محیط زیست جهانی مشکل دارد، مواد مخدّر بلای دنیای امروز است و امراض خطرناکی نظیر ایدز جوانان اسلامی را آلوده می کنند.»

وی بر ضرورت گفت وگوی جهان اسلام با دردمندان جهان برای نجات از مشکلات تأکید کرد اما در عین حال گفت: «ثبات و امنیت پیش شرط همه کارها است و امروز خطر بزرگ عدم ثبات و امنیت کشورهای اسلامی را تهدید می کند.»

هاشمی رفسنجانی با تأکید بر این که در منطقه‌ای که صدها هزار نظامی بیگانه حضور دارند نمی‌توان احساس امنیت کرد، اظهار داشت: «به عنوان مسلمان باید به فکر امنیت مسلمانان در جهان باشیم، رسالت اسلام جنگ نیست و پیامبر مکرم اسلام نیز در زمان خود آغازکننده هیچ جنگی نبودند.»

رییس مجلس خبرگان رهبری در بخش دیگری از سخنان خود، اجلاس گفتمان مذاهب اسلامی را مقدمه‌ای برای گفت و گوی ادیان دانست و خاطر نشان کرد: «مسلمانان ابتدا باید با خود صحبت کرده و روی یک مسیر مشخص اسلامی تفاهم کنند پس از آن نماینده اسلام برای گفت و گو با ادیان باشند.»

ص: ۲۲

وی ریشه همه تمدن‌ها را ادیان آسمانی نام برد و گفت: «امروز که در مکه مکرمه به دنیا پیام می‌دهیم صحبت از همین ریشه‌ها است.»

هاشمی رفسنجانی تعصب را از نشانه‌های جهل و شنیدن حرف درست را از نشانه‌های حکمت و عقل دانست و گفت: «افراط و تفریط انسان رابه جهالت می‌رساند، اما اعتدال انسان را درمسیری قرار می‌دهد که حاضر می شود به اطراف خود نگاه کند.»

وی در ادامه با اشاره به تضعیف جهان اسلام بواسطه وجود اختلافات گفت:

متأسفانه در جهان اسلام انرژی‌های خود را در درگیری با هم اسراف می‌کنیم که این بدترین اسراف است.

رییس مجلس‌خبرگان رهبری تصریح‌کرد: «برای تقویت جهان اسلام باید به یکدیگر دست یاری بدهیم، بهانه گیری نکنیم و عیب‌های هم را با گفت وگو برطرف کنیم.»

وی تدوین میثاق نامه‌ای برای گفت وگو را از انتظارات اصلی اجلاس گفتمان مذاهب اسلامی‌ذکر کرد وگفت: مبانی میثاق را باید از قرآن بگیریم که اصل اول آن مشورت است.

هاشمی‌رفسنجانی انصاف در قضاوت، پذیرش حق و خودداری از تعصب را از دیگر اصول میثاق مسلمانان دانست و اظهار داشت: باید به طور یکپارچه به نمایندگی از اسلام با ادیان دیگر به گفت وگو بنشینیم و با آن‌ها به تفاهم برسیم.

وی٪ احکام اسلام را بین مسلمانان مشترک دانست وگفت: «من به عنوان یک مسلمان شیعه و اسلام شناس می گویم مشترکات ما آن قدر زیاد است که نیاز به پرداختن به نقاط افتراق ندارد.»

رییس مجلس خبرگان رهبری اختلاف بین مسلمانان را حرام وگناه و مذاکره را مستحب و ضروری دانست وگفت: «البته اختلاف نظر یک نعمت است؛ زیرا اگر در فضای عاقلانه و حکیمانه مطرح شود باعث رشد و پیشرفت می‌شود.»

هاشمی رفسنجانی در ادامه، سرمایه بزرگ الهی را که در اختیار مسلمانان قرار دارد یاد آور شد وگفت: «یک چهارم جمعیت جهان متعلق به مسلمانان است و کشورهای اسلامی رأی در سازمان‌های بین المللی دارند و از این جهت اسلام می تواند در جهان تعیین کننده باشد.»

وی افزود: «۲٪ ثروت جهان در اختیار جهان اسلام است، بهترین جغرافیای کره زمین از آنِ مسلمانان است و غربی‌ها تمدّن را از مسلمانان آموخته‌اند اما با این حال چرا جهان اسلام با این همه توان و ظرفیت باید در برابر استکبار ضعیف باشد.»

وی تصریح کرد: «امروز استکبار جهانی به موجودی مسلمانان طمع کرده و صهیونیسم به عنوان عامل خطرناک در اختیار کفر جهانی است.»

ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی نیز در مراسم افتتاح اجلاس بین المللی گفتمان مذاهب اسلامی در مکه مکرمه گفت: «در این‌جا جمع شده‌ایم تا به جهان بگوییم با عزّتی که خدا به مسلمانان داده، صدای آن‌ها صدای عدالت و ارزش‌های انسانی است.»

وی ارزش امت اسلام را بالا و در عین حال تهدیدات آن را زیاد دانست و گفت:

«دشمنان اسلام جمع شده‌اند و بر دوری از راه و روش اسلام پا فشاری کرده و می‌خواهند عدالت و اهداف اسلام را از بین ببرند.»

پادشاه عربستان تصریح کرد: «ما جمع شده‌ایم تا در مقابل جهل بایستیم و اسلام را بدون دشمن به دیگران برسانیم.»

ملک عبدالله با اشاره به ضرورت گفت وگو بین مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد:

«عظمت اسلام پایه های گفت و گو را بنا نهاده و راهها را مشخص کرده و راه ما نیز دعوت به ارزشهای مشترک است که ادیان به خاطر آنها نازل شده است.»

وی تأکید کرد: «گفت و گوی خود با دنیا را از کنار بیت الله الحرام آغاز کرده و ادامه می‌دهیم.»

محسن رضایی اعلام کرد:

استقبال علما از سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی در عربستان

www.afarineshdaily.ir

ص: ۲۳

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام از استقبال علما از سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی در کنفرانس گفت وگوی‌ادیان الهی در عربستان خبرداد وگفت: «هم علمای اهل سنت و هم تشیّع گفتند که بهترین سخنرانی مربوط به آقای هاشمی بود. محسن رضایی دیروز در حاشیه نشست مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمع خبرنگاران‌با اشاره به دستور کار این‌جلسه مجمع گفت: در این جلسه برخی اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام از آقای هاشمی ارائه گزارشی از سفر اخیرشان را خواستار شدند.

وی گفت: گزارش این سفر چند بخش دارد؛ بخش اول بحث‌های سیاسی بود که آقای هاشمی با توجه به تقاضاهایی که از طرف مسؤولان کشور مطرح شده بود، مطرح و آن‌ها قبول کردند و قرار شد همکاری‌های بیشتری بین ایران و عربستان صورت بگیرد و در واقع روح کلّی این مباحث سیاسی این بود که عربستان آمادگی همکاری بیشتری با ایران دارد.

رضایی ادامه داد: بخش دوم گزارش، مربوط به حضورآقای هاشمی در کنفرانس گفت وگوی بین اسلام و سایر ادیان الهی بود که سخنان آقای هاشمی فضای همایش را گرفت. هم علمای اهل سنت، هم علمای تشیّع گفتند: بهترین سخنرانی مربوط به آقای هاشمی بود و هم تلویزیون‌های عربستان از چند شبکه همزمان این سخنرانی را پخش کردند. وی خاطرنشان کرد: در سال‌های اخیر جوسازی‌های زیادی شده بود که سخنرانی آقای هاشمی توانست بخش زیادی از حساسیت‌های دو طرف را کاهش دهد و چون دولت عربستان از ایشان به خوبی استقبال کرد و ایشان توانستند از تقریب مذاهب و سابقه آن در ایران به‌خوبی صحبت و نکات مهمی را در زمینه جهان اسلام مطرح کنند؛ این که بدون همکاری کشورهای بزرگ جهان اسلام، مشکلات جهان اسلام قابل حل نیست از جمله موارد مطرح شده از سوی ایشان بود و هیأت شرکت‌کننده در همایش نیز دست آوردهای آن را مثبت ارزیابی کردند.

وی با اشاره به بخش سوم دست آورد سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان گفت: بخش سوم این گزارش مربوط به دست آوردهای عبادی سفر است، به خصوص حضور در بقیع که چهار شب همه‌ایرانی‌ها؛ چه زن و چه مرد، درآن‌جا حضور داشتند و فضای معنوی خوبی میان ایرانی‌ها ایجاد شده بود و علی‌رغم آن‌که همواره ایرانی‌ها از برخورد با زائران ایرانی گله‌مند بودند، اما این طلسم شکسته شد و بالای ۱۵ هزار نفر در بقیع حضور یافتند و مقامات سعودی نیز مانع تراشی نکردند. همچنین در این سفر محدوده فدک کشف شد و هیچ ایرانی تاکنون به آن‌جا نرفته بود و بوستان حضرت فاطمه ۳ و چاه‌ها کاملًا مشخّص شد؛ به‌گونه‌ای که آقایانی که مسؤول این کارها و از علمای اهل سنت بودند، نقطه به نقطه فدک را توضیح دادند.

کنفرانس بین المللی گفت وگوی مذاهب اسلامی در مکه به کار خود پایان داد

خبرگزاری گزاری دانشجویان ایران- ایسنا

شنبه خرداد

به گزارش سرویس گفت وگوی ادیان و تمدن‌های خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، به نقل از خبرگزاری عربستان سعودی، این کنفرانس بین المللی روز گذشته با هدف «گفت وگوی ادیان» به کار خود پایان داد.

این نشست که با هدف از بین بردن فاصله میان تمدن‌ها برگزار شد، به دنبال ترویج فرهنگ گفت وگو در میان اقشار مختلف مردم، با تأکید بر زمینه‌ها و پشتوانه‌های فرهنگی بود.

در این کنفرانس سه روزه محققان بر اهمیت ادامه فعالیت و مشارکت در برگزاری جلسات تأکید کردند.

این کنفرانس با حضور پژوهشگران مسلمان و روشنفکران جهان اسلام با عنوان «صدای عدالت و بشریت و ارزش‌های اخلاقی» با سخنرانی افتتاحیه ملک عبدالله پادشاه عربستان برگزار شد؛ هم چنین آیت الله هاشمی رفسنجانی یکی از سخنرانان این همایش بود.

مرکز بین المللی ارتباط تمدن ها در عربستان تأسیس می‌شود

خبرگزاری فارس

یکشنبه خرداد

شرکت کننـدگان در همایش «گفت وگوی اسـلام»، خواسـتار تأسـیس مرکز بین المللی ارتباط بین تمدن‌ها به منظور اشاعه فرهنگ گفت وگوی تمدن‌ها شدند.

به گزارش خبرگزاری فـارس به نقـل از روابـط عمومی مجمع جهانی تقریب مـذاهب اسـلامی، در همایش بین المللی «گفت وگوی مذاهب اسـلامی» که در تا خردادماه با سـخنرانی هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و حضور آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع و شـرکت بیش از تن از اندیشـمندان جهان اسلام و هیئت‌های سیاسی کشورهای اسلامی در مکه مکرمه برگزار شد، شرکت کننـدگان طی بیانیه‌ای ضـمن تأکیـد بر تأسـیس مرکز بین المللی ارتباط بین تمـدن‌ها بر رفع مشـکلات و بحران‌های مختلف تأکید کرده و اظهار داشتند: امت اسلام باید در راستای مبارزه با تعرّضات معاصر نقش برجسته‌ای را ایفا کنند.

ص: ۲۴

در بیانیه اختتامیه این همایش، گفت وگوی عمیق به منظور بهره گیری از مشترکات انسانی ضرورتی برای همکاری‌های مشترک خوانده شد که ضمن بررسی طرح گفت‌وگو، رفع مشکلات مسلمانان و جهان اسلام براساس ارزش‌های مشترك و همزیستی مسالمت‌آمیز مورد توجه قرار گرفت.

شرکت کنندگان در این همایش خواستار وحدت جایگاه جهان اسلام در قبال گفت‌وگو شده و از شوراهای جهانی چون انجمن جهانی مسلمانان خواستند تا این برنامه ها را دنبال کنند.

این شورا باید کار هماهنگی مؤسسات گفت وگو و کمیته‌های مرتبط را بر اساس گفت وگو، اشتراکات انسانی، منافع متقابل، همزیستی مسالمت آمیز، عدالت و امنیت اجتماعی میان ملت ها و تمدن‌های مختلف را به عهده بگیرد و براساس آن، با تعرّضات معاصر مبارزه و فرهنگ گفت وگو در جوامع اسلامی و اهتمام به انتشار کتاب‌ها و ترجمه‌های مختلف را مورد توجه قرار دهد.

در بیانیه این همایش، برخورد تمدن‌ها و واکنش‌های جهان اسلام و همکاری با وزارات مختلف فرهنگ، ارتباطات و آموزش در کشورهای اسلامی تأکید شد.

در این همایش سه روزه که آیت الله تسخیری ریاست جلسه دوم از جلسات چهارگانه همایش را برعهده داشت، شیوه گفت وگو، ضوابط و شرایط آن، آینده گفت‌وگو در سایه اهانت‌های مکرر به اسلام، گفت وگو میان پیروان ادیان، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به جای برخورد تمدن‌ها با هدف ایجاد روابط مسالمت آمیز میان ملت‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در حاشیه همایش، دیدار و گفت وگو با شخصیت‌ها و اندیشمندان جهان اسلام و انجام مصاحبه‌های متعدد با رسانه‌های عربستان سعودی از برنامه‌های هیأت اعزامی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود که در پایان همایش عبدالله ترکی دبیرکل انجمن جهانی مسلمانان به عنوان مسؤول برگزاری همایش از حضور هیأت جمهوری اسلامی ایران قدردانی کرد.

پیشرفتهای جمهوری اسلامی، دستاورد حاکمیت اسلام

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

چهارشنبه خرداد

به گزارش خبرنگار اعزامی ایرنا به مکه مکرمه آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی سه شنبه شب در دیدار با اعضای بعثه مقام معظم رهبری و جمعی از زائران ایرانی بیت الله الحرام در مکه مکرمه گفت: کسانی که مردم را دلسرد می‌کنند و راهی را می‌روند که باعث بی اعتنایی مردم به انقلاب اسلامی می‌شود، مرتکب گناه بزرگی می‌شود.

رییس مجلس خبرگان رهبری، جمهوری اسلامی ایران را یکی از کشورهای کاملًا مطرح و تأثیر گذار در جهان خواند و گفت: «پیشرفت های علمی و صنعتی خوبی درکشور حاصل شدهکه باید به عنوان نمونه دستاوردهای حاکمیت اسلام ادامه یابد.

وی با تأکید بر اینکه انقلاب اسلامی احترام بسیاری در جهان پیدا کرده که باید این احترام باقی بماند گفت: باید بتوانیم روابط خود را با کشورهای همسایه به ویژه عربستان سعودی تحکیم کنیم.

رییس مجلس خبرگان رهبری افزود: دل مردم ایران به بقاع مقدس و کشور عربستان بسته است و می‌خواهند آزادانه و با خیال راحت از این اماکن مقدس استفاده کنند. وی تصریح کرد خراب شدن روابط دو کشور به نفع کسی نبوده و تنها دشمنان جهان اسلام از آن سود می‌برند.

وی در ادامه افزود: زائران ایرانی همانطور که اینگونه است باید با بصیرت و آگاهی در اعمال حج حرکت کنند.

وی در ادامه امام خمینی ۱ را شخصیتی کم نظیر پس از ائمه معصوم معرفی کرد و گفت: کاری را که امام انجام داد در تاریخ اسلام شبیه آن برای مکتب اهل بیت انجام نشده است.

هاشمی‌رفسنجانی افزود: حکومتی منطبق با اسلام و متکی به آرای مردم در تاریخ اسلام سابقه نداشته است که در ایران شخصیت منحصر به فرد امام خمینی ۱ بنیانگذار آن شد.

وی تصریح کرد در عصری که مستکبران فکر می‌کردند که دوران دین گذشته و خیالشان راحت بود که دین به مدیریت جامعه باز نمی‌گردد امام‌این حلقه را شکست و نظام جمهوری اسلامی‌را بنیان نهاد.

وی با اشاره به فشارها و تحریم های دشمنان علیه نظام جمهوری اسلامی‌اظهار داشت: نظام اسلامی با اتکا به اراده خداوند و خواست مردم توانسته راه خود را ادامه دهد.

ص: ۲۵

زائران در راستای تحکیم روابط با عربستان و نه تضعیف آن عمل کنند

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

جمعه خرداد

به گزارش خبرنگـار اعزامی خـبرگزاری دانشـجویان ایران (ایسـنا) به مکه مکرمه، آیت‌الله هاشـمی رفسـنجانی بـا حضـور در مراسـم ارتحال امام خمینی ۱ که در بعثه مقـام معظم رهبری در عربسـتان برگزار شـده بود، با بیان این مطلب گفت: «امام ۱ در تاریخ اسلام پس از ائمه معصوم: بی‌نظیرترین شخصیت بود. کاری که امام ۱ انجام داد، پیش از آن در تاریخ اسـلام برای مکتب اهل بیت سابقه ندارد.»

وی بیان کرد: «اگرچه حکومت‌های مذهبی در مقاطعی از تاریخ اسـلام تشکیل می‌شدند و مسلمانان گاهی حکومت برپا می‌کردند، ولی حکومتی که از یک جهت چارچوب اسـلام و متعهـد به همه مقررات اسـلام و از جهت دیگر حکومتی که مبتنی بر آرای مردم باشد، در تاریخ اسـلام سابقه ندارد. البته دوره خلافت حضـرت علی ۷ از این قاعده مسـتثناست و مسأله‌ای خاص است که در اسـلام عمومیت نـدارد. کـاری که امـام/ انجـام داد، امروز آثـارش در همه‌جـا کاملًا مشـهود است. یکی از آثار اقـدام امام/ برگزاری چنین جلسه‌های باشکوه و مملو از انسان‌های خالص زائر و خدوم به زوّار حج و عمره است؛ به عبارتی، گرد آمدن شما در بعثه مقام معظم رهبری در عربستان برای تشکّر از فرمایشی است که امام/ فرمودند.»

رییس مجمع تشـخیص مصـلحت نظام مهم‌ترین دستاورد مکتب امام خمینی/ را احیای دین اسلام در عصر مستکبران دانست و اظهار داشت: «مهم‌ترین دسـتاورد امام/ این است که در عصـری که مسـتکبران تاریخ تصور می‌کردند دوره دین در جامعه به پایان رسـیده است و فکر می‌کردنـد که دین از این پس به عنوان یک آلت شخصـی بین انسان و خـدا خواهد بود و نه تنظیم کننده رابطه انسان‌ها در جامعه، خیال‌شان راحت شده بود که دین دیگر به مدیریت جامعه بازنخواهد گشت.»

آیت الله هاشـمی رفسنجانی ادامه داد: «امام ۱ در چنین شـرایط و در موقعیتی که حلقه محکم سیسـتم استعماری در منطقه خاورمیانه بـود؛ یعنی ایران، ایـن حلقـه را شـکست و به‌جـای آن، رژیـم تابنـاک جمهـوری اسـلامی را ایجـاد کرد. مسـتکبران هیـچ وقـت فکر نمی‌کردنـد که چنین توفیقی در ایران اتفـاق بیفتـد. آن‌هـا روی ایران خیلی حساب می‌کردنـد. ایران را به عنوان جزیره امن و خلوت خانه استعمار در نظر گرفته بودند و رژیم شاه را با امکانات‌شان، مسلّح و پشتیبانی شدیدی می‌کردند.»

وی افزود: «آن‌ها در ذهن‌شان این بود که حکومت درست کردن، یا با کودتا انجام شدنی است یا با لشکرکشی و تسخیر. مستکبران سابقه‌ای از این‌که ملتی در منطقه با شـعار الله‌اکبر بتواند قیام کند و روی پای خود بایسـتد و بدون به کارگیری سلاح، رژیم تا دندان مسلّح را بتواند بشـکند و انگلیس و آمریکا را از این کشور بیرون کند، سـراغ نداشـتند. آن‌ها اصلًا چنین تصوّری نداشتند و غافلگیر شدنـد. خداونـد چشم و گوش آن‌ها را بست تا ملت فرصت پیـدا کند و به میدان بیاید و خیابان‌ها پر از نیروهای مسـلمان الله اکبرگو شد. در تهران و بسیاری از شهرها کار از کار گذشته بود و رژیم مجور شد که بساطش را جمع و فرار کند.»

او یادآور شـد: «آمریکا با التماس و خواهش از ملت ایران درخواست کرد که اجازه دهد شاه از ایران خارج شود و خیلی هم ممنون شد که نیروهای انقلاب اجازه دادند، شاه سالم از کشور خارج شود. چنین اتفاقی را در جایی سـراغ نداریم و متأسـفانه بعدها هم در جـایی دیگر تکرار نشـد. در مقطع پیروزی انقلاب اسـلامی همه فکر می‌کردنـد، این موضوع به دیگر کشورها هم تعمیم پیـدا کنـد، ولی مسـتکبران بـا درس گرفتن از انقلاب ایران، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کردنـد که تجربه انقلاب ایران تکرار نشود. البته آن‌ها بیکار ننشسـتند و بـا تحمیـل فشارهـای بسـیار بر ایران، جنـگ تحمیلی را سـبب شدنـد و مـا را همیشه تحت فشـار و تحریم‌های زیادی قرار داده‌انـد؛ ولی این نظـام الهی به خواست خـدا و بـا حمـایت مردم به کـارش ادامه داد و توانست همه توطئه‌هـا را بشـکند. اگرچه این

مبارزه‌ها همیشه برای نظام هزینه‌های زیادی داشته است.»

وی بیان کرد: «خانواده‌های داغدار شهدا، جانبازان و مفقودالأثرها، هزینه‌های این انقلاب‌اند. با همه این‌ها، باز امروز در دنیا یکی از نظام‌های قابل توجه و کاملًا مطرح، نظام مقدّس اسلامی است.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی گفت: «پیشرفت‌های علمی، فرهنگی و صنعتی همراه با مشکلاتی که مردم صبورانه آن‌ها را تحمّل کرده‌اند، باید ادامه یابند و این راه مشعشع باقی بماند. تحقّق این هدف جز با حضور همیشگی مردم ممکن نیست. کسانی که به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که سبب بیرون رفتن مردم از صحنه می‌شوند، کسانی‌که مردم را دلسرد می‌کنند، کسانی‌که سبب می‌شوند مردم رأی خود را کارساز نبینند وکسانی‌که به هر شیوه ممکن دست می‌زنند تا مردم به دستاورد ارزشمند انقلاب اسلامی بی‌توجه شوند، گناه و ظلم بزرگی مرتکب شده‌اند که متأسفانه در کشور ما این اتفاق افتاده است.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر این‌که انقلاب، احترام و شخصیت بزرگی به ایران داد، اظهارکرد: «خدا چنین نعمت‌هایی‌را بدون امتحان به‌کسی نمی‌دهد و با تلاش‌های دیگری باید ادامه یابد. خوشبختانه راه خدا، خسارت‌بار نیست. انسان در راه خدا هرچه بدهد، بهترش را به‌دست می‌آورد. با این دید، به قیام امام خمینی/، شخصیت‌های حاضر در حادثه خرداد و به تاریخ‌مان می‌نگریم و از خدا می‌خواهیم که ما را در راهش موفق کند.»

ص: ۲۶

او دربخش دیگری ازسخنان خود، با بیان این که زائران ایرانی، عاشق این‌هستندکه همیشه آزادانه وبا خیال راحت از اماکن مقدس عربستان سعودی بتوانند بهره‌مند شوند، گفت: «ان‌شاءالله شما زوار، خواسته‌هایی‌راکه ازکعبه مقدس وقبرمتبرّک حضرت رسول ۹ دارید، به شما داده شود. امیدوارم روابط خود را با کشورهای همسایه، به‌ویژه عربستان که سر و کار زیادی با این کشور دارند، بتوانیم حسنه کنیم.»

هاشمی رفسنجانی خطاب به زائران بیت‌الله الحرام، تأکید کرد: «شما هم تلاش کنید، در راستای تحکیم روابط و نه تضعیف آن با عربستان سعودی عمل کنید. البته باید در این مسیر مقاوم باشیم و با بصیرت حرکت کنیم که زائران ایرانی نیز این گونه‌اند. در صحبتی که با یکی از وزرای سعودی داشتم، او ایرانیان را منظم‌ترین، مؤدب‌ترین و منسجم‌ترین زائران در انجام مراسم دانست. همچنین از برنگشتن اتباع غیر ایرانی به موطن اصلی‌شان که منجر به افزایش نرخ بی کاری در عربستان شده است نیز گلایه مند بود.»

با حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی انجام شد؛

نخستین حضور بانوان ایرانی در قبرستان بقیع

با حضور آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی رییس مجلس خبرگان رهبری در قبرستان بقیع، بانوان زائر ایرانی برای نخستین بار توانستند وارد بقیع شده و از نزدیکترین فاصله با ائمه مظلوم بقیع به راز و نیاز و درد دل بپردازند. هاشمی رفسنجانی که یکشنبه شب برای زیارت ائمه مدفون در بقیع به این مکان مقدس رفته بود، با خیل عظیم بانوان مشتاق زیارت قبور مطهر چهار امام معصوم مواجه شد. به گزارش ایرنا از مدینه منوره، ازدحام جمعیت در پشت درهای بقیع به اندازه‌ای بود که مأموران سعودی دیگر قادر به کنترل جمعیت نبودند و درهای بقیع باز شد و هزاران زن زائر ایرانی با چشمان گریان و با فریادهای «یا زهرا» و «یا حسین» در کنار امامان خود حاضر شدند و در عزای دخت گرامی پیامبر مکرم اسلام حضرت صدیقه طاهره به عزاداری پرداختند. عزاداران و زائران قبور مطهر ائمه بقیع پس از ساعاتی از نیمه شب گذشته همراه با رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، قبرستان بقیع را به آرامی ترک کردند، در حالی که شعارهایی نظیر «خامنه‌ای زنده باد، هاشمی پاینده باد» و «صلّ علی محمد، یاور رهبر آمد» سر می‌دادند.

دومین حضور زائران زن ایرانی ظرف چند روز اخیر در قبرستان بقیع

آیت الله هاشمی رفسنجانی در جمع زائران ایرانی با اشاره به برگزاری اجلاس گفتگوی اسلامی در مکه و اقدام پادشاه عربستان در آغاز حرکتی جدید برای ایجاد وحدت میان مسلمانان، ابراز امیدواری کرد که از این پس شیعیان بتوانند با تدابیری در آرامش کامل قبر ائمه بقیع را زیارت کنند ...

زائران زن ایرانی خانه خدا برای دومین بار ظرف چند روز اخیر موفق به حضور در قبرستان بقیع در مدینه منوره شدند.

به گزارش خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی حج در مدینه منوره، در دقایق پایانی شب گذشته (دوشنبه) شمار زیادی از زائران زن حاضر در مدینه منوره پس از اطلاع از حضور رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در حرم شریف نبوی با مشایعت و همراهی آیت الله هاشمی رفسنجانی موفق به حضور در قبرستان بقیع و زیارت قبور ائمه مطهربقیع شدند.

در این همایش معنوی عاشقان اهل بیت با مدیحه سرایی و نوحه خوانی برای حضرت زهرا ۳ عزاداری کردند.

در پایان این مراسم نیز آیت الله هاشمی رفسنجانی ضمن تشکر از پادشاه عربستان، خواستار رعایت اخلاق و متانت زائران حاضر در حرم شریف نبوی و ائمه بقیع شدند.

ایشان با اشاره به برگزاری اجلاس گفتگوی اسلامی در مکه و اقدام پادشاه عربستان در آغاز حرکتی جدید در جهت ایجاد وحدت میان مسلمانان، ابراز امیدواری کردند که از این پس شیعیان بتوانند با تدابیری در آرامش کامل قبر ائمه بقیع را زیارت کنند.

این مراسم با آرامش کامل و پس از خروج زائران از قبرستان بقیع پایان یافت.

ایران از تمام توان خود برای اتحاد مسلمانان استفاده می کند

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

یکشنبه خرداد

رییس مجلس خبرگان رهبری، در ادامه سفر خود به عربستان سعودی، در جمع اعضای بعثه مقام معظم رهبری در مدینه منوره تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران تمام توان خود را برای اتحاد مسلمانان به کار می بندد. به‌گزارش خبرنگار اعزامی ایرنا به مدینه منوره، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی شنبه شب در بعثه مقام معظم رهبری در مدینه حاضر شد و در سخنانی در جمع اعضای بعثه و تعدادی از زوّار ایرانی، تأکید کرد:

ص: ۲۷

«اختلافات مسلمانان، باعث خشنودی کفار می‌شود و زائران ایرانی اگر مسأله نامناسبی هم مشاهده کردند، بایستی با صبوری با دیگر مسلمانان مواجه شوند.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تأکید بر ضرورت هشیاری علما و زوار ایرانی اظهار داشت: «بعضاً برخوردهای نامناسبی نیز در فضای حج اتفاق می‌افتد، اما مهم این است که زوار ایرانی با شکیبایی و تحمّل، به وحدت مسلمانان بیندیشند.»

هاشمی رفسنجانی، با اشاره به مذاکرات خود با مسؤولان عربستان درباره نحوه رفتار با زوّار ایرانی بیت الله الحرام و مدینه منوره گفت: «در صحبتی که با آقای ملک عبدالله پادشاه عربستان داشتم، وی در حضور من خطاب به یکی از مسؤولان سعودی دستور قاطعی صادر کرد که اگر رفتار نامناسبی با زائران ایرانی صورت گرفت، با خاطی برخورد شود و این دستور به شهر مدینه نیز ابلاغ شده است.»

رییس مجلس خبرگان رهبری تأکید کرد: «ما با همه مسلمانان برادر هستیم و نباید مرتکب گناه برهم زدن اتحاد مسلمانان شویم، گرچه اختلاف نظر نیز امری طبیعی است.»

وی در ادامه، حج را یکی از تدابیر فوق العاده عبادی در اسلام دانست و گفت:

«ما آثار حج را زمانی درک می کنیم که به روح آن پی برده باشیم.»

هاشمی رفسنجانی، حج را دارای محورهای عبادی، سیاسی، آموزشی، ارتباطی و وحدت آفرین دانست که اگر به همه روح حج توجه شود، انسان‌هایی که به حج مشرف می شوند، تنها به وحدت جهان اسلام می‌اندیشند.

وی در عین حال تأکید کرد: «در صورتی که روح حج محقق می شد، دنیای اسلامی امروز متعهد و یکپارچه می شد.»

هاشمی رفسنجانی، در ادامه، قرآن را بزرگترین سرمایه امت اسلامی خواند و گفت: «کلمات قرآن، اصلی‌ترین نشان از اعجاز آن است وکسانی که به مکتب اهل بیت منتسب هستند، اجازه نمی‌دهند که این اعجاز الهی مهجور باشد.»

رییس مجلس خبرگان رهبری که برای حضور در اجلاس بین المللی گفتمان مذاهب اسلامی به عربستان سعودی سفر کرده است، پس از حضور در این اجلاس در مکه مکرمه، جمعه شب وارد مدینه منوره شد.

هاشمی رفسنجانی همچنین با حضور در مسجد نبوی و قبرستان بقیع، مرقد مطهر پیامبر مکرّم اسلام و ائمه مظلوم بقیع را زیارت کرد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی: علی (ع) اهتمام خاص به وحدت و یکپارچگی مسلمانان داشت

۱۹/ ۳/ ۱۳۸۷

به گزارش خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی حج، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس مجلس خبرگان، شنبه شب در مدینه منوره سخنانی ایراد کرد.

هاشمی رفسنجانی در بخش اول سخنانش به بیان نکاتی درباره شهادت حضرت فاطمه ۳ پرداخت و گفت: «بعد از رحلت پیامبر ۹ با این بانوی بزرگوار و شخصیت ممتاز جهان اسلام خوب رفتار نشد وعمر مبارك ایشان در خانه‌ای که مرکز معنویات اسلام بود، به پایان رسید.»

اما رفتار شیرمردی هم چون علی ۷ نیز نشان می‌دهد که ایشان مایل نبودند جوری حرف بزنند یا رفتار کنند که وحدت و یکپارچگی مسلمانان لطمه بخورد.

وی افزود: «تاریخ می گوید هنگام تدفین حضرت زهرا ۳ پیکر مبارك ایشان در طول ۷۵ یا ۹۰ روز پس از آن واقعه تبدیل به سایه شده بود. اما بخش عجیب ماجرا این‌جا است که علی ۷ ازپیامبر ۹ درخواست می کند که خود ایشان از دخترش سؤال کند که چه اتفاقی افتاده است.»

هاشمی رفسنجانی اظهار امیدواری کرد که روزی قبر مطهر حضرت زهرا ۳ شناسایی شود.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس مجلس خبرگان، که در جمع روحانیون کاروان‌ها، نمایندگان بعثه آیات عظام، مسؤولان ستاد عمره، مدیران ثابت و راهنما و رابطین فرهنگی هتل‌ها و هیأت پزشکی در مدینه منوره سخن می‌گفت در بخش دیگری از سخنانش افزود: «شما خدمتگزاران حج باید قدر این نعمت را که در خدمت زائران خانه خدا هستید بدانید و متوجه باشید که این امکان برای همه فراهم نمی‌شود.»

وی در ادامه به اهمیت موضوع حج اشاره کرد وافزود: «حج یکی از عبادات بسیار مهم اسلام است و به تعبیر قرآن، خانه خدا با اهداف خاصی ساخته شد و همه ادیان دعوت شدند تا این خانه را زیارت کنند.»

ص: ۲۸

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «اگر همه به دستوراتی که در حج معین شده، عمل کنند، میلیون‌ها انسان پاک و ممتاز و متحد خواهیم داشت و این، جهان اسلام را مثل دانه‌های تسبیح به هم متصل می‌کند. اما متأسفانه برخی اوقات اختلافات بین کشورها و دولت‌ها باعث می‌شود که کفار بتوانند از آن استفاده کنند.»

وی با اشاره به صبوری حضرت علی ۷ و فاطمه ۳ در بیان اسرار و همچنین دستور آیه شریفه قرآن، مبنی بر چنگ زدن به ریسمان الهی تأکید کرد که زوار ایرانی در برخورد با مسائل ناگواری که می‌بینند با استدلال برخورد کنند و به آتش اختلافات دامن نزنند.

هاشمی رفسنجانی با اشاره به برخوردهای نامناسبی که در فضای حج اتفاق می‌افتد، از مذاکراتش در این زمینه با مسؤولان کشور سعودی خبر داد و افزود:

«من با مسئولان سعودی و شخص ملک‌عبدالله صحبت کردم و ایشان در حضور من دستور داد که با فرد خاطی با عزل و زندان و مجازات برخورد شود.»

وی ادامه داد: «در یک خانواده هم اختلاف طبیعی است. اما باید مواظب باشیم که هدف اصلی عبادت و حج را حفظ کنیم.»

رییس مجلس خبرگان در پایان به حضور خود در اجلاس سران و رهبران اسلامی اشاره کرد وگفت: «در حالی که مسلمانان یک چهارم جمعیت دنیا و آرای سازمان ملل را دارند، چرا مستکبران باید بتوانند بین آن‌ها تفرقه بیندازند و حکومت کنند؟ این با روح قرآن سازگار نیست.»

آقای هاشمی رفسنجانی با امیر مدینه دیدار کرد

خبرگزاری دانشجویان ایران- تهران ۲۰/ ۰۳/ ۱۳۸۷

آقای هاشمی رفسنجانی در جریان سفر به عربستان سعودی با عبدالعزیز بن ماجد بن عبدالعزیز، امیر مدینه منوره دیدار کرد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از روزنامه «المستقبل» چاپ لبنان، در جریان این دیدار امیر مدینه میهمانی ناهاری را در تکریم آیت الله هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران و هیأت همراه برگزار کرد.

روزنامه «الجزیره»، چاپ عربستان نیز با اشاره به سفر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران به عربستان نوشت: رفسنجانی فردا (سه‌شنبه) از منطقه «عسیر» و تعدادی از مناطق گردشگری این منطقه دیدار خواهد کرد.

قرار است امیر فیصل بن خالد، امیر منطقه عسیر ضمن استقبال از هاشمی رفسنجانی، مسائل متعددی را با وی به بحث و بررسی بگذارد.

بقیع به زودی

احیا خواهد شد

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

دوشنبه خرداد

آیت الله هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، روز یکشنبه برای چندمین بار در مدت حضور دو روزه خود در مدینه منوره به قبرستان بقیع رفت و در جمع هزاران زائر ایرانی و سایر ملل اسلامی که در مقابل درهای بسته بقیع تجمع کرده بودند گفت: «طولی نمی‌کشد که بقیع احیا می‌شود.»

به‌گزارش خبرنگار ایرنا از مدینه منوره، آیت الله هاشمی رفسنجانی عصر یکشنبه پس از حضور در حسینیه شیعیان مدینه منوره، عازم قبرستان بقیع شد و مسؤولان عربستان درهای بقیع را به روی زائران ایران و سایر ملل اسلامی گشودند. خیل مشتاقان، ائمه مدفون در بقیع و حضرت زهرا ۳، در حالی که شعارهای «صلّ علی محمد، یاور رهبر آمد» هاشمی را همراهی می‌کردند، با چشمان اشکبار در

کنار قبور چهار خورشید بقیع حضور یافتند و مداحان اهل بیت نیز به ذکر مصیبت حضرت زهرا ۳ پرداختند.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمع انبوه مسلمانان در بقیع، ابراز امیدواری کرد که شیعیان و علاقمندان اهل بیت آنگونه که می‌خواهند عزاداری کنند.

رییس مجلس خبرگان رهبری ضمن تشکر از مساعدت مسؤولان سعودی با زوار ایرانی گفت: «آقای ملک عبدالله، پادشاه عربستان طی امروز دو بار با وزیر عربستانی همراه من صحبت کرد و از او خواست که رضایت شیعیان مدینه جلب شود. البته شعیان نیز باید در زمان زیارت با متانت به فکر وحدت مسلمین باشند.»

ص: ۲۹

هاشـمی رفسنجانی ابراز امیدواری کرد، با توجه به جریانی که امروز در عربستان در رأس کار است، مردم بتوانند به راحتی به اعمال عبادی خود بپردازند.

هاشمی تأکید کرد: «باید از فرصتی که برای گفتگو بین مذاهب آغاز شده‌است، برای همدلی مسلمانان بیشترین بهره را ببریم.»

رییس مجلس خبرگان رهبری، عصر یکشنبه در حسینیه شیعیان مدینه نیز گفت:

«زمانی شیعیان در مدینه مشکلاتی داشتند اما به خاطر همدلی و هماهنگی بین من و ملک عبدالله در آن زمان که ولیعهد عربستان بود، مشکلات تا حدودی حل شد و شیعیان مدینه امروز زندگی آسان‌تری دارند.»

هاشـمی رفسـنجانی با اشاره به اقـدام‌های گسترده صورت گرفته برای نزدیک شدن مذاهب، خاطرنشان کرد: «وحدت امت اسـلامی امروز ضروری‌ترین نیاز است تا بتوانیم اسلام را در جایگاهی که خداوند می‌خواهد بنشانیم.»

وی گفت: «با اختلاف و تنازعات، به‌هم مشغول می‌شویم و ظرفیت‌هایی که خداوند اعطا نموده را از دست می دهیم.»

وی با تأکید بر این‌که اگر کشورهای اسلامی با هم متحد باشند بزرگترین قدرت هستند افزود: «هدف از سفر به عربستان این بود که بتوانیم سهمی در وحدت مسلمین داشته باشیم.»

وی یکی از اهـداف اصـلی اجلاس گفتمان مـذاهب اسـلامی در مکه را آماده شدن برای گفتگو با دیگر ادیان دانست و گفت: «در صورتی که بـا اتحـاد وارد مـذاکره بـا سـایر ادیـان شویم موفق خواهیم شـد، امـا در صورت داشـتن اختلاف، نه تنها چیزی به دست نمی‌آوریم بلکه داشته‌های خود را نیز از دست می‌دهیم.»

وی در ادامه از شـیعیان و اهـل سـنت خواست اختلاف‌هـای جزئی را کنـار گذاشـته و بـا مشترکات هماهنگ شونـد. وی همچنین از علمای اسلام خواست به وحدت اسلامی کمک کنند و از اختلاف‌های تفرقه افکنانه خودداری ورزند.

وی با تأکید بر این‌که دنیای اسلام محتاج تعلیمات ائمه اطهار است گفت:

«باید با تدبیر به گونه‌ای عمل کرد که راه اشاعه مکتب اهل بیت هموار شود.»

هاشمی رفسنجانی همچنین صبح یکشنبه از منطقه احد و محل جنگ خندق در اطراف مدینه و طرح توسعه حرم نبوی دیدار به عمل آورد.

رییس مجمع تشـخیص مصلحت نظام همچنین قرار است به عنوان اوّلین فرد ایرانی، روز دوشنبه به منطقه فدک در اطراف مدینه رفته و از این مکان مقدس دیدار به عمل آورد.

آقای هاشمی‌رفسنجانی در فدک، از آب چشمه فاطمه نوشید

دوشنبه خرداد www .aftabnews .ir

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سفر ۱۰ روزه خود به عربسـتان سـعودی، در حالی که به مدینه سـفر کرده بود، از وادی فاطمه یا همان منطقه تاریخی فدک نیز دیدن کرد و در حالی که اشک از چشمانش جاری بود، از چشمه فاطمه نوشید.

به گزارش آفتاب، هاشـمی برای دیدار از منطقه جغرافیایی فدک، با اتومبیل برای رسـیدن به مقصد، بیش از ۲۶۰ کیلومتر را از شهر مـدینه منوره به‌سوی اسـتان «حائل» درنوردید و به شـهر «حائط» و «حویطه» که به گفته آیت‌الله شـیخ محمدعلی عمری رهبر شـیعیان مدینه، همان «فدک» است، رسید.

در شهر حائط، فرماندار و مسؤولان این شهر از رییس مجلس خبرگان استقبال کردند.

ایـن گزارش حـاکی اسـت، مردم منطقـه نیز بـا شـور و شـوق از خانه‌هـا بیرون زده و بر بام‌هـا و بلنـدی‌های اطراف مشـغول تماشـای صحنه‌های بازدید بودند.

نایف فرمانـدار شـهر گفت: «اینجا فـدک است و الآن قدیمی‌ها هنوز به آن فدک می گویند. شـهر حدود ۳۵ هزار نفر جمعیـت دارد ولی جمعیت کل منطقه به اضافه روستانشینان و عشایر کوچ نشین به صدهزار نفر می‌رسد.»

سپس، «محمد عبدالرحمان جابر»، پیرمردی از اهالی فدك، که قبلًا رییس دایره امر به معروف و نهی از منکر منطقه بوده و هم‌اکنون نیز طبق گفته خودش، به دعوت مسؤولاـن منطقه مشـغول همکـاری با آنهاست، توضـیحاتی در مورد این منطقه به هیأت ایرانی ارائه کرد و به پرسش‌های رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام پاسخ داد.

ص: ۳۰

آیت‌الله هاشمی از او پرسید: چرا به این منطقه فدک می گویند؟

عبدالرحمن جابر: چون پیامبر خدا آن را به حضرت فاطمه بخشید.

هاشمی‌رفسنجانی: چرا پیامبر آن را به حضرت فاطمه بخشید؟

عبدالرحمان جابر: نظر ما این است که چون اهالی این منطقه بدون درگیری آن را به پیامبر خدا هدیه کردند و پیامبر نیز آن را به حضرت فاطمه هدیه کردند.

هاشمی‌رفسنجانی: در این منطقه چه چیزهایی به نام فاطمه وجود دارد؟

عبدالرحمان جابر: چشمه‌های هفت‌گانه فاطمه، مسجد فاطمه، وادی فاطمه، و بساتین (باغستان‌های) فاطمه.

هاشمی‌رفسنجانی: چرا اسم فدک را عوض کردید و حائط یعنی دیوار می گویید؟

عبدالرحمان جابر: در این منطقه سه دیوار بلند است که به صورت حلقه، منطقه را احاطه کرده است. درون دیوارها باغ (بستان) فاطمه نام دارد که در «معجم البلدان» یاقوت حموی هم ذکر شده است. مسجدی که الآن ترمیم شده، مربوط به زمان پیامبر اسلام بوده که به مسجد فاطمه معروف است. ما آل‌جابر هستیم که قدمتی چند صدساله در منطقه داریم و پیش از دولت سعودی حکمران اینجا بوده‌ایم.

هاشمی‌رفسنجانی: مساحت کل فدک چقدر است؟

عبدالرحمان جابر: مساحت منطقه فدک ۵۰ در ۵۰ کیلومتر است.

هاشمی‌رفسنجانی: وضع آب منطقه چگونه است؟

عبدالرحمان جابر: فدک دارای هفت چشمه آب بوده که به «عیون فاطمه» معروف است که به دلیل اهمال و بی‌توجهی به کشاورزی، آب آن کم شده وشاید علت کمی آب حفر چاه‌های عمیق (آرتزین) در منطقه باشد.

هاشمی‌رفسنجانی: می‌خواهم از آب چشمه فاطمه بخورم.

جابر و دیگر همراهان، وی را منع کرده، گفتند: آقای هاشمی! این کار را نکنید، چون نمی‌دانیم وضع آب چگونه است.

هاشمی در حالی که قطرات اشک چشمانش با چشمه فاطمه مخلوط شده بود، گفت: آیا بی‌سعادتی و حیف نیست که انسان تا اینجا بیاید و از چشمه فاطمه سیراب نشود؟!

این جمله باعث شد که قطرات اشکِ چشمان همراهان نیز در چشمه بریزد.

دیدار رییس مجلس خبرگان به «فدک» که در ۲۰ خرداد ماه جاری انجام شد، برای مسؤولان عربستانی که وی را همراهی می‌کردند نیز بسیار جالب بود و تازگی داشت؛ به‌طوری‌که در بازگشت به مدینه ضمن تشکر از ایشان که با این اقدام موجب شدند آنها نیز برای اولین بار قدم به فدک بگذارند، گفتند: ما تاکنون از چنین مسائلی مطلع نبودیم و آنچه در فدک دیدیم و شنیدیم برای خود ما نیز تازگی داشت!

گفتنی است، فدک منطقه‌ای است در شمال شرق مدینه که ملک شخصی پیامبر گرامی اسلام بوده و آن حضرت آن را به حضرت فاطمه زهرا ۳ بخشیدند.

اینجا همان مکانی است که بعد از رحلت پیامبر خدا، غصب شد و عثمان آن را به مروان‌بن‌حکم داد و او فدک را به دو فرزند خود عبدالملک و عبدالعزیز هبه کرد.

عمربن‌عبدالعزیز که از خلفای بنی‌امیه از شاخه مروانی بود، وقتی به حکومت رسید فدک را به فرزندان حضرت زهرا برگرداند ولی یزیدبن‌عبدالملک وقتی به حکومت رسید آن را پس گرفت. تا دوران خلافت سفاح در دست بنی‌مروان بود تا این‌که سفاح آن را

به حسن‌بن‌علی ۸ برگرداند تا میان اولاد حضرت زهرا تقسیم کند ولی منصور دوانیقی آن را از آن‌ها گرفت.

بار دیگر مهدی، فرزند منصور، فدک را به اولاد فاطمه زهرا برگرداند؛ اما موسی‌الهادی آن را از آن‌ها پس گرفت و همچنان در دست بنی‌عباس بود تا این‌که مأمون بار دیگر آن را به اولاد حضرت زهرا برگرداند و سرانجام متوکّل عباسی فدک را از آن‌ها پس گرفت.

با این تاریخچه پرفراز و فرود و پس از آن‌که در هزار سال گذشته سرنوشت فدک در هاله‌ای از ابهام فرو برده شد، این منطقه مهم به حال خود رها شد و تحوّلات زیادی را پشت سر گذاشت تا این‌که در قرن اخیر به دلیل دیوارهای مستحکمی که به طول شش کیلومتر در شش

ص: ۳۱

کیلومتر در چهار طرف آن برای حفاظت اهالی از دزدان و اشرار وجود داشت، به «حائط» معروف شد که به معنای دیوار است ولی نام فدک همچنان در اسناد و مدارک و بر زبان‌ها باقی ماند؛ به‌طوری که حتی هم اکنون بر تابلوی ورودی شهر زیر نام حائط، کلمه «فدک» نیز به چشم می‌خورد.

گزارشی دیگر با قلمی متفاوت از حضور نخستین گروه ایرانی در فدک

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

دوشنبه خرداد

رییس مجلس خبرگان رهبری و هیأت همراه، بامداد دوشنبه به عنوان نخستین گروه ایرانی وارد منطقه فدک که مزیّن به نام صدیقه اطهر، حضرت فاطمه زهرا» ۳ شدند و ازآن دیدارکردند. به‌گزارش ایرنا، هیچ یک از همراهان آیت الله هاشمی رفسنجانی تصور نمی‌کردند که چنین افتخاری نصیبشان شود. مردم منطقه فدک که این روزها آن‌را «حائط» می‌نامند، هنوز هم این شهر را به نام فاطمه می شناسند. مسجد فاطمه در فدک هنوز هم پا برجاست وهنوز هم می‌توان از فدک بوی یاس سفید را استشمام کرد.

خبرنگار ایرنا از اهالی منطقه پرسید: نام اینجا چیست؟ پاسخ دادند: «وادی فاطمه»، هنوز آن‌را ارثیه زهرای مرضیه می‌دانستند. گرچه بخش اعظم نخلستان‌های فدک خشکیده است، اما هنوز هم نخل‌هایی رشید سایه خود را بر وادی فاطمه می‌افکند. به این نخلستان‌ها «بوستان فاطمه» می گویند. می گویند فدک را پیامبر اعظم ۹ به فاطمه ۳ بخشیده بود. فدک در صدر اسلام، در اختیار شخص پیامبر بود و در آیاتی در سوره حشر نیز به آن اشاره شده است. فدک امروز با کوچ نشینان اطراف آن، ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد. هاشمی رفسنجانی پس از دیدار از این منطقه، به خبرنگاران گفت: «حالت عاطفی که در جمع حاضر ایجاد شده، قابل بحث نیست.» وی تصریح کرد: «آثار و نام حضرت زهرا ۳ هنوز در همه بخش‌های فدک وجود دارد و جای جای این سرزمین مزیّن به قدوم زهرای اطهر است.»

آقای هاشمی رفسنجانی، مدینه را به مقصد جده ترک کرد

جام جم آنلاین- سه شنبه ۲۱/ ۳/ ۸۷

به گزارش خبرنگار اعزامی جام جم به مدینه منوره، آیت الله هاشمی رفسنجانی و هیات همراه‌صبح امروز با بدرقه مقامات و مسئولان شهر مدینه، حجت الاسلام حسینی شریف مسئول بعثه مقام معظم رهبری وحجت الاسلام نجفی روحانی مسئول بعثه مقام معظم رهبری در مدینه منوره، از فرودگاه این شهر عازم جده شد.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس مجلس خبرگان رهبری که برای حضور در همایش گفتگوی مذاهب اسلامی به عربستان سفر کرده بود، در مدت اقامتش پس از انجام مراسم حج عمره، عازم مدینه منوره شد.

وی در مدت اقامتش در این شهر نیز چندین بار به زیارت حرم نبوی و قبور ائمه بقیع مشرف شد و از منطقه احد و منطقه فدک نیز بازدید کرد و علاوه بر سخنرانی برای دست اندرکاران حج در مدینه شامل روحانیون و مدیران هتل ها و رابطین فرهنگی، با شیعیان این شهر نیز دیدار و گفت و گو کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی: اراده سیاسی ایران توسعه روابط با ریاض است.

ملک عبدالله: سیاست های آمریکا علیه ایران اشتباه است

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

چهارشنبه خرداد

به گزارش گروه دریافت خبرِ خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در دیدار دوم رییس مجمع تشخیص با پادشاه عربستان که سعود

الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان نیز حضور داشت، رییس مجلس خبرگان رهبری با تشکّر از دستورات مفید و توجه ملک عبدالله به رفع مشکلات زائران ایرانی، خواستار تداوم این روند شد که نتیجه آن حفظ و تحکیم وحدت میان فرق اسلامی خواهد بود.

آیت الله هاشمی رفسنجانی یافتن راهکارهای مناسب برای تشریک مساعی بیش‌تر علمای دو کشور برای مقابله با برخی رفتارهای افراطی از هر دو طرف را بسیار کارساز و ضروری دانست و گفت: «عربستان سعودی و ایران دو کشور مهم اسلامی در منطقه هستند که منافع و مصالح جهان اسلام و منطقه ایجاد می کند توسعه همکاری های دینی و سیاسی دو جانبه را بیش تر و جدی تر دنبال کنند.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی را دارای نقش کلیدی برای کمک به حلّ بحران‌های منطقه و جهان اسلام توصیف کرد و گفت: «اراده سیاسی ایران، توسعه روابط و همکاری‌های همه جانبه با ریاض است و امیدواریم در آینده شاهد توسعه هر چه بیش‌تر روابط دوجانبه در تمامی زمینه‌های مورد علاقه به‌ویژه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی باشیم.»

ص: ۳۲

ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی نیز در این دیدار با اشاره به نقش مهم و سازنده جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه و جهان اسلام گفت: «عربستان سعودی نیز خواستار توسعه روابط با ایران و توسعه هر چه بیش‌تر روابط دو کشور است و امیدواریم با تدبیر و مدیریت سنجیده دو طرف بتوانیم با خنثی کردن برخی تفکّرات افراطی ضدّ وحدت و انسجام مسلمانان به اهداف خود برسیم.»

پادشاه عربستان سعودی با تشکر از اقدام آیت الله هاشمی رفسنجانی و نظم حضور زائران در قبرستان مقدس بقیع، گفت: «تداوم این روند، مستلزم برخورد با افراطی گریی‌ها و ایجاد نظم و مکانیزم خاصی است که امیدوارم به تدریج این مهم محقّق شود.»

ملک عبدالله با استقبال از رایزنی و تبادل نظر علمای برجسته ایران و عربستان برای نزدیک‌تر کردن دیدگاه‌ها و تقویت مشترکات مذهبی دو کشور، خواستار حفظ و تقویت این رایزنی‌ها شد و از نقش آیت الله هاشمی رفسنجانی در اهتمام به این موضوع مهم قدردانی کرد.

او سیاست‌های آمریکا در منطقه، به‌ویژه علیه جمهوری اسلامی ایران را اشتباه و برخلاف عرف دیپلماتیک عنوان کرد و گفت: «ما مواضع خود را در مورد اشتباهات سیاست آمریکا صراحتاً به آن‌ها گوشزد کرده‌ایم.»

رییس مجمع تشخیص مصلت نظام جده را به مقصد تهران ترک کرد

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

چهارشنبه خرداد

آیت الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام روز چهارشنبه با بدرقه رسمی خالد الفیصل، امیر منطقه مکه و دیگر مقامات عربستانی شهر بندری جده در غرب عربستان را به مقصد تهران ترک کرد.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس مجلس خبرگان رهبری، به دعوت رسمی ملک عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی به منظور شرکت در اجلاس بین المللی گفتمان اسلامی به عربستان رفته بود.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در سفر روزه خود به این کشور، ضمن شرکت در این اجلاس مهم، با پادشاه عربستان و دیگر مقامات این کشور؛ از جمله سلطان بن عبدالعزیز ولیعهد عربستان نیز در خصوص مهمترین تحوّلات منطقه‌ای و جهان اسلام دیدار و گفت گو کرد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در این سفر همچنین در اجلاس بین المللی گفتمان اسلامی که به ریاست پادشاه عربستان برگزار شد سخنرانی کرد که سخنان وی با استقبال گرم اندیشمندان اسلامی روبه رو شد.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در این سفر، همچنین ضمن ادای مناسک عمره، با زائران عمره‌گزار ایرانی و مسؤولان نمایندگی‌های ایران در عربستان دیدار و گفت گو کرد.

نخست‌وزیر مالزی و رییس پیشین مجلس نمایندگان فیلیپین از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله به خاطر اجلاس گفت‌وگوی مکه تمجید کردند

خبرگزاری دانشجویان ایران- تهران ۲۹/ ۳/ ۱۳۸۷

انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی و خوزه دونشیا، رییس پیشین مجلس نمایندگان فیلیپین خواستار گفت‌وگوی جهانی بین مسلمانان و مسیحیان و گفت‌وگوی بین ادیان برای حلّ درگیری‌های سیاسی- مذهبی در بخش‌های مختلف جهان شدند. به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، این مطلب در میهمانی شام دونشیا برای انور ابراهیم و همسرش خانم عزیزه، رهبر فعلی اپوزیسیون مالزی و نماینده مجلس این کشور بیان شده است.

دیگر حاضران در این میهمانی فیدل راموس، مشاور پیشین امنیت ملی، تنی چند از نمایندگان مجلس، دیپلمات‌ها و رهبران جامعه مدنی بودند.

ابراهیم و دونشیا از ملک عبدالله پادشاه عربستان و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به خاطر اجلاس گفت‌وگوی رهبران شیعه و سنی در مکه تمجید کردند و از آن به عنوان پشیرفت غیر منتظره مذهبی یاد کردند که می‌تواند الگویی برای مناطق آشوب‌زده‌ای نظیر عراق، افغانستان، لبنان و فلسطین باشد.

لازم به ذکر است انور ابراهیم به همراه همسرش برای دیدار از فیلیپین به این کشور سفر کرده است.

اسپانیا، میزبان کنفرانس گفت و گوی بین ادیان الهی

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا

ص: ۳۳

دوشنبه تیر

با موافقت عربستان سعودی و اسپانیا، کنفرانس گفت وگوی بین پیروان ادیان اسلامی، مسیحی و یهودی در تیر در مادرید اسپانیا برگزار می‌شود. به گزارش پایگاه اینترنتی «العرب آنلاین»، پادشاه عربستان سعودی پس از جلب حمایت روحانیون سنی و شیعه در نشست ماه جاری در مکه، خواستار برگزاری این نشست در مادرید شد.

طبق اعلام خبرگزاری عربستان سعودی، شخصیت‌های برجسته‌ای در این نشست که به منظور بررسی شرایط زندگی در جوامع انسانی، همکاری بین المللی، حقوق بشر، امنیت، صلح، همزیستی و مدارا برگزار می‌شود، شرکت خواهند کرد.

علّت انتخاب اسپانیا برای برگزاری این نشست اعلام نشده است و امکان دسترسی به مقامات وزارت خارجه این کشور برای توضیح درباره این خبر نیز میسّر نشد.

دیدار تعدادی از مسؤولان، از نمایشگاه عکس باغ فدک

خبرگزاری مهر- سه شنبه تیر

به گزارش خبرنگار مهر، در ابتدای این مراسم رسول اولیازاده رییس خانه عکاسان گفت: خوشبختانه به برکت سفر اخیر آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان و حضور در منطقه فدک ما شاهد برگزاری نمایشگاهی هستیم که تاکنون تصویری از آن برایمان وجود نداشت و ما فقط در ذهن خود با این منطقه آشنا بودیم.

وی افزود: آن چیزی که محمد کاظم پور با دوربین خود از منطقه فدک ثبت کرده مایه افتخار ماست؛ زیرا برای اولین بار مظلومیت حضرت زهرا ۳ اینچنین برای ما بازگو شده است. این منطقه همانطور که در روایت های مختلف تاریخی آمده بارها از دست شیعیان گرفته شده و این به اعتقاد من سندی معتبر برای اثبات مظلومیت شیعه است.

حسن بنیانیان رییس حوزه هنری نیز با تقدیر از برگزاری این نمایشگاه و این‌که نمایشگاه باید با شکوه بیشتر برگزار می‌شد گفت: باید به این نکته اذعان داشت حق عکس‌هایی که بغض ۱۴۰۰ ساله شیعه و مظلومیت او را احیا می‌کند به درستی ادا نشده و من امیدوارم در آینده تمهیداتی اندیشیده شود که این تصاویر با برگزاری یک مراسم باشکوه در خانه عکاسان رونمایی شود.

وی با اشاره به سفر اخیر رییس مجلس خبرگان رهبری به کشور عربستان تصریح کرد: این سفر پختگی و تدبیر آیت الله هاشمی رفسنجانی را نشان داد که در این دوره پرتنش و بحران، آبی را روی آتش ریخت و به عربستان سفر کرد تا مباحث مورد اختلاف شیعه و سنی را حل کند.

رییس حوزه هنری گفت: احساس مسؤولیت برای شیعه در این شرایط لوازمی دارد و ما باید کاری کنیم که احیای بغض شیعه طوری منعکس شود که موجب سوء استفاده نباشد. به معنای دقیق‌تر ما باید با اهل تسنن طوری برخورد کنیم که بدسلیقگی بین شیعه و سنی به وجود نیاید.

در ادامه این مراسم رییس دفتر رییس مجلس خبرگان رهبری در صحبت‌هایی با تقدیر از برگزارکنندگان نمایشگاه عکس باغ فدک گفت: امیدواریم این نمایشگاه شروع خوبی برای فدک شناسی و زهراشناسی ما باشد تا به وسیله آن بهتر بتوانیم با اهل بیت و قرآن آشنا شویم.

نمایشگاه قطعه عکس کاظم پور از دیدار رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و زائران ایرانی از باغ فدک در شهر حائط عربستان تا دهم تیرماه در گالری خانه عکاسان ایران برپا شد.

برپایی نمایشگاه‌های عکس «باغ فدک» و «سوره» در ۷ استان کشور

خبرگزاری فارس:

نمایشگاه عکس «باغ فدک» و «سوره» در استان‌های یزد، خراسان جنوبی، مازندران، بوشهر، کرج، قزوین و کرمان تا ۲۱ شهریور برپا گردید.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از واحد خبر حوزه هنری، خانه عکاسان ایران، نمایشگاه «باغ فدک» را با ۲۴ قطعه عکس از محمدکاظم‌پور که از باغ فدک عکاسی شده در معرض دید عموم قرار داده می‌شود.

این آثار در سفر اخیر هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام به عربستان سعودی و نیز دیدار وی از شهر حائط (محل باغ فدک) عکاسی شده است.

عکس‌های «باغ فدک» به ترتیب زمانی از ۲ تا ۸ مرداد به گالری حوزه هنری استان یزد، از ۱۰ تا ۲۰ مرداد در گالری حوزه هنری کرج، از ۲۴ تا ۳۱ مرداد در گالری حوزه هنری بیرجند، از ۳ تا ۹ شهریور در گالری حوزه هنری قزوین، از ۱۶ تا ۲۱ شهریور در گالری حوزه هنری استان مازندران و از ۱۳ تا ۱۹ مهر در گالری حوزه هنری بوشهر به نمایش گذاشته می‌شود.

ص: ۳۴

یادداشت‌ها و تحلیل‌ها

دعوت پادشاه عربستان

از آقای هاشمی رفسنجانی

http:// iranclubs. irbb. ir

۲۵/ ۲/ ۱۳۸۷

آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی رییس مجلس خبرگان رهبری، به دعوت رسمیِ ملک‌عبدالله پادشاه عربستان سعودی، در کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی وحدت اسلامی حضور خواهد یافت.

اسامه احمد السنوسی سفیر عربستان در ایران، که از سوی شخص ملک‌عبدالله مأموریت یافته تا از هاشمی‌رفسنجانی برای حضور در این کنفرانس بین‌المللی دعوت به عمل آورد، روز گذشته در دیدار با رییس مجلس خبرگان رهبری، دعوت رسمی، همراه با پیام پادشاه عربستان را تقدیم هاشمی‌رفسنجانی کرد. او تأکید و توجه ویژه ملک‌عبدالله را برای حضور هاشمی‌رفسنجانی در این کنفرانس خاطرنشان کرد و گفت: «ملک‌عبدالله به دلیل جایگاه والایی که در دنیای اسلام برای حضرت‌عالی قائل هستند و معتقدند باید از اندیشه و دانش شما بهره کافی برد، شخصاً به من مأموریت دادند تا از جناب‌عالی برای حضور در این اجلاس دعوت به‌عمل آورم.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در این دیدار با قدردانی از این دعوت، به‌ویژه تشکّر از ملک‌عبدالله، اهمیت انجام کنفرانس گفت‌وگوی اسلامی در مکه را، به‌خصوص در وضعیت کنونیِ جهان اسلام یادآور شد و گفت: «انتظار می‌رود انجام این کنفرانس با حضور شخصیت‌های علمی و دینی جهان، منشأ ثمرات و نتایج مطلوبی برای ایجاد وفاق و همدلی در جهان اسلام و رفع تنش و تفرقه کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی باشد.»

تنش‌زدایی در روابط تهران- ریاض

دعوت رسمی پادشاه عربستان از رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی صورت می‌گیرد که ظرف روزهای اخیر درگیری‌های لفظی میان ایران و عربستان اوج گرفته است. اظهارات اخیر سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی که در نشست فوق‌العاده وزیران خارجه اتحادیه عرب علیه ایران و سوریه بیان شد واکنش محمود احمدی‌نژاد رییس‌جمهور ایران را در پی داشت.

سعودالفیصل در سخنانی بسیار تند ایران را به مدیریت جنگ لبنان متهم کرد. او در این نشست که روز یک‌شنبه در قاهره برگزار شد، تحوّلات اخیر در بیروت را «جنگی دیوانه‌وار» خواند و گفت: «این ایران است که این جنگ فراگیر را مدیریت می‌کند و حزب‌الله هم عامل این جنگ است!»

سعود الفیصل از وزرای خارجه اتحادیه عرب خواست تا با صدور بیانیه‌ای، حزب‌الله و ایران را به علت اشغال بیروت محکوم کنند!

بیروت در هفته گذشته شاهد ناآرامی‌هایی بود که در نهایت منجر به تصرف بخش غربی این شهر توسط نیروهای حزب‌الله شد.

درگیری‌های لبنان از آنجا آغاز شد که دولت لبنان اقدام به بستن شبکه مخابراتی حزب‌الله کرد. درگیری‌های خیابانی میان هواداران و مخالفان دولت که حزب‌الله در رأس آن‌ها قرار داشت، دست‌کم ۱۵ کشته بر جای گذاشت.

اظهارات شدیداللحن وزیر امور خارجه عربستان سعودی با واکنش محمود احمدی‌نژاد مواجه شد. احمدی‌نژاد روز سه‌شنبه در کنفرانس خبری خود با مطبوعات و اصحاب رسانه در پاسخ به پرسش خبرگزاری «المنار» وابسته به حزب‌الله لبنان ابراز امیدواری

کرد که سخنان سعودالفیصل صحیح نبوده و از روی عصبانیت بیان شده باشد: «من امیدوارم این حرف‌ها درست نباشد و از روی عصبانیت مطرح شده باشد، بنابراین ما هم حوصله می‌کنیم تا عصبانیت ایشان بخوابد، سپس صحبت خواهیم کرد.»

ص: ۳۵

احمدی‌نژاد گفت: «به احترام ملک‌عبدالله، پاسخ سعودالفیصل را نخواهد داد.» او سعودالفیصل را دارای دیدگاه‌هایی خاص دانست و گفت: نمی‌داند دیدگاه‌های او با ملک‌عبدالله چقدر هماهنگ است.

احمدی‌نژاد در این مصاحبه مطبوعاتی گفت: «ایران تنها کشوری است که در لبنان دخالت نمی‌کند.» از سوی دیگر سعودالفیصل نیز درست در همان روز به ایران هشدار داد که حمایت از اقدامات حزب‌الله در لبنان، بر روابط ایران با جهان عرب تأثیر می‌گذارد.

تلاش برای حل اختلافات جهان اسلام

هاشمی‌رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار سفیر عربستان و پس از دریافت پیام دعوت از سوی احمد السنوسی، تفرقه در دنیای اسلام را در جهت منافع دشمنان ارزیابی کرد و گفت: اختلافات در دنیای اسلام؛ چه در سطح سیاسیون و چه در سطح علمای مذهبی، مایه رنج است و وضعیت نامطلوبی را ایجاد کرده است.

هاشمی‌رفسنجانی آثار کشتار، تخریب‌ها و درگیری‌ها در برخی کشورهای اسلامی، به‌ویژه عراق و لبنان را در عمیق کردن فاصله‌ها در جهان اسلام با اهمیت عنوان کرد و افزود: «برگزاری کنفرانس گفت‌وگوی اسلامی می‌تواند فضای مطلوب‌تری برای همکاری میان کشورهای اسلامی ایجاد نماید.»

او گفت: «از تقدّسی که در سرزمین وحی وجود دارد می‌توان برای حلّ مشکلات در جهان اسلام و کل جهان سود برد و جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند در کنار کشور عربستان، در حلّ اختلافات دنیای اسلام مؤثر باشد و در این راه تلاش خواهد کرد.»

اسامه احمد السنوسی نیز که در این دیدار هدف از برگزاری کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی در عربستان را بررسی راه‌های افزایش همکاری میان جهان اسلام و ارتباط آن‌ها با دیگر کشورها ذکر کرد و گفت: «امیدواریم با برگزاری این اجلاس بتوانیم به وحدت جهان اسلام کمک کنیم.»

هاشمی میهمان ویژه

«کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی»

تاریخ: خرداد www. farsnews. com-

خبر سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان، خبری بود که بسیاری، از اهداف آن، با توجه به دوستی هاشمی با ملک عبدالله آگاه شدند؛ ملک عبدالله از آیت الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس خبرگان رهبری، به‌عنوان یکی از علمای شیعه برای شرکت در اجلاس هم اندیشی وحدت اسلام دعوت کرد.

به عقیده تحلیل گران، دعوت شخصی پادشاه عربستان از رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با توجه به تنش‌های اخیر میان دو کشور و اوضاع منطقه، اهمیت بسیار دارد.

علاوه بر پیام سیاسی این دعوت، یک پیام مذهبی در دعوت از عالم شیعیِ ایرانیِ عالی رتبه و از مقامات ایرانی نهفته بود و آن وحدت میان مسلمانان بود.

با این‌که تعداد علمای شیعیِ اجلاس از علمای سنی کمتر بود و به جای خود یک انتقاد به جاست، اما احترام ویژه ملک‌عبدالله به هاشمی، ورود شانه به شانه این دو شخصیت به مراسم افتتاحیه و تحلیل‌های دو روزنامه مهم سعودی؛ یعنی عکاظ و الریاض نشان می‌دهد که آل سعود به دنبال احیای روابط با ایران است.

علاقه‌ای که در نشست های متعدد هاشمی با ملک عبدالله، سخنرانی ویژه وی در اجلاس گفت‌وگوی مذاهب اسلامی، باز شدن درِ بقیع بر روی زائران ایرانی در شب شهادت حضرت زهرا ۳، وعده احیای بقیع و وعده برخورد مناسب با زائران ایرانی بروز یافت.

انتظار می رود که با سفر هاشمی رفسنجانی، اوضاع منطقه و روابط دو کشور مؤثر در جهان اسلام رو به بهبود گذارد.

هاشمی در جلسات مختلف با سران سعودی، به تبیین مواضع ایران در قبال مسائلی چون لبنان، فلسطین، عراق و ... پرداخته است. اهمیت حضور ایران و آقای هاشمی‌رفسنجانی که نه‌تنها جایگاه سیاسی بلکه وجهه شخصیتی‌اش مورد توجه قرار می‌گرفت به حدی بود که موضوعات چهارده‌گانه‌ای که از سوی وی در کنفرانس مطرح شد، به عنوان منشوری برای کنفرانس آینده مدّ نظر قرار گرفت و حتی از هاشمی‌رفسنجانی درخواست شد تا نماینده‌ای را به عنوان نماینده خودش برای حضور در هیأتی که جهت ادامه گفت‌وگو تشکیل می‌گردد معرفی کند و از نظریات او نیز در پیشبرد گفت‌وگو با دیگر مذاهب استفاده شود.

ص: ۳۶

سفر آقای هاشمی به عربستان؛ سرمایه گذاری جدید برای روابط ریاض- تهران

خبرگزاری مهر/ دوشنبه خرداد

دعوت پادشاه عربستان سعودی از آیت الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای شرکت در کنفرانس «گفتگوی اسلام» و سفر طولانی و ده روزه رییس مجلس خبرگان به عربستان، قطعاً در قامت یک اتفاق مهم و ویژه‌در تاریخ روابط دیرینه ایران و عربستان سعودی است.

دراین کنفرانس‌شیوه گفتگو، ضوابط و شرایط آن، آداب و چگونگی گفتگو، آینده گفتگو در سایه اهانت‌های مکرر به اسلام، امور انسان و اصلاح وضعیت جوامع بشری، پیشگیری از برخورد تمدن‌ها؛ مسائل خانواده و اخلاق در مشترکات انسانی، گفتگو میان پیروان ادیان، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به جای برخورد تمدن‌ها با هدف ایجاد روابط مسالمت آمیز مورد بحث و بررسی صاحبنظران و مقامات عالی کشورهای اسلامی قرار گرفت.

تا پیش ازپیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران و عربستان در چارچوب دکترین نیکسون‌دو متحد نظامی- مالی آمریکا در منطقه محسوب می شدند و «رفاقتی آمیخته با رقابت ملایم» با یکدیگر داشتند (به خصوص در مورد موضوع نفت (اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به قطب مخالف سیاست‌های آمریکا در منطقه درآمد و بلافاصله یک دوره بی‌ثباتی وبی‌اعتمادی و سپس‌تنش در روابط ایران و عربستان روی داد که قریب به یک دهه دوام آورد که‌شدیدترین مصداق آن حادثه خونین مکه (شمسی) بود.

اما مشترکات و منافع مشترک ایران و عربستان آنقدر زیاد و گسترده بود که در سال‌های میانی دهه هفتاد شمسی و در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، جرقه دوستی ایران و عربستان زده شد و مجدداً روابط ایران و عربستان به گرمی گرایید.

بعد از حادثه یازده سپتامبر، رابطه ایران و عربستان باردیگر دچار بی‌ثباتی و خلأ هویتی شد و موضوع لبنان و بحران انتخاب رییس جمهور در این کشور، تبدیل به یکی از کانون‌های اختلاف ایران و عربستان شد.

به نظر می رسد ملک عبدالله با دعوت اخیر از هاشمی رفسنجانی به نوعی قصد «بازسازی» و بازگشت روابط ایران و عربستان به روزهای طلایی را دارد که این دعوت هم با پاسخ گرم و معنادار طرف ایرانی مواجه شد.

به نظر می رسد از پایان دهه اصلی‌ثابت و استراتژیک‌در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با عنوان «حفظ و ارتقای روابط با عربستان» شکل گرفته باشد که طرف عربستانی با تکیه بر این اصل مهم و با وارد کردن شخصیت برجسته‌ای چون هاشمی رفسنجانی تلاش دارد در جهت حلّ اختلافات و رفع سوء تفاهمات بین دو کشور پیش دستی کرده باشد.

اما عمده‌ترین چالش‌های ایران و عربستان را می‌توان در موارد زیر فهرست کرد:

- رقابت ایدئولوژیک دو کشور با هم ونمایندگی دو طیف اصلی شیعیان و اهل سنت از سوی ایران و عربستان و تقابل گفتمان وهابی و شیعی در شهرهای مقدس مکه و مدینه.

- تفاوت در رویکرد کلان به حضور نیروهای بیگانه در منطقه خلیج فارس و در رأس آن‌ها حضور نظامی- سیاسی ایالات متحده آمریکا.

- تفاوت دیدگاه ماهیتی- شکلی دو کشور در برخی امور؛ همچون اوضاع عراق، لبنان و فلسطین.

اما بروز گفتمان افراطی تروریستی در بخشی از جهان اسلام که با گفتمان سلفی و مصادیقی چون «گروه القاعده» شناخته می‌شود و حوادث تلخ عراق و بروز جنگ‌های طایفه‌ای و مذهبی در این کشور، ظرفیت عظیمی را برای همکاری مشترک عربستان و ایران ایجاد کرده است که می‌توان گفت: مواضع خاص، معتدل و واقع بینانه هاشمی رفسنجانی در مورد وحدت جهان اسلام، مؤلفه

دیگری است که باعث شده است عربستانی‌ها سرمایه‌گذاری جدیدی را در مورد روابط با ایران آغاز کنند. شرط مهم برای به ثمر رسیدن این دور جدیدِ سرمایه‌گذاری‌ها در روابط ایران و عربستان، کنترل جریان‌های سیاسی برهم زننده در هر دو سو و تعهّد عملی و صادقانه به توافقات این سفر مهم است.

به بهانه دومین ورود آیت الله هاشمی رفسنجانی

بر روابط رو به وخامت تهران- ریاض

www. tiknews. info

در اواخر سال ۱۳۷۸ آیت الله هاشمی رفسنجانی همراه تعدادی از همکارانش در دولت سازندگی، سفری به سرزمین وحی برای زیارت حرمین شریفین و انجام عمره مفرده داشت. پس از این سفر بود که دست اندر کاران فصلنامه «میقات حج» (که از منشورات حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت است)، مصاحبه‌ای با ایشان ترتیب دادند که مفصل و طولانی است و بیش از ۰۲ صفحه از صفحات این مجله را پر کرده و گفتگویی است پرنکته، تأمّل برانگیز و خواندنی.

ص: ۳۷

بخشـی از این مصاحبه در باره چگونگی ارتباط با عربسـتان سعودی و بهره وری از این ارتباط و بایسته ها و لوازم آناست، که مرور و نگاه دوباره به آن، در آستانه سفر ایشان به این کشور، خالی از لطف نیست:

ع- وارسته

جناب آقای هاشـمی! در سال های اخیر شاهد بودیم که روابط ایران و عربسـتان تحوّل چشمگیری پیدا کرده و رو به بهبودی است و حضرت عالی نقش عمده ای در این امر داشته اید. لطف کنید در زمینه روند شکل گیری این تحوّل و لزوم آن توضیحاتی بفرمایید!

آقای هاشـمی: من از وقتی که مسؤول اجرایی شـدم، تصـمیم داشـتم با عربسـتان از درِ دوستی وارد شوم و برایم روشن بود که ما در مسائل مربوط به نفت، جنگ، تحوّلات سیاسـی منطقه و کارهای مـذهبی- آموزشـی که در دنیا داریم، اگر با عربسـتان رابطه خوبی داشته باشیم و میان ما اعتماد حاکم باشد، کارها روانتر پیش می رود و درگیری ها و خنثی شدن نیروها کمتر است.

من کـار را از کنفرانس سـران کشورهـای اسـلامی در سـنگال شـروع کردم. آقـای «امیر عبـدالله» در آنجا حضور داشـتند و قرار شـد ملاقاتی میان ما اتفاق بیفتـد. در ابتـدا بنا شـد که ایشان به قسـمتی از تالار کنفرانس که بنـده در آنجا بودم، بیاید. بعد معلوم شد که ایشان توقّع دارد که من به نزد او بروم! تنها به این دلیل که احساس کردم این کوتاه آمدن، به تحسـین روابط کمک خواهد کرد، به نزد «امیر عبـدالله» رفتم. در همانجا از آقای فهـد دعوت به عمل آوردم ولی پاسخ شـنیدم که ایشان از ناحیه پا و زانو مشکل دارند و راه رفتن برایشان مشکل است.

در مجموع در تمـام دوران مسؤولیّتم در صـدد حلّ مسائل ایران و عربسـتان بودم. در ظاهر موانعی همچون «مراسم برائت»، و در خفا کارشـکنی های آمریکا و دیگران وجود داشت؛ ولی پیغام ها و رفت و آمدها در جریان بود و رفته رفته اصـطکاک موجود، برطرف و رابطه تلطیف می شـد. اوج این توفیق در «اسـلام آباد» پاکسـتان و در آخرین اجلاس سـران کنفرانس اسـلامی رخ داد. من و «امیر عبدالله» از قبل توافق کرده بودیم که ملاقاتی با هم داشـته باشیم. منتهی با توجّه به ملاقات قبل که در سنگال اتفاق افتاد و بنده به نزد ایشان رفتم، انتظار می رفت که این بار ایشان نزد من بیایند. اما خبر رسـید که آقای «امیر عبدالله» منتظر شما هستند! گفتم: ما منتظریم ایشان بیایند!

با این حال از جایم بلند شدم و تا نزدیک اتاق ایشان رفتیم که به ناگاه ایشان از اتاق خارج شد و گفت: من می خواهم به اتاق شـما بیایم! گفتم: فرقی نمی کند. حالا من آمده ام! اینجا هم اتاق ماست. ایشان قبول نکرد. گویا قاصدهایی که پیام های من و ایشان را به اتاق هایمان می بردند، خطا کرده بودند و قرار بدوی ما را که ولیعهد عربسـتان به اتاق من بیاید، به هم زدند. شاید هم علت دیگری داشـته است. به هر حـال کار به این نقطه که رسـید، ایشان به اتاق من آمـد و در آنجا به صـراحت تمام راجع به مسائل حرف زدیم. یکی از عمـده ترین صـحبت هایی که شد، این بود که کنفرانس بعدی سـران کشورهای اسـلامی در تهران برگزار شود. عجیب این که روز قبـل از آن مـاجرا، بیانیّه و مصوّبه ای در جـدّه منتشـر شـده بود که محلّ دیگری را برای کنفرانس در نظر گرفته بود. من در دیدار با امیر عبدالله این مسأله را مطرح کردم و توضیح خواستم. وزیر خارجه شان هم بودند و همان جا مسأله را حل کردیم.

این نخستین ثمره آن دیـدار بود. بعـد از آن، هنگـام ناهـار فرا رسـید. در آن روز مـا میهمـان نخست وزیر وقت پاکسـتان آقـای نواز شریف بودیم. ولیعهـد عربسـتان در این حال و در کمال تعجّب، سوار اتومبیل من شـد و خارج شـدیم. عـده زیادی شاهـد این اتّفاق نادر بودند.

می دانید که شخصـیّت ها برای خودشان محافظ و تشـکیلات و پیشـرو و اسکورت دارند. این‌که ایشان همه این مسائل را رها کند و در ماشـین من سوار شود، خلاف‌عرف رایـج بود و این ثمره آن نشسـت دوسـتانه و صـریح بود که از نظر ناظران آن صـحنه هم دور نماند.

از آن به بعد مشاهده کردم که خیلی از مسائل فیمابین حل شده است. ولیعهد عربستان پس از آن تصمیم گرفت از کنفرانس تهران حمایت کند و خودش هم به تهران آمد و برای ما مجالی شد که بیشتر با یکدیگر صحبت کنیم. مسافرت من به عربستان و سفر آقای خاتمی هم به میزان زیادی به تکمیل این روند کمک کرد.

به نظر حضرت عالی، گسترش روابط ایران و عربستان، در سطح بین المللی، به خصوص در رابطه با بهره گیری هر چه بیشتر از حج، چه تأثیراتی از خود به جا خواهد گذاشت؟

آقای هاشمی: ارزیابی من این است که بهبودی این روابط یک ضرورت است. در دنیای اسلام، همکاری ایران و عربستان، مهمترین پایگاه تقویت مواضع دنیای اسلام از لحاظ سیاسی، اقتصادی و دیگر ابعاد است. واقعیّت این است که دوستان ما و حامیان عربستان با هم اختلاف دید دارند و کم شدن فاصله میان ما و عربستان، در مجامع و کنفرانس های بین المللی، آثار مثبتی را به همراه خواهد داشت. یکی از مهمترین این آثار در مورد قضیّه نفت است. شاهد بودیم که طمع مصرف کنندگان نفت و نحوه عرضه و تقاضای آن، باعث شد که قیمت آن در بازارهای جهانی از ده دلار هم تنزّل کند که ظلم بزرگی به کشورهای نفت خیز و عمدتاً کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بود که در واقع هستی آنان به این ماده حیاتی وابسته است. اصلاح روابط موجود میان تهران و ریاض، بسیاری از مشکلات را حل کرد و به کاهش تنش موجود در خلیج فارس دامن زد.

مسأله عراق برای ما بسیار مهم است. اگر ما همکاری کنیم، این کانون تشنّج در منطقه، آرام خواهد شد.

مهمترین مسأله ای که هنوز در سطح جدّی بدان نپرداخته ایم، مسأله فلسطین است که کمی اختلاف نظر در این مورد وجود دارد. در مسأله افغانستان اگر همکاری های ما جدّی بود، وضع موجود را شاهد نبودیم. من فکر می کنم که در بسیاری از مسائل دنیای اسلام، همکاری ما

ص: ۳۸

سازنده است و امیدواریم به تدریج با بحث و اقناع یکدیگر به توفیقاتی دست یابیم. من با ولیعهد عربستان در مورد تمام این موضوعات، در نشست های خصوصی و دوستانه ای که با هم داشتیم، صحبت کردم و به تدریج وضع بهتر می شود.

متأسّفانه در سال های گذشته میان ایران و عربستان در سطح محافل علمی، دینی و مذهبی، ارتباطی وجود نداشته و از این رهگذر خسارات زیادی متوجه ما شده است. بفرمایید نظر شما در این باره چیست؟ چه میزان برای تحقّق این ارتباط، اهمیّت قائلید و چه پیشنهادی دارید؟

آقای هاشمی: همینطور است. در حال حاضر آن مقدار که ما در سطح ارتباط میان رجال دولتی و سیاسی، به عربستان نزدیک شده ایم، از لحاظ علمی- چه نیروهای علمی دانشگاه و چه علمای دینی- نزدیکی خاصّی رخ نداده است. به نظر من باید برنامه‌ای تنظیم شود که علما با یکدیگر ملاقات کنند و دور از تعصّبات به گفتگو بپردازند و دیدگاههایشان را به هم نزدیک کنند. علمای ایران و عربستان در کشورهای خودشان منشأ اثر بوده اند و لزوم تقارن و تقارب میان این دو گروه از علما احساس می شود. پشتوانه روابط سیاسی و اقتصادی که میان ما و عربستان وجود دارد، همکاری های دینی است و حج برای تحقّق این امر، موقعیّت مناسبی است. علمایی که از ایران همه‌ساله به حج می روند، باید به گونه‌ای برنامه ریزی کنند که با علمای عرب، رابطه برقرار شود و از آنها برای سفر به ایران و دیدار از شهرهایی همچون قم و مشهد و بازدید از حوزه ها و دانشگاه های ما دعوت به عمل آورند. من هنوز اثر دیدارهایی را که از دانشگاهها و مراکز علمی عربستان داشته‌ام، در وجودم احساس می کنم و حتّی گاه تشدید و تقویت می شود ...

اظهارات توهین آمیز خطیب نماز جمعه مسجدالنبی در حضور آقای هاشمی

جناب آقای هاشمی! به هنگام حضور حضرت عالی در مدینه منوّره و شرکتتان در نماز جمعه، خطیب جمعه، مطالب نابجا و اهانت‌هایی را در صحبت هایش داشت که با عکس العمل حضرت عالی روبرو شد. اگر صلاح می دانید، مایلیم که برای ثبت در تاریخ اصل ماجرا را از زبان شما بشنویم.

آقای هاشمی: بله. آن ماجرا تلخ و دارای عاقبت شیرینی بود. ما آن روز با خستگیِ زیادِ ناشی از سفر، خودمان را به نماز جمعه رساندیم و انگیزه ای جز کمک به وحدت و نزدیکی نداشتیم. طبق معمول برای استماع خطبه ها نشستیم؛ ولی خطیب جمعه در خلال صحبت هایش حرف های نادرستی زد. در کنار من یکی از وزرای کابینه عربستان نشسته بود. من به ایشان که معمولاً با من همراهی می کرد، گفتم:

با توجّه به حرف های این آقا، ما دیگر نمی توانیم پشت سر ایشان نماز بخوانیم. وزیر مربوطه هم جواب داد: من هم توجیهی برای این کار نمی بینم.

من شک داشتم که آیا خطیب مزبور، اصلا متوجّه ورود من شد، یا نه؟ چون مسجد مملو از جمعیّت بود و جایی را برای ما از قبل خالی نگاه داشته بودند. برخاستیم و به اتاقی که متعلّق به حرم بود و برای استراحت ما در نظر گرفته بودند، رفتیم و نماز خودمان را در جمع ایرانیان و عرب هایی که همراه ما به اتاق آمدند، خواندیم. من دیگر کلمه ای در این باب به زبان نیاوردم. بعد یکی از آقایان اهل علم که در شمار متولّیان حرم بود، نزد من آمد و گفت:

ایشان عادتش این است و بدون در نظرگرفتن سیاست دولت به نحو خودسرانه ای حرف می زند. شما به دل نگیرید و مطمئن باشید این کار را بی جواب نخواهیم گذاشت و احساس می کنیم به ما هم اهانت شده است. در سنّت ما اهانت به میهمان، جرم بدی محسوب می شود.

به هتل که رفتیم، آقای «امیرعبدالله» تلفنی با من تماس گرفت و به نحو مؤکّدی اظهار تأسّف کرد و سخنان خطیب جمعه را یک خودسری آشکار و اهانت به مقامات سعودی خواند. من سعی کردم عصبانیّت ولیعهد عربستان را کاهش دهم. گفتم:

ما حالت های علما و روحانیّت را بیشتر از شما می شناسیم و می دانیم که در میان آنان از این اتفاقّات می افتد! ایشان دوباره تأکید کرد که شما بعداً شاهد خواهید بود که ما تحمّل نخواهیم کرد که میهمانمان مورد اهانت قرار گیرد و خلاف سیاستمان عمل شود. واقعاً هم به این قولشان وفا کردند؛ با آنکه ما از آنها نخواسته بودیم که این قضیّه را دنبال کنند.

دوستی‌هایی که باید بماند

www. hamshahrionline. ir

هاشمی رفسنجانی که در سفری ۱۰ روزه در عربستان سعودی به سر می‌برد، طولانی‌ترین سفر مقامی ایرانی را در این کشور تجربه می‌کند، فرصتی که او هر روز خبری درباره بهبود روابط اعلام می‌کند؛ روز گذشته خبر از دستور پادشاه عربستان برای مقابله با رفتارهای افراطیون علیه شیعیان در شهرهای مکه و مدینه را داد و دیشب نیز در جوار حرم نبوی ۹ خبر داد که «بقیع به‌زودی احیا خواهد شد.» وی این خبر را در قبرستان بقیع، در دقایق پایانیِ یکشنبه شب، پس از آن‌که به دستور مستقیم ملک عبدالله شاه عربستان برای اولین بار زائران زن حاضر در حرم مطهر رسول گرامی ۹ توفیق حضور در کنار ائمه بقیع: را یافتند، داد.

ص: ۳۹

رییس مجلس خبرگان رهبری ضمن تشکّر از مساعدت مسؤولان سعودی با زوّار ایرانی گفت: «آقای ملک عبدالله پادشاه عربستان، طی امروز دو بار با وزیر عربستانی همراه من صحبت کرد و از او خواست که رضایت شیعیان مدینه جلب شود.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، هر چند میهمان ویژه پادشاه عربستان است و امروز به‌عنوان اوّلین‌ایرانی به منطقه فدک رفته و از این مکان مقدس که جایگاه ویژه‌ای نزد شیعیان دارد، دیدن می‌کند اما همین کافی است، در شرایطی که افراط گرایان عربستان هر روز بر آتش مخاصمه با شیعیان می‌افزایند سران دو کشور همراهی، دوستی و مفاهمه را پیشه کرده‌اند.

امیرعبدالله که در دوره ولیعهدی‌اش آذر ۱۳۷۶ برای شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به تهران آمد، به دعوت اکبرهاشمی رفسنجانی در زمانی که او دوران ریاست‌جمهوری‌اش را به پایان برده بود، به ایران سفر کرده بود، سفری که نقطه اوج روند رو به بهبود مناسبات سیاسی دو کشور در دهه ۱۳۷۰ بود. پس از این سفر رفت‌وآمد بلندپایگان دوکشور به پایتخت‌های یکدیگر فزونی یافت.

سوء تفاهم و عدم‌شناخت صحیح، اصلی‌ترین ویژگی مناسبات میان عربستان و ایران بوده است؛ موضوعی که شکنندگی روابط این دو کشور راهبردی منطقه را طی سه دهه گذشته به‌دنبال داشته است. از همین جهات است که همزمان با سفر رییس مجلس خبرگان رهبری به عربستان سعودی، ضرورت گفت‌وگوی کشورهای عرب با ایران احساس شده است.

با نگاهی به پیشینه روابط ایران و عربستان، شاهد روزهای پرفرازونشیبی هستیم. عربستان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران سیاست احتیاط، سکوت و نظارت را در پیش گرفت ولی پس از مدتی، هیأتی بلندپایه به سرپرستی دبیرکل «رابطه العالم الاسلامی» را برای تبریک پیروزی انقلاب اسلامی به ایران فرستاد. ملک خالد در اوّلین واکنش خود، برپایی حکومت اسلامی در ایران را مقدمه نزدیکی و تفاهم هرچه بیشتر دو کشور خواند. فهد ولیعهد وقت عربستان نیز گفت: «برای رهبری انقلاب ایران احترام زیادی قائل هستیم».

اما با شروع جنگ تحمیلیِ عراق بر ضدّ ایران، عربستان با کمک‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی خود، در کنار عراق قرار گرفت. مجموع این اقدامات باعث سردی و تیرگی روابط شد و مناسبات ایران و عربستان سعودی تا سطح کاردار تنزل یافت.

یک هواپیما ربایی روابط ایران و عربستان را در اوج جنگ تحمیلی عراق وارد شرایط بهتری کرد و مناسبات ایران و عربستان بهبود یافت. در سال ۱۳۶۳ حادثه ربوده شدن یک فروند هواپیمای سعودی و فرود آن در فرودگاه مهرآباد و اقدامات مثبت جمهوری اسلامی ایران در پایان دادن به این حادثه، باعث شد روابط دو کشور تا حدودی رو به بهبود نهد.

در ۱۳۶۴ سفر وزیرخارجه عربستان به جمهوری اسلامی و سفر وزیر خارجه وقت ایران به عربستان انجام شد که این سفرها با هدف بهبود روابط و حلّ پاره‌ای از مشکلات فیمابین، چون حج و جنگ ایران و عراق صورت گرفت، اما نتیجه‌ای در پی نداشت. اما باز در سال ۱۳۶۵ عربستان برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران و با افزایش صدور نفت، قیمت را کاهش داد که به تیرگی مجدد در روابط دو کشور انجامید.

سردی حاکم بر روابط دو کشور و تشدید آن توسط آمریکا با هدایت جریانات منطقه‌ای بر ضدایران، همچنین شهادت ۴۰۰ تن از حجاج ایرانی در مراسم حج ۱۳۶۶ که اعتراض شدید جمهوری اسلامی را به‌دنبال داشت، تیرگی روابط دو کشور را به اوج خود رسانید. ششم اردیبهشت ۱۳۶۷ عربستان اقدام به قطع یکجانبه مناسبات سیاسی با جمهوری اسلامی ایران کرد و این قطع رابطه حدود سه سال به طول انجامید؛ سه سالی که هیچ زائر ایرانی به حج مشرف نشد؛ اما عربستان سعودی که از قطع روابط با ایران منفعتی نبرده بود با بهانه‌ای به‌دنبال تجدید رابطه بود. موضوع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی ایران گام مؤثری در تجدید رابطه با عربستان بود. عربستان قبول قطعنامه از سوی ایران را یک اقدام شجاعانه توصیف و از

آن استقبال کرد. در این شرایط، جبهه گیری مطبوعاتی عربستان علیه جمهوری اسلامی متوقف شد و فهد شخصاً اعلام کرد که با ایران اختلافی ندارد که قابل حل نباشد. تهران نیز آمادگی خود را برای آغاز مذاکرات مستقیم با ریاض اعلام کرد.

تجاوز عراق به کویت در ۱۳۶۹ و مواضع ایران در این حادثه و هم نیاز شورای همکاری خلیج‌فارس به حمایت ایران، باعث شد تا کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، به‌ویژه عربستان برای تجدید رابطه با جمهوری اسلامی ایران تلاش کنند.

اولین دیدار مقامات ایران و عربستان بین وزرای خارجه دو کشور در اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد- شهریور ۱۳۶۹- و دیدار بعدی در ژنو انجام گرفت. در ۱۵ اسفند ۱۳۶۹ نیز وزرای خارجه دو کشور در مسقط با هم ملاقات کردند. به‌دنبال این دیدار در ۲ اسفند ۱۳۶۹ بیانیه مشترکی در زمینه برقراری مجدد روابط سیاسی دو کشور همزمان در تهران و ریاض منتشر شد.

سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان پس از دیدار با علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت در مصاحبه‌ای اعلام کرد، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در حلّ تمام مشکلات فیمابین به تفاهم رسیدند. سرانجام پس از سه سال قطع رابطه سیاسی، در پی مذاکرات وزرای خارجه دو کشور، تجدید روابط متقابل اعلام شد و مقامات تهران و ریاض در فروردین ۱۳۷۰ سفارتخانه‌های خود را در پایتخت‌های یکدیگر گشودند.

عربستان سعودی نشان داده است «تأثیر پذیری از بیرون» ویژگی‌ای است که سعی کرده است در سال‌های اخیر از آن فاصله بگیرد و براساس منافع ملی و منطقه‌ای مناسباتش را با جمهوری اسلامی ایران بر مدار منفعت دو سویه تنظیم کند.

ص: ۴۰

بومی گرایی و منطقه گرایی که طی بیش از دو دهه اخیر شعار آرمانی جمهوری اسلامی ایران برای فائق آمدن بر مشکلات منطقه به شمار می‌رود، به‌تدریج نزد دولتمردان عربستان سعودی نیز معنا و مفهوم حقیقی خود را یافته است.

رفتار فعلی سران عربستان سعودی نشان می‌دهد تغییراتی در راستای منافع جهان اسلام درحال وقوع است، چرا که به اعتقاد نویسنده سرمقاله دیروز روزنامه «الریاض» عربستان؛ «در جهانی که کشورها برای تشکیل ائتلاف و پیمان‌های مشترک تلاش می کنند، عقل حکم می کند که اعراب برای حفظ منافع اساسی خود درباره گفت‌وگو و دستیابی به توافق با ایرانی‌ها تلاش کنند، به‌خصوص که اعراب و ایرانی‌ها از امکانات بسیار در زمینه‌های انرژی، نیروی انسانی، گردشگری، موقعیت جغرافیایی، صنعت، کشاورزی وعرصه‌های دیگر برخوردارند.»

الریاض نوشت: «اگر اعراب و ایرانی‌ها به اختلافات خود ادامه دهند، درواقع با فطرت الهی خویش جنگیده‌اند؛ زیرا فطرت بشر بر استفاده از امکانات وخلاقیت‌های انسان و کنار گذاشتن حوادث تلخ گذشته حکم می کند.»

این روزنامه افزود: «انسان‌ها به‌طور طبیعی با یکدیگر در برخی زمینه‌ها؛ از جمله عقاید و افکار، متفاوت هستند اما مسأله این است که این تفاوت به اختلاف ومنازعه نباید تبدیل شود.» الریاض نوشت: «اکنون مسأله مسلمانان؛ اعم از عرب، ترک و ایرانی، باید این باشد که چگونه از امکانات خود برای بهبود و پیشرفت اوضاع مسلمانان استفاده کنیم نه این که بر سر این بحث کنیم که حق با کیست.»

اوج عظمت و اقتدار تشیع

محمدرضا نوری شاهرودی

برای اولین بار در تاریخ شیعه، در یک نشست بین المللی وجهانی یکی از یاران صدیق و شاگردان نستوه امام خمینی ۱ و هم سنگر و یار غار مقام رهبری به تبیین مسائل مهم اسلامی و مواضع به حق ایران عزیز برای بیش از ۸۰۰ نفر از علماء، اندیشمندان و فرهیختگان، که از سراسر دنیا در محیط وحی الهی درکنار مکه مکرمه جمع شده بودند، می پردازد و باز برای اولین بار سه کانال تلویزیون عربستان به صورت زنده به اضافه، ده‌ها کانال عربی و انگلیسی، سخنان ریاست مجلس خبرگان رهبری را پخش کردند. ده‌ها روزنامه که در مجموع بیش از یک میلیون تیراژ داشتند، عکس و سخنرانی ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را منتشر نمودند. عمده سایت‌های خبری و اینترنتی اذعان نمودند که کنفرانس گفتگوی ادیان با وجود آیت الله هاشمی رفسنجانی و سخنرانی جامع و مستدل وی، شکل واقعی به خود گرفته است.

حقیقت آن است که عربستان سعودی از وجود عده‌ای از افراطیون وهابی، که باعث تشنج و ایجاد کینه و نفاق در آن کشور شده‌اند رنج می‌برد و نسبت به فتاوای تفرقه افکن، موضع منفی دارد. دولت‌مردان سعودی به خصوص شخص ملک عبدالله که این افراطیون را قبول ندارند و عموماً از آن‌ها بیزاری می‌جویند، با تدارک کنفرانس گفتگوی ادیان به دنبال اعتدال در روش و منش علمای دین هستند که به‌جای تندروی‌های جاهلانه، از تسامح و ظرفیت بالای اسلام سخن بگویند.

ملک عبدالله با دعوت از آیت الله هاشمی رفسنجانی و استقبال با شکوه و مانندنی از وی و قرار دادن ایشان در جایگاه ریاست، می‌خواهد به تندروی‌های سلفی بفهماند که باید در مسأله وحدت جهان اسلام- جایگاه شیعه فراموش نشود و آنان واقعیتی هستند که باید حضورشان در معادلات پذیرفته شود. بر این اساس، باید از رویکرد جدید عربستان استقبال شود و از وجود گوهربار این بازوی توانمند نظام اسلامی ایران برای پیشبرد روابط با دولت‌مردان سعودی استفاده گردد. با اذعان و اعتراف عمده شرکت کنندگان در کنفرانس، سخنران ایران توانست در مدت کوتاه، جامع‌ترین مسائل مورد ابتلای کشورهای اسلامی را بازگو کند. محورهای چهارده گانه سخنان ایشان حاکی از واقع بینی، ژرف نگری، اعتدال و نگاه به آینده مسلمانان و کشورهای اسلامی است.

کنفرانس گفتگو باید این سخنان را به عنوان منشور ملل اسلامی و به مثابه فکری جدید بررسی و تحلیل نموده و در برخورد با مشکلات جهان اسلام، به عنوان راه گشا از آن استفاده نماید.

خوشبختانه دبیرخانه کنفرانس، سخنرانی آیت الله هاشمی را به ۶ زبان مهم دنیا ترجمه و در اختیار اعضا قرار داد. آقای هاشمی با اشاره به این‌که چهارده قرن پیش پیغمبر گرامی ۹ پس از نزول، دستور علنی کردن دعوت به اسلام بر قله کوه مقدس صفا، با جمله هشدار دهنده «یا صباحا!» مکیان را دعوت به شنیدن یک خبر مهم کردند و پس از جمع شدن مردم و عمدتاً افراد قبیله قریش با گرفتن اقرار به امین و صادق بودن خودشان از حضار، دعوت آسمانی خود را علنی کردند و هنوز طنین آن دعوت مبارک در سراسر جهان شنیده می شود و اسلام همچنان بالنده و روبه پیش است، اعلام کردند:

۱- این کنگره عظیم را در جوار بیت الله الحرام و در جوار صفا و مروه، نقطه آغاز دعوت علنی رسول گرامی، با فرمان آسمانیِ فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ ... ونیز وَ أَنْذِرْ عَشیرَتَکَ الأَقْرَبین می‌دانم ۲- ابراز امیدواری به تأثیر این اجتماع در بهبود وضعیت امت اسلام؛ کاری که جمهوری اسلامی ایران از سال‌ها پیش هر ساله انجام می‌دهد و بیست و یکمین اجلاس آن چند هفته پیش در تهران برگزار شد. و کاری که نیم قرن پیش آیت الله بروجردی و علامه شیخ شلتوت در «دارالتقریب» با هدف رفع اختلاف و ایجاد وحدت جهان اسلام آغاز کردند. ۳- برای مذاکره با ادیان و مکاتب دیگر، قبلًا باید جهان اسلام با اصلاح امور خود آماده وارد شدن یکپارچه به این میدان شود. ۴- در سایه اسلام و قرآن، جهان اسلام امروز مجموعه امکانات وسیع و بی‌نظیری را در اختیار دارد.

ص: ۴۱

یک چهارم جمعیت جهان، ۲۰٪ تولید جهان و ۵۷ رای در مراکز تصمیم گیریِ بین‌المللی و حضور در حساس‌ترین نقاط ژئوپولتیک کره زمین و تملک منابع طبیعی ارزشمند؛ از جمله اکثر منابع انرژی کره خاکی و بالاتر از همه، برخورداری از ارزشمندترین مکتب‌های تاریخ بشری؛ زیرا اسلام و قرآن کریم تنها سند آسمانی دست نخورده تاریخ بشر است.

۵

– متأسفانه بر اثر عدم هماهنگی و وجود اختلافات بی اساس و عدم برنامه جامع برای کلّیت امت اسلامی، جهان اسلام دچار وضعی نامساعد و مورد تجاوز دنیاخواران انحصار طلب و صهیونیسم غاصب و اشغالگر و غارت ثروت‌های معنوی و مادی و یا معطل بودن آن‌ها است. ۶– انتظار می رود چنین اجتماعی با استمداد از برکت بیت الله الحرام و توجه دانشمندان سراسر جهان اسلام و با کمک‌های دولت‌های اسلامی، گامی در جهت رفع مشکلات و استفاده بهتر از استعدادها و امکانات و نزدیک کردن قلوب مسلمانان به یکدیگر بردارد. ۷– می‌توانیم میثاق این اجلاس را براساس اصول و قواعد مسلّم و مورد وفاق همه مذاهب اسلامی و با تکیه بر معارف قرآن شریف تنظیم کنیم. به چند نمونه از اصول مسلّم قرآنی اشاره می کنم: الف– اصل وظیفه تمسک به حبل الله و پرهیز از تفرقه؛ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا آل عمران: ۱۰۳

ب– اصل مشورت و هماهنگی با توجه به آیات؛ وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْر آل عمران؛ ۱۵۹) و وَ أَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُم شوری: ۳۸.

ج– قاعده نفی سبیل یا ممنوعیت سلطه‌پذیری در مقابل کفار؛ وَ لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرینَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ سَبیلا نسا: ۱۴۱.

د– اصل تکلیف حفظ عزّت و اعتبار امت اسلامی؛ وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنین آل عمران: ۱۳۹.

ه–- و اصل پرهیز از تنازع و تفرقه و بی اعتبار کردن امت اسلامی؛ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُم انفال: ۴۶.

و اصول و قواعد فراوان دیگر که در کتاب و سنت اتخاذ شده است.

۸

– بی شک وظیفه علما و مدیران کشورهای اسلامی است که در تحکیم دین خدا و حفظ ارزش‌های اسلام و قرآن و تحکیم عدالت و دفاع از مظلومان و مبارزه با ظلم و ستم و حمایت از ارزش‌های الهی در سطح داخل و خارج تلاش کنند. آیات و روایات فراوان این وظیفه مهم را تأکید کرده و از مواردی است که ترک آن را باعث استحقاق عذاب الهی دانسته است.

۹

– مشکلات ونابسامانی‌ها معلول عوامل زیادی است که سه عاملِ انحصارطلبی و زیاده خواهی‌های مستکبران قدرت طلب و سوء عملکرد داخلی امت اسلامی و جهل و افراط ها و تفریط ها، بیش از همه تأثیرات منفی دارند. ۱۰– کانون آشوب وفساد و ناامنی درپیکره جهان اسلام، از موارد مشخص این نابسامانی‌ها و آثار عوامل فوق‌الذکر است؛ از جمله فلسطین، لبنان، عراق، افغانستان، سودان و سومالی که نیاز به توجه ویژه برای رفع مشکلات و اصلاح امور دارد. ۱۱– حضور نیروهای اشغالگر ومستکبران در قلب کشورهای اسلامی و به‌خصوص در منطقه مهم خودمان نیز از آثار نکبت بار همان سه عامل فوق الذکر است. ۱۲– بحران‌های محیط زیست، مواد مخدر، اعتیادهای مضر و امراض خطرناک و رنج‌های فراوان کشورهای محروم و نیازمند و عقب نگه داشته شده و شیوع فرهنگ مبتذل غرب که در صورت اجرای احکام و معارف اسلامی نباید در میان امت اسلامی وجود داشته باشد. اسلام دین جهانی است و هدف آن، حلّ مشکلات همه بشریت است و ما به عنوان مسلمان و صاحب نظر اسلامی نمی‌توانیم از فقر و تبعیض و گرفتاری‌های بخش عظیمی از خانواده بزرگ بشری غافل بمانیم و در گفتگو با مراکز دیگر، باید برای آن‌ها راه حل ارائه کنیم. ۱۳– ثبات و امنیت پیش شرط توسعه و تکامل و موفقیت‌هاست و همان سه عامل فسادگر مانع تحقّق آن‌ها در قلمرو امت عظیم و پهناور اسلامی است. بی‌شک همکاری و هماهنگی کشورهای بزرگ‌تر در جهان اسلام؛ از جمله ایران و عربستان، در این

زمینه مسؤولیت‌ها و امکانات بیشتری دارنـد. ۱۴- توجه به این نکته مهم، که ادیان الهی قلب تمدّن‌های سراسـر تاریخ بشـری است و دراین میان دین اسـلام، که خاتم ادیان آسـمانی است، اساسی‌ترین نقش را در هدایت کاروان تمدّن بشر ایفا کرده است و امروزکه بـار دیگر جنبش‌هـای علمی و فنی در جـای جـای جهـان اسـلام در حـال شـکوفایی است وظیفه مهمی به عهـده علمـا و دانشـمندان روحانی است که تلاش کنند تا این روح مقدس را در کالبد نهضت‌های نرم‌افزاری در حال توسـعه و نهایتاً در تجدید تمدن اسلامی بدهنـد و حفظ کنند. ۱۵- این اجلاس شـریف و اجلاس‌هـای مشـابه، اصـلاح امور جهـان و قبل از آن امور امّت را از راه گفتگو و تفاهم مدّ نظر دارند و لذا ضروری است به پیش‌نیازهای موفقیت و رسیدن به اهداف گفتگو توجه کنیم از جمله:

ص: ۴۲

الف- مراعات اخلاق گفتگو و جدال احسن که توصیه قرآن کریم است.

ب- مراعات ادب و نزاکت اسلامی و انسانی و پرهیز از تحقیر و توهین.

ج- انصاف در طرح مطلب و پذیرش نتیجه محاوره با هدف اتّباع احسن

د- مراعات متدلوژی و ادبیات رایج گفتگو که حاصل تجربیات دانش بشری است.

هـ- و نهایتاً گفت وگو با مراکز خارج از جهان اسلام با مرکزیت واحد و هماهنگ و نه به شکل فرقه‌ای و جداگانه.

ارج گذاری ویژه

به هاشمی رفسنجانی در نشست مکه

(moc .swenbahahs .www)

مسعود جهاندوست

هاشمی رفسنجانی شخصاً از سوی پادشاه عربستان سعودی دعوت شد. ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی امروز (چهار شنبه ۱۵/ ۳/ ۱۳۸۷) رسماً همایشی سه روزه را در شهر مکه افتتاح کرد که هدف از آن سیاستگذاری و برنامه ریزی برای گفتگو میان جهان اسلام و پیروان دیگر ادیان اعلام شده است. برگزارکننده همایش، سازمان همیاری جهان اسلام (رابطه العالم الإسلامی) در عربستان سعودی است و مدیریت همایش را دبیرکل این سازمان، شیخ عبدالله الترکی به عهده دارد که از علمای برجسته عربستان سعودی و وزیر پیشین امور اسلامی و اوقاف این کشور است. در این همایش شرکت کنندگانی از پنجاه کشور جهان حضور دارند که بلندپایه‌ترین آنان، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران است. آقای هاشمی رفسنجانی که پیش از برگزاری همایش دیدار جداگانه‌ای با ملک عبدالله داشت، به عنوان میهمان همایش، مورد پذیراییِ ویژه قرار گرفت؛ هنگام ورود به تالارِ همایش، همراه و در کنار هم بودند. در جلسه نیز در کنار هم نشستند. تصویر و خبر دیدار اکبر هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله، در ایام همایش، گزارش اصلی صفحه نخست روزنامه‌های عکاظ و الریاض، دو روزنامه مهم سعودی بود.

ارج ویژه‌ای که به هاشمی رفسنجانی در این همایش نهاده شده، از دید آگاهان به عنوان ارسال پیامی از جانب دولت سعودی به شمار می رود، حاکی از این‌که حکومت سعودی مشکلی با حکومت شیعی ایران ندارد. قدرت گرفتن شیعیان در عراق طی سال‌های اخیر نگرانی اکثریت سنی مذهب جهان عرب و در رأس آن‌ها عربستان سعودی را برانگیخته و مقامات سعودی بارها ایران را متهم کرده‌اند که با حمایت از شیعیان در عراق و لبنان به دنبال برافراشتن قدرتی شیعی در منطقه و به چالش طلبیدن حکومت‌های عرب سنی مذهب است.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی از دو روز پیش از برگزاری همایش وارد عربستان سعودی شد. او به صورت شخصی، از جانب ملک عبدالله به همایش دعوت شده و سفیر عربستان سعودی در تهران هنگام تقدیم دعوت‌نامه پادشاه سعودی به وی گفته بود: «ملک عبدالله به دلیل جایگاه والایی که در دنیای اسلام برای حضرت عالی قائل‌اند و معتقدند باید از اندیشه و دانش شما بهره کافی برد، شخصاً به من مأموریت دادند تا از جناب‌عالی برای حضور در این اجلاس دعوت به عمل آورم.»

بر خلاف آقای هاشمی رفسنجانی که علاوه بر موقعیت ممتاز دینی، مقامی سیاسی است، دیگر شرکت کنندگان در همایش مکه، عمدتاً علمای اسلامی‌اند. دیگر میهمان ایرانی همایش مکه، آیت الله محمدعلی تسخیری رییس مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی و رییس پیشین سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. آقای تسخیری قرار است ریاست جلسه دوم همایش را به عهده داشته باشد.

در میان رؤسای جلسات چهارگانه همایش مکه، محمدعلی تسخیری تنها فرد شیعه مذهبی است که ریاست جلسه به او سپرده شده است. رؤسای دیگر جلسات عبارت‌اند از: صالح بن عبدالله بن حمید، رییس مجلس شورا (مجلس مشورتی) عربستان سعودی، مصطفی ابراهیم تسریچ مفتی اعظم بوسنی و هرزگووین و عبدالرحمان بن محمد سوار الذهب، رییس هیأت امنای سازمان تبلیغات اسلامی (الدعوه الإسلامیه) سودان.

برنامه همایش به شکل رشته‌ای از سخنرانی‌ها است که با پرسش و پاسخ و بحث همراه می‌شود و تنها سخنران شیعه مذهب همایش، شیخ جواد خالصی، از علمای شیعه عراق و رییس مدرسه علمیه خالصیه در کاظمین است. شیخ جواد خالصی از بنیانگذاران مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق است که با پشتیبانی ایران و برای مبارزه با حکومت صدام در عراق تشکیل شد، هرچند آقای خالصی بعدها با مجلس اعلا اختلاف نظر پیدا کرد و از آن جدا شد.

دیگر شرکت کنندگان مهم همایش مکه عبارت‌اند از: علی جمعه محمد عبدالوهاب، مفتی مصر، احمد محمد هلیل مرجع شرعی (قاضی القضات) اردن، شیخ محمد علی جوزو، مفتی جبل لبنان، شیخ محمد احمد حسین، مفتی اعظم قدس و سرزمین‌فلسطین، رضوان نایف السید، مشاور نخست وزیر و رییس مرکز عالی مطالعات اسلامی لبنان، شیخ ابو الکلام محمد یوسف، رییس جماعت اسلامی بنگلادش، شیخ

ص: ۴۳

بدرالحسن قاسمی نایب رییس مجمع فقه اسلامی هند، محمد علی محجوب وزیر پیشین اوقاف مصر، شیخ فوزی زفزاف معاون پیشین رییس دانشگاه الأزهر مصر، عزالدین مصطفی ابراهیم مشاور فرهنگی حاکم امارات متحده عربی، شیخ فضل الرحمان رییس جمعیت علمای اسلام پاکستان، ابوجره عبدالله سلطانی رییس جنبش جامعه سالم و عضو هیأت دولت الجزایر، شیخ عمار طالبی نایب رییس جمعیه العلمای الجزائر، شیخ قیس کلبی، رییس مؤسسه فرهنگی اسلامی آمریکا، محمد یوسف هاجر دبیرکل سازمان اسلامی آمریکای لاتین و دریای کارائیب، انس‌بن حسن شقفه رییس هیأت اسلامی اتریش، علی اوزاخ رییس سازمان مطالعات اسلامی ترکیه، مروان فاعوری دبیرکل مرکز جهانی همفکری در اردن، حاج عمر سیلابا رییس شورای عالی اسلامی و شیخ محمد عبدالزکی کالون رییس اتحاد مبلّغان مسلمان و مدیر رادیو صدای اسلام در سیرالئون، عبدالله بن عمر نصیف دبیرکل شورای جهانی اسلامی تبلیغ و نجات (الدعوه والاغاثه) در عربستان سعودی، محمد سماک دبیرکل کنگره اسلامی روحانی (القمه الإسلامیه الروحیه) در لبنان، مصطفی زباخ مدیرکل اتحاد مجامع اسلامی در سازمان فرهنگی کنفرانس اسلامی (ایسسکو).

دعوت به وحدت در مرکز توحید

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۶/ ۰۳/ ۱۳۸۷

رسانه‌ها، اصحاب فکر و فرهنگ و فعالان سیاسی عربستان سعودی، آیت الله هاشمی رفسنجانی را «معمار روابط عربستان و جمهوری اسلامی ایران» می‌دانند. با این تحلیل، بسیار طبیعی است که در شرایط دشوار و زمانی که به دلایل متعدد خدشه‌هایی در روابط میان دو کشور پدید می‌آید، پادشاه عربستان، ملک عبدالله، که او نیز برای رابطه با ایران اهمیت و ارزش خاصی قائل است، دست نیاز به سوی معمار روابط عربستان و جمهوری اسلامی ایران دراز کند و از او برای ترمیم این روابط استمداد نماید.

سفر ۱۰ روزه آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان (۱۳ تا ۲۳ خرداد ۸۷) اما این‌بار هدفی فراتر داشت. دولت عربستان به دلایل متعدد نیازمند ایجاد تعادل در کشور و جا انداختن و نهادینه کردن فرهنگ میانه‌روی به ویژه اقشار و مجموعه‌های روحانی و مذهبی است. افراط گرایی‌های سلفیون و مشکلاتی که در داخل برای دولت پدید آورده، اقدامات خرابکارانه گروه‌های افراطی و تروریست منتسب به سلفی‌ها در خارج از عربستان که موجب زیر سئوال رفتن دولتمردان عربستان شده و مشکلاتی که سیاست‌های غلط و مداخله‌جویانه بوش و همراهی عربستان با او در منطقه برای دولتمردان سعودی پدید آورده و اعتبار عربستان را کاهش داده، از جمله این دلایل هستند.

ملک عبدالله، پادشاه عربستان برای ترمیم جایگاه عربستان وآل‌سعود، چاره‌ای جز اقداماتی از قبیل برگزاری گفتگوی مذاهب به عنوان مقدمه‌ای برای گفتگوی ادیان نداشت. کنفرانس بین‌المللی گفتگوی اسلامی، که از چهارشنبه ۱۵ تا ۱۷ خرداد ۸۷ در مکه مکرمه برگزار شد، این هدف را دنبال می‌کرد. برای تأمین موفقیت این اجلاس و ترمیم روابط خدشه دار شده عربستان با جمهوری اسلامی ایران، چه اقدامی از حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در این کنفرانس و در حاشیه آن برای گفتگوهای مفصل پادشاه عربستان با ایشان می‌توانست مؤثرتر باشد. درست به همین دلیل بود که پادشاه عربستان با اصرار و دعوت‌های مکرر از آقای هاشمی رفسنجانی خواست در این اجلاس شرکت کند و در جلسه افتتاحیه آن سخنرانی نماید.

حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در اجلاس مکه، به عنوان چهره‌ای شناخته شده و معتبر از نظر علمی، فکری، سیاسی و مدیریتی که در سطح بین المللی از اعتبار و جایگاه خاصی برخوردار است، به این اجلاس اعتبار بالایی بخشید و به آن جهت داد. سخنرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی در جمع ۸۰۰ نفر از علما و نمایندگان مذاهب اسلامی از سراسر جهان، به دلیل محتوای جامع و توجه به مسائل مهم جهان اسلام، خوش درخشید و موجب اعجاب بزرگان حاضر در اجلاس شد.

علاوه بر توجه دادن به مشکلات جهان اسلام؛ از قبیل اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها، تجاوز آمریکا به کشورهای اسلامی،

اتلاف امکانات مسلمانان در اثر اختلافاتی که وجود دارد وضرورت استفاده از ثروت‌های عظیم ونیروهای کارآمدی که امت اسلامی در اختیار دارند، برای تأمین وحدت و ایجاد تعادل در امت اسلامی، تکیه بر این نکته که این اجلاس نباید مثل بسیاری از اجلاس‌ها بدون نتیجه باشد و باید تلاش کنیم مطالب مطرح شده در این اجلاس را به مرحله عمل برسانیم، از نکات اساسی سخنرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی بود. دعوت به وحدت در مرکز توحید، زیباترین فراز این سخنرانی بود. چند عالم شیعه از عراق و لبنان و شرق عربستان نیز در این اجلاس حضور داشتند.

هرچند تلاش برای تأثیرگذاری براجلاس گفتگوی اسلامی توسط یک عالم برجسته شیعه، آن‌هم از پایگاه جهانی انقلاب اسلامی از اهداف مهم این سفر بود و سخنرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی توسط سه شبکه تلویزیونی عربستان مستقیماً پخش شد و در شبکه های تلویزیون جهان غرب و همچنین در همه روزنامه های عربی انعکاس وسیع داشت، لیکن اصلی‌ترین بخش سفر، زیارت خانه خدا بود که به مجرد ورود به عربستان و قبل از هر اقدام دیگری صورت گرفت. مذاکره با پادشاه عربستان، دیدار با روحانیون کاروان‌های زائران ایرانی و خود زائران، اقداماتی که برای حل مشکلات زائران انجام شد، کارهای دیگری است که در حاشیه سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عربستان به آن‌ها نیز توجه شد.

مقدمه

سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عربستان، علاوه بر زیارت خانه خدا و نبی گرامی اسلام ۹ و ائمه بقیع:، سه هدف را دنبال می‌کرد: هدف نخست، پاسخ مثبت به دعوت ملک عبدالله برای شرکت در کنفرانس مکه بود. بی‌تردید، شرکت در کنفرانس گفت‌وگوی مذاهب اسلامی، که در آن بیش از تن از متفکران و صاحب‌نظران جهان اسلام حضور داشتند، فرصتی بود که ایشان ضمن تبیین مسایل مهم مبتلابه جهان اسلام؛ از جمله وحدت جهان اسلام و ضرورت تقریب مذاهب برای جلوگیری از شکاف، ملاقات‌هایی را نیز در حاشیه اجلاس با میهمانان برجسته و با نفوذ کنفرانس، با هدفِ بررسی آخرین تحوّلات جهان اسلام، چالش‌های موجود و راه‌های مقابله با توطئه‌ها علیه جهان اسلام صورت دهند.

ص: ۴۴

هدف دوم، رایزنی و تبادل‌نظر با ملک عبدالله پادشاه عربستان در خصوص روابط دو جانبه و موضوعات و تحوّلات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی بود که با توجه به شرایط خاص منطقه، به‌ویژه تحولات فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان، بسیار با اهمیت تلقّی شد. هدف سوم، پیگیری حلّ مشکلات زائران خانه خدا و ایجاد تسهیلات برای آن‌ها بود. با توجه به روابط نزدیک میان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله، مذاکرات و برنامه‌ها در محیطی صمیمانه انجام شد.

مقاله حاضر در بخش اول، به کالبد شکافی روابط ایران و عربستان در شرایط جدید منطقه‌ای و در بخش دوم به پی‌آمدهای تحکیم روابط دو کشور در رابطه با تحوّلات منطقه وجهان اسلام و نیز به دستاوردهای سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌پردازد:

بخش اول: کالبد شکافی روابط ایران و عربستان

- روابط ایران و عربستان و شرایط جدید منطقه‌ای

عربستان به دلیل ساختار خاص اجتماعی و فرهنگی خود، از دیگر کشورهای خاورمیانه و حتی کشورهای همسایه آن در حوزه جنوبی خلیج فارس متمایز می‌باشد. ساختارهای خاص قبیله‌ای و عشیره‌ای که به پدید آمدن فرهنگی خاص منتهی شده است، همراه با آموزه‌های عمیقاً سنتی و مذهبی و نیز سیطره افکار و ایده‌های سلفی در قالب «وهابیت»، به جامعه عربستان ترکیب منحصر به فردی بخشیده است. حکمرانان آل سعود با وجود ذخایر عظیم نفتی، همواره از ثروت سرشاری برخوردار بوده‌اند. عربستان حدود یک چهارم ذخایر اثبات شده نفت جهان (حدود ۲۶۲ میلیارد بشکه) را در اختیار دارد و از این منظر، وضعیت سیاسی و ثبات یا ناامنی در این کشور نفت‌خیز از اهمیت زیادی برای قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متّحده آمریکا برخوردار می‌باشد. پادشاهی سعودی در بُعد منطقه‌ای و فراتر از آن، در حوزه جهان اسلام نقشی مهم برای خود قائل است و با حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی (البته به طور گزینشی)، در پی بسط حوزه نفوذ خود بوده است.

ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند و هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت، نقشی برتر برای خود در روند تحوّلات منطقه‌ای قائل می‌باشند. روابط بین دو کشور از پیروزی انقلاب تاکنون همواره با نوساناتی توأم بوده است.

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دو کشور مهم و تعیین کننده در منطقه محسوب می‌شوند. پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها از اهمیت روابط دو کشور نکاست بلکه پدیده نوین انقلاب و رخدادهای متأثر از آن، به همراه تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط دو کشور را با حساسیت خاصی همراه کرد و به آن پیچیدگی فوق‌العاده‌ای بخشید. از همان ابتدای پیروزی انقلاب، سوء ظن اعراب حوزه خلیج فارس نسبت به آنچه که آن را تلاش جمهوری اسلامی برای صدور «انقلاب شیعی و ایدئولوژی ضدّ غربی» تعبیر می‌کردند، در واکنش آن‌ها به جمهوری اسلامی نوپا در ایران انعکاس یافت.

دو سال پس از پیروزی انقلاب، کشورهای مذکور با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، به طور عملی در جهت مقابله و رفع نگرانی از بابت حضور یک ایران جدید در منطقه گام برداشتند. نمونه این تقابل را می‌توان در موضع‌گیری‌ها و کمک‌های مالی برخی از کشورهای عربی خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران به رژیم صدام جست‌وجو نمود.

در دهه و پس از جنگ ایران و عراق، با اقداماتی که در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی و به ویژه پس از حمله عراق به کویت صورت گرفت، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی از همکاری و اعتمادسازی شد. عربستان چنین می‌پنداشت که با تغییر در شرایط نظام بین‌المللی (پس از سقوط کمونیسم) و تحوّلات منطقه‌ای، فضا برای ترسیم روابط تازه مهیا شده است. روند مناسبات دو کشور در اواسط دهه شمسی و پس از اعلام سیاست تنش‌زدایی از سوی جمهوری اسلامی، رو به بهبود نهاد و دو طرف علی‌رغم

اختلافات موجود سعی بر برطرف کردن ابهامات موجود و نزدیکی روابط داشتند، اما در کل، هیچ‌گاه سوء ظن و بدگمانی اعراب به طور کل و عربستان به طور خاص نسبت به ایران بر طرف نشد.

در بررسی روابط ایران و عربستان، لازم است محورهای زیر مورد توجه قرار گیرد:

- اهمیت و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خلیج فارس؛
- موضوع انرژی و نقش دو کشور در اوپک، جایگاه قدرت‌های منطقه‌ای و رقابت‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی در منطقه استراتژیک خلیج فارس؛
- موقعیت و جایگاه عربستان سعودی و ایران و عوامل تأثیرگذار در مناسبات سیاسی دو کشور؛
- نقاط اشتراک و افتراق بین دو کشور؛
- خصوصیات پادشاهی عربستان؛
- چالش‌های درونی جامعه عربستان؛

ص: ۴۵

- حوادث سپتامبر و تبعات آن برای عربستان؛

- شرایط کنونی عربستان سعودی؛

- فرصت‌ها و چالش‌های فراروی ایران؛

- سیر روابط و وضعیت کنونی؛

- پیامدهای نزدیکی دو کشور در سطوح دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی.

با توجه به این که ساختار حکومت عربستان کاملًا فردی است، روابط حسنه سران عربستان و ایران طی دو دهه گذشته عاملی بازدارنده در برابر افزایش شکاف‌های طرفین به حساب می‌آمد. پس از پیروزی انقلاب، سه نگرش بعضاً متفاوت در مورد برخورد با مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی حاکم بوده است:

نگرش اول جنبه ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه دارد و سعی می‌کند محیط پیرامونی را به‌طور کامل جذب مبانی فکری و انقلابی ایران کند.

نگرش دوم معتقد است با توجه به حساسیت‌های موجود در منطقه و واقعیت‌های نظام بین‌الملل، ایران باید بر روی مشترکات کار کند و همکاری‌ها در زمینه عرصه‌های غیرحساس بیشتر شود تا اعتماد لازم به وجود آید؛ زیرا تنها در پرتو روابط خوب است که می‌توان اهداف و منافع را کسب نمود.

نگرش سوم بر این تصور قرار دارد که با توجه به ظرفیت‌های معنوی و مادی جمهوری اسلامی و واقعیت‌های موجود در صحنه نظام بین‌الملل، با برنامه‌ریزی و دوری از افراط و تفریط در سیاست‌های اعلامی و اعمالی می‌توان موقعیت نظام را به گونه‌ای مناسب تقویت و تثبیت کرد.

این نگرش‌ها در هر مقطعی که حاکم شده‌اند تأثیرات خاص خود را بر جای گذاشته‌اند. تصور اعراب و به‌ویژه عربستان این است که در حال حاضر نگرش اول مجدداً در سیاست خارجی ایران حاکم شده است. این تصور برای عربستان بسیار حساسیت برانگیز و نگران کننده شده است.

- رویکرد منطقه‌ای عربستان

عربستان سعودی در مقایسه با سایر کشورهای عربِی حوزه خلیج فارس، در عرصه سیاست خارجی و تعامل با قدرت‌های بزرگ، رویکردی مستقل‌تر را دنبال می‌کند که به دیدگاه‌های ایران در خصوص محدود نمودن نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس نزدیکی بیشتری دارد. این مسأله در تلاش سعودی‌ها برای تقویت هم‌گرایی درونی شورای همکاری خلیج فارس و در اولویت قرار دادن روابط گروهی با سایر بازیگران نسبت به روابط دو جانبه بیشتر آشکار است. رویکرد فوق از ویژگی‌های ژئوپلیتیک و قدرت عربستان و هم‌چنین حوادث بعد از یازده سپتامبر ناشی می‌شود و این کشور سعی می‌کند تا در سیاست خارجی خود بین قدرت‌های بزرگ توازن ایجاد کند و هم‌چنین روابط منطقه‌ای خود را نیز در این چارچوب لحاظ کند.

گرایش عربستان به ثبات منطقه‌ای که بخش عمده‌ای از آن در جریان تعامل و هم‌فکری با سایر بازیگران اصلی منطقه‌ای از جمله ایران محقق می‌شود، از بی‌ثباتی‌ها و تحوّلات متغیّر سال‌های گذشته در منطقه نیز تأثیر پذیرفته است.

سیاست نومحافظه‌کاران دولت بوش‌بعدازیازده سپتامبر، مانند: متهم‌کردن سعودی‌ها به‌تروریسم، طرح خاورمیانه بزرگ‌وسیاست اصلاحات‌و دموکراسی‌سازی در کشورهای عربی و همچنین حمله به عراق، به رغم نارضایتی‌های منطقه‌ای، تردید و بی‌اعتمادی را در رهبران سعودی نسبت به دولت آمریکا و سیاست‌های آن افزایش داده است. این امر به افزایش روابط با سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای از یک سو و تقویت مناسبات منطقه‌ای از سوی دیگر منجر می‌شود. تحوّل مذکور فرصت مناسبی را برای توسعه روابط

ایران و عربستان سعودی مهیّا می‌سازد.

در سطح منطقه‌ای، عربستان نسبت به افزایش نقش ایران در افغانستان، لبنان، فلسطین و به‌ویژه عراق نگران است، تحوّلات چند سال گذشته در منطقه خاورمیانه که موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و شیعیان شد، اسباب نگرانی پادشاهی سعودی در مورد کاهش نقش و نفوذ خود در منطقه را فراهم آورده است.

این نگرانی‌های اخیر به همراه حساسیت و سوء ظن‌های همیشگی عربستان به ایران، واکنش‌هایی را از سوی ریاض به منظور تغییر در معادلات منطقه برانگیخته است.

در گذشته همواره ایران، عربستان سعودی و عراق به عنوان سه کشور مهم و تعیین کننده در منطقه خلیج فارس مطرح بودند و توافق دو کشور از این سه کشور کافی بود تا تأثیرگذاری لازم بر مسائل و تحوّلات عمده و مهم منطقه صورت گیرد، لذا عربستان تلاش می‌کند که از

ص: ۴۶

عراق به عنوان ابزاری برای ارتقای نقش خود در منطقه استفاده نماید. حساسیت عربستان نسبت به افزایش نقش ایران و شیعیان در عراق، از این زاویه اهمیت می‌یابد.

عربستان همواره خود را در نقش یک مدافع تمام عیار اهل سنت تعریف کرده است و نسبت به کاهش نقش سنی‌ها در عراق، لبنان و یا کشورهای همجوار خود؛ مانند بحرین حساس و نگران است.

عربستان توانایی بر هم زدن بیشتر اوضاع در منطقه را از طریق حمایت‌از نیروهای ضدّ شیعی دارا می‌باشد؛ امری که جمهوری اسلامی ایران لازم است نسبت به آن حساس باشد. اخیراً بر شمار اعلامیه‌ها و فتاوایی که از سوی علمای سنی علیه شیعیان صادر می‌شود، افزوده شده است. در همین راستا، چندی قبل اعلامیه‌ای توسط نفر از علمای عربستانی امضا شد که در میان آن‌ها اسامی اشخاص مشهور مخالف دولت عربستان همچون صفر حوالی و سلیمان العوده (از جمله نظریه پردازان نیروهای تکفیری ضد دولت عربستان که اخیراً از زندان آزاد شده‌اند) مشاهده می‌شود. در این اعلامیه، آن‌ها خواستار مقابله مستقیم با شیعیان در منطقه شدند. دولت عربستان می‌کوشد تقابل این نیروهای بنیادگرا را غیردولتی قلمداد نماید و آن را به علمای اهل تسنن، حتی خارج از عربستان مربوط سازد.

نقش عربستان در جهان اهل سنت حائز اهمیت است. این نقش از موقعیت ژئوپلیتیک، وجود حرمین شریفین در این کشور و حمایت‌های مداوم آن از سنی‌ها نشأت می‌گیرد. با توجه به نقش مذکور، در صورتی که سعودی‌ها احساس کنند که ایران خواستار برتری و تسلّط مطلق در منطقه و نادیده انگاری نقش عربستان است، این احتمال وجود داردکه با تشدید تنش‌های شیعی- سنی از این مسأله برای محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و به‌ویژه در میان ملت‌های عرب استفاده کنند.

- رویکرد عربستان به تحوّلات عراق

رویکرد عربستان به دولت جدید عراق که در آن شیعیان و کردها حضور وسیعی دارند، در مراحل اولیه براساس نفی واقعیت‌های نوین، مخالفت و حتی حمایت غیرمستقیم از نیروهای مخالف بود. عربستان همواره تلاش می‌کند که جایگاه و شأن سنی‌ها در ساختار سیاسی عراق ارتقا یابد. پذیرش یک رییس جمهور کُرد و نخست‌وزیر شیعه در رأس حکومت، در کشوری که سال به طور مستمر در حاکمیت اعراب قرار داشته، برای عربستان بسیار دشوار است. عربستان اصرار دارد که عراق یک کشور عربی باقی بماند. به نظر می‌رسد با بهبود شرایط امنیتی عراق، افزایش نقش گروه‌های سنی در ساختار قدرت و نهادینگی و ثبات بیشتر ساختارهای جدید و به ویژه تعدیل تصوّرات سعودی‌ها از دولت مالکی به عنوان دولتی فرقه‌گرا، اکنون عربستان همراه با اغلب دولت‌های عربی رویکرد متعادل‌تری را در قبال عراق در پیش گرفته باشد. از نشانه‌های این رویکرد می‌توان به تصمیم اعزام سفیر به عراق در چند ماه آینده اشاره کرد.

علی‌رغم اختلاف‌نظرهای موجود میان ایران و عربستان سعودی نسبت به وضعیت و تحولات عراق، با توجه به نگرانی‌های امنیتی دو کشور نسبت به آینده عراق و احتمال گسترش آن به برخی از کشورهای منطقه از یک سو و حضور و نفوذ آمریکا در این کشور و اعمال سیاست‌های مخرب از سوی دیگر، زمینه‌هایی وجود دارد که می‌تواند موجب همکاری و تفاهم دو کشور در عراق گردد.

- دغدغه‌های روابط ایران و عربستان

ویژگی‌های ایران و عربستان سعودی؛ از جمله نقش دو کشور در جهان اسلام، موضوع حج، بازار نفت، حضور فعال هر دو کشور در مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و اسلامی، موقعیت ویژه جغرافیایی آن‌ها در منطقه خلیج فارس و برخورداری از اقلیت شیعه و سنی، حکایت از اهمیت این دو کشور برای یکدیگر دارد. گرچه این ویژگی‌ها در وهله اول به مثابه نقاط اشتراک دو کشور تجلّی می‌یابد و بعضاً به عنوان عوامل پیوند دهنده روابط فرض می‌شود، اما واقعیت آن است که تلقی و اهداف متفاوت تهران و ریاض از

عناصر فوق و چگونگی استفاده از هر یک از ویژگی‌های مذکور جهت تأمین منافع کشوری، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهان اسلامی خود، بخش عمده‌ای از این نقاط اشتراک را می‌تواند به نقاط افتراق تبدیل کند.

در کنار عناصر فوق، اختلاف‌نظر میان ایران و عربستان که متأثر از عواملی مانند نوع و ساختار حکومت، مفهوم امنیت و اجرای الگوی مشخص امنیت منطقه‌ای، روابط با آمریکا، تفکر وهابیت و تکفیر شیعه، حمایت عربستان از صدام در طول جنگ تحمیلی و کشتار مکه، تلقّی عربستان از نقش ایران در دو دهه گذشته در منطقه و انتقاد از حضور القاعده در ایران می‌باشد و نیز سیاست‌های متفاوت ایران و عربستان در افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین، نشان می‌دهد که توسعه و گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی بر بستری از تناقضات و رقابت‌های پیچیده استوار است که حرکت در مسیر آن ظرافت و دقت بسیاری می‌طلبد.

یک بحث آسیب‌شناسانه در روابط بین‌الملل آن است که دولت‌ها نه براساس واقعیت‌های موجود بلکه براساس برداشت خود از واقعیت‌ها دست به عمل می‌زنند.

وخامت این مشکل در آن نیست که بسیاری از برداشت‌ها در روابط بین‌الملل غیرواقعی است، بلکه در آن است که برداشت‌های غیرواقعی، رو به افزایش و تقویت خود دارند و هر زمان خود را باز تولید می‌کنند، تا آنجا که گاه به آستانه اقدام خصمانه می‌رسند. به لحاظ عملی، روشن است که اصلی‌ترین محور فعالیت‌های دیپلماتیک واشنگتن در منطقه یا ابزار سیاست خارجی این کشور، تأکید بر تهدید آفرینی ایران است. ترس از ایران شیعی به ویژه هنگامی که به تکنولوژی هسته‌ای مجهز شود، اصلی‌ترین ابزار اقناعی واشنگتن در ارتباط با اعراب می‌باشد. اما به عکس، کاهش حس تهدید در اعراب، مخرب و زایل کننده سیاست خارجی آمریکا در منطقه خواهد بود (۱). حجم وسیع

۱- Dilip Hiro,
"Iran Sudi Arabian Embrace :A New Beginning"
.www. yale global. ۹ March, ۲۰۰۷

ص: ۴۷

صادرات اسلحه آمریکا به منطقه خاورمیانه عربی، مرهون همین احساس است. تبعیت‌ها و هماهنگی‌های اعراب با سیاست خارجی آمریکا نیز از همین نقطه برمی‌خیزد. فراتر از این، واقعیت آن است که احساس تهدید از واقعیت یافتن تهدید مهم‌تر و درگیر کننده‌تر است و این به دلیل آن است که احساس تهدید، تداوم دارد و با تداوم خود هزینه‌هایی را می‌آفریند و دغدغه‌ها را بر هم انباشته می‌کند و باعث مسائل و مشکلات بیشتر می‌شود. اما از آن سو، واقعیت ناامنی، از گستره زمانی و مکانی محدودی برخوردارست و حالت خاص، موردی و آشکار دارد. تهدید، همین که از احساس به واقعیت تبدیل گردد، اهمیت قبلی خود را از دست می‌دهد و ابعاد متفاوتی می‌یابد که محدودتر و ملموس‌تر است و می‌توان مشخصاً به حلّ یا کاهش آن‌ها همت گماشت. اما حس تهدید به این معنی است که ممکن است تهدید در هر زمان و در هر مکان و با میزان غیرقابل درکی از شدت روی دهد و دولت مورد نظر در هیچ مورد آگاهی قطعی از آن نداشته باشد.

پس، احساس یا تصور تهدید برعکس، نتایجی کاملًا واقعی دارد. احساس تهدید نسبت به ایران که در برخی از کشورهای عربی به وجود آمده موجب شده است که کوشش‌های دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران برای نزدیکی و تفاهم با اعراب نتواند به اهداف خود برسد و از آن سو موجبات تحرک چرخ‌های دیپلماسی آمریکا را فراهم آورده است. در این جا نکته مهم آن است که بدانیم اصلی‌ترین تلقّی و ریشه‌ای‌ترین تصور در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا چیست؟ این تصوّر آن است که دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان به طور اصولی در رقابت با یکدیگر قرار دارند و بین آنها ظرفیت‌های تعارض بیش از ظرفیت‌های توافق است. از آن سو، جدی شدن نزدیکی بین دو کشور نیز با تصورات و برداشت‌های نهادینه شده آمریکا از رقابت میان دو قدرت منطقه‌ای منافات دارد. تهدید جلوه دادن ایران، نتیجه طبیعی این اندیشه نهادینه در سیاست خارجی آمریکاست.

تلاش عمده آمریکا در منطقه خاورمیانه در چند سال گذشته این بوده است که تهدید ایران را در جهان عرب جایگزین تهدید اسرائیل کند و این رژیم را به عنوان بازیگری عادی و طبیعی در منطقه جلوه دهد. در این راستا، رهبران آمریکا به مسائل مختلفی؛ از جمله مقاصد هسته‌ای ایران و تلاش آن برای تسلّط بر منطقه اشاره می‌کنند و خواستار حمایت کشورهای عربی و به ویژه عربستان برای اتخاذ یک رویکرد تقابلی در برابر ایران هستند. اما این درخواست مورد موافقت رهبران عرب؛ از جمله عربستان سعودی قرار ندارد و آن‌ها به رغم تمایل به محدود کردن نقش منطقه‌ای ایران، خواهان حفظ تعاملات می‌باشند. این امر به خصوص در تأکید سعودی‌ها بر حلّ مسالمت‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران به جای رویکرد نظامی نمود می‌یابد (۱).

دیپلماسی ایران باید به محور خنثی‌سازی طرح آمریکا مبنی بر تهدید جلوه دادن ایران استوار باشد. با توجه به اهمیت عربستان در منطقه و تأثیرگذاری این کشور بر دیگر کشورهای عربی خلیج فارس، بی‌دلیل نیست که بیشترین نیروی سیاست خارجی ایران در سطح استراتژیک و در عرصه دیپلماسی عربی آن، معطوف به ریاض شده است. با تداوم توجهات به همکاری‌ها با ریاض، می‌توان تصور نهادینه شده آمریکا دایر بر آشتی‌ناپذیری تهران- ریاض را از درجه اعتبار ساقط کرد و این کار با تداوم کوشش‌ها برای بهبود تصوراتی ممکن می‌گردد که از ایران وجود دارد. مؤثرترین، سهل‌ترین و سریع‌ترین راه اصلاح برداشت‌ها استفاده از یک امکان موجود در دیپلماسی ایرانی؛ یعنی دیپلماسی مبتنی بر روابط شخصی رهبران است.

بخش دوم: پی‌آمدهای تحکیم روابط ایران و عربستان و دست‌آوردهای سفر

- اهمیت دیپلماسی شخصی با عربستان برای اصلاح برداشت‌ها

سفر آقای هاشمی رفسنجانی به عربستان واجد دستاوردهای زیادی برای روابط دو کشور و اصلاح برداشت‌ها نسبت به تحوّلات منطقه بود. معمولًا در رشته روابط بین‌الملل کم‌تر، بر کارآمدی دیپلماسی شخصی رهبران، دقت و تأمل صورت می‌گیرد. به جای این، دانشوران روابط بین‌الملل عمدتاً بر اهمیت و تعیین‌کنندگی روند ساختارها یا رویه‌های نهادی تأکید می‌کنند. این گرایش‌ها

فقط تا حدودی درست می‌باشند، چون حوزه وسیع آزادی‌ها و خلاقیت‌های انسانی را که می‌توانند بر فراز شبکه‌های پیچیده روابط عمل کنند، نادیده می‌گیرند. در واقع، مسأله آزار و اذیت‌ها و محدودیت‌های اعمال شده برای زائران ایرانی بیت‌الله الحرام، معضلاتی ساختاری و نهادین است که از تفکر، تاریخ و تجربیات مذهبی و حکومتی عربستان ریشه می‌گیرد. اگر بخواهیم مسائل ساختاری را با روش‌های ساختاری- نهادین حل نماییم، باید زمان‌زیادی صبر کنیم و نسبی بودن نتایج را نیز بپذیریم.

کارکرد عمده دیپلماسی شخصی در روابط بین‌الملل دور زدن ساختارها و کوتاه کردن فاصله میان سوء تفاهم‌ها و برداشت‌های واقعی است؛ البته به این شرط که این نوع دیپلماسی در عرض و نه در طولِ دیپلماسی عمومی کشور عمل کند.

دیپلماسی شخصی یا خصوصی از تعیین کنندگی ساختارها می‌کاهد و در نتیجه تأثیر برداشت‌های منفی در وخامت روابط میان دولت‌ها را نیز کاهش می‌دهد. اما ارزش دیپلماسی فقط در این حد نیست. همچنان که برداشت‌های منفی خود را در روابط بین‌الملل باز تولید می‌کنند، به همان شکل برداشت‌های اصلاح شده نیز به تقویت و باز تولید خود می‌پردازند؛ یعنی از رفتارها و خطمشی‌ها، برداشت‌های مبتنی بر حسن تفاهم صورت می‌گیرد. تقویت تفاهم (یعنی چیزی بیشتر و فراتر از ایجاد تفاهم)، کار ویژه مهم دیپلماسی شخصی رهبران است. این صرفاً به دلیل روابط شخصی میان آیت‌الله هاشمی و ملك عبدالله پادشاه عربستان بود که مقامات عربستان به شکل کاملًا ویژه‌ای از هیأت ایرانی میزبانی کردند و گفت‌وگوهای مفصلی میان آیت‌الله هاشمی و پادشاه سعودی صورت گرفت. همچنین، به دلیل همین روابط شخصی بود که سخنرانی آقای هاشمی در کنفرانس گفت‌وگوهای مذاهب اسلامی، هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ شکلی (سخنرانی افتتاحیه)، بازتاب زیادی در میان هیأت‌های شرکت کننده، رسانه‌ها و افکار عمومی منطقه داشت و تمامی آن‌ها این سخنان را موفقیتی برای جمهوری اسلامی عنوان کردند.

دیپلماسی شخصی، یك مشخّصه عمده در تفکر سیاست خارجی آقای هاشمی است و شایسته به نظر می‌رسد که در هیچ یك از ادوار بعدی سیاست خارجی ایران، این گرایش به محاق فراموشی سپرده نشود. مزایای ناشی از دیپلماسی شخصی رهبران به تنهایی و به خودی خود،

۱- www. IISS. org

ص: ۴۸

واجد تأثیرات چندانی نیست بلکه می‌تواند در طول و همراه با موفقیت‌ها و خلاقیت‌های دیگر مثمر ثمر واقع گردد. دیپلماسی شخصی یک بخش تکمیلی و نه محوری در سیاست خارجی است.

سفر آیت‌الله هاشمی به عربستان، از یک تحوّل ویژه در نحوه درک رهبران عربستان از جایگاه ایران و امکانات و ظرفیت‌هایی که روابط با ایران می‌تواند برای آنان داشته باشد، حکایت دارد. در این سفر، ملک عبدالله نشان داد که ارتقای روابط دو جانبه برای دولت عربستان تا چه میزان اهمیت دارد. ملک عبدالله تأکید فراوانی داشت که اگر ایران و عربستان رایزنی و همکاری نداشته باشند، «دیگران» از این موضوع سود می‌برند. همین عبارت ملک عبدالله از یک آگاهی مثبت و یک آگاهی سلبی حکایت می‌کند. آگاهی مثبت درک اهمیت همکاری‌هاست و آگاهی سلبی، اشاره به «دیگران» دارد که ممکن است از عدم همکاری‌میان دو کشور سود ببرند.

این مذاکرات نشان داد که ایران در شرایطی می‌تواند منبع گونه‌ای خودآگاهی «ملی» برای برخی از دولت‌ها باشد. از زمان به قدرت رسیدن ملک عبدالله می‌توان چرخشی را در سیاست خارجی این کشور مشاهده کرد؛ به طوری که تفکرات استقلال‌طلبانه ملی در سیاست خارجی عربستان بیش از گذشته مشهود شده است.

دیپلماسی عربستان اثبات کرد برخلاف گذشته، این کشور درک می‌کند که شکسته شدن تصویر فضای دو قطبی، بیش از دامن زدن به‌اختلافات مذهبی، امکانات و فضاهای بیشتری را پیش روی دولت عربستان می‌گذارد و این تحوّلی در خور تأمل است. علاوه بر این، برای راهیابی مشترک درخصوص موضوعات عراق و لبنان نیز، هم‌فکری و رایزنی به عمل آمد. تبادل‌نظر در مورد بحران‌ها و مشکلات منطقه حکایت از نگرانی‌های ملی عربستان نسبت به تحوّلات آینده دارد. انعطاف‌های اخیر عربستان نسبت به عراق و پذیرش توافق دوحه در خصوص حل و فصل بحران لبنان، از ظهور رهیافت‌های استقلال‌طلبانه در دیپلماسی عربستان حکایت می‌کند؛ دیپلماسی‌ای که بیش از نیم قرن به نوعی تحت تأثیر سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن بوده است (۱). عربستان می‌داند که برخلاف گذشته، اکنون مصلحت دولت این کشور در گسترش سیاست‌های ثبات و هم‌زیستی و نه پیگیری سیاست‌های تعارضی با ایران نهفته است. اتخاذ سیاست‌های همکاری‌طلبانه با ایران، گسستی پنهان از الهامات سیاست خارجی آمریکاست.

روندهای اساسی در تاریخ، ممکن است دیر شروع شوند اما هنگامی که شروع شوند تداوم می‌یابند و به سادگی پایان نمی‌پذیرند. از این‌رو، اقبال عربستان به سیاست همکاری و تفاهم را باید رویکردی معنی‌دار و دارای اهمیت تلقی کرد.

یکی از دست‌آوردهای مهم سفر آقای هاشمی رفسنجانی به عربستان سعودی، تلاش برای اصلاح برداشت‌ها بود که پیش نیاز اعتمادسازی در روابط دو کشور تلقی می‌شود.

توجه آقای رفسنجانی به اهمیت دوستی فردی و اعتماد متقابل میان رهبران در پیشبرد اهداف سیاست خارجی، در این مورد به نتایج مطلوب خود رسید. خوشبختانه با تأکیدات صورت گرفته از سوی آیت‌الله هاشمی، پادشاه عربستان دستورات مؤکدی برای رفع برخی از این موانع و خوش‌رفتاری با زائران ایرانی صادر کرد. در این گفت‌وگوها، آقای هاشمی از پخش جزوات ضدّ شیعی در میان زائران ایرانی، اهانت به اعتقادات شیعی از سوی مأموران عربستانی، جلوگیری از ورود بانوان به قبرستان بقیع و بازداشت تعدادی از زائران ایرانی و برخی مشکلات ایجاد شده دیگر برای زائران ایرانی ابراز گلایه کرد که پادشاه عربستان قول داد به تمامی این مسائل رسیدگی کند.

نکته قابل توجهی که در سفر آیت‌الله هاشمی به عربستان وجود داشت و طی گفت‌وگوها آشکار گردید، برداشت‌ها و اطلاعات نادرست طرف عربستانی از سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی در عرصه‌های مهم منطقه‌ای؛ از جمله عراق و لبنان بود که پس از مذاکره و گفت‌وگو، بسیاری از این ابهام‌ها مرتفع شد. در این مذاکرات دو طرف به منظور افزایش مفاهمه و از بین بردن سوء

تفاهم‌ها در زمینه مسائل سیاسـی دو جانبه و مسائل مهم منطقه و جهان اسـلام، ایجاد ساختاری جدیـد را ضـروری تلقی کردند و لذا قرار شد در مورد تشـکیل دو کمیته مجزا (کمیته علمایی و کمیته سیاسی (، تحت نظر مقامات عالی دو کشور مطالعات لازم صورت گیرد.

- همایش مکه فرصتی مغتنم

همـایش گفتگـوی مـذاهب اسـلامی، علاـوه بر آن‌که فرصت مغتنمی برای تعامـل میـان علمـا و اندیشـمندان فِرَق و مـذاهب مختلف اسلامی در سرزمین وحی ایجاد کرد، برای جمهوری اسلامی ایران و در چارچوبی وسیع‌تر، برای تمامی شیعیان، به دلیل چگونگی و شکـل حضور آیت‌الله هاشـمی در آن، واجـد معـانی تأمـل برانگیزی بود. اگر چه همـایش، توسط عربسـتان سازمان‌دهی شـده بود و تقریباً تمامی شـرکت کنندگان آن را علمای اهل تسـنن تشـکیل می‌دادند، اما سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه کنفرانس نقش جمهوری اسـلامی ایران و شـیعه و جایگـاه ایشـان را برجسـته نمود؛ به عبـارت دیگر، بهترین زمان کنفرانس به آقای هاشمی رفسنجانی اختصاص پیدا کرد. موضوعی که بنا به گفته ملك عبدالله در ملاقات پایانی، اسباب گلایه برخی علمای عربستان را فراهم کرد.

آیت‌الله رفسـنجانی طی سـخنانی، بسـیاری از مسائـل اصـلی در جهـان اسـلام، از جمله مسائل مربوط به اختلاف‌های مـذهبی، مسائل فلسـطین، عراق و لبنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. سـخنان آیت‌الله هاشـمی رفسـنجانی با اسـتقبال زیاد سایر شرکت‌کنندگان مـواجه شـد و بسـیاری از علمـای شـرکت کننـده در کنفرانس و تحلیل‌کننـدگان بیرونی، این سـخنان را کاملًا راهگشـا و مسؤولاـنه دانسـتند. همچنین، سـخنان آقـای هاشـمی به صورت گسترده توسـط رسانه‌های مختلف عربی منطقه پوشـش داده شـد و بسـیاری از شبکه‌های تلویزیونی و مطبوعات، اخبار مربوط به آن و بخش‌هایی از این سخنان را به طور گسترده منعکس ساختند.

---

۱ - www. mfa. gov ۳. SA., Kingdom Foreign Policy, Ministry of Foreign Kingdom of Saudi .Arabia

ص: ۴۹

این میزان استقبال و مشخصاً این امکان و توان برای آقای هاشمی که در سخنرانی خود طیف وسیعی از موضوعات منطقه‌ای و مسائل متنوّع جهان اسلام را، فراتر از موضوع ایران، مورد پوشش قرار دهند، حکایت از آن دارد که ایشان به عنوان یک عالم روحانی شیعی و به عنوان نماینده‌ای از جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس مذکور حضور یافتند و توانستند تجربه سی ساله حکومت‌داری دینی و عبرت‌های واقعی ناشی از این تجربه را که در همه کشورهای منطقه قابل کاربرد است، به خوبی طرح نمایند. آیت‌الله هاشمی، جدا از ابعاد دیگر، چکیده و عصاره سه دهه تاریخ سیاست خارجی ایران هستند. هیچ یک از میهمانان در کنفرانس مکه از چنین جایگاهی برخوردار نبود و طبیعی بود که ایشان از موضعی متمایز و خاص در این اجلاس حضور داشته باشند.

براین اساس، تأکید آقای هاشمی بر ضرورت گفت‌وگو میان ادیان و مکاتب دینی، درخواستی صرفاً انتزاعی و متکی بر عوالم نظری و مطالعاتی نبود بلکه مبتنی بر تجربه‌های عینی در خصوص حکومت‌داری دینی بود؛ یعنی تجربه‌هایی واقعی که تفاهم دینی را به عنوان یک ضرورت عینی سیاسی مطرح می‌ساختند. باید دانست که دیدگاهی که بر تجربه و واقعیت مبتنی باشد، بیشترین ظرفیت‌پاسخ گویی به مشکلات واقعی امت اسلامی و ارائه راه حل‌هایی واقعی و جدا از خطابه گری‌های صرف را دارد.

در یک کلام، در سخنان آقای هاشمی ندای وحدت، ندایی از سوی یک دانشمند دینی با گرایش‌هایی صرفاً ذهنی نبود، بلکه ندایی از سوی یک دولت و ملت شیعی بود که بیشترین اشتغالات را با چالش‌های ناشی از ادغام سنت و مدرنیته داشته است و این نکته‌ای بسیار مهم برای همه متفکران و دولت‌های اسلامی است. اگر دیده می‌شود که این سخنرانی طبق گزارش‌ها، با استقبال همه گروه‌ها و اشخاص مواجه شد، از واقع گرایانه بودن آن و نه صرفاً از جذابیت‌های نظری و مفهومی برمی‌خاست. سیاستمداران کار کشته به خوبی می‌دانند که تفاهمات هنگامی به دست می‌آید که از مسائل واقعی و تجربی سخن به میان آید. به گفته یکی از سیاستمداران اروپایی، تجربه نشان داده است هنگامی که مسائل به طور ملموس مطرح شوند، تفاهم نیز حاصل می‌شود. در این کنفرانس قرار بود مسائلی عام و اندکی دور از امور اجرایی مطرح شود؛ مانند راهکارهای گفت‌وگو بین ادیان و فرهنگ‌ها، مفاهیم ارتقای انسانیت، تحقق امنیت و صلح جهانی، پیشرفت اخلاق در جوامع مختلف، دوری از زشتی‌ها برای تقویت پایدار خانواده و برخورد با معضل اعتیاد که زندگی بشر را به خطر انداخته‌است، اما رویکرد جامع آقای هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه، طراوتی عینی وملموس به‌مباحث این کنفرانس بخشید.

- تأثیر بهبود روابط ایران و عربستان بر احیای حج ابراهیمی

یکی از دلایلی که سبب اهمیت کنفرانس مکه شد، نفس برگزاری کنفرانس در این سرزمین؛ یعنی در جوار حرمین شریفین ومهبط وحی و سرزمین حج است. از این گونه کنفرانس‌ها در دیگر کشورهای مهم اسلامی زیاد برگزار می‌شود، اما از اهمیتی مشابه با اهمیت این کنفرانس برخوردار نمی‌شوند. بدون تردید، دولت عربستان به عنوان متولی برگزاری مراسم حج نقش مهمی در چگونگی برگزاری این مراسم الهی ایفا می‌کند.

با توجه به این که فلسفه تشریع حج از جانب خداوند، صرفاً محدود به حوزه‌های فردی و عبادی نیست و تمامی منافع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مسلمانان را در برمی‌گیرد، مراد از امنیت در حج نیز صرفاً به معنای امنیت فردی حجاج نبوده، بلکه معنایی بس فراتر را شامل خواهد شد. اگر خداوند در قرآن، حرم الهی را حرم امن معرفی می‌کند، این بدان معناست که متولیان حرم باید شرایطی را فراهم نمایند تا سران طوایف مسلمانان و رهبران جوامع اسلامی با آسودگی خاطر، گرد یکدیگر جمع شوند. درجریان این گردهمایی، اوضاع جهان اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد، زائران با وضعیت مناطق مختلف جهان اسلام آشنا می‌شوند، راه‌های مقابله با دشمنان اسلام به بحث گذاشته می‌شود و برقراری وحدت میان طوایف و مذاهب مختلف مسلمانان تسهیل می‌شود.

اگر چه بسیاری از علما و مفسران مسلمان؛ اعم ازمتقدمین ومتأخرین، به ماهیت فراگیر حج و ابعاد گوناگون سیاسی و اجتماعی آن در کنار ابعاد فردی و عبادی‌اش پی برده و بدان اشاراتی داشته‌اند، (۱) اما کسی که به این ابعاد عینیت بخشیده و آن را در صحنه عملی حج پیاده کرد، حضرت امام ۱ بود. ایشان در پیام‌هایی که هر ساله در موسم حج خطاب به حجاج ایرانی و غیر ایرانی صادر می‌کردند، آنان را به شناخت تمامی ابعاد حج و عمل به‌آن‌ها فرا می‌خواندند و از اصطلاح «حج ابراهیمی» برای بیان این منظور استفاده می‌کردند و خصوصاً بر موضوع «برائت از مشرکان» در موسم حج تأکید بسیار داشتند. خوشبختانه این سنت حسنه امام ۱ توسط مقام معظم رهبری استمرار یافته است.

حساسیت‌های حکومت عربستان و به ویژه علمای وهابی آل شیخ (علمای نسل محمدبن عبدالوهاب که رهبری مذهبی جامعه وهابی را در اختیار دارند)، نسبت به ابعاد سیاسی و اجتماعی حج و نیز رقابت‌های سیاسی حکومت عربستان با ایران در منطقه و جهان اسلام، سبب شده است تا معرفی و تبیین ابعاد حج برای سایر مسلمانان و زائران و به ویژه برگزاری فراگیرتر مراسم برائت با دشواری‌هایی مواجه شود. اگر چه بخشی از این حساسیت‌های مذهبی و رقابت‌های سیاسی غیر قابل رفع به نظر می‌رسد، اما به هر حال آن بخش که با استدلالات علمی و رایزنی‌های سیاسی قابل حل بوده و یا کم‌رنگ‌تر می‌شود، باید مورد لحاظ قرار گیرد.

اگر کنفرانسی همانند کنفرانس مکه بتواند مقدمه‌ای برای وصول به چنین اهداف بلند و تحقق چنین «منافع» فراگیری برای مسلمانان و آغازی برای گفت‌وگوهای علمی میان اندیشمندان مسلمان و رهبران مذهبی جوامع مختلف اسلامی باشد، مایه‌بسی امیدواری خواهد بود. صد البته لازمه تحقق چنین هدفی استمرار چنین همایش‌هایی است.

۴

– هماهنگی ایران و عربستان و گامی به سوی وحدت اسلامی

۱– به عنوان مثال، از میان متقدمین محمدبن جریر طبری در تفسیر معروف خود تفسیر طبری چاپ بیروت، ج، ص و از میان متأخرین کسانی چون شیخ شلتوت شیخ الأزهر در کتاب «الشریعه و العقیده» ص و نیز دکتر قرضاوی در کتاب «الدین و الحج علی المذاهب الأربعه» ص. ۵ صف: ۴ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذينَ يُقاتِلُونَ فی سَبیلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوص؛ «خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند. گویی بنایی آهنین‌اند.» روابط ایران و عربستان

در پرتو

اعتماد متقابل

دکتر محمود واعظی

ص: ۵۰

مسأله وحدت اسلامی، به عنوان یک ضرورت، فقط مربوط به عصر حاضر نبوده و از صدر اسلام مطرح و از اهمیت برخوردار بوده است. ولی به نظر می‌رسد با توجه به تحولات پیچیده‌جهان امروز و اختلافات اسف‌انگیز سیاسی و فکری میان امت‌ها و کشورهای اسلامی، پرداختن به موقعیت جهان اسلام و به طریق اولی پرداختن به راه‌های اتحاد مسلمانان، بیش از پیش اولویت یافته است.

بسیاری از کشورها در مناطق مختلف جهان به دنبال حل مشکلات و ایجاد ائتلاف و همکاری منطقه‌ای می‌باشند و هر روزه شاهد تشکیل یا گسترش و تعمیق همکاری‌های چند جانبه و منطقه‌ای می‌باشیم که اکثر آن‌ها اهداف چند وجهی دنبال می کنند. اکثر این اتحادیه‌ها علاوه بر تأکید بر گسترش همکاری میان کشورهای عضو، تلاش می کنند با یک صدای با قدرت با دیگران تعامل نمایند.

پس از فروپاشی بلوک شرق، شاهد برخورد اسلام و غرب در برخی جنبه‌ها بوده‌ایم و غرب از همه توان و ابزارهای خود مانند ناتو، G ۷ و اتحادیه اروپا و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای دستیابی به اهداف خود بهره‌برده است. در چنین شرایطی، بیش از پیش ضرورت اتّحاد اسلامی احساس می‌شود؛ زیرا کشورهای اسلامی به صورت منفرد و مجزا نخواهند توانست به اهداف خود برسند و از حقوق خود دفاع نمایند.

فقدان وحدت در میان امت اسلامی، ثمره‌ای جز عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی، علی‌رغم برخورداری از مزیت‌های جغرافیایی، جمعیتی و امکانات عظیم، به همراه نداشته است. اختلافات میان مسلمانان حاصلی جز کینه و دشمنی باقی نمی گذارد. با وجود تفرقه، مسلمانان به جای پرداختن به مسائل اساسی خود؛ از قبیل بسط اندیشه‌های بلند اسلام، حرکت در راستای برقراری عدالت اجتماعی و آزادی‌های سیاسی، تلاش برای حرکت به سوی توسعه و رشد اقتصادی و رفاه امت مسلمان و موضوعات مفید دیگر، به تعصبات غیرلازم و غیر مفید کشانیده شده و انرژی و توانایی خود را در مقابل یکدیگر مصروف می‌دارند.

امت اسلامی بیش از هزار سال است که اختلافات را تجربه کرده و هیچ سودی از این تجربه حاصل نشده است. بنابراین، دعوت اسلام امروز این است که این بار وحدت اسلامی را حول موضوعات کلی و مشترک تجربه کنیم و ثمرات آن را بچشیم.

هر مسلمانی باید از خود بپرسد: آیا به «اسلام» تعهد و التزام دارد یا به اختلافاتی که باعث جدایی مذاهب اسلامی از یکدیگر می‌شود؟ مسأله وحدت در دنیای امروز با سربلندی و عظمت اسلام مرتبط است و می‌توان گفت که در تقسیم‌بندی علل، در دسته «علل مبقیه» یعنی از عوامل پایداری، استمرار و بقای اسلام قرار می گیرد.

تردیدی نیست که حل و فصل مسائل و اختلافات اعتقادی و فرهنگی، بسیار بیش از اختلافات سیاسی نیازمند عناصری اساسی از قبیل «روحیه علمی»، «سعه صدر»، «انصاف و بی‌طرفی» و «بینش و آگاهی نسبت به طرف مقابل» است و هرگونه پیش‌داوری ذهنی مبنی بر بطلان عقیده مقابل به معنای قضاوت زودرس بوده و در نتیجه هر حاصلی از آن به بار آید، یقیناً چیزی به نام وحدت نخواهد بود.

کسی منکر این مسأله نیست که در هر دو جامعه تشیع و اهل سنت، افرادی هستند که به دلایل مختلف سخنانی را بر زبان رانده یا مکتوب می کنند که حاصلی جز افزایش تفرقه به همراه ندارد.

اما از علما و دانایان دلسوز هر دو طرف انتظار می‌رود که ضمن پیشگیری از تداوم و تکرار این تفرقه افکنی‌ها، از دامن زدن به اختلافات پرهیز نموده و بدین ترتیب اجازه ندهند خواسته تاریخی دشمنان اسلام جامه عمل بپوشد.

آن وحدتی که مسلمانان امروز بدان نیازمندند، نه وحدت در فروع فقهی است و نه وحدت در تبیین عقلانی جزئیات اصول معتقدات، بلکه وحدتی همه جانبه برای تقویت جهان اسلام و خنثی‌سازی توطئه‌ها می‌باشد؛ یعنی همان وحدتی که قرآن کریم از آن به دیوار آهنین تعبیر می‌فرماید تا در راه خدا پیکار کنند ۵. این پیکار نه تنها در میدان کارزار، بلکه در تمامی صحنه‌های دانش و همکاری‌های علمی و مبادلات اقتصادی و غیر آن باید تحقق یابد.

اگر چه کل مسلمانان در این زمینه مسؤول هستند، اما بیشترین وظیفه هدایت امت اسلامی به سمت وحدت و دوری از تفرقه، بر عهده دانشمندان و علمای اسلام است و در این زمینه وظیفه آنان از همه سنگین‌تر است. دعوت به وحدت و مبارزه با تفرقه، از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر است و خداوند برای امر به معروف و نهی از منکر از علما پیمان گرفته است.

هنگامی که این مباحث از سطح واقعی خود- یعنی مباحثات میان علما و خیرخواهان دو طرف- تنزل نموده و در میان عوام که معمولًا خارج از حیطه آگاهی‌های علمی و وسعت نظر در تحمّل سخنان مخالف هستند مطرح شود، از سطح واقعی خود تنزل می‌نماید.

یکی از وظایف علمای اسلام از هر دو طایفه شیعی و سنی در این برحه حساس از تاریخ این است که از نزدیک یکدیگر را بشناسند و ارتباطات کلامی و مکاتباتی مستمر و دوستانه علمی میان آنان برقرار شود. الگوی مکاتباتی علّامه سید عبدالحسین شرف‌الدین با شیخ الأزهر می‌تواند بسیار مفید باشد.

زمانی که علمای شیعه و سنی با یکدیگر مباحثات علمی و مستدل و به دور از تعصبات غیر لازم داشته باشند، به زودی ثمرات آن را نیز در جامعه و امت اسلامی شاهد خواهیم بود. این امر حتی بر سیاستمداران کشورهای اسلامی نیز تأثیرگذار خواهد بود.

۵

- تعامل ایران و عربستان برای ثبات و امنیت در منطقه

ص: ۵۱

پس از یک دوره روابط نسبتاً مطلوب بین ایران و عربستان، شرایط منطقه و تفاوت نوع نگاه طرفین درباره موضوعات مختلف منطقه، فضای روابط دو کشور را بسیار حساس و پیچیده کرده است. اگر چه عربستان از تشدید بحران در منطقه و ایجاد یک بحران جدید در محیط امنیتی خود استقبال نمی‌کند، اما از تضعیف نقش و نفوذ ایران در خاورمیانه خشنود خواهد شد.

ملک عبدالله در مقایسه با سلف خود دارای تجربه، عقلانیت و هوشمندی سیاسی است، اما خود او نیز بین شاهزادگان خانواده سلطنتی، روحانیون سلفی و خواست‌های ایالات متحده برای مقاومت در برابر آنچه «بلند پروازی و توسعه طلبی ایران» توصیف می‌شود، محصور می‌باشد. در چنین شرایطی که غلیان سیاسی عربستان طبیعی به نظر می‌رسد و روند تحولات به طور طبیعی نمی‌تواند کاملًا همسو با خواست‌های ریاض به پیش رود، تقابل و مواجهه کامل به خصوص در عرصه رسانه‌ای‌نمی‌تواند متضمن منافع ملی جمهوری اسلامی باشد.

آنچه‌که ایران در تعقیب اهداف وسیاست‌های منطقه‌ای و اتخاذ استراتژی‌ها در محیط پیرامونی خود باید مورد توجه قرار دهد، نه‌تنها منافع ملی وامنیتی، بلکه درکی واقع‌بینانه ازمنافع ملی وامنیتی ونگرانی وحساسیت‌های سایر بازیگران اصلی منطقه‌ای به ویژه عربستان سعودی است. بدین معنی که ایران برای حفظ دستاوردهای خود در منطقه و موقعیت کنونی‌اش نیاز دارد که از ایجاد احساس ناکامی و باخت کامل در حریف جلوگیری نماید؛ چرا که در غیر این صورت بازیگران رقیب، چون عربستان تلاش می‌کنند شرایط و ائتلاف‌های منطقه‌ای را به‌گونه‌ای تغییر دهند که ممکن است به تضعیف موقعیت و از دست رفتن موفقیت‌ها برای ایران منجر شود. در سال‌های اخیر، با توجه به شرایط جهانی و تحوّلات منطقه به دورانی وارد شده‌ایم که در آن موضوع سیاست خارجی ایران باید میل به استقرار ثبات در منطقه (برحسب آرای مردم) و نه میل به تغییر و دگرگونی باشد. اما در مورد عربستان به‌عکس، ضروری است که میل به تغییر، موضوع سیاست خارجی عربستان واقع شود و این کشور از تمایل تاریخی خود به محافظه‌کاری فاصله گیرد. دولتمردان این کشور به تدریج به آن سمت می‌روند (و دیپلماسی ایران نیز باید بکوشد آن را تسریع کند) که مصلحت دولت خود را در تغییرات و نه در تداوم و ثبات وضع موجود بجویند.

در این سال‌ها همچنین مسائل و موانع در روابط ایران و عربستان جدّی‌تر و قابل درک‌تر شده‌اند، اما الزاماً نمی‌توان گفت که این روابط وخیم‌تر و یا بهتر شده است. در این دوران، بحران سه‌گانه منطقه که یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های تعیین کننده آینده سیاسی خاورمیانه هستند؛ یعنی فلسطین، لبنان و عراق، صرفاً التهاب و اهمیت بیشتری یافتند و به دنبال آن سه گانه یا مثلث ایران- عربستان- آمریکا نیز از تعیین‌کنندگی بیشتری برخوردار شده‌است و مجموعاً بر حالت انتظار برای تحقق یک تحوّل در منطقه افزوده‌شده‌است. با وجود آن‌که عربستان برای رویارویی با جهش استراتژیک و نفوذ منطقه‌ای ایران دست به تحرکات گوناگون و پذیرفتن انواع هزینه‌ها زده است، ولی بی گمان نمی‌خواهد چالش و تنش در روابطش با ایران افزایش یابد. این دولت از جهت‌گسترش دامنه بحران‌ها در خاورمیانه و درغلطیدن تمام منطقه به بی‌ثباتی بسیار نگران است. این حقیقتی بسیار اساسی است و به مثابه عامل توازن‌بخش در همه سیاست‌های تعارضی عربستان از جمله در برابر ایران عمل می‌کند. گرایش به ثبات و وحشت از تغییرات اساسی در منطقه، اصل اساسی دیپلماسی ریاض است و همین گرایش اصولی سبب شده است راه‌های بهبود روابط با ایران علاوه بر آن‌که هیچ‌گاه کاملًا بسته نشود، ظرفیت‌های رو به رشدی برای گسترش روابط نیز خلق کند.

عربستان به کاهش سهم، جایگاه و نقش‌آفرینی خود در عراق، لبنان، اراضی اشغالی و کشورهای همسایه خود حساس می‌باشد و رایزنی‌ها و واکنش‌های اخیر سعودی‌ها نیز تلاش برای آرایش صحنه بازی به‌گونه‌ای می‌باشد که مطلوب آنهاست. در چنین شرایطی، درایت، هوشمندی و عدم مواجهه و مقابله کامل با ریاض از سوی ایران می‌تواند گزینه‌ای مطلوب باشد.

مناسب است جمهوری‌اسلامی ایران تحرکات اخیر عربستان (به‌خصوص تلاش برای احیای طرح صلح عربی) را به دقت مدّ نظر قرار

دهـد. اگر ایران موفق به القای این نکته به پادشاهی سـعودی شود که جمهوری اسـلامی نقش و سـهم متناسب و معقول عربسـتان را درموضوعات منطقه لحاظ می کنـد و بدان واقف است، می‌تواند از تنش بیشتر در روابط دوجانبه جلوگیری کند. به نظر می‌رسد اگر عربستان احساس کندکه تحوّلات سال‌های اخیر منطقه باعث شده شرایط به نفع جمهوری اسلامی ایران و شیعیان و به ضرر عربستان سعودی و اهل تسنن تغییر یابد، آن‌گاه فعالیت‌های ضدّ شیعی و ضدّ ایرانی خود را در تمامی صحنه‌ها با شدت بیشتری ادامه دهد.

جمهوری اسـلامی مناسب است نگاهی عمیق، استراتژیک و دراز مدت نسـبت به تحولات منطقه و روابط با عربسـتان سـعودی داشته باشد. قدر مسلّم آن‌که ایران نمی‌تواند از حقوق خود چشم‌پوشـی کند، اما می‌تواند درضمن حفظ منافع کشور به‌گونه‌ای عمل کند که کشور به طور همزمان در چند جبهه سیاسـی درگیر نشود. با توجه به شرایط منطقه، درگیری و مواجهه کامل با عربستان می‌تواند مانعی جدی بر سر راه منافع ملی ایران به وجود آورد.

در آینـده ممکن است بـاز هم بر نفوذ و امکانـات منطقه‌ای ایران افزوده شود؛ امـا نکته مهم تثبیت نفوذ است که ایران بایـد برای آن برنامه‌ریزی و طراحی داشـته باشـد و در این راه همکاری با کشورهای مهم منطقه ضـروری است. افزایش نفوذ ایران حالت تدریجی دارد و بایـد بـا ثبـات و امنیت در منطقه همراه گردد. لازم است برای بارور شـدن زمینه‌های کهن فرهنگی و روانی که ملت ایران در دوران قبل از تاریخ مدرن خود از آن برخوردار بود؛ یعنی نفوذ بدون عاملیت نفوذ، گسترش فرهنگی و نیز اقتصادی، بدون گسترش سیاسـی گام‌های لازم برداشـته شود. انواع تحرکات فرهنگی و اقتصادی و علمی و بدون لحاظ نمودن برخی از حساسیت‌های تنش‌زا می‌توانـد موجب کاهش و تضـعیف ذهنیت‌های منفی در همسایگان شود. بایـد پـذیرفت که هر چه آرامش در فضای پیرامونی ایران بیشتر شود، نفوذ (ماهیتاً تدریجی) ایران نیز بیشتر می‌شود و در این راه، ایران باید براساس شـرایط در منطقه ابتکارهای جدیدی طرح کند و وضعیت جدید را مدیریت نماید.

ص: ۵۲

نتیجه گیری:

عربستان سعودی به لحاظ موقعیت خاص خود همواره نقشی مهم در تحولات منطقه‌ای و جهان اسلام داشته است. اهمیت عربستان سعودی تنها محدود به تأثیرگذاری در بازارهای انرژی جهان نیست و این کشور بنا به دلایل تاریخی، جغرافیایی و سوق‌الجیشی همواره در روند تحولات منطقه خاورمیانه نقش ایفا کرده است. در سال‌های اخیر با کاهش نقش مصر در تحوّلات کشورهای عربی بر نقش عربستان افزوده شده است. طی دهه‌های اخیر، ریاض هیچ‌گاه در سیاست خارجی خود تا این اندازه با متغیرهای منطقه‌ای جدید مواجه نشده بود. سیاست خارجی عربستان همواره مبتکرانه و فعال بوده است، اما شرایط کنونی منطقه، موجب شده است که سیاست خارجی عربستان سعودی با مقتضیات تازه‌ای مواجه شود.

بازگشت مجدد روابط ایران و عربستان به صحنه رویارویی و جدال سیاسی و دیپلماتیک نمی‌تواند تأمین کننده منافع جمهوری اسلامی در چنین شرایطی باشد. ایران و عربستان در پایان سومین دهه از مناسبات خود پس از انقلاب، بار دیگر با مقتضیات و شرایط تازه‌ای مواجه شده‌اند. در این شرایط، افزایش نگرانی‌های سیاسی عربستان امری طبیعی به نظر می‌رسد. با توجه به ملاحظات فوق هوشمندی، درایت، تدبیر بیشتر و عدم مقابله و مواجهه آشکار، به خصوص در عرصه رسانه‌ای، با عربستان، منافع ملی ایران را به شکلی مطلوب‌تر تأمین خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران باید از هرگونه اقدامی که به ارائه تصویری نامطلوب از ایران در نزد سعودی‌ها کمک کند، اجتناب ورزد و برای رفع ابهام‌های موجود (که به خصوص پس از تحولات سیاسی سال گذشته ایران در مناسبات طرفین ایجاد شده است) بکوشد. در صورتی که ایران موفق به القای این نکته به سعودی‌ها شود که تهران نقش، جایگاه و سهم متناسب و معقول عربستان را در معادلات منطقه و به‌ویژه صحنه عراق و ترتیبات امنیتی خلیج فارس مدنظر گرفته و آن را لحاظ می‌کند، اطمینان خاطری را که عربستان از جانب ایران نیاز دارد، به دست خواهد آورد.

از جمله مواردی‌که در نزدیکی بیشتر روابط ایران و عربستان سعودی می‌توان مورد توجه قرار داد، اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر برخی از فعالیت‌ها، انتشارات و تبلیغات مذهبی آشکارا ضدّ سنی می‌باشد. این کنترل با توجه به قدرت نهادین وهابیت در عربستان و واکنش‌های ضد شیعی و ضد ایرانی آن اهمیت فراوانی دارد. البته این اقدام و تفاهم باید دو طرفه باشد و عربستان نیز فعالیت‌های ضد شیعی را کنترل نماید.

مورد دیگر، معطوف کردن بخشی از رقابت‌های منطقه‌ای به عرصه‌های غیرحساسیت برانگیز؛ مانند مسائل اقتصادی به جای تمرکز صرف بر مسائل سیاسی و امنیتی است. از نکات دیگر می‌توان به تلاش برای نزدیکی دیدگاه‌ها در خصوص مسأله فلسطین و دفاع از حقوق مردم فلسطین؛ توجه به راه‌حل‌های میانه و مشترک در خصوص ترتیبات امنیتی خلیج فارس؛ از جمله امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت منطقه‌ای؛ تبدیل عراق پس از صدام به عاملی برای ثبات منطقه‌ای، و ارتقای همکاری‌های ایرانی- عربی در سطح منطقه، اشاره کرد.

لازم به ذکر است که نشانه‌های گرایش جدید، در سفر آقای هاشمی به عربستان مشهود بود؛ زیرا طرف عربستانی به تشکیل کمیته‌هایی فراتر از ساختارهای رسمی موجود (یعنی تشکیل دو کمیته؛ یکی کمیته علمایی متشکل از روحانیون و روشنفکران و کمیته سیاسی متشکل از سیاستمداران مورد وثوق دو طرف) علاقه نشان داد. این امر از تمایل عربستان برای ایجاد تغییر در وضعیت موجود بین دو کشور حکایت می‌کند. امروز از این اصل در سیاست خاورمیانه‌ای نباید غفلت کرد که هر نوع اقبال جدی دولت‌ها به ایران، به معنای توجه به استقلال خواهد بود.

طبیعی است که بی پاسخ گذاشتن این تفاهم با عربستان از سوی ایران، ممکن است موجب سوء برداشت طرف عربستانی و از بین

رفتن فرصت ایجاد شده برای بهبود و ارتقای روابط دو کشور و همکاری‌های منطقه‌ای شود.

در صورت تلطیف فضـای موجود و تقویت نقاط اشتراک و دوری از نقاط افتراق بین دو کشور می‌توان نتایـج نزدیکی دیـدگاه‌های دو کشور را به طور ملموس مشاهـده نمود. به طور خلاـصه، می‌توان به بهره‌گیری مردم دو کشور از نزدیـک‌تر شـدن روابط ایران و عربستان سعودی، تسهیل شرایط حج، احساس امنیت و آرامش در بین مردم و رهبران کشورهای منطقه، برقراری وضعیت با ثبات در خلیج فارس و بسـیاری از موضوعات دیگر که مربوط به وحدت اسلامی می‌شود، به عنوان نتایج بهبود روابط ایران و عربستان اشاره کرد.

ص: ۵۳

سخنرانی ها و گفت و گو ها

متن سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی در

همایش گفت و گوی مذاهب اسلامی

در مکه مکرمه

چهار شنبه ۱۵/ ۳/ ۸۷

بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله والسّلام علی رسول الله و آله و أصحابه الکرام.

فَبَشِّرْ عِبادِ الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَه.

از بزرگواری خادم الحرمین الشریفین، به خاطر برگزاری برنامه خوب «کنگره جهانی گفتگوی اسلامی» تشکّر می کنم؛ موضوعی که امّت اسلامی در این شرایط به آن نیاز دارند، مخصوصاً این که این کنگره در مهبط وحی برگزار می‌شود.

نکته جالبی که به ذهن من تداعی کرد این است که در چند قدمیِ کوه صفا؛ آنجا که پیغمبر اکرم بعد از مکلف شدن به علنی نمودنِ دعوت ایستادند و با کلمه «یا صباحاً» بشریت را مورد خطاب قرار دادند و هشدار دادند به مسیر تاریخ.

امروز برادران ما در مملکت عربستان سعودی در کنار بیت الله الحرام و چند قدمیِ همان صفا فضای جدیدی برای دنیا و پیام بزرگی برای کلِّ عالم درنظر گرفته اند. امیدوارم که با برکت بیت الله و پیروی از فرمان قرآن بتوانیم پیاممان را از این مرکز به گوش جهان برسانیم.

زحمت زیادی کشیده شده، علمای بزرگی از بلاد آمده‌اند و خبرهایی در دنیا پخش شده و گوش‌هایی، مستمعِ شنیدن پیام این اجلاس هستند. حیف است که ما با کلمات تشریفاتی از این اجتماع بزرگ به آسانی عبور کنیم.

من از نکات خوبی که در بیانات خادم الحرمین وجود داشت استفاده کردم و از کلمه قیم علّامه آل شیخ بهره بردم. بنده هم نکاتی را در نظر دارم که با شما بزرگواران و از طریق شما با امّت اسلامی و با همه ادیان آسمانی مطرح می کنم.

چهارده محور را به طور اختصار در صحبت کوتاهم عرض می کنم. برای نشان دادن هدف از این مؤتمر شاید آن طور که من می‌فهمم کارگشا باشد. امیدوارم که این پیام مؤتمر تأثیر خودش را در عالم امروز بگذارد. البته این اجلاس می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای گفت وگوی ادیان و مکاتب بشری، ولی در عین مقدمه بودن، خودش هم اصالت دارد. چون ما، قبل از این که به دنیا برسیم و با ادیان دیگر حرف بزنیم، با خودمان باید حرف بزنیم و یک مسیر مشخص اسلامی را روی آن تفاهم کنیم و با وحدت نظر، نماینده اسلام باشیم در گفتگوی با ادیان و تمدّن‌ها.

شما می‌دانید که همه تمدّن‌ها ریشه در ادیان آسمانی دارند و در حقیقت ادیان آسمانی، قلبِ همه تمدّن‌هاست. مادرِ همه تمدن‌هاست و ما اگر امروز از موضع دین اسلام، آن هم در مکه مکرمه به دنیا پیام می‌دهیم، صحبت قلب و مادر به فرزندان خودش است. امیدواریم گوش شنوای زیادی باشد.

ص: ۵۴

آیه‌ای که در اوّل صحبتم خواندم، یکی از ویژگی‌های بندگان خوب خود را این می‌داند که حاضرند به حرف دیگران گوش بدهند و منصفانه قضاوت کنند و بهترینش را انتخاب کنند.

ما این را فقط برای خودمان نمی‌گوییم. این یک پیام برای همه مردم است. هر انسان عالم وآگاهی اگر گوش خودش وقلب خودش را بر روی حقایق ببندد، اشتباه می‌کند. تعصب از نشانه‌های جهل است و باز بودن وشنیدن حرف درست از نشانه‌های حکمت و عقل است. افراط و تفریط انسان را به جهالت می رساند ولی اعتدال انسان را در مسیری قرار می دهد که حاضر است به اطراف خودش نگاه کند و اقتباس کند. اول ما به دنیای خودمان؛ یعنی به امت اسلامی می پردازیم. امّت اسلامی امروز دچار مشکلات واقعی است و حقیقتاً وظیفه شما علمای اسلام بسیار سنگین است؛ کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ مفهومش این است که تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ومنكر را محدود نكنيد به تخلّف از ظواهر شرع. منكر گاهی ظاهر زیبایی دارد اما در باطن بسیار کثیف و نادرست است. علمایی که آگاه هستند باید بشریت را آگاه بکنند و شما امت اسلامی را باید آگاه بکنید. کسانی که در جهالت هستند، آن‌ها را راهنمایی کنید. جهان اسلام به خاطر اختلافاتی که در بین ما هست، تضعیف شده. خودمان خودمان را تضعیف می کنیم. انرژی هایمان را در درگیری با یکدیگر مصرف می‌کنیم که بدترین اسراف است و بدترین نوع استفاده از نعمت‌های خدا است. ما باید برای تقویت دنیای اسلام دست هماهنگی و دوستی به‌هم بدهیم. بهانه‌گیری نکنیم، همدیگر را تضعیف وبدنام نکنیم. اگر عیبی می‌بینیم، با مذاکره آن عیب را برطرف کنیم و اگر بد می‌بینیم بپذیریم که ما اشتباه کرده‌ایم.

ما از این اجلاس انتظار یک میثاق داریم برای گفتگو و برای تعامل و برای بهره‌گیری از نظرات صائب در دنیا و برای انتقال نظرات اسلام به دنیا. مبانی میثاقمان را از قرآن گرفته‌ایم. اصل اولیه‌اش «مشورت» است. قرآن ستایش می‌کند مسلمانان را به خاطر این‌که اهل مشورت هستند.

) وَ أَمْرُهُمْ شُورى بَيْنَهُم (، از پیغمبر ۹ که مستقیماً از وحی می‌گرفت و جبرئیل دائماً پیام خدا را برای او می‌آورد، می‌خواهد که با دیگران مشورت کند؛) وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (. ما اصل مشورت را باید مبنای این میثاق اجلاس‌مان قرار بدهیم. و اصل دیگری که باید درنظر بگیریم، «انصاف درقضاوت وپذیرش حق» است. خودداری از تعصّب جاهلی است. تعصب اگر به معنای پای‌بندی به اصول و عقاید است، این مذموم نیست، ممدوح است. تعصب این است که انسان اجازه ندهد عقلش قضاوت بکند وگوشش برای استماع آماده باشد. اعلام پیام این اجلاس می‌تواند- اگر درست تبیین شود- خیلی‌ها را امیدوار کند و ان شاءالله این کار را خواهد کرد.

و قدم بعدی ما باید این باشد که به طور یکپارچه و نه با اختلاف، به نمایندگی از اسلام با ادیان دیگر، با تمدّن‌های برخاسته از ادیانِ دیگر، به گفت وگو بنشینیم و با آن‌ها به تفاهم برسیم. مگر ما از زبان قرآن نمی‌شنیدیم که پیامبر اکرم ۹ به دستور خداوند، از اهل کتاب زمانِ خودشان دعوت می‌کنند که بیایید روی مشترکاتمان تکیه کنیم به جای دعوا. ما قبل از این‌که دیگران را دعوت کنیم، خودمان به این پیام باید پاسخ بدهیم. مشترکات مذاهب اسلامی برای شما کارشناسان و علما روشن است. بیش از ۹۵٪ احکام اسلامی مشترک بین ما است. عقاید ما یکی است. توحیدمان، رسالتمان، معادمان که اصول اسلامی‌مان هست و فروع مهمی مثل عدالت و انصاف و حق پذیری و امثال این‌ها، همه مورد وثاق ماست. پس این دعوت را اول متوجّه خودمان بکنیم که همه مذاهب روی نقاط مشترکشان تکیه کنند.

من به عنوان یک مسلمان، یک شیعه و یک اسلام شناس، که عمرم را صرف کرده‌ام و یک صاحب تجربه در میدان عمل شده‌ام، عرض می‌کنم‌که ما مشترکاتمان به قدری زیاد است که نیازی به پرداختن به نقاط افتراق نداریم. من نمی‌گویم دیگران نظرشان را مطرح نکنند! عرض می‌کنم نزاع نکنند. همان نص قرآنی که به ما می گوید:) وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُم (. این بدترین ثمره تنازع است. ما اگر از امر و نهی قرآن تکلیف به وظیفه نفهمیم، از کجا می‌توانیم بفهمیم حرام است. گناه است. مضرّ است

تنازع. برای این‌که مذاکره و استدلال مستحب است و لازم است. اختلاف ذاتاً مضر نیست. آنچه که مضرّ است، تفرقه و تنازع است. اختلاف نظر نعمت است و رشد می‌آورد. کمال می‌آورد. پیشرفت می‌آورد؛ اگر در فضای دوستانه و عاقلانه و حکیمانه مطرح شود.

ما باید بپذیریم، آقایان علمای اسلام! باید بپذیریم که دنیای اسلام امروز دچار مشکلات واقعی است. سرمایه بزرگی خداوند به ما داده ولی حفاظت از آن ضعیف است. خداوند به مسلمان‌ها، بر اثر رشد طبیعی اسلام در تاریخ با معنویت قرآن و اعجاز قرآن امروز یک چهارم جمعیت دنیا را داده است. یک چهارم جمعیت دنیا خیلی مهم است. کشورهای اسلامی ۵۷ رأی در سازمان‌های بین المللی دارند. بیش از یک چهارم! ما می‌توانیم با پیدا کردن چند همراه در سازمان‌های بین المللی تصمیم گیرنده باشیم؛ یعنی اسلام می‌تواند، ما که چیزی نیستیم. اسلام می‌تواند.

بیست درصد ثروت جهانی در اختیار کشورهای مسلمان است و بهترین نقاط سوق‌الجیشی دنیا، تنگه‌ها و آبراه‌ها و بهترین جغرافیای روی کره زمین در قلمرو مسلمان‌ها است. بازار عظیم تولید.

امروز الحمد لله دانشگاه‌های کشورهای اسلامی دارد رشد می‌کند. تشویق منابعِ انسانی در دنیای اسلام به قرآن و علم و تعلّم باید سرآمد باشد. دنیای غرب از شما آموخته است. تمدّن اسلامی از محیط ما به غرب رفته است و آن‌ها امروز به صورت دیگری آن را عرضه می‌کنند. این مکتب و این انسان‌ها و این مکتب خوب و بی‌نظیر و ابدی و این سرمایه‌های مادی و همه منابع طبیعی خوب دنیا در کشورهای ما وجود دارد. این مجموعه چرا باید در دنیا در مقابل استکبار و انحصارطلب‌ها تسلیم باشد؟! ما نمی‌خواهیم زورگویی کنیم، اما حق این امت را ما نمی‌توانیم به آسانی به دیگران واگذار کنیم. علمای اسلام مکلّف هستند که از حقوق اسلامی مسلمان‌ها دفاع کنند. شما خوب می‌دانید که امروز مشکلاتی که در کشورهای اسلامی هست، در درجه اول به خودشان مربوط است، به خاطر جهل و عقب افتادگی و افراط و تفریطها. و همان‌ها سبب شده است که انحصارطلبان جهانی و استکبار جهانی طمع کنند در موجودی ما و فشار بیاورند بر منابع ما و غارت کنند منابع ما را. صهیونیست به عنوان یک عامل بسیار خطرناک در اختیار کفر جهانی است، در مقابل کشورهای اسلامی. و این سرمایه عظیم را باید قدر بدانیم.

ص: ۵۵

شما می‌دانید در ایران بعد از انقلاب اسلامی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ما تاکنون ۲۱ کنگره وحدت گذاشته‌ایم و ده‌ها سمینار و همایش برای گفتگو با دیگران گذاشته‌ایم. سالیانه چند اجلاس داریم.

جنایاتی امروز در غزّه اتفاق می‌افتد. ملت مظلومی را محاصره کرده‌اند. روزبه روز وضع برای مردم در غزه بدتر می‌شود.

عراق اشغال شده است. با اشغال شدن عراق، خطر برای بقیه کشورها از ناحیه اشغالگران به‌وجود آمده است. شما در جریان هستید که آمریکایی‌ها درصدد هستند قرارداد امنیتی درازمدّت با عراقی‌ها ببندند. این قرارداد عبودیت کامل عراق در مقابل آمریکایی‌ها است. ان شاءالله این کار نخواهد شد. من امیدوارم مجاهدان عراق، مردم عراق اجازه نخواهند داد این قرارداد تحمیل شود.

مواد مخدّر بلای بزرگ دنیای ماست. امراض خطرناکی مثل ایدز وچیزهای دیگر دارد کشورها و جوانان اسلامی را با خودش می برد. فرهنگ مبتذل غرب جوانان ما را در معرض خطر واقعی قرار داده است و اخلاق اسلامی را تحت فشار قرار داده. رسالت جهانی- اسلامی شما بزرگان و دولت‌های اسلامی نمی‌تواند در مقابل این مسائل بی تفاوت باشد و ما به خاطر همین مسائل و به خاطر خدمت کردن به بشریت، که پیام قرآن و اسلام است، این اجلاس بزرگ را تشکیل داده‌ایم و اعلام آمادگی می کنیم برای گفتگو با دردمندان جهان برای این‌که راه حلّی برای همین مشکلات به‌دست بیاوریم و برای علاج این همه دردها با هم همکاری می کنیم تا بشریت از این منجلابی که به‌وجود آورده‌اند، نجات پیدا کنند.

ثبات و امنیت پیش شرط همه کارها است. بنده به عنوان یک مدیر اجرایی و یک طلبه و یک اسلام شناس عرض می کنم که امروز خطر بزرگ در دنیای ما برای مسلمان‌ها عدم ثبات و عدم امنیت است. در منطقه‌ای که صدها هزار اخلالگر نظامی با ادوات جنگی‌شان حضور تهدیدکننده دارند، نمی‌شود احساس امنیت درازمدت کرد. امنیت مقدمه همه پیشرفت‌ها است. ما باید برای ثبات و امنیت جهان، به‌خصوص کشورهای عقب افتاده دل بسوزانیم به عنوان اسلام. آنچه که در شرق و جنوب سودان می گذرد، آنچه که در افغانستان و خیلی جاهای دیگر می گذرد، این‌ها چیزهایی است که به ما مسؤولیت واگذار می کند.

برادرم، جناب ملک عبدالله که این اقدام معنادار را انجام داده‌اند من در مذاکراتی که با ایشان داشتم دیدم خوب دردها و مشکلات جهان اسلام را می‌دانند و ما هم به خوبی می‌دانیم. امیدواریم که همه نیروها را به جای درگیری و اختلاف هماهنگ کنیم و هماهنگ برای اصلاح جهان اسلام کنیم.

رسالت اسلام جنگ نیست. هرجا جنگی پیش آمده، دیگران بر پیغمبر ۹ تحمیل کرده‌اند. وقتی‌که آن‌ها مانع حرف حق شدند، درگیری پیش آمده‌است، والّا منطق‌اسلام و قرآن نیازی به نزاع ندارد. کسی‌که پیام خدا، قادرِ مطلقِ جهان را برای مردم می‌خواند او اهل نزاع نمی‌تواند باشد. اهل صلح و صفا است.) وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها ... (.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

آقایان علمای اسلام! باید بپذیریم که دنیای اسلام امروز دچار مشکلات واقعی است. سرمایه بزرگی خداوند به ما داده ولی حفاظت از آن ضعیف است. خداوند به مسلمان‌ها، بر اثر رشد طبیعی اسلام در تاریخ با معنویت قرآن و اعجاز قرآن امروز یک چهارم جمعیت دنیا را داده است. یک چهارم جمعیت دنیا خیلی مهم است. کشورهای اسلامی ۵۷ رأی در سازمان‌های بین المللی دارند. بیش از یک چهارم! ما می‌توانیم با پیدا کردن چند همراه در سازمان‌های بین المللی تصمیم گیرنده باشیم

متن سخنان رئیس مجلس خبرگان رهبری

در جمع روحانیون

کاروان‌های زائران ایرانی

مکه مکرمه- قصر الضیافه

۱۶/ ۳/ ۸۷

بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله والسلام علی رسول الله وآله.

بسیار خوش آمدید برادران عزیز و گرانقدر، معلمان نمونه‌ای که مردم واقعاً احتیاج به آموزش و هدایت شما دارند.

قطعاً شما خودتان ارزش کارتان را می‌دانید، مخاطبین شما نوعاً انسان‌هایی هستند که حالت پذیرش زیادی دارند. ما خودمان سابقه سفر به مکّه مکرمه و مدینه منوّره را در زندگیمان داریم؛ مخصوصاً برای اولین سفر انسان وقتی آماده مسافرت می‌شود حالت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این حالت همیشه در زندگی انسان‌ها نیست. خیلی‌ها که مثلًا اهل وجوهات نیستند، وقتی که اینجا می‌خواهند بیایند خودشان را تطهیر می‌کنند، از

ص: ۵۶

لحاظ روحی کسب آمادگی می کننـد، به امیـد گرفتن عفو کامل از خداونـد و شـروع زنـد گی نو، این سـفر را انجام می‌دهند. چنین حالتی را ما جای دیگری، از این طور جمعیت‌ها نمی‌توانیم پیدا کنیم. هسـتند بالأخره در همه مجالسِ دینی انسانهای لایق و مستعد و خیلی فراوان هسـتند. حقیقتاً تفـاوت دارد. آمـاده پـذیرشِ خیلی چیزهـا هسـتند در این مسافرت، طبعاً هم آدمهای خوبی هسـتند، در گذشته‌ها که حج سخت بوده، خیلی خالص‌تر بودند. الآن یک مقدار مخلوط می‌شوند، چون سفر به آن وضع گذشته نیست.

بنـابراین، نوعاً این فرصت اسـتثنایی در اختیار علمای کاروان‌هایی که این انسان‌ها را می آورنـد، هست. که خوشـبختانه به طور منظم همراه این‌هـا هسـتند و این کـار بسـیار خوبی است که جمهوری اسـلامی ایران در این دوره‌هـا دارد انجام می‌دهـد. تأثیرش را هم ما می‌بینیم. من چنـد موردی تا به حال برخورد کرده‌ام. معمولًا کسانی که می‌آینـد حـج و برمی گردنـد، گاهی ما هم با آنها سـر و کار پیـدا می کنیم. من کم موردی برخورد کردم که تحت تأثیر آموزشـهای معلمان از کاروان‌ها و روحانیون نباشـند. فقط یک یادآوری می‌خواسـتم بکنم. شـما حتمـاً ارزشـهای خودتـان را می‌دانیـد. من هم می‌خواستم این‌ها را یادآوری کنم. فرصت خیلی ارزشـمندی است، در عین حـال وظیفه بزرگی هم هست، اگر خوب ادا نکنیم، حتمـاً خداونـد از ما سـئوال خواهـد کرد، اگر با دقت، به خوبی و ظرافت انجـام نـدهیم. آموزشـهای دینی هم مشـکلی نـدارد. در زمـان مـا، نمی‌توانـد خودش منشأ مسائل و مشـکلاتی بشود از لحاظ سیاسـی و چیزهـای دیگر. بسـتگی دارد به آن نقـاط مختلف و حساس سیاسـی که وجود دارد، در منطقه ما، در کشور میزبان ما، در روابط خودمان که آن هم ان شاء الله معلمان کاروان‌ها اینها را در نظر می گیرند.

ما یک فرصت اسـتثنایی تاریخی، با انقلاب اسـلامی به دست آوردیم. ما یعنی جهان اسلام، عموماً به خصوص مکتب اهل بیت. این انقلابی که امام راحل ما هـدایت کردند و کار را به انجام رساندند که همه‌تان می‌دانید، خیلی از شـماها در این کار شـریک بودید، یک مسـئله کاملًا اسـتثنایی در تاریخ اسلام است. ما حرکت‌های دینی، خیلی زیاد داشتیم، دولت‌هایی که بعضی‌هاشان مسلمان بودن و می‌خواسـتند مسـلمان بمیرند و بمانند، خیلی زیاد داریم، اما کسی که با جریانی که موفق شده باشد، نظامی را تشکیل داده باشد و بنـا دارد اسـلامی زنـدگی بکنـد از لحـاظ ساختـار و عمـل بـه آن، در تاریـخ نبـوده اسـت. مـا نمی‌شناسـیم چنیـن چیزی را. خیلی‌ها می‌خواسـتند به صورت یک مسلمان حکومت بکنند و خیلی‌ها هم کرده‌اند، ولی اینکه ساختار نظام، اسلامی بشود ومقرراتش منطبق با اسلام باشد، این یک چیز واقعاً بی‌سابقه‌ای است که نمونه‌اش را در گذشته نداشته‌ایم. این دست ما ست. ما طلبه‌ها و روحانیون در این بخش، این سرمایه بزرگ را در اختیارمان داریم.

پاسـداری از این، در زمان ما آسان نیست، کار به این عظمت را که به قیمت مجاهدت بسـیار انسانهای با شـرف و با ارزش به وجود آمده و خونهای زیادی هم پای آن ریخته، انسانهای زیادی واقعاً در این راه فدا شده‌اند و البته آنها برده‌اند و برنده این میدان هستند، به هر حـال فـداکاری خودش ارزش بالا-یی دارد، مـا چنین چیزی به دست آوردیم، واقعـاً بایـد خیلی جـدی‌تر از آن چیزی که الآـن روحانیت ما دارد عمل می کند. ما باید بیشتر هزینه کنیم، بیشتر وقت بگذاریم، دلسوزی بکنیم، شـجره‌ای که هنوز خیلی جوان است، این را نگه داریم، برای نسلهای بعدی.

عوامل تهدیـد کننـده هم کم نیست برای ما و زیاد هم هست. عوامل خارجی به نظر نمی‌رسـد خیلی بتواند موفق باشد در به هم زدن این نظـام. آنچه ممکن است مشـکل واقعی درست بکنـد، این است که مـا در داخـل به گونه‌ای عمـل بکنیم که خود نظام از درون آسـیب ببیند، اگر اسـتحکام درونی‌مان را حفظ بکنیم و خودمان را نگه بداریم در مسـیر باشیم، همان که هدف انقلاب بوده، به نظر می‌رسد که برای ما مشکلاتی درست می کنند، فرصت‌هایی هم در دنیا هست. شما کارتان محدود به این مسافرت نیست. شما خیلی جاها هستید و باید خدمت بکنید، بخشـی از وقتتان هم به اینجا رسیده. به طور کلّی‌با آقایان علما که صحبت می کنم، کلیّت قضیه را می گویم.

ما باید برای پاسداری از این راهی که شروع شده، کسانی واقعاً افتخار دارندکه این کار را در اختیار ما گذاشته‌اند یا حمایت کرده‌اند، یا سرمایه گذاری کرده‌اند. باید روی این خیلی جدی باشیم. در مورد این که چگونه جدی باشیم، چیزهایی نیست که برای شما تحفه‌ای باشد. خودتان تشخیص می‌دهید و دارید عمل می‌کنید، ولی نکات مهمی وجود دارد. در مکّه و مدینه کاروان هایی که می‌آیند، شما حرفهای اساسی را با زوار مطرح می‌کنید. نمونه تربیتی شما هم آثارش را نشان می‌دهد، همراه آثار معنوی سفر حج. ولی در سطح وسیعتر که بخواهیم نگاه بکنیم، روحانیت الآن همه‌مان از مراجع گرفته تا طلبه‌های مبتدی، از وعاظ و ائمه جمعه و جماعات و ارگانهایی که در آنجا روحانیت مشغولیت دارد. مجموعه این ها باید هماهنگ با معیارهای اسلامی و با توجه به زمان و مکان و شرایط از انقلاب حمایت بکنند. این را اصل قرار بدهیم در زندگیمان و مسائل دیگر فرع این است. مثلا اگر مواضع سیاسی که انسان می‌گیرد به نفع یک جریان باشد یا نباشد. این یک مسأله‌ای است که آدم یک جریان را قبول دارد و برای آن جریان کار می‌کند، قبول دارد، اما تا آنجایی می‌تواند مقبول باشد که با انقلاب سازگار باشد، با اهداف انقلاب سازگار باشد. بالاخره امروز حالا قرن ما، قرن افکار عمومی است، قرن مردم است. روحانیت هیچ وقت در آن دوره‌هایی که ما می‌شناسیم قدرت قاهره نداشته که با قدرت قاهره‌ای که با نیروهای مسلح و امکانات دیگر بتواند مردم را با خودش بکند. این طور سربازگیری هم خیلی جواب نمی‌دهد. روش سربازگیری خیلی آسیب‌پذیر است. سربازگیری درست این است که انسان با قلوب مردم سروکار داشته باشد. یکی از دستاوردهای خوب دوران مبارزه این بود که حقیقتا مردم با قلبشان پیوستند به جهاد اسلامی. هیچ منفعتی برای توده مردم نبوده که با روحانیت کار کنند. مقلد امام خمینی/ باشند. مردم رسیدند به اینکه این جمعیت پیشتاز مبارزه دارند برای نجات کشور، برای نجات اسلام، برای رفع شر دارند کار می‌کنند و این ها همراهی کردند. این حالت را باید حفظ کنیم، اگر می‌خواهیم همراه مردم باشیم و مردم همراه انقلاب باشند. الآن به اندازه روحانیت، هیچ جریانی نمی‌تواند این حالت را در مردم ایجاد کند. خدای نکرده اگر روزی این مردم باور کنند که ما برای منافع خودمان برای منافع شخصی یا جریانی، یا صنفی این مسائل را مطرح می‌کنیم، دیگر آن رابطه نیست و اگر مردم با روحانیت نباشند، روحانیت اگر فکر می‌کند که با زور و فشارهای سیاسی، امنیتی یا فشارهای نظامی و پلیسی بتواند راهش را ادامه بدهد اشتباه فکر می‌کند. اگر هم بتواند دیگر روحانی نیست. اگر هم بتوانیم با این ابزار خودمان را، انقلابمان را، ظاهر حکومت را حفظ بکنیم، این آنی که ما می‌خواستیم و می‌خواهیم نیست. شماها که از این نوع نمی‌خواهید تبلیغ بکنید. تبلیغی که روحانیت می‌خواهد بکند، این است که قلوب مردم با اسلام باشد، مردم به دینشان علاقه‌مند هستند. همین مردمی که به اسم دین، بخاطر دین با ما همراهی می‌کنند ممکن است در شرایطی احساس کنند ما با دین، ابزاری رفتار می‌کنیم، آن موقع با روحانیت جور دیگری رفتار می‌کنند، و لذا از این کاری که محصول زحمات خودمان و همراه فداکاریهای مردم، حضور مردم و خواست مردم بوده باید حراست بکنیم و جوری رفتار کنیم که مردم از صمیم قلب در صحنه حضور داشته باشند و راهی که مال آنهاست، پیروزی‌اش مال مردم است.

ص: ۵۷

ما سالهای طولانی مبارزه کردیم، اما اگر مردم نمی‌آمدند در میدان، جلوی رگبار مسلسل‌ها نایستاده بودند، شاه را عاجز نمی‌کردند، ما پیروز نمی‌شدیم. در زندان‌ها خیلی‌ها داشتند می‌پوسیدند، روحیه‌ها شکسته بود. ولی وقتی مردم آمدند همه چیز حل شد. حالا هم همین است. یک عده‌ای ممکن است با زرق و برق و با منافع و با اینها حضور داشته باشند، اما این ها لشکر اسلام واقعی نیستند، آن هایی که لشکر واقعی هستند، آن هایی هستند که به فرمان دلشان و روحشان به سوی اسلام می‌آیند. این یک رسالتمان که با مردم اینجوری کار بکنیم و شماها واقعا سرباز این میدان هستید. من در این جایی که فعلا- حرف می‌زنیم، برای کاروانها عرض می‌کنم، ولی آن مسؤولیت‌هایی هم که در جای دیگر دارید، باز همین است و ان‌شاء الله این وضع تقویت بشود و باقی می‌ماند. اگر روحانیت کاملا در میدان باشد، همین وضع ان‌شاءالله خواهد بود.

در مورد مسائل حج و شرایطی که آنجا هست، اگر بعضی از افکار تندی که در مسائل فرقه‌ای و اختلافات مذهبی در میان بعضی از آقایان علما و طلبه‌ها هست، آن ها بخواهد در این فضا پیدا شود- در فضای شما الحمدلله تاکنون اینطور نبوده- اگر بخواهد پیدا بشود- ما ضرر می‌کنیم. بالأخره این فضا، فضای دیگران است. دیگران که می‌گویم؛ یعنی مذهب غیر شیعه، البته این ها دیگران نیستند، مسلمان هستند. برای خودشان مثل ما عقاید دارند مثل ما اعمال دارند، روی عقیده خودشان عمل می‌کنند و خیلی هم درراه خودشان محکم هستند و خوب هم دنبال کارشان می‌روند. ما واقعا وحدت اسلامی را اینجا باید اصل قرار بدهیم. خیلی مهم است الآن دنیای اسلام. باید با هم باشیم. بعلاوه برای همین که انقلاب خودمان را آشنا کنیم با این، باید فضایی باشد؛ فضای منطقی و در جامعه حضور داشته باشد. این که بعضی‌ها حالا- عواطفشان الآن مثلا در رحلت حضرت زهرا ۳ که این روزها در پیش است، بگونه‌ای بخواهند صحبت بکنند که دیگران بهفمند که به مقدساتشان برمی‌خورد، معلوم است که تأثیرات منفی هم می‌گذارد، ممکن است دل بعضی‌ها را یک کمی تشفی بدهد، اما آثار آن طرفش را ببینیم. ما ممکن است الآن حرفی بزنیم به خاطر این که جواب کارهای زشت دیگران را بدهیم، در یک بعدی انسان باید این کار را بکند، نه به قیمت اینکه مسلمان ها به جان هم بیفتند و همدیگر را اینجوری که در بعضی‌جاها هست از میدان در بکنند، این طور چیزها آدم نمی‌داند که این ها واقعا عمل صالح باشد، ذاتش اگرهم صالح باشد، مطرح کردن این طور چیزها ممکن است به مکتب اهل بیت آسیب بزنند.

حرف‌های غلوآمیز و چیزهایی که کمی بوی شرک می‌دهد الآن برای شیعه و برای اهل بیت بسیار مضر است. امام رضا ۷ در جواب سؤالی فرمودند: خیلی ازاین مسائلی که برای ما نقل می‌کنند، این‌ها در اصل برای جداکردن مردم از ما گفته شده است. روایاتی است که دیگران گفته‌اند برای این‌که دیگران فکر کنند ما مشرکیم و ما از حد عبودیت ائمه بالاتر رفته‌ایم. لذا واقعاً مطالب غلو آمیز در آموزشها که گاهی هم منعکس می‌شود در رسانه‌ها، ضمن این که عاشقان اهل بیت را خیلی خوشحال می‌کند، خوششان می‌آید، اما باید ما فکر بکنیم که یک جور دیگر نشود. شما حقیقتاً می‌توانید معلمان واقعی باشید، جلوی غلوها را بگیرید، جلوی سب‌ها و بدگویی‌ها را بگیرید. ما یک آیه خیلی محکمی در قرآن داریم و همه شما شاید هزار بار خوانده‌اید. قرآن به ما می‌فرماید: به مقدسات بت‌پرست‌ها اهانت نکنید که آن ها هم خدا را سب بکنند. نه فقط از این که خدا از سب مثلًا خدای نکرده بترسد. ما فکر می‌کنیم خداوند می‌ترسد از سب کردن و از این بدش می‌آید، نه از اینکه انسانها به خاطر سب خداوند، آن ها بدبخت می‌شوند. خود آیه همین مضمون را می‌گوید. ما با احترام، با ادب، با استدلال، مسائل را در جای خودش، بدون راه‌های تحریک کننده باید مطرح کنیم.

امام خمینی/ وقتی که آن جور محکم گفتند در نمازهای اهل سنت حضور پیدا کنید. امام از این کار چه هدفی داشتند؟ می‌خواستند آن ها احساس کنند این برادری هست. این چیزها را اگر مراعات کنیم به نتیجه می‌رسیم. من با مسؤولان سعودی دو سه- روز پیش صحبت مفصلی داشتیم درباره کارهای ایذایی که نسبت به بعضی از زوار ایرانی می‌شود، من دیدم واقعاً آن ها دلشان می‌خواهد این

نباشد و چیزهای روشنی به من گفتند که آن ها خودشان هم در معرض این نوع فشارها- منتهی با زبان دیگر- هستند؛ مثلًا مخالفت با همین کنگره و از طریق شخصیت‌های سلفی انجام می‌شود. این ها می‌خواهند صفا و مروه را آماده کنند برای زندگی بهتر زوار، آن ها مخالفت می کنند، جلوی این ها می‌ایستند، این ها را انحراف می‌دانند. این مسائل زیاد است بین آن ها. دلشان نمی‌خواهد که ما را وادار بکنند که به این وضع در بیاید. چندین مسأله را برادران ما در سازمان حج و بعثه به ما گفتند وما با ایشان مطرح کردیم. آنها گفتند ما کاملًا ناراحت هستیم از این مسائل و بنا شد اقدام بکنند، منتهی یادشان رفت. گفتند: در گذشته هم اقداماتی شد، ولی همکاری متقابل کم بود. همکاری را خود شما تقویت کنید. هم زوار را نصیحت کنید، هم خودتان مواظبت کنید. ما هم باید مراقب باشیم، قولی که آن ها می‌دهند که مایل هم هستند عمل بکنند، از آن استفاده کنیم. شاید بعد از این سفر من، دوباره یک مرحله بهتری در این مسائل پیش بیاید. ولی مراقبتش با شماست. شما باید دیگران را نصیحت بکنید. من شنیده‌ام حتی از داخل حوزه قم باز افرادی هستند که نظر دیگری دارند برای بعضی از مسائل در اینجا.

ما اگر در داخل هم زمینه‌های خوبی داشته باشیم، اینجا (مکه و مدینه) جایش نیست. اینجا واقعاً باید با ملاحظات بیشتری انجام شود. زیارت شما جزو حوادث ارزشمند زندگی من است.

صیانت از اسلام و انقلاب در این مکان مقدس و دوره‌های طولانی، یکی از آرزوهای همه دلسوزان نظام است.

ان‌شاءالله دعای خیر شهدا و بخصوص امام را حل/ بدرقه راه شما باشد. به امید دیدارهای بهتر و با فرصت بیشتر، ان‌شاءالله.

ما سالهای طولانی مبارزه کردیم، اما اگر مردم نمی‌آمدند در میدان، جلوی رگبار مسلسل‌ها نایستاده بودند، شاه را عاجز نمی کردند، ما پیروز نمی‌شدیم. در زندان‌ها خیلی‌ها داشتند می‌پوسیدند، روحیه‌ها شکسته بود. ولی وقتی مردم آمدند همه چیز حل شد. حالا هم همین است.

حرف‌های غلوآمیز و چیزهایی که کمی بوی شرک می‌دهد الآن برای شیعه و برای اهل بیت بسیار مضر است. امام رضا ۷ در جواب سؤالی فرمودند: خیلی ازاین مسائلی که برای ما نقل می کنند، این‌ها در اصل برای جداکردن مردم از ما گفته شده است. روایاتی است که دیگران گفته‌اند برای این‌که دیگران فکر کنند ما مشرکیم و ما از حد عبودیت ائمه بالاتر رفته‌ایم.

سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی

ص: ۵۸

در جمع زائران ایرانی خانه خدا

در مکه مکرمه/ ۱۳۸۷

بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله والسلام علی رسول الله و آله.

خیلی خوشحالیم که موفق شدیم لحظاتی را در خدمت شما عزیزان، زائران بزرگوار و مسؤولان و کارکنان بعثه در اینجا باشیم و چند کلمه‌ای با هم صحبت کنیم.

اولًا صمیمانه متشکریم که شما در کنار بیت الله الحرام برای مراسم سالگرد ۱۵ خرداد و امام راحل و همچنین شهادت حضرت زهرا ۳ برنامه‌ای را تنظیم کردید. مایل بودم وقت زیادی اینجا باشیم و از برنامه‌های شما استفاده کنیم اما به خاطر مسافر بودن و این‌که برنامه‌های ملاقات و کاری داریم با مسؤولان کشور عربستان، ناچاریم که خیلی زود از خدمت شما مرخص بشویم.

۱۵

خرداد و سالگرد رحلت امام راحل، همه را باید با هم دید. امام راحل در عصر ما نمونه یک شخصیت کم نظیر و شاید هم بی‌نظیر در تاریخ اسلام بعد از ائمه معصوم بوده است. کاری که امام کردند، شبیه آن، در تاریخ اسلام برای مکتب اهل‌بیت سابقه ندارد. حکومت‌های مذهبی بوده‌اند، مسلمانان گاهی حکومت‌هایی برپا کرده‌اند، اما حکومتی که در چارچوب اسلام باشد و متعهد به این‌که همه مقرراتش با اسلام منطبق باشد از یک جهت و از جهت دیگر حکومتی که با آرای مردم باشد و این‌که خود مردم حکومت را انتخاب کرده باشند، با این دو خصیصه، ما در تاریخ اسلام نداریم. البته دوره کوتاه خلافت حضرت علی ۷ مستثنی است. این قطعه خاصی است که البته نگذاشتند حضرت علی ۷ به اهداف حکومت اسلامی بپردازند. مشغول جنگ و آن‌طور مسائل– که می‌دانید– شدند. در ایران اسلامی، در ایرانِ تابع مکتب اهل بیت به رهبری یک مرجع تقلیدِ عام، در آن زمان و سپس بنیانگذار یک نظام مقدس اسلامی از نوع جمهوری در این کشور، این نظام به‌وجود آمد. ما قبلًا انقلاب مشروطه را داشتیم اما به اینجاها نرسید. برای کاری که امام کردند سابقه روشن تاریخی در تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام نمی‌بینیم. به‌همین جهت ایشان شخصیت منحصر به فرد، احیا کننده اسلام در عصر حاضر هستند. دستاورد مهم امام این است که، در عصری که مستکبران تاریخ فکر می‌کردند دوره دین در جامعه گذشته و فکر می‌کردند دین از این به بعد به عنوان یک حالت شخصی بین انسان‌ها و خدا خواهد بود نه تنظیم کننده رابطه انسان‌ها در جامعه، خیالشان راحت شده بود که دیگر دین بر نمی‌گردد به مدیریت جامعه، در چنین شرایطی امام در جایی که حلقه محکم سیستم استعماری در منطقه ما ایران بود، این حلقه را شکستند و به‌جای آن رژیم تابناک جمهوری اسلامی را ایجاد کردند. هیچ وقت مستکبرین فکر نمی‌کردند چنین توفیقی در ایران اتفاق می‌افتد. روی ایران خیلی حساب کرده بودند و اینجا را به عنوان جزیره امن و خلوت‌خانه استعمار در نظر گرفته بودند و رژیم شاه را با امکانات زیادی مسلح کرده بودند و پشتیبانی‌های زیادی می‌کردند. آن‌ها در ذهنشان این بود که حکومت درست کردن یا با کودتا می‌تواند بشود یا با لشکرکشی و گرفتن و اشغال کردن.

سابقه‌ای در منطقه ما نمی‌دیدند که ملتی قیام کند، روی پای خودش بایستد، با شعار الله اکبر و بدون به کارگیری سلاح بتواند یک رژیم تا دندان مسلّح موجود را بشکند و پشتیبانانش، آمریکا و انگلیس را از کشور خارج کند. اصلًا چنین فکر نمی‌کردند. غافلگیر شدند. خداوند چشم و گوش آن‌ها را بست تا ملت فرصت پیدا کرد به میدان آمد. وقتی‌که خیابان‌ها پر از نیروهای مسلمان الله اکبرگو شد، در تهران و بسیاری از شهرهای کشور دیگر کار از کار گذشته بود و رژیم مجبور شد که بساطش را جمع کند و فرار کند و آمریکا با التماس و خواهش اجازه خواست از ملت ایران که از ایران برود بیرون و خیلی هم ممنون می‌شد که نیروهای انقلاب اسلامی اجازه بدهند او سالم از ایران برود. چنین اتفاقی را شما هیچ‌جا پیدا نمی‌کنید. بعد هم متأسفانه تکرار نشد.

آن روز که اتفاق افتاد، خیلی‌ها فکر می‌کردند این رشته سرِ دراز دارد و به کشورهای دیگر هم خواهد رفت اما آن‌ها با درس گرفتن از این انقلاب، برنامه‌ریزی کردند تا این انقلاب تکرار نشود. با فشارهای زیاد بر روی ایران که آخرش هم منجر به جنگ ۸ ساله شد. ما همیشه تحریم بودیم. همیشه تحت فشار بودیم. همیشه مورد امواج خروشان تبلیغات منفی بودیم. ولی نظام، متکی به اراده خداوند و خواست مردم و به حمایت مردم توانست راه خودش را ادامه دهد و تا آن روز همه توطئه‌ها را بشکند. البته این مبارزه برای نظام هزینه داشت. چه جان‌های مقدسی که رفتند. چه نیروهای ارزشمندی که جانباز شدند و چه عزیزانی که به‌کلی مفقود شدند و ما هنوز هیچ خبری از آن‌ها نداریم و چه رنج‌هایی که نیروهای مقاوم و رزمنده تحمّل کردند با این توطئه‌ها. با همه این‌ها باز امروز در دنیا یکی از کشورهای کاملًا مطرح و قابل توجه همین نظام مقدس اسلامی است.

پیشرفت‌های فرهنگی- صنعتی، همراه با مشکلاتی که مردم صبورانه تحمّل کردند، باید ادامه پیدا کند و باید این‌راه، به‌عنوان یک نمونه حاکمیتِ اسلام، مشعشع بماند وتلألؤ داشته باشد و این جز با حضور همیشگی مردم نمی‌شود.

کسانی که باعث می‌شوند مردم از صحنه بیرون بروند، کسانی که باعث می‌شوند مردم رأی خودشان را کارساز نبینند و هرچه ... هر راهی که باعث می‌شود که مردم به‌این دستاورد مهم بی‌اعتنا باشند، این خلاف بزرگی‌است. این ظلم بزرگی است به این جنبش عظیم اسلامی که درکشور ما اتفاق افتاده. احترام‌زیادی انقلاب در دنیاپیداکرد. این‌احترام باید محفوظ بماند. شخصیت بزرگی‌به‌ایران‌داد، این شخصیت باید باقی بماند وخداوند هم‌اینگونه نعمت‌ها را بدون امتحان به‌کسی نمی‌دهد؛ وَأَنْ لَیْسَ لِلإِنْسانِ إِلَّا ما سَعی با آن تلاش‌ها و آن مجاهدت‌ها این‌ها به‌دست آمده، با تلاش‌های دیگری باید تداوم پیدا کند وخوشبختانه راه خدا هیچ وقت خسارت‌بار نیست. انسان در راه خدا هرچه بدهد مضاعفش‌را به‌دست می‌آورد. خسارت وخسران دراین فضا به چشم نمی‌خورد. ما با این دید به‌قیام امام راحلمان نگاه بکنیم. با این دید به‌فداکاری شخصیت‌های حاضر درحادثه ۱۵ خرداد نگاه کنیم. ما با این دید به تاریخ پشت سرمان که نگاه می‌کنیم توجه می‌کنیم و از خداوند می

ص: ۵۹

خواهیم ما را در راه خودش موفق بدارد. ان شاءالله شما حجاج عزیز را به اهداف مقدسی که دارید و خواسته‌هایی که از کعبه و حرم مطهّر حضرت رسول ۹ دارید، ان شاءالله به شما بدهد و من امیدوارم که ما بتوانیم تلاش کنیم روابط را با کشورهای همسایه به‌خصوص کشور عربستان سعودی که سر و کار زیادی داریم و مردم ما دلشان به این بقاع متبرکه در این کشور بسته است. مردم ایران عاشق این هستند که بتوانند آزادانه و با خیال راحت از این امکنه مقدس استفاده کنند. شما هم تلاش کنید هر جور می‌توانید برای تحکیم روابط کار کنید. خراب شدن روابط به نفع هیچ کس نیست. فقط دشمنان استفاده می‌کنند و خیلی‌ها محروم می‌شوند از زیارت عتبات مقدس. بنابراین، ما در این راه هم باید محکم باشیم و با بصیرت عمل کنیم که الحمد لله زائران ایرانی چنین هستند. من با یکی از وزرای عربستان صحبت می‌کردم. ایشان می‌گفتند: بهترین زائران، ایرانی‌ها هستند. ایرانیها هستندکه منظم‌تر با ادب‌تر و با برنامه و منسجم مراسم‌شان را انجام می‌دهند و هزینه‌ای درکشور ما ندارند. بسیاری از کشورهای دیگر وقتی زوارشان می‌آیند خیلی‌هایشان بر نمی‌گردند و اینجا می‌مانند و بیکاری درکشور درست می‌کنند ولی ایرانی‌ها این جور نیستند. ایرانی‌ها برای ما زائران عزیز ومحترمی هستند وان شاءالله شما هم این احترام را حفظ می‌کنید. شما را به خدا می سپاریم، مرخص می‌شویم. ان‌شاءالله باز هم شما را زیارت می‌کنیم. والسلام علیکم و رحمه الله.

سخنان رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام

در جمع شیعیان مدینه

یک‌شنبه ۱۹/ ۳/ ۸۷

وحدت ضروری‌ترین نیاز امّت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله والسلام علی رسول الله و آله.

برای بنده ساعات خوبی است که امروز در حسینیه حسنی و در حضور آیت الله عمری و بین شیعیان عزیز مدینه گفت وگویی با هم داریم. درگذشته من بارها به مدینه آمدم و در آن زمان مشکل بود زیارت مردم شیعه مدینه و همچنین آیت الله عمری. بالأخره در اثر همدلی و هماهنگی که بین من و ملک که آن روز ولیعهد بودند، صورت گرفت این راه باز شد و برای شیعیان در کلّ مملکت و به‌خصوص در مدینه زندگی آسان شد و رفت و آمدها میسور شد و امروز ما شاهد هستیم که خادم‌الحرمین اقدام‌های وسیعی می‌کنند در این کشور برای نزدیک کردن همه مذاهب اسلامی و ایجاد توحید کلمه. وحدت امّت اسلامی امروز ضروری‌ترین نیازهاست. برای این‌که بتوانیم اسلام را در جایگاهی که خداوند می‌خواهد در دنیا بنشانیم. خیلی واضح است که با اختلافات و تنازعات، نیروهای اسلامی با همدیگر مشغول می‌شوند و قدرت و سطوت و عظمت و آنچه که خدا برای آن‌ها از بزرگی خواسته از دست می‌رود و در مقابل، اگر امّت اسلامی متحد در صحنه باشند بزرگترین قدرت جهانی خواهند شد. سفربنده و هیئت همراه ما به اینجا، هدف مهمّش بعد از زیارت خانه خدا و اعتاب مقدسه این بود که سهمی در ایجاد وحدت بین امت اسلامی داشته باشیم. و به فضل خداوند در مؤتمر بزرگ حوار مسلمین نکات لازم را برای حرکت وحدت در امت اسلامی مطرح کردیم. دعا می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که برادرمان ملک عبدالله، خادم الحرمین را موفق کند که به گامی که برداشته‌اند این گام را به خوبی به جلو ببرند. شما می‌دانید که ما در ایران بعد از پیروزی انقلاب تاکنون ۲۱ مؤتمر در جهت وحدت امت اسلامی برگزار کردیم. و یکی از مهم‌ترین اهداف مؤتمر مکه آماده شدن برای گفت وگو با سایر ادیان آسمانی است و من در آن اجلاس عرض کردم که ما در صورتی که با اتحاد وارد مذاکره با ادیان دیگر بشویم موفق می‌شویم. ولی اگر بخواهیم با تنازع وتفرقه به میدان مذاکرات برویم چیزی به‌دست نمی‌آوریم بلکه چیزهایی ازدست خواهیم داد.

دولت‌های استعماری ومستکبر قرنهاست‌که سیاست «تفرقه بینداز حکومت‌کن» را برای سلطه بر امت اسلامی به‌کار می‌گیرند تا به

حال هم از این حربه اختلاف بین مسلمین سوء استفاده‌های زیادی کرده‌اند. من از برادران وخواهران شیعه این مملکت وهمچنین از برادران اهل سنت از همه ملتمسانه درخواست می‌کنم که سعی کننـد اختلافات جزئی را ندیده بگیرند و روی مشترکات خودشان با هم همدلی و همکاری بکنند. و از مردم شریف این کشور هم درخواست می‌کنم که به ندای وحدت لبیک بگویند.

و از علمای عظیم الشأن بلاد می‌خواهیم که کمک کنند برای پیشرفت اسلام که امت ما متّحد باشند ومانع باشند از نیروهای تفرقه انداز. از آیت الله عمری تشکر می‌کنیم که با صبر و متانت و مقاومت توانستند برای شیعیان مدینه گام بزرگی را بردارند. من در هر سفری که بعد از پیروزی انقلاب به اینجا آمده‌ام با میل وعشق درخواست کردم که ملاقاتی هم با ایشان و شیعیان در این منطقه داشته باشم.

و این بار بهتر از دوره‌های سابق توفیق پیدا کردیم که در جمع بیشتری از برادرانمان در اینجا گفتگو کنیم.

امیدواریم که این حرکتی که خادم الحرمین از سال‌ها پیش درخصوص مردم و فرق اسلامی در اینجا شروع کرده‌اند مسأله حوار ملّی عمق بیشتری پیدا کند و گفتگوها به نتیجه خوبی برسد. بیش از این لازم نمی‌دانم که وقت عزیز شماها را بگیریم. از زیارت شماها خوشحالم و دعا می‌کنیم. شما هم دعا کنید برای عظمت و اعتلای اسلام و قرآن عزیز. دنیای اسلام امروز شدیداً محتاج به تعلیمات مکتب اهل بیت است. ما باید با تدبیر بگونه‌ای عمل بکنیم که راه اشاعه مکتب اهل بیت را در امت اسلامی هموارتر کنیم.

والسلام علیکم و رحمه الله.

گزارش دیدار از فدک

ص: ۶۰

در خطبه های نماز جمعه

...

بنا شد در مورد حضرت زهرا ۳ از زاویه مسأله فدک حرف بزنیم و از این به بعد، بحثمان حالت جدیدی پیدا می‌کند. از خیلی راه‌ها می‌توان حضرت زهرا ۳ را شناخت و پی به عظمت ایشان برد و من فقط از این زاویه عرض می‌کنم، خداوند توفیق داد سفری رفتیم به عربستان، در اصل به خاطر یک کنفرانسی که همه فِرَق اسلامی را دعوت کرده بودند و حدود ۸۰۰ عالِم اسلامی در آنجا حضور داشتند و در کنار کعبه و خانه خدا بود و حضور من و هیأت همراه و همچنین جناب آیت الله تسخیری که از طریق دیگری آمده بودند در آنجا خیلی مؤثر بود. اگر ما نرفته بودیم آن وحدت اسلامی شکل درستی نمی‌گرفت و چون شیعه غایب بود، تقریباً از این ۸۰۰ نفر همین چند نفر ما و یکی از علمای حجاز بود که شیعه بودیم. بالأخره خداوند توفیق داد به‌گونه‌ای عمل شد که تفکّر انقلابی شیعی اسلامی ایرانی درخشش بی نظیری را در آن اجلاسِ بسیار مهم داشت. ما چند روزی که در مکه بودیم نوعا کانال‌های رادیویی و تلویزیونیِ عربی بحث عمده‌شان در مورد محتوای سخنرانی من بود که باعث شده بود بعضی از علمای تند وهابی اعتراض بکنند به آقای خادم الحرمین که به ایشان بگویند شما در اینجا باعث شدید که تنها شیعه درخشش داشته باشد و ایران را بزرگ کردید و ایشان گفتند: میدان برای همه باز بود، هرکس برنامه داشت اجرا کرد. البته در مقابل این‌ها، اکثریت قاطع علمای حاضر، صمیمانه از برنامه هیأت جمهوری اسلامی استقبال کردند و تشویق کردند.

کار دیگر ما آنجا غیر از زیارت، که خوب همه عاشقان خانه خدا و مرقد حضرت رسول اکرم ۹ و بقیع در آنجا دارند، مسائل مربوط به مشکلات حج بود که به زوّار ما کم و بیش دادند. در سفرهای قبل تا حدودی ما این مسأله را حل کرده بودیم ولی کم کم چیزهای ناروایی پیدا شده بود. بحث‌های جدّی و سریعی کردیم تا حدودی اصلاح شد و برنامه‌ای طرّاحی شد که درآینده ان‌شاءالله زوّار ما مشکلاتی از این نوع نداشته باشند. من احساس کردم مسؤولان اصلی کشور عربستان دلشان می‌خواهد شیعیان راضی برگردند از مکه و مدینه، حالا این‌که چقدر بشود آن‌هایی که باید پیگیری کنند را پیگیری می‌کنند که مخالفانی هم دارد مخالفان جدی هم دارد. با تعقّل و تدبّر با صبر و راهکارهای اتحادآفرین باید این مسأله حل شود.

در مورد «فدک» من در سفر قبل که خیبر را دیده بودم، می‌خواستم فدک هم بروم موفق نشدم. این طلبِ من باقی بود، این دفعه برادران سعودی به وعده‌ای که داده بودند عمل کردند. هیأت ما را خیلی خوب به فدک بردند. چیزهای عجیبی دیدیم و صمیمانه دیدیم و صمیمانه تشکّر می‌کنم از روحیه‌ای که آنجا دیدیم، از علاقه‌ای که در فدک نسبت به حضرت زهرا ۳ مشاهده کردیم و دیدیم نام حضرت زهرا ۳ زنده است در آنجایی که پای ایرانی‌ها و ماها به آنجا نرسیده بود آن حقیقت حضرت زهرا ۳ هنوز آنجا جلوه دارد. زیاد خوانده بودم راجع به فدک نمی‌توانستم خیلی بفهمم چرا مسأله یک مزرعه اینقدر در تاریخ مهم است. از لحظه فتح خیبر؛ یعنی از سال هفتم هجرت پیغمبر تا ۳۰۰، ۴۰۰ سال بعد این مسأله یک مسأله زنده و مشاجره‌ای و مورد توجه دنیای اسلام بوده است. چرا اینقدر این مهم است این را نمی فهمیدند. البته خوب احتجاجات معمولی در تاریخ هست. آدم این‌ها را می‌بیند ولی روح قضیه را از این چیزها آدم باید بزرگتر ببیند که بیهوده سخن به این درازی نشود. این یک ماجرای واقعی در پشت سرش دارد. من کمی از این تاریخ می‌گویم، بعد کمی از مشاهدات خود را عرض می‌کنم. در جنگ خندق در مدینه معلوم شد یهودی‌ها که تقریباً اقتصاد جزیره العرب در دستشان بود با مشرکین ساخته‌اند و توطئه کرده‌اند و عهدشان را شکسته‌اند و درگیری با یهود شروع شد در مدینه. در خندق شکست خوردند بعد سریه‌ها و جنگ‌های کوچکی بود و مسأله به جنگ خیبر رسید که آنجا پایگاه اصلی‌شان بود. قلعه‌های فراوان مستحکم و مزارع بسیار وسیع و پرثمر اطراف آنجا که اگر انسان تاریخ آن موقع حجاز را ببیند می‌فهمد که چقدر آن موقع محصول داشتند و زرخیز بوده و چقدر آباد بوده است وخیلی روشن است‌که تا شمال مدینه سرسبز بوده

و به‌خصوص منطقه فدک و خیبر.

پیغمبر ۹ برای حلّ مشکلی که از ناحیه همکاری مشرکین و یهود پیش آمده بود به‌خیبر رفتند، از اینجا مسأله فدک شروع می‌شود، همزمان با رفتن به خیبر، ایشان یک گروهی را با رهبری شخصی بنام «مُحَیِّصه» فرستادند به فدک- فدک تقریباً ۹۰ کیلومتر با خیبر فاصله دارد ولی در همان منطقه است- که مسأله آنجا را همراه فدک حل کنند. خود این برای من اهمیت داشت که چطور] می‌شود]، مگر فدک چقدر اهمیت داشته‌است که هم وزن خیبر دراین لشکرکشی پیغمبر مورد توجه بوده است؟! این را آنجا فهمیدم که همین جورها بوده و اهمیت بسیار بالایی دارد که حالا آن‌ها را عرض می‌کنم.

موقعی که «مُحَیِّصه» رفت، بعضی از قلعه‌های خیبر تحت محاصره پیغمبر بود و هنوز فتح نشده بود. پیغمبر آن‌ها را دعوت کرده بود که بدون جنگ بیایید مذاکره کنیم وصلح کنیم و حقوق شما محفوظ باشد و امنیت برقرار باشد و جانتان و مالتان محفوظ باشد. آن‌ها باور نمی‌کردند که فدک بشکند. هیچ‌کس باور نمی‌کرد.] در [مکه مشرکان منتظر بودند پیغمبر در فدک بشکند و بعد اسلام را از پای در آورند! اینقدر اهمیت قائل بودند برای خیبر. آن‌ها از اول طفره می‌رفتند ولی با توضیحاتی که «مُحَیِّصه» داد، آن‌ها کمی به حال آمدند و گفتند ما هیأت می‌فرستم پیش پیغمبر. هیأت را پیش پیغمبر فرستادند ببینند چه می‌شود. در همین فاصله قلعه‌های خیبر فتح شد و چیزی که باورکردنی نبود، در آن مقطع اتفاق افتاد. آنها هم دیگر می‌دانستند که مقاومت آن‌ها فایده‌ای ندارد، آمدند و گفتند کسی را بفرستید تا مصالحه کنیم.

علی بن ابی‌طالب از طرف پیغمبر مأمور شدند با یک جمعی به فدک، که فدک را بدون جنگ تحویل بگیرند. آن‌ها وقتی اسم علی را شنیدند، دیگر تصمیم گرفتند که زودتر تسلیم شوند و شدند.

من یک چیز در روایت دیدم هنوز برایم یک قدری جای مطالعه دارد که یک بار پیغمبر و علی بن ابی‌طالب در یک مسافرت طیّ الأرض به فدک رفته بودند، قبل از این، خیبر و آن سورها و برج و باروها و استحکامات فدک و مزارع فدک را بررسی کرده بودند. این حالا یک سری توجیهات دیگری لازم دارد ولی اهمیت فدک را می رساند که مهم بوده است.

ص: ۶۱

به هر حـال علی بن ابی‌طـالب به فـدک تشریف بردنـد و آن‌ها هم بزرگانشان جمع شدنـد قرارداد خوبی بسـتند. در قراردادشان هم تاریخ اختلاف دارد؛ دریک نظر می‌گوینـد نصـف فـدک را تحویـل پیغمبر دادنـد و نصـف دیگر را برای خودشـان نگه داشـتند. بعضـی‌ها هم می‌گوینـد نه، همه فـدک را دادند، اما گفتند محصولاتش نصف از ما و نصف از شـما؛ چون کارکنانش هم خودشان بودند و فقط مدیریتش با پیغمبر بود. این نظر دوّم بهتر می‌تواند صحیح باشد. به‌هرحال مسأله فدک بدون جنگ تمام شد.

اینهایی که من عرض می‌کنم تمامش را، هم اهل سـنت دارند و هم شـیعه دارند، فقط از زاویه تاریخ شیعی عرض نمی‌کنم. مورد به موردش را در کتب معتبر اهل سـنت می بینیـد؛ مثلًا همین‌که می‌خواهم بگویم از کتاب تفسـیر «الـدرّ المنثور» که از علمای به‌نام اهل سنت است، عرض می‌کنم، وقتی که فـدک مسأله‌اش اینطور شد، جبرئیل به پیغمبر نازل شد و گفت: خداوند از شـما می خواهد که فدک را به مصداق قرآن به زهرا واگذار کنید و پیغمبر واگذار کردند. «درّالمنثور» در تفسـیر آیه مربوطه که گویا در سوره «اسـراء» است دو روایت نقل می‌کنـد؛ یکی از ابوسـعید خُدری که از بزرگان روات اهل سـنت] است [و یکی از ابن عباس، که پیغمبر فدک را به حضـرت زهرا واگـذار کرده، آن‌هم به فرمـان الهی. مبنای فقهی‌اش هم روشن است، چون عمل پیغمبر اینجوری بود. آیه قرآن هـم همین را می‌گویـد. در جنگ‌هـا اگر بـا جنـگ چیزی را گرفتنـد، غنـایم بین تمـام رزمنـدگان تقسـیم می‌شـود. خمس آن‌هم به بیت‌المـال داده می‌شـود، ولی اگر بـدون جنـگ گرفتنـد، ایـن خـالصه در اختیـار پیغمـبر است. این آیه قرآن است در سـوره «حَشـر» می‌توانید بخوانید.

پس این اراضـی بدون جنگ در اختیار پیغمبر بود و دسـتور خداوند هم طبق این روایات، که عرض می‌کنم، این بود که به حضـرت زهرا بدهند. حالا چرا به حضرت زهرا ۳؟ منحصر به این هم نیست، چیزهای دیگری هم به‌حضرت زهرا داده‌اند که باید در کنار این ببینیم و ما نتوانستیم.

یـک چیز دیگری هم به نام «اوالی» که هفت حـدیقه است، هفت مزرعه است، آن‌ها هم به‌حضـرت زهرا ۳ واگذار شده است‌که در وصیت‌نامه حضرت زهرا ۳ اسم این‌ها آمده است. این «اوالی» داسـتان عجیبی دارد. در جنگ احُد وقتی که مشـرکین به مدینه حمله کردنـد، جلسه‌ای یهودیان تشـکیل دادند، هنوز هم‌پیمان پیغمبر بودند یک عالم یهودی به‌نام «مُخَیْریق» در جمع یهودیان گفت: شـما که می‌دانیـد این پیغمبر است. شـما می‌دانیـد و مـا منتظر بودیم. مـا از راه‌های دور آمـدیم که وقتی پیغمبر ظهور می‌کنـد در رکابش باشـیم! چرا حمایت نمی کنید؟! الآن تهدید می‌شود راهِ پیغمبر! کسی به حرفش گوش نکرد. خودش سوار اسب شد وآمد در میدان احد، وقتی‌که آمد، دو لشـکر در مقابل هم صف کشیده بودند و جنگ داشت شروع می‌شد. ایستاد و فریاد زده، به مسلمان‌ها گفت: شهادت بدهید که من هرچه داشـتم به پیغمبر واگذار کردم و زد به لشـکر و شـهید شد. وقتی شـهید شد، پیغمبر گفتند که «مُخَیْریق» وارد بهشت شـد بـدون این‌که یک رکعت نماز خوانـده باشـد و راه خودش را پیـدا کرد. چون آن‌هایی که به‌دست آمـده بود، جزو غنـایم جنـگ نبـود پیغمـبر آن‌هـا را به حضـرت زهرا ۳ واگـذار کردنـد، حالاـ می‌گـوییم چرا بـه حضـرت زهرا ۳ واگـذار می‌شود. مصارفی‌که حضـرت زهرا از این‌ها دادند ما دقیق نمی‌دانیم ولی از وصـیتنامه‌شان می‌شود یک چیزهایی فهمید که چه مصـرفی ایشان داشتند.

در وصیتنامه حضـرت زهرا ۳ من حـدود ۱۵ مورد دیـده‌ام، خوب، خیلی از آن‌هـا مسائل مهمی است‌که فعلًا به بحث ما مربوط نیست، دو موردش به‌اینجـا مربوط است؛] ایشان [به حضـرت علی ۷ می فرمایـد: «آن مقرری که من برای زنـان بنی‌هاشم و همسـران پیغمبر می‌پرداختم، بعد از من هم شما بپرداز.»

و در یک روایتی دارد ۱۲ یا ۱۴ اوقیه به‌هرکدام ازآن‌ها حضرت‌زهرا می‌پرداخت.

و در یک بنـد دیگری می گویـد یک جعبه سبزی است که آن مال دختر ابوذر است به ایشان بپردازنـد. و در بنـد دیگری می گویـد:

این مقدار را به امامه دختر خواهرم- که بعداً همسر حضرت علی شد- به‌خاطر مشکلاتی که دارد بپردازید. مصارف اینجوری. و باز از همین‌ها استفاده می‌شود که در زمان خود پیغمبر مراجعات مالی- که بنی‌هاشم و فقرا می‌آمدند- داشتند. این نهادی که حضرت زهرا ۳ تأسیس کرده بودند، به این‌ها رسیدگی و اداره می‌کرد. ایشان وکلایی داشتند؛ وکلایی در خیبر داشتند که سهم خودشان را می‌گرفتند و می‌فرستادند و حضرت زهرا اداره می‌کردند.

از بعضی روایات می‌شود استفاده کرد تحلیل تاریخی‌اش هم همین است که پیغمبر و برنامه الهی این بوده که می دانستند خاندان پیغمبر بعد از رحلت ایشان در سیاست‌های متضادی که پیش می‌آید، دچار مشکلات می‌شوند؛ مشکلات مالی و خیلی چیزها می‌آید. با آیه قرآن، با این روایاتِ صریح و با شهادت‌هایی که خیلی‌ها دادند، این فدك را در اختیار حضرت زهرا و خاندانشان گذاشتند. بعضی روایات دارد که این‌ها وقف بود و متولّی آن حضرت زهرا بود یا وقف خاص بود.

این‌ها بحث‌هایی است که هریك از آن‌ها احتیاج به یك بررسی دارد و من اینجا نمی‌خواهم بررسی کنم و کسانی که می‌خواهند و می‌توانند پیدا کنند. اهمیت فدك را اگر می خواهید توجه کنید- تا برسم به آن بخش آخر که می‌خواهم عرض کنم- در طول تاریخ ببینید به این مزرعه چه آمده است. خلفا بیست وچهار بار فدك را گرفتند یا پس دادند؛ از همان روز بعد از رحلت پیغمبر شروع شد و تا زمان خلیفه عباسی که در سنه ۳۲۳ خلیفه شده و تا سنه ۳۲۹ خلیفه بوده تا آن موقع گرفتن و پس دادن فدك ادامه داشته است. چرا؟ مگر این قطعه مُلك چه رمزی در آن است و چه مسائلی دارد که اینقدر خلفای بزرگی، حتی مثل هارون‌الرشید که می‌گفت به ابر، هرجا می‌خواهی بروی برو، آخرش هم در زمین من باید بباری! این‌طور کسی بود، باز هم فدك] برایش [مسأله بود. مسأله سیاسی است، همان مسأله امامت است، همان مسأله ولایت است، همان مسأله مقاومت است. نیروهایی که مظلوم می‌شوند و مقاومت می‌کنند و این یك پرچم بود. هنوز هم یك پرچم است. دیگر بعداً هم من تعقیب نکردم تاریخ را، بعداً چه اتفاقی افتاده است، تا قرن چهارم دیدم، حالا من این‌هایی که گرفتند و پس دادند را برایتان بخوانم:

گفتم ۲۴ مورد؛ اول بار خلیفه اول ابوبکر گرفت، البته استدلال او این بود که این اموال در زمان پیغمبر دست ولیّ امر؛ یعنی خود پیغمبر بوده و می‌توانستند به هر کسی بدهند یا بگیرند. الآن ما هستیم و ما ...

ص: ۶۲

حضرت زهرا را از فدك اخراج می‌کنند بعد دوباره نامه نوشت، گفت: برگردند. منتهی خلیفه دوم مخالف بود و نامه حضرت زهرا ۳ را گرفت و پاره کرد و نگذاشت اجرا شود. این اوّلین حادثه بود. یک بار گرفتند و پس دادند و دوباره گرفتند. در بعضی از تواریخ و روایات آمده که زمان عمر خلیفه دوم با چیزهایی که دید قانع شد که حق با حضرت زهرا ۳ بوده و درزمان خودش فدك را به حضرت زهرا ۳ برگرداند. حضرت زهرا ۳ که نبودند به خاندان اهل بیت: برگرداندند. و بود تا زمان معاویه. یکی یکی پیش می‌رویم. اول عطای پیامبر ۹، دوم پس گرفتن ابوبکر، سوم پس دادن ابوبکر به حضرت زهرا ۳ با آن نوشته. البته حضرت زهرا ۳ در استدلال‌هایی که با ابوبکر داشتند، نامه‌ای و حکمی از پیغمبر را نشان دادند و گفتند: نوشته پیامبر ۹ است که به من واگذار کرده و این سند مهمی شد برایشان.

بعد گفتیم عمر در زمان خلیفه اول پس‌گرفت بعد عمر پس داد. و زمان معاویه دوباره پس گرفتند و بود همین جور، چون در زمان معاویه اهل بیت با معاویه سازشی نداشتند. قبل از آن، این اختلافات شدید نبود. بعد از معاویه اختلافات جدی شد. آن‌ها به عنوان منبع تأمین مالی اهل بیت: پس گرفتند و دست آن‌ها بود تا زمان عمر ابن عبدالعزیز. و عمر ابن عبدالعزیز هم به خاطر این‌که یک معلم شیعی در موقع تحصیلش او را هدایت کرده بود، اولین کاری که کرد فدك را به آل پیامبر: برگرداند. ولی تاریخ دارد با درخواست امام باقر، امام باقر ۷ ملاقاتی کردند با عمر ابن عبدالعزیز و فدك را خواستند و ایشان در اختیار گذاشت. این ششمین مورد بود. البته آن‌ها مورد معاویه را اضافه کنیم می‌شود هفتمین مورد.

هفتمین مورد یزید بن عبدالملك بود که دوباره پس‌گرفت و تا آخر عمر بنی امیه دست بنی امیه بود. سفاح اولین خلیفه عباسی است که توجهات شیعی هم داشت و با هم‌رزمی شیعیان و علوی‌ها که توانسته بودند بنی امیه را بشکنند دوباره پس داد.

بعد از این‌که بنی الحسن فساد را در دولت بنی عباس دیدند و مبارزاتشان را شروع کردند، منصور دوانیقی پس گرفت. این نهمین مورد است و یک مقداری که فضا آرام تر شد مهدی فرزند منصور عباسی، که خلیفه بعدی بود، فدك را پس داد.

دوباره هادی عباسی به خاطر دیدن تحرک‌های خاندان اهل بیت، به‌خصوص بنی الحسن پس گرفت. این هم یازدهمین مورد است. در زمان هارون الرشید، حضرت موسی ابن جعفر ۸ پیشنهاد کردند که برگردانید به حضرت موسی ابن جعفر ۸. هارون الرشید گفت که شما حدود فدك را تعیین کنید تا من برگردانم. حضرت موسی ابن جعفر به هارون الرشید فرمودند: شما نمی‌دهید. ولی در روایت هست که حدود سیاسی برای فدك حضرت امام موسی کاظم ۷ معرفی کردند و هارون الرشید گفت: این جوری نمی‌شود و نداد. ولی مأمون یک کار عجیب و غریبی کرد. این دیگر به نظر من از نقاط برجسته فدك است که باید رفت دنبالش. دوازدهمین مورد می رسیم به مأمون که می‌خواست پس بدهد. اما مخالفت زیاد بود. مأمون با برادرش اختلاف داشت. مشاجره داشتند. بعد هم صف کشی شده بود بین نیروها کار تصمیم گیری دشوار بود. مأمون ۲ تا جلسه گذاشت و یک جلسه ۲۰۰ نفری از علما. علما جمع شدند بحث کردند و به این نتیجه رسیدند که فدك متعلّق به حضرت زهرا ۳ بوده و پیامبر ۹ داده و باید برگردد. خبر این جلسه منتشر شد و مخالفت‌هایی پیدا شد. مأمون هزار نفر را از سراسر دنیا دعوت کرد. مثل کنگره‌های سراسری که ماها می گیریم. از سراسر] جهان اسلام گِرد [آورد. از جاهای مختلف. این‌ها بحث‌های زیادی کردند و نتیجه باز به نفع خاندان اهل بیت شد. اگر بشود در تاریخ این بحث‌ها را پیدا کرد خیلی خوب است؛ مخالف چه می گفته، موافق چه می گفته. وقتی این جلسه تمام شد، متنی در جلسه تهیه شد و یک جمله را من می‌خوانم که مأمون نوشت به حاکم مدینه. مأمون خودش مدینه نبود. دستور داد که: «إنّه قد كان رسول الله أعطی فاطمه فدكاً»، گفت ما از این بحث‌ها فهمیدیم که پیغمبر ۹ این را داده به حضرت فاطمه ۳ و مال آن‌هاست. دستور داد آن‌ها هم پس دادند. یک دفعه مثل بمب صدا کرد که یکی از جرقه‌هایش در شعرهای دعبل خزاعی آمده است. دعبل در یکی از بندهای شعرش می گوید:

أصبح وجه الزمان قد ضحکا

بردّ مأمون هاشما فدکا

«چهره زمانه و تاریخ لبخند زد وقتی خبر شد که مأمون با این چنین مقدمه‌ای فدک را به بنی هاشم برگرداند.»] مسأله فدک [به شعرها و ادبیات هم رسید.

و سیزدهمین مورد معتصم عباسی گرفت. چهاردهمین مورد واثق عباسی پس داد. پانزدهمین مورد متوکّل گرفت. متوکل را، خصومتش را با اهل بیت همه می‌دانید. و شانزدهمین، فرزندش منتصر پس داد. منتصر همان کسی است که پدر خودش را هم به خاطر عداوت‌هایش با اهل بیت کشت. چهره سیاسی قضیه خیلی خوب روشن می‌شود و هفدهمین مورد حاکمِ بعد از منتصر پس گرفت و هجدهمین مورد مستعین پس داد. نوزدهمین مورد معتمد پس گرفت و معتمد بیستمین مورد پس داد و بیست ویکمین خلیفه بعد از معتمد پس گرفت و بیست و دومش معتضد پس داد. بیست و سوم حاکم بعدی گرفت و بیست و چهارم در سال ۳۲۴ الراضی که خلیفه عالم ودانشمندی بود پس داد و این آخرین باری است که حالا من دیده‌ام.

ببینید، یک قطعه زمین، یک مزرعه با آن مقدماتش و مؤخراتش و تاریخش خیلی ارزشمند است و من از مسؤولان عربستان سعودی تشکر می کنم که ما را بردند تا من قدری بفهمم منطقه را، ببینیم چرا این جور است. اولًا در خود عربستان کسی فدک را نمی‌شناخت. ما وقتی می‌خواستیم برویم، شب آقای عَمری که از علمای بزرگ مدینه است و شخصیت والامقامی هست، من میهمانش بودم، به من گفت: شما چرا می‌روید این همه راه؟! چیزی نمی‌بینید. اصلًا چیزی به نام فدک نمی‌بینید. یک منطقه است. من گفتم: حالا می رویم. به علاوه من منطقه را نمی‌خواهم ببینم. من می‌خواهم بدانم منطقه قدیم چگونه بوده است. بالأخره رفتیم. خیلی هم راه رفتیم؛ راهی که ما رفتیم طولانی شد. ۲۶۰ کیلومتر رفتیم. اما اگر کسی بخواهد مستقیم از مدینه برود و راه درست وجود داشته باشد از ۱۳۰، ۱۴۰ کیلومتر بیشتر نیست. می گویند در

ص: ۶۳

زمان پیامبر ۲ ۹ تا ۳ روز بـا وسایل آن روز راه بوده است. خیبر هم ۱۶۰ کیلومتر از مدینه است و این‌ها تقریباً موازی هم در شـرق و غرب هسـتند. وقتی‌که رفتیم، چیزی نمی‌دانستیم. یک کسـی را شـناسایی کردیم که پیدا شود و بیاید پیش ما و توضیح بدهد و وارد آن بخش شهر که می‌خواستیم بشویم، دیدیم یک تابلوی بزرگی اول شهر زده‌اند: «الحائط تُرَحِّبُ بِکُم» و زیرش هم با کلمه درشت نوشـته‌اند: «فـدک». چشم ما روشن شـد! حالت خاصـی پیـدا کردیم. ما اصـلًا انتظاری نداشتیم که کلمه‌ای به نام فدک در آن بیابان ببینیم و دیـدیم. وارد شـهر شـدیم، یک شـهر زیبا، در دامنه ارتفاعات دامنه کوه و گشتی زدیم و ما را بردنـد به فدک قدیمی. رفتیم آنجا کنار شـهر و متصل به شـهر بود. رفتیم و دیـدیم مسؤولان شهرسـتان فرمانـدار و دیگران هم آمـده بودند. جمع شده بودند یک نقطه‌ای ایسـتاده بودنـد. ما هم پیاده شدیم. یک خرابه‌ای بود. برج و بارو و دیوارهای قدیمی مشـخص بود. شـکل ساختمان‌ها عمدتاً گِلی است. سـنگ‌هایی هم هست که نشان می‌دهد منطقه آتش‌فشان داشته. جمعیت زیادی بودند. فرماندار، بخشدار، رییس شورای شهر، علمـا و ... بودنـد. پیرمرد روشـن ضـمیری بـود. ایـن هـم برایم جـالب بـود که آنجـا من یـک ذره تعصب ندیـدم. آن‌هـا مـا را می‌شـناختندکه ما شیعه هستیم و از ایران آمده‌ایم. اختلافات شیعه و سنی و وهابی و ... را می‌دانستند. این آقا هم خودش مسؤول امر به معروف ونهی از منکر بود. ایشـان آمـد برای ما توضـیح داد ۳- ۴ کلمه گفت و من لرزیـدم. حتماً همراهان من هم همین حال را داشتند. کنار یک ساختمانی ایستاده بودیم. ساختمان بدی هم نبود. خراب نشده بود، راهنما گفت: «هذا مسجد فاطمه»، قلب ما یک باره تکان خورد. اشکهایمان ریخت، اما سعی‌کردیم به‌آن‌ها توجه نکنیم. پرسیـدم: این مسجد را؛ یعنی حضرت فاطمه ۳ ساخته‌اند؟ گفت: بله. آخرین بـار هم این مسـجد را عثمانی‌هـا ساخته‌انـد. الآـن متروک است. در همـان جـایی که بـودیم رودخـانه بـود. رو به رویمـان هم نخلسـتان بود. راهنمـا گفت: «هـذا بسـتان فـاطمه» من گفتم: یعنی این نخلسـتان از آن زمان تا به حال هست؟ گفت: بله همین‌جـا نقطه بسـتان و نقطه عبور آب بود و سـپس گفت: «هـذا وادی فاطمه». وادی معمولًا به آن جاهایی می‌گوینـد که رودخانه‌ها بـدون این‌که از دره‌هـا عبـور کننـد، جلویشـان بـاز می‌شـود. معـانی دیگری هم دارد و بعـد از دور چیزی را نشـان داد و گفت: این چشـمه‌های حضرت فاطمه ۳ است. یکی یکی مکان‌هـای مهم فـدک را دیـدیم. سؤالاـت زیـادی کردیم. آن راهنمـا هم بـدون هیچ تعصبی، هر چه می‌دانست به ما گفت و ضـبط هم شد. توضـیحاتی به ما دادند. بعد ما آمدیم به شهرداری. برای مراسم و معارفه. من احساس کردم مردم آنجا علاقه‌مند به حضرت فاطمه ۳ هستند. خیلی با احترام اسم ایشان را می‌برند. خوب می‌دانند این آقای راهنما خودش از مـأمورین امر به معروف حکومت سـعودی در مـدینه بود. مـا فکر می‌کنیم این‌هـا سـخت‌گیر هسـتند ولی مـا سـخت‌گیری ندیـدیم. حتی مأموران عربسـتان که با ما آمـده بودنـد و زیاد هم بودنـد. از وزیر تا سـطوح پایین‌تر آمـده بودند. از ما تشـکر کردند وگفتند شـما باعث شدید ما یک جای شـناخته نشده کشورمان را شناختیم و از شما تشکر می‌کنیم. آن‌ها هم قدردانی کردند. به هر حـال این فـدک بود و من می‌خواهم عرض کنم این حـادثه فـدک بـا این حوادثش بحث بیشـتری می‌طلبـد، بـدون این‌که تفرقه‌آمیز باشـد. فدک می‌تواند وسـیله اتحاد باشد. خدا کند روزی بیاید مردمی‌که به حج می‌روند یک تور بگذارند و بروند آنجا و فدک را هم ببینند. یکی از خواسـته‌های آن‌ها این بود که ایرانی‌ها بیایند اینجا. الآن دارند تدارکات می‌بینند. استاندارش گفت که ما منتظریم شیعیان بیایند ببینند. به نظر می‌رسد که یکی از کارهای خوب این است که دولت عربسـتان کم کم این آثار ارزشمند تاریخ اسلامی را، که افتخـار همه اسـلام است و برای خـود عربسـتان بسـیار اهمیت دارد، کم کم معرفی کنـد و شایـد نظر وسـیعی که آقـای ملک عبدالله دارد، آن‌ها را به این نقطه برساند و من می‌خواهم عرض کنم که حضرت زهرا ۳، از نواحی مختلف می‌شود زهرا را شناخت. ما درباره عظمت حضرت زهرا ۳ کم گفته‌ایم. شخصیت زهرا ۳ را در همان زمان ببینیـد. در همان زمان که فشار آوردند، از علی‌بن ابی‌طالب بیعت بگیرند، حضرت زهرا ۳ آن صـحنه را که دیـد نتوانست تحمل کند، یک جمله گفت و همه را متوحش کرد. فرمود: دست از پسـر عموی من بردارید. اگر ادامه دهید گیسوانم را باز می‌کنم و نفرینتان می‌کنم و می‌دانم چه بر سرتان می‌آید؛ «خَلُّوا عَنِ

ابْنِ عَمِّی فَوَالَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ تُخَلُّوا عَنْهُ لأنْشُرَنَّ شَعْرِی» یک جمله حضرت زهرا ۳ صحنه را آرام کرد.

خیلی‌ها فهمیدند که حضرت زهرا ۳ شخصیت بزرگی است و ما چنین مقتدایی داریم تا ان شاءالله استفاده کنیم ...

مگر این قطعه مُلک چه رمزی در آن است و چه مسائلی دارد که اینقدر خلفای بزرگی، حتی مثل هارون‌الرشید که می گفت به ابر، هرجا می‌خواهی بروی برو، آخرش هم در زمین من بایـد بباری! این‌طور کسـی بود، باز هم فدک [برایش] مسأله بود. مسأله سیاسـی است، همـان مسـأله امـامت است، همـان مسأله ولایـت است، همـان مسـأله مقـاومت است. نیروهـایی که مظلوم می‌شونـد و مقاومت می کنند و این یک پرچم بود. هنوز هم یک پرچم است.

علما جمع شدند بحث کردند و به این نتیجه رسیدند که فدک متعلّق به حضرت زهرا ۳ بوده و پیامبر ۹ داده و باید برگردد. خبر این جلسه منتشر شد و مخالفت‌هایی پیدا شد. مأمون هزار نفر را از سراسر دنیا دعوت کرد. مثل کنگره‌های سراسری که ماها می گیریم. از سراسر [جهان اسلام گِرد آورد.] از جاهای مختلف. این‌ها بحث‌های زیادی کردند و نتیجه باز به نفع خاندان اهل بیت شد

گزارش سفر به عربستان

آیت الله هاشمی رفسنجانی و

در اجلاسیه جامعه محترم مدرسین حوزه علمیه قم

«... من این سـفری که رفتم به عربسـتان، اولًاانگیزه اولی من شرکـت در کنفرانسی بود که علمای اسلام ازهمه جا آمده بودند. حدود ۸۰۰ عالم اسـلامی از همه دنیا؛ چه از کشورهای اسـلامی و چه از آن‌هایی که بخشـی مسـلمان دارنـد، آمـده بودنـد. انصافاً جلسه‌ای پرمحتوا از لحاظ حضور

ص: ۶۴

در مکه، نزدیک کوه صفا برگزار شد. جمعیت خوبی آمده بود، مکه همان نقطه‌ای است که اولین پیام اسلام از آنجا بلند شد. من اول صحبتم به آن‌ها گفتم پیامبر وقتی که مأمور به تبلیغ شد، رفت روی صفا «یا صباحا» فریاد کشید و مردم جمع شدند که ببینند چه خبر است. ما از اینجا این را می‌گوییم دردهای خودمان و دردهای دنیا را می‌گوییم و راه علاجش را هم داریم. حالا من آنجا که رفتم عرض کردم بنا هم نداشتم که بروم بعد آقای تسخیری و دیگران گفتند ناچارید بروید چون امّت اسلامی آنجاست و شیعه خیلی کمرنگ است. وقتی هم رفتم دیدم همین است. ما فقط چند نفر بودیم یکی از خود عربستان آقای صفار بودند. از ایران آقای تسخیری بودند و کسی دیگری هم بود و ما آنجا به عنوان شیعه شخص دیگری ندیدیم. لااقل من ملاقات نکردم شاید هم بودند. ولی غیر از ما همه بودند. نکاتی که برای شما مهم است به نظرم، عرض می‌کنم. میزبان ما انصافاً خیلی ادب کرد و محبت کرد. زمان سخنرانی مرا در بهترین ساعات کنفرانس گذاشتند. دو ساعت افتتاحیه داشتند. چند دقیقه خود ملک خیرمقدم کوتاهی گفت و از رو خواند و مفتی‌شان آقای آل شیخ صحبت کوتاهی کرد. بعد نوبت من شد.

آنها نمی‌خواستند من فارسی حرف بزنم. می‌گفتند شما عربی بلدید، عربی بگویید. من گفتم نمی‌توانم از رو بخوانم، از بر حرف می‌زنم. تفکّری دارم، آن‌ها را به حرف در می‌آورم و متن سخنرانی ننوشتم. اول گفتند متن بدهید ترجمه می‌کنیم، می‌خواهیم مستقیم پخش بشود. گفتم من چون ننوشتم نمی‌توانم متن بدهم ترجمه هماهنگ باشد. و بعد گفتند عربی صحبت کنید گفتم برای صحبت کردن عربی دو تا کار باید بکنم؛ یکی همّت کنم معنا پیدا کنم یکی هم لفظ پیدا کنم و یک نفر نمی‌تواند در حین صحبت هر دو را خوب مراعات بکند. اگر بنویسم از رو می‌شود. یک مترجم افغانی داشتند که فارسی را به عربی ترجمه بکند. گفتم این هم به درد ما نمی‌خورد. این آقا که حرف‌های ما را معلوم نیست بفهمد و ما خودمان مترجم می‌خواهیم سختشان بود. ولی پذیرفتند به خاطر احترامی که ملک قائل بود. گفتند فلانی می‌خواهد این را قبول کنید. مترجم خوبی بود و خوب هم ترجمه کرد. آن سخنرانی دیگر خیلی محدود بود، حتی آقای طنطاوی از مصر که آمده بودند، انتظار داشتیم که از الأزهر یک پیام مهمی بیاورند. آن انتظار ما را تأمین نکرد؛ یعنی ایشان وارد محتواها نشد. من افکار خودم را آنجام مطرح کردم. افکار انقلاب را فارسی مطرح کردم به عربی هم، مستقیم از چند کانال پخش می‌شد. وقتی که حرف من تمام شد، آن اجلاس که عمدتاً هم علمای سنی بودند، تقریباً همه، خیلی خوب استقبال کردند و بعد هم هرجا که برخورد می‌کردیم، می‌گفتند شما کنفرانس را نجات دادید، بدون این سخنرانی، کنفرانس با این انتظاری که در امّت اسلامی بود بی‌مایه می‌شد.

و یک نکته دیگری که بعداً یکی به من گفت و این هم خیلی مهم است و من به خاطر این می‌خواستم بگویم. ملک به من گفت بعد که شما سخنرانی کردید و اثر بخش بود، فضای کنفرانس دیگر قبضه شد و ایرانی شد، چند نفر از آقایان علمای وهّابیِ تند آمدند پیش من وبه من اعتراض کردند. گفتند: شما اهل سنت وکنفرانس را به ایرانی‌ها فروختید و همه اهل سنت یک طرف و شیعه را شما اینجا این طوری معرفی کردید. الآن هرچه مردم در این کنفرانس می‌شنوند از ایران و از سخنگوی شیعه می‌شنوند. ایشان هم گفتند من به آن‌ها گفتم ما به شما نگفتیم چه بگویید، شما هم می‌خواستید با هر چه فکر می‌کنید پیامتان را برسانید. این که عملی بود. بالأخره این میدان باز بود. نصحیت‌شان کرده بود و گفته بود بر طبل تفرقه نکوبید. ما این کنفرانس را درست کردیم برای وحدت، نه تفرقه. به هر حال جلویشان را گرفت. البته از قبل ۲۲ نفر از وهابی‌های تندرو بیانیه داده بودند، هم شیعه را و هم کنفرانس را محکوم کرده بودند. ولی کنفرانس کار خودش را ادامه داده بود. این اثری بود که در کنفرانس گذاشتیم ان‌شاءالله آثارش بماند.

من برای اجلاس و برای زیارت رفته بودم. ولی یک روز قبل] از این [که از اینجا بروم، آقایان آمدند از وزارت خارجه و جاهای دیگر و گفتند: در شورای عالی امنیت بحث شده وگفتند از این فرصت سفر فلانی استفاده کنید، مسائلمان را با عربستان وکشورهای

اسلامی درآنجا حل بکنیم و من هم استقبال کردم و نیازهایشان را گفتند و من هم گوش دادم. من آن‌ها را با ملک [عبدالله [در دو جلسه خصوصیِ طولانی مطرح کردم، خوشبختانه بسیار مؤثر بود، حالا اگر اینجا اجرا بکنند.

ما با ایشان قرار گذاشتیم ایران و عربستان گروه‌های کارشناسی مشترک بگذارند. مسائل منطقه را با هم تصمیم بگیریم. ایشان هم واقعاً استقبال کرد و گفت: من دربست می‌پذیرم. منتها باید ظرفیتش را ایجاد کرد. این دیگر کار من نیست. من دیگر کار را تمام کردم. خدمت آقا و آقایانی که از من خواسته بودند گفتم. دیگر بروند خودشان این کار را انجام بدهند.

بخش دیگر، مسائل حج بود که آقای ری‌شهری و رفقایشان از سازمان حج آمدند و مشکلاتی که آنجا دارند؛ از اهانت‌ها و کتاب‌هایی که منتشر می‌شود و محدودیت‌ها و خیلی چیزها شکایت کردند. من این‌ها را با مَلِک مطرح کردم، ایشان در همان جلسه اول دو- سه تا تصمیم گرفت ولی مسائلی هم باقی ماند؛ یک مسأله این بود که گفتم به شیعه اهانت می‌شود. به ایشان استدلال کردم و گفتم این چه نفعی برای عربستان دارد که ما هفتصد هزار زائر در سال می‌فرستیم، اگر این‌ها ناراضی برگردند، این‌ها در ظرف یک سال همه این نارضایتی‌شان را منتقل می‌کنند به همه مردم و شما چه نفعی می‌برید؟ اخلاق و یک رفتار درست اسلامی می‌خواهد ایشان گفت مثلًا چه؟ گفتم مثلًا چند تا افغانی در بقیع آوردید تا به شیعه‌ها که آنجا می‌روند به زبان فارسی اهانت کنند. این‌که خیلی بد است. این با این کنگره نمی‌سازد. ایشان همانجا به برادر دیگرش که مسئول امنیت است گفت دستور بدهید در بقیع اگر کسی چنین توهینی کرد همانجا تنبیه‌اش کنند، اگر دست برنداشت عزلش کنند و من وقتی آمدم مدینه این دستور به مدینه هم رسیده بود. امیر مدینه در فرودگاه به من گفت ما هم اقدام کردیم و آن آدم مسؤول تندرو را برداشتیم و یک آدم معتدلی را در رأس امر به معروف گذاشتیم و حالا- باید نظارت بشود که دیگران خوب عمل بکنند. روز آخر که می‌خواستیم بیاییم به ما اطلاع دادند افغانی‌ها را از آنجا برداشتند و فضای بقیع بهتر شده است. البته من الآن نمی‌دانم ادامه دارد یا نه.

بحث دیگری که طرح کردیم و خیلی هم جدی بود، من گفتم چه فایده‌ای دارد که زن‌ها را شما بقیع راه نمی‌دهید. حالا- فرض کنید یک حکمی شاید دارید- البته ایشان فقهای خودش را قبول ندارد. ایشان هم با افکار تند موافق نیست. خیلی نمونه‌ها به من گفت. من گفتم از این چه سودی می‌برید؟ زن‌های ایرانی مثل زن‌های عربستان نیستند متنفّذ هستند، هم در خانه و هم در جامعه متنفذ هستند. اگر این‌ها ناراضی باشند، برگردند همه جامعه را ناراضی می‌کنند و شما چرا این‌ها را ناراضی می‌کنید؟ بگذارید این‌ها هم بیایند مثل مردها قبر شریفی را می‌بینند، نزدیک هم که نمی‌گذارند بروند، از آنجا زیارت می‌کنند و بر می‌گردند.

ص: ۶۵

به هر حال ایشان به‌طور اصولی پذیرفت تبعیضی که برای زن‌ها هست برداشته شود ولی چه وقت عملی بشود، احتیاج به پیگیری دارد.

البته آن چهار شبی که من در مدینه بودم، حقیقتاً شکوه مکه و اهل بیت را می‌دیدم. با وجود زوار و دو- سه ساعتی که بین حرم و بقیع ما رفت و آمد داشتیم، اصلًا قابل توصیف نیست. یک مقدارش ضبط شده و شاید یک روزی منتشر کنم.

یکی از چیزهای خیلی خوبی که داشتیم، فدک بود. فدک حقیقتاً برای من در این سفر یک هدیه بود. واقعاًلطف خداوند بود. شماها شاید اکثرتان تاریخ فدک را خوانده باشید منتهی من چیزهایی خوانده بودم نمی‌فهمیدم چرا این طوری است؟ چرا یک منطقه کشاورزی این قدر در تاریخ مهم شده است. چرا این قدر سیاسی شده؟ چرا این قدر خود ائمه آن را مربوط به امامت می‌کنند؟ اصلًا حدود فدک را تعیین می‌کنند، حرف‌های خیلی مهمی می‌زنند. تاریخش را خوانده بودم و اصل قضیه برایم عجیب بود. چون آن چیزی که در تاریخ آمده، این است که پیامبر بعد از خندق و خیانت یهودی‌ها آن‌ها را تنبیه کردند و خیبر را گرفتند. هماهنگ با فتح خیبر، ظاهراً به شخصی به نام مُحَیِّصه مسؤولیت دادند؛ گفتند: برو فدک و به مردم آنجا بگو که شما نجنگید و بیایید تسلیم بشوید و جانتان را نجات بدهید، ما هم حقوق شما را حفظ می‌کنیم. محیّصه نزد شخصیت‌های بزرگ فدک رفت، که ۹۰ کیلومتر فعلًا با خیبر فاصله دارد- آن زمان یک روز بیشتر تقریباً راه بوده است- با یک گروهی رفتند و به علمای یهود پیام پیامبر را دادند. آن‌ها گفتند: ما خدمت پیامبر می‌آییم. چند نفر از انسان دوست و عالم و شخصیت‌های معتبر یهود را انتخاب کردند و خدمت پیامبر آمدند. پیامبر فرمود: اگر شما پیشنهاد ما را نپذیرید، برای شما سخت می‌شود. گفتند: نه کار با مشکل است. من اینجا را خوانده بودم دنبال این بودم که چطوری بوده که این‌ها این حرف را می‌زنند. آن‌ها گفتند فدک جایی است که سه تا برج و بارو پشت سر هم دارد؛ یعنی یک سور دو سور سه سور، و هر سوری هم اطرافش برجی هست و تمام این سورها درهای مخصوص و کلیدهای خاصی دارد. ما این کلیدها را جمع می‌کنیم در یک صندوقی نگاه می‌داریم، وقتی کسی به ما حمله بکند به این آسانی نمی‌تواند از آنجا عبور کند و آسان نیست. پیامبر فرمود: همان کلیدهایی که شما می‌گویید الآن در دست من است. اینها یک دفعه تکان خوردند، دیدند در دست پیامبر است. این‌ها که در یک اتاق مهر و موم شده بود، در همان‌جا جمعی از این‌هایی که آمده بودند مسلمان شدند. چون آن‌ها می‌فهمیدند. گفتند این کلیدها را از کجا آوردید و چه کسی به شما داده است؟ به یک نفر مظنون شده بودند. حضرت فرمودند: نه، مظنون نشوید، همان کسی‌که الواح را برای حضرت موسی آورد، همان کسی که تابوت را برای بنی اسرائیل آورد، برای من هم این‌ها را آورد. لذا این‌ها مسلمان شدند وایستادند. عده‌ای هم رفتند. پیامبر هم حکم کردند و گفتند: هرکس مسلمان شد خمس از اموالش را می‌گیریم و هرکسی مسلمان نشد همه اموالش را می‌گیریم و جان خودش نجات پیدا می‌کند. فدک همینطوری بدون جنگ تسلیم شد.

براساس آیه‌ای‌که همه بهتر از من می‌دانید فَما أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لا رِكاب در روایات ما دارد که جبرئیل آمد و به پیامبر گفت بر اساس وَ آتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّه این باید به حضرت زهرا داده شود. پیامبر هم نوشتند و فدک را به حضرت زهرا ۳ دادند و سه سال حضرت زهرا اینجا را اداره می‌کردند. عاملان حضرت زهرا آنجا بودند و سهم خودشان را می‌گرفتند و می‌آوردند مدینه. آن‌طوری که من در منابع کار کردم و همه شما هم کار کردید و از تخصّص‌های شماست، حضرت محصول فدک را در اختیار فقرا و اقوام و همه می‌گذاشتند. خودشان مصرف نمی‌کردند. حتی ایشان وقتی که به زمان رحلتشان می‌رسند یکی از موارد وصیت‌نامه این است که برای زن‌های پیامبر و همه بخش‌های دیگر اهل بیت سهمیه قرار دادند و حضرت علی بسیج شدند که از این فدک و اموالی که آنجا جمع شده بود، به اینها بدهند. این‌ها همه تاریخ فدک است. من رفتم ببینم آنجا چیست؟ در مدینه با هرکسی‌که صحبت می‌کردیم می‌گفتند شما بیخود می‌روید، آنجا هیچی نیست. فدک یک اسم تاریخی است. الآن هیچی وجود ندارد. حتی آقای

عمری که ما میهمان ایشان بودیم و بالأخره بایـد همه چیز را آنجا خوب بشناسد عالم قـدیمی آنجاست شب به من گفت شـما لازم نیست برویـد هرچه می‌خواهیـد ما می‌توانیم به شـما بگوییم آنجا چیزی نیست. من گفتم به هر حال قرار گذاشتیم و میزمان ما محبت کرده و تنظیم کرده و درست نیست نرویم. به هر حـال منطقه را می‌خـواهم بـبینم که اصـلًا منطقه چیست. رفـتیم، راه دور بـود. مـا از اتوبان آنجا ۲۶۰ کیلومتر راه رفتیم تا وارد فـدک شدیم. وقتی از جاده اصـلی وارد شـهر می‌خواستیم بشویم، تابلویی دیدم مثل اینکه دنیا را به من دادنـد، تابلو نوشـته بود، «الحائط تُرَحِّبُ بِکُم» زیرش هم درشت نوشـته بود «فدک» ما دیدیم که دیگر اینجا اسم فدک نیست. اینجا همان فدک است. وارد شدیم. شهر تمیزی بود. شهر را گشتیم و بعد ما را بردند آن قسمت قدیمی شهر که همین فدک قـدیمی است و من در محاسبات می‌گویم همانجـایی است که فـدک اصلی بوده است. این کنـار شـهر است. وصـل به شـهر است. مسؤولان شـهر هم آنجا جمع شـده بودنـد، از ما آنجا اسـتقبال کردند. وقتی پیاده شدیم یک پیرمرد خوش زبانی که خودش مسؤول امر به معروف آن شـهر بود و بازنشسـته شـده بود یـا در حال بازنشسـتگی بود. او برای ما توضیـح می‌داد. تا ما ایسـتادیم، زیر آفتاب بودیم. گفتم خب حالا بگوییـد قضـیه اینجا چیست؟ گفت: «هـذا وادی فاطمه» این وادی حضـرت فاطمه است. وادی رودخانه اسـت رودخانه‌ای که وسیع می‌شود. از بین دو دره که رودخانه‌ای می‌رود آنجا که باز می‌شود. اینجا را عرب‌ها وادی می‌گویند. البته وادی در لغت خیلی تعریف دارد؛ یـک مصـداقش این است. بعـد یـک ساختمانی پهلوی ما بود که ساختمان نسـبتاً خوبی بود و بقیه بیشتر مخروبه بود. گفت: «هذا مسـجد فاطمه» من گفتم یعنی این مسجد را حضرت زهرا ساخته‌اند؟ گفت بله. وقتی پیامبر به حضرت زهرا تحویل دادند، ایشان اینجا، این مسـجد را ساختند و این مسجد در طول تاریخ بارها خراب شده و آخرین بار عثمانی‌ها این مسجد را ۲۵۰ سال پیش ساختند و الآن هم کسـی در مسـجد نیست، به خاطر اینکه بیرون شهر است. ما رفتیم پشت بام مسجد، عکسش را هم دیدم در روزنامه‌ها هست. بعد آمدیم پایین، یک نخلسـتانی جلوی ما بود همان اول، گفت: «هذا بسـتان فاطمه». این هم بستان ایشان بوده.

چشـمه‌هایی اشاره کرد و گفت: «هذه عیون فاطمه» چهار عنوان را ایشان معرفی کرد و این‌ها هم ضبط شد. من از ایشان پرسیدم چرا پیامبر] فدک را [به حضـرت زهرا داد؟ هرچه که پرسیدم، او که می‌دانست توضیح داد و جواب داد. اما آن را که من الآن می‌خواهم بگویم، مـا آنجا که ایسـتاده بودیم رودخانه بود، اطرافمان به صورت پلکانی در دامنه کوه بود و طبقه به طبقه ساخته شـده بود. خانه بود. خانه‌ها مثل این‌که زلزله خراب کنـد، این طوری بود. برج‌ها پیدا بود ولی نیمه مخروبه بودند. دیوارها هنوز کاملًامشـخص است. من به نظرم آن حرفی که صاحبان یهودی فـدک به پیامبر گفته بودنـد درست بوده، به نظرم همین‌جا بوده؛ یعنی یک جای محاصـره شده، حفاظت شده و این‌که حالا فلسـفه این‌که خداوند خواسـته این هدیه به حضـرت زهرا داده بشود بحث‌های دیگری است که از عهده شما بر می‌آید.

آنجـا پر آب است. اخیراً که چاه‌های زیادی زدنـد، چشـمه‌های بالا خشک شـده و یک چشـمه‌ای پایین بود که هنوز آب داشت. ما رفتیم سر آن چشمه، از آن چشمه هم آب خوردیم. آب کم داشت. ولی چاههایی که زده بودند ۲۰ متری به آب رسیده بود. گفتند هر چه آب بخواهید از این

ص: ۶۶

چاه‌ها می‌توانیم برداریم. البته او یک ادعای بزرگی کرد و من هنوز نمی‌دانم. من گفتم منطقه فدک چقدر وسعتش است؟ ایشان گفت ۵۰ کیلومتر در ۵۰ کیلومتر. حالاـ ما دیگر این را ندیدیم این حرفی بود که ایشان زد. چون جمعیت کلّ منطقه فدک بیش از ۱۰۰ هزار تاست. ما فیلم داریم. من نمی‌دانم بنا بوده این فیلم همراه ما باشد. اگر آقایان مایل باشند می‌توانند تصویر را ببینند.

از این سفر به هر حال با قراری که گذاشتیم آمدیم، روابط دو جانبه کشور پایه‌اش گذاشته شد، دیگر بستگی دارد به مجریان که درست عمل بکنند.

مسأله بقیع را من دوبار مطرح کردم که باید بقیع از این غربت خارج شود. آن‌ها مبنایی اشکال نداشتند، تا ببینیم بعد چه می‌شود و گفتم یک ساعت وقت در روز برای خانم‌ها بگذارید که مجزّا بروند، این راهم ابتدا پذیرفتند، اگر پیگیری بشود قابل اجراست. چند تا زندانی داشتیم که وعده عفو دادند که برگردند. ان شاءالله این‌ها پیگیری و عمل بشود. شاید یک گشایشی در همکاری مسلمان‌ها در منطقه از این طریق به وجود بیاید.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در

گفتگو با شبکه اول

سیمای جمهوری اسلامی ایران

درشب عید سعید مبعث

۸/ ۵/ ۱۳۷۸

اشاره

شامگاه سه شنبه، ۸/ ۵/ ۱۳۸۷ شب عید سعید مبعث از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران مصاحبه ای از آیت الله هاشمی رفسنجانی پخش شد که ایشان ضمن بیان مطالبی در باره حضرت رسول گرامی اسلام، قرآن و خاطراتی از سفرهای خود به کشور عربستان و دیدار از اماکن تاریخی- اسلامی آن کشور، بر ضرورت احیای آثار اسلامی عربستان تأکید کردند. متن این مصاحبه را به دلیل اهمیت و ارتباط آن با مطالب ویژه‌نامه، از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم:

مجری: عید مبعث است. بزرگترین عید عالم اسلام و مسلمین است وشادی بخش همه جانهای آزاده و آزادی خواه اسلام در حقیقت بندهای بندگی دنیایی را از دست و پای همه باز کرد و به بندگی خدا فرا خواند. شما در خصوص بعثت و این اتفاق خجسته برای ما و همه عزیزان مشتاقی که این برنامه را می بینند صحبت بفرمایید.

آقای هاشمی: بسم الله الرحمن الرحیم، ابتدا تبریک عرض می‌کنم این عید عظیم را که بزرگترین عید دینی تاریخ است، برای همه مسلمانان و بلکه بشریت. چون خیلی‌ها مسلمان هم نیستند ولی غیر مستقیم از برکات این عید بهره گرفته‌اند. به این دلیل این عید اهمیت دارد. بعد از ۵۰۰ سال، پس از دوران حضرت مسیح ۷ که ارتباطی بین آسمان و زمین نبود و فرشتگان وحی نمی‌آمدند، درهای آسمان باز شد و حضرت جبرئیل ۷ آمد و پیام خداوند را آورد و بعثت پیامبر اکرم ۹ آغاز شد. ۲۳ سال هم این آمد و رفت بود و همیشه جبرئیل ۷ برای هدایت انسان‌ها و سعادت بشر، حامل پیام‌های مؤثر الهی بود. علاوه بر این‌که خود پیغمبر ۹ هم از درون با تربیت الهی به‌گونه‌ای ساخته شده بود که دائماً با الهامات شبیه وحی مردم را هدایت می‌کرد. آخرین صحبت مهم پیغمبر ۹ در مکه نزدیک پایان دوره رسالتشان بود، فرمودند: هر چه مایه سعادت بشر است من در این ۲۳ سال آوردم وهر چه هم مایه بدبختی انسان‌ها است، شما را از آن‌ها نهی کردم.

البته معلوم است که پیغمبر ۹ وارد جزئیات زیاد نشده بودند ولی کلّیت رسالت پیغمبر ۹ این سرمایه را در اختیار ما گذاشته است. کسانی که اسلام‌شناس هستند، تاریخ می‌دانند، دین شناس هستند، حتی آن‌هایی که جامعه‌شناسی درستی بلدند باید بررسی کنیم

واقعاً چه قدرتی بود که پیغمبر ۹ را از یک انسان معمولی تبـدیل کرد به یک مرشد و رهبر و معلّم همه تاریخ، از آن زمان تا قیامت! هزار و چهارصـد سال الآن گذشته، بیش از یک میلیارد و نیم مسلمان دارند عشق می‌ورزند به پیغمبر ۹ و غیر مستقیم هم، حتی در ادیـان دیگر، حتی در انسان‌های ملحد اگر باشـند، غیر مستقیم از این آموزش‌ها بهره می‌گیرنـد و این دین در این ۱۴۰۰ سال کهنه نشده است. قرآنی که پیامبر ۹ آورده، هر روز طراوتش بیشتر می‌شود. واقعا بیشتر می‌شود. من خودم به نوبه خودم که ۷۰ و چند سال عمر دارم، از آن روزی که بـا قرآن آشـنا شـده‌ام، هر روز قرآن برایم بـا طراوت بیشتر مطرح است. واقعـاً این طوری است؛ یعنی هیچ وقت قرآن کهنه نمی‌شود.

مجری: شما خودتان سال‌ها است تفسیری هم در خصوص قرآن دارید. در این باره توضیح بیشتری بدهید.

ص: ۶۷

آقای هاشمی: من از ابتدای طلبگی، حتی در خانواده‌مان که توسط پدرم با قرآن انس پیدا کردم، دوره خوبی در یک زندان طولانی، مدت ۳ سال در زندان اوین بودم، یک دوره یادداشت‌هایی از قرآن برداشتم به منظور این‌که یک فهرست کاملی از مطالب قرآن به نام «کلید قرآن» به وجود بیاورم، که جایش هنوز هم در کتابخانه‌ها خالی است، بعدکه بیرون آمدم، دوستان گفتند: این یک تفسیر آماده هم هست. اول تفسیرش را منتشر کردم؛ «تفسیر راهنما»، بعد هم فرهنگ قرآن را دادند که ۲۰ جلدش را تا به حال منتشر کرده‌اند که ۱۰- ۱۵ جلد دیگر مانده است. فکر می‌کنم باز از برکت قرآن است. به نام انسانِ جذب شده به قرآن، توانسته‌ام از طریق قرآن پیغمبر ۹ را بهتر بشناسم.

مجری: این مطلبی‌که فرمودید، مربوط به سال‌های زندان می شود. اگر موافق باشید یک نقبی بزنیم و دوباره برگردیم. به سال‌های زندان، شما خاطرات بسیاری، هم در کتاب‌هایی که از خاطرات شما چاپ شده و هم آن‌هایی که چاپ نشده و بعضاً شفاهی این طرف و آن طرف، در حلقه‌های خصوصی‌تر عنوان کرده‌اید. یک ارتباطی هم می‌خواهم از بعثت پیامبر ۹ بگیرم به زندان شما و تفسیر قرآن. می خواهم این را عرض بکنم بعثتی که در ۱۴۰۰ سال پیش انجام می‌شود، چه پویایی و چه حس زندگی و روح همیشه جاری در آن هست که بعد از ۱۴۰۰ سال آن بعثت و کتابی که نتیجه آن بعثت است شما را وادار می کند به این‌که هر دفعه نگاهش می‌کنید دریافت جدید و درک و شهود تازه‌ای نسبت به آن داشته باشید؛ چه در زندان باشد، چه در بی خوابی های دوره جنگ باشد، چه در اوج مشغله کاری شما باشد، راز این چیست؟

آقای هاشمی: راز این مسأله بر می‌گردد به این‌که: دین، آن طوری که قرآن مطرح می‌کند درست منطبق بر فطرت بشر است؛ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتی فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ، همه حرف همین جاست. بشر که فطرت انسان را به این خوبی نمی‌شناسد. این خداست که فطرت ما را به خوبی می‌شناسد. بنا بوده که دین خاتم بیاورد. دینی که دیگر بعدش هم راهنمایی آسمانی نمی‌آید. جامع‌ترین مسائلی که نیاز فطرت بشر است و با اقتضای فطرت بشر باید در اختیار ما گذاشته شود را آورده‌اند و حقیقتاً ما هر چه بیشتر کار می‌کنیم می‌بینیم با عمق قرآن هنوز فاصله زیادتری داریم. علتش هم این است که بنا بر این بوده که بعد از این و کامل‌تر از این، چیزی برای هدایت بشر نمی‌آید. البته بشر زندگی خودش را بر اساس علم و تجربه و تلاش تنظیم می‌کند ولی این اصول کلّی راهنما است. این راهنمایی‌ها چون در فطرت ما هست کهنه نخواهد شد.

مجری: یک نکته‌ای الآن به ذهنم رسید می‌خواهم نظر شما را بدانم. موقعی که پیامبر ۹ قرآن را بر مردم باز می‌خواندند و آیات وحی را برای مردم بیان می‌کردند، در ابتدای کار، اتهام این‌که این‌ها شعر است، این‌ها ساخته ذهن خود پیامبر است، مطرح می شد. الآن قرآن را شما نگاه می‌کنید، بعد از ۱۴۰۰ سال به عنوان یک معجزه می‌بینید که در نهایت بلاغت در نهایت استحکام و در نهایت تصویرگری و ظرافت و پر از قصه و تمثیل و ظرائف است. می‌خواهم نظر شما را به عنوان کسی که سال‌هاست روی قرآن و مفاهیم آن کار می کند، بپرسم بر این‌که چرا قرآن به این شیوه بیان شده، به این شیوه نازل شده، قصه، تمثیل. خداوند در قرآن می فرماید: هیچ ابایی ندارم از این‌که به یک پشه مثل بزنم. چه چیزی، چه ارتباطی بوده بین کلام خداوند و ذهن بشر که اینگونه خداوند این کلام را بر بشر نازل کرد؟

آقای هاشمی: معمولًا انبیا همیشه با معجزه شناخته می‌شدند. چون کسی‌که می‌آید ادعا می‌کند که من از طرف خداوند آمده‌ام باید یک چیزهایی داشته باشد که دیگران نداشته باشند و این ادعا را همه می‌توانند بکنند و کشف صحّت راهکار انبیا معجزاتشان بوده است. طبعاً پیامبر اسلام ۹ هم باید معجزات زیادی ارائه بدهد بر حسب فهم مردم. در حدّی که مردم زمان خودش و زمان‌های بعد این معجزات را ببینند و باور کنند. البته پیغمبر معجزات محسوس برای عامه مردم داشتند در هر مقطعی ولی کاملًا از خود قرآن شنیده می‌شود که معجزه اساسی پیغمبر ۹ و به تعبیر خود ایشان «معجزه خالده» قرآن است. آن موقع اعرابی که مخاطب بودند، از

الفاظ قرآن، از آهنگ قرآن، از بلاغت و فصاحت قرآن بیشتر مسرور می‌شدند ولی کسانی که عالم بودند می‌رفتند به محتوا و نکته. جالب تر این است که پیغمبر ۹ که این معجزه را می‌آورد، خود ایشان سابقه شاهکارهای ادبی یا علمی یا شعری هیچ نداشتند. حتی خیلی روشن است از خود قرآن که پیغمبر ۹ سواد نوشتن و خواندن را در شروع بعثت نداشته‌اند، البته ویژگی‌های دیگری داشتند که همه مدیون پیغمبر ۹ بودند. امانتشان بود، راستی شان بود، صداقت و اخلاق بسیار خوبی که داشتند یا فامیلی داشتند که از زمان حضرت ابراهیم ۷ تا آن زمان همه رشته فامیل شناخته شده بودند و فامیل پر افتخاری بودند. اجداد پیامبر ۹. زندگی ۴۰ ساله پیغمبر ۹ هم هیچ کس را آزرده نکرده بود، با این‌که ایشان یک شخصیت مبرز، نامدار یا سرمایه‌دار یا تیول‌دار یا قدرت مادی داشته باشد یا یک آثار ادبی علمی ارائه کند نبودند، به نظرم از چنین انسانی آمدن چنین کتابی معجزه است. حالا آن نکاتی که شما اشاره کردید] و گفتید [تهمت می‌زدند، خوب مخالفان، مشرکان و هرکس که مخالف بود باید فکری می‌کرد در برابر تأثیر قرآن. بعضی‌ها می‌گفتند سِحر است. چون در زمان پیغمبر سحر هم بود. بعضی‌ها می‌گفتند پیغمبر معلّم دارد. خودِ قرآن می‌فرماید: معلمی که این‌ها اشاره می‌کنند عجمی است؛ یعنی قرآن عربی است، نمی‌شود یک انسان عجم یک چنین اثر عربی بیاورد. بعضی‌ها می‌گفتند از اسطوره های قدیم و در ارتباطی که با کاهن‌ها و امثال آن‌ها دارد، داشته و از آن ها چیز یاد گرفته و آن‌ها را دارد برای ما تکرار می‌کند. حرف‌های قرآن همه گذشته‌ها و شیوه‌هایی که مرسوم شده بود را نفی می‌کرد. گاهی می‌گفتند شعر است. البته شعر به آن شعر مرسومی که در عربستان بود نمی‌خورد. قرآن قافیه خوب دارد. موزون است. ذائقه شعری انسان را تحریک می کند. وقتی انسان آیات قرآن را می‌خواند ذائقه شعری‌اش تحریک می‌شود، منتهی اتهام شعر به قرآن نمی‌چسبید. عمده مسأله همین است که این قرآن کلام خدا است وبا فطرت انسان تطبیق می‌کند و خداوند این الفاظ را خلق کرده است. این تفکری که گاهی پیدا می‌شودکه می‌گویند الفاظ را خداوند خلق نکرده، بلکه معانی را القا کرده به پیغمبر ۹ الفاظ را پیامبر خلق کرده با خود قرآن ناسازگار است. قرآن می فرماید: با همین الفاظ پیغمبر ۹ دریافت می‌کرد و حتی از قرآن استفاده می‌شود که پیغمبر ۹ گاهی نگران بود که فراموش کند کلمه‌ای را، عجله می‌کرد، به زبان می‌آورد، تکرار می‌کرد در حین دریافت وحی و خداوند در همین قرآن می فرماید: تو این کار را نکن ما خودمان کمک می‌کنیم که شما فراموش نکنید. باز از آیات خود قرآن می‌فهمیم که خداوند برای پیغمبر ۹ به مسلمان‌ها تضمین کرده که قرآن را من حفظ می‌کنم. هیچ کس نمی تواند این قرآن را تحریف بکند: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُون خیلی تأکید شده است. بعد آیه دیگر همین را تفسیر می‌کند. نه از عقب نه از جلو، نه از یمین، نه ازشمال، تحریف به‌این قرآن راه نخواهد داشت واین متن مانده است. یکی از کارهای زشتی که بعضی‌ها می‌کنند، بحث تحریف قرآن را می‌کنند. نمی‌فهمند چه ضربه‌ای می‌زنند به اصالت این سند. می‌خواهند مسأله‌ای را و اختلافی را با فرقه‌های دیگر دارند می‌خواهند یک جوری درست کنند این جور حرف می‌زنند. معتبرترین سند مانده از تاریخ‌های قدیم برای ما همین قرآن است.

ص: ۶۸

به خلق و خوی پیامبر اشاره گردیده در خود قرآن، جاهای مختلف و آیات مختلف، اشاره به خلق وخوی پیامبر ۹ شده است؛ وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظیمٍ ... الی آخر. خود حضرت پیامبر ۹ فرموده‌اند: «إِنَّما بُعِثْتُ لأُتَمِّمَ مَکَارِمَ الْأَخْلَاق». این یک وزنه‌ای را ایجاد می‌کند و یک مرکز توجهی را در بعثت پیامبر ۹ با توجه به سابقه‌ای که حضرتشان داشتند در مکه و دلیلی که از بعثت خودشان می‌آورند و تصریح قرآن این جایگاه را برای ما جایگاه ویژه‌ای می‌کند. خلق و خوی پیامبر ۹ چی بوده که هنوز که هنوز است ما از خُلق محمدی ۹ وقتی یاد می‌کنیم در سویدای دلمان چیزی را حس می‌کنیم که نمی‌توانیم وصف بکنیم.

رمز این خلق عجیب پیغمبر ۹ را در چند چیز باید جستجو بکنیم.

اول: در وجود خود ایشان. خداوند خواسته بود و] حضرت [این جوری بار آمده بودند که نسبت به مردم بسیار رؤف بودند. این را هم ما از قرآن می‌فهمیم. برای این‌که محکم‌تر حرف بزنیم، از قرآن می‌گوییم. سند داریم خداوند می‌فرماید: ما انسانی را مبعوث کردیم که برای شما رؤف است؛ حَریصٌ عَلَیْکُمْ بیش از خودتان به سعادت و خوشی و خوبی شما حرص دارد بِالْمُؤْمِنینَ رَؤُفٌ رَحیم قلب رؤف ومهربانی دارد. طبعاً هر کسی که دوست بدارد دیگران را، در همان حدی که دوست می‌دارد رفتارش با آن‌ها رفتار خوب می‌شود. رفتار قابل تحسین می‌شود. انسان با فرزند خودش معلوم است چه کار می‌کند. قابل مقایسه نیست. با این روحیه پیغمبر ۹ همه ناملایماتی که برایشان می‌آمد آن ناملایمات برایشان قابل حل بود. آن چیزی که ایشان را راضی می‌کرد این بود که می‌دید کسی را هدایت کرده یا مشکل کسی را حل کرده و بالأخره در مورد دیگران صبر و تحمّل داشته تا بتواند آن‌ها را جذب کند و هدایت کند. تعبیرات دیگری در قرآن می‌بینید؛ مثلًا طه، ما أَنْزَلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لِتَشْقی ما نخواستیم شما به خاطر این‌که قرآن را اجرایی بکنید این همه زحمت بکشید. ما به شما مسؤولیت تذکّر دادیم ولی شما دارید خودتان را به زحمت می‌اندازید! گاهی تعبیر بیشتری دارد و می فرماید: تو داری جان خودت را از دست می دهی با این التهابی که داری برای خوبی مردم. پس ببینید این در ذات خود پیغمبر ۹ بوده. در تعلیمات قرآن هم پیغمبر ۹ تحت تأثیر بوده. یا می‌گرفته یا آموزش می‌داده. تنظیم می‌کرده. با این تنظیمات قرآن هم آن جوری که پیغمبر ۹ می‌فهمند که ما نمی‌فهمیم. بنابر این، همه این‌ها برای این بوده که آن صفت عالی انسانی که حسن خلق است به‌گونه‌ای باشد که خداوند این جوری تعریف کند که وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظیم یکی از معجرات پیامبر ۹ خودِ همین خلقش بوده است.

افرادی می‌آمدند، عصبانی بودند، بت پرست بودند، به بتهایشان اهانت می‌شد، با خشم می‌آمدند خدمت پیغمبر ۹. در مقابل خشونتی که نسبت به پیغمبر ۹ می‌کردند، محبت می‌دیدند، کافی بود و دیندار بر می‌گشتند، مجذوب می‌شدند. خُلق پیامبر ۹ مثال زدنی برای همه است.

یکی از دلایل جاذبه حضرت رسول ۹ همین خُلق خوش بوده است. در ضرب المثل‌های خودمان داریم که می‌گویند: «مردم به روی باز می‌آیند خانه‌مان نه به درِ باز». لازمه نبوت و دعوت همین خُلق خوش است. بله، یکی از شروط همین است. قرآن می فرماید: فَبِما رَحْمَهٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ کُنْتَ فَظًّا غَلیظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِک. این آیه مربوط به جنگ احد است. در جنگ احد پیغمبر ۹ حق داشتند عصبانی بشوند، چون جنگ فتح شده‌ای را به خاطر تخلّفِ جمعی که می‌خواستند زودتر به غنائم برسند، سنگر و تنگه را خالی کردند و آمدند خراب کردند و مسلمان‌ها آن همه هم شهید دادند. برای پیغمبر ۹ این ماجرا خیلی سنگین بود. ولی حالا جالب بود که خداوند با ابراز تحسین می گوید: با رحمت خداوند درحال نرمشی با این‌ها قرار گرفته. همین‌ها که تخلّف کردند. حالا ببخشید. تعلیمات قرآن با همه این موضوع که خُلق پیغمبر ۹ عظیم بوده، باز بعضی جاها به داد پیغمبر ۹ می‌رسد. به‌طور طبیعی یک فرمانده جنگ در آن شرایط باید از جا در برود. شما می‌دانید حضرت موسی ۷ وقتی از کوه طور بر می گردد و می بیند بنی اسرائیل منحرف شده‌اند وگوساله پرست شده‌اند، عصبانی می‌شود و آن برخورد شدید را با برادرش هارون می‌کند. هارون نبی

بوده. اما موسی با او برخورد می‌کند و می‌گوید تو خوب بنی اسرائیل را هدایت نکردی. حتی ریش برادرش را می‌گیرد و می‌کشد. الواحی را که برایش آورده بود از خشم به زمین می‌اندازد. این‌ها را قرآن می‌فرماید. موسی می‌بیند همه زحماتش برباد رفته! او می‌بیند که مردم را از دست فرعون نجات داده و خداپرستشان کرده و آورده صحرای سینا یک دفعه رفته‌اند دنبال گوساله!

مجری: آیا پیامبر ۹ غیر از مواردی مثلًا در مقابل مشرکین یا کفار، شده بود جای دیگری عصبانی بشوند. شما در مطالعاتی که کرده اید، چیزی در نظرتان هست؟

آقای هاشمی: مشخصاً الآن مورد خاصی در ذهنم نیست. البته مواردی بوده که پیامبر ۹ مصلحت می‌دیده که قیافه خشم‌آلودی نشان بدهد.

یک جاهایی هم باید به جای خنده اخم کرد برای تادیب طرف. از این موارد در زندگی پیغمبر هست. گفت:

نرمی زحد مَبَر که چو دندان مار ریخت هر طفلِ نی سوار کند تازیانه‌اش

به هر حال پیغمبر ۹ با حساب و اخلاق خوش برخورد می‌کردند و آن جایی هم که لازم بود چهره‌شان را جور دیگر نشان بدهند می‌دادند اما آن خلاف اخلاق نبود، به خاطر خشم گرفتن برای طرف مقابل نبود. حالت مسأله ایجاب می‌کرد که چنین چهره‌ای از خودشان نشان بدهند.

مجری: شما اخیراً مشرّف شده بودید به زیارت خانه خدا و حرم پیامبر ۹. شما غار حِرا هم مشرّف شدید و مسیر صعب العبور را پیاده رفته بودید بالا. از غار حِرا برای ما بگویید.

آقای هاشمی: بارها غار حِرا رفته‌ام. انسان که مکه می‌رود، یکی از جاهایی را که دوست دارد ببیند غار حِراست. جایی که پیامبر ۹ عبادت می‌کردند. جایی‌است که مشرف بر مکه هم هست. آدم آنجا می‌بیند افراد ضعیف و مریض هم خرده خرده و پله پله دارند خودشان را می‌رسانند. آنجایی که آدم به معشوق می‌خواهد برسد دیگر از خار مغیلان خیلی پرهیز نمی‌کند. رفتن به غار حِرا خستگی نمی‌آورد. انسان این

ص: ۶۹

راه را بـا عشق بالاـ می‌رود. لحظـاتی است که آدم یـاد می‌آورد منظره نزول اولین آیـات آسـمانی بر پیغمبر را اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذی خَلَقَ. اصلا آدم یک جای دیگری می‌رود.

وصفش‌هم باعث حلاوت وشیرینی‌است. عربها می گویند: یُدرَک وَ لَا یُوصَف. غار حِرا اینجوری است.

مجری: این سـفر برای خودِ شـما تازگی و حلاوت داشـته و برای ما هم شیرین بود. اولین بار بود که نام فدک با تصویر برای ما گره خورد. شایـد ذهنیـتی که در خصوص فـدک داشتیم حالاـ دیگر عینیت پیـدا کرده بود و تصـاویرش را می دیـدیم. از فـدک برای ما بگویید.

آقای هاشـمی: من سالهاست به خاطر تأثیری که از میراث فرهنگ اسـلامی و صدر اسـلام درسازندگی انسانها می شناسم همیشه در فکر بودم که بایـد نقبی بزنیم به عربسـتان از مکه و مـدینه که معمولاـ همه می رویم به جاهـایی که متأسـفانه از دسترس بیرون رفته. خیلی چیزهـا هست. یکی از آثـار بـد تفکر وهـابی ها و سـلفی ها که آن ها خودشان را توحیـدی می داننـد، فکر می کننـد توجه به گذشـته و قبور و آثار قـدیم این ها انسان را از خـدا دور می کنـد. اشـتباه می کنند؛ چون خود قرآن از ما مکرر خواسـته بگردید در زمین آثـار گذشـتگان را ببینیـد و عبرت بگیریـد. این میـدان آموزش قرآن است و حتی آثار تاریخی را اسم می برد. مثلا بعضـی از مناطقی که اقوام گذشـته بوده اند و رفته اند و آثارشان مانده. قرآن می فرماید شما دارید می بینید اینها را. خوب این تفکر برای من یک تفکر اصیلی بود.

وقتی که با مسؤولان عربستان آشنا شدیم، من جزو اهدافم بود که کم کم این مانعی که وهابی‌ها آنجا ایجاد کرده‌اند به خصوص بر سر آثاری که از پیغمبر ۹ و ائمه و بزرگان صحابه در صدر اسلام مانده، این‌ها را کم کم بشناسیم و معرفی کنیم.

یـک بـار ملـک عبـدالله– که آن موقـع امیر بـود– در تهران بـود. جلسه‌ای بـود، علمـای دینی هم همراهش بودنـد. بحث‌هـای قرآنی می‌کردنـد. نمونه‌هـایی که قرآن اشـاره می‌کنـد در خاک خود عربسـتان اطراف مکه ومـدینه هست و قرآن مثال می زنـد را برایشان گفتم. گفتم: چرا نمی‌گذاریـد این‌ها را ما بیاییم ببینیم و خودتان چرا نمی‌بینید، چرا معرفی نمی‌کنید؟ کم کم این در را باز کردم. از آن وقتی‌که دیگر روابطمان، روابط کم مشکل شد، من هر سـفری که رفتم آنجا، از آنها خواهش‌کردم که بگذارید ما یک جاهای کشف نشـده امروزی را برویم پیـدا کنیم. این‌هـا بـا کلّیت موافقت می‌کردنـد ولی از علمـای تنـدروی وهابی می‌ترسـند. چون آن‌ها عکس‌العمـل نشـان می‌دهنـد. حرام می‌داننـد. سـخت هم هست برای سـران عربسـتان که با علمای خودشان بر سـر این مسائل درگیر شوند. به هرحال قانعشان کردند. آن‌ها هم روی دوستی و میهمان نوازی گاهی خواسته‌های من را رد نمی‌کردند.

اوّلین چیزی که از آن‌ها خواستم، گفتم برویم خیبر را ببینیم و بعد فدک را. آن‌ها اصـلا فدک را نمی‌شـناختند. خیبر را می‌شناختند. چون جنگ خیبر معروف است. ما را خیبر بردنـد. دیدنی است. قلعه بزرگی که حضـرت علی ۷ با مرحب جنگیـد و فتح کرد و همان کمر قدرت یهود را که تقریباً وارد جنگ با پیغمبر شده بودند شـکست. چشـمه‌هایی که حضـرت علی ۷ در آورده بودنـد را دیدیم. اکثر چشـمه‌های قـدیم خشـک شـده بود. چشـمه‌ای مانـده بود و به نام چشـمه علی ۷ معروف است. مـا را بردنـد سـر چشـمه علی ۷ ماهی‌هـای کوچکی در چشـمه بود. البته طبیعت خیبر هنوز مانـده است. چشـمه در عمق دره بود. آنجا چیز جالبی که برای من اتفاق افتاد، در شـهرداری خیبر میزبانان ما آمدنـد داسـتان فتـح خیبر را شـهردار آنجا برای ما خواند. ما که خودمان معلم این چیزها هستیم تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفتیم. چگونه در آخرین لحظه، عَلَم را به دست علی ابن ابی‌طالب داد. خیلی صـحبت‌های شهردار خیبر برای ما شیرین بود.

آنجا مـا گفتیم می‌خواهیم برویم فـدک. راهش ماشـین رو نیست. بـا این ماشـین‌هایی که همراه مـاست ما نمی‌توانیم برویم. با جیپ می‌توانیم برویم و آن هم خیلی طولانی است. آن سـفر را منصرف شدیم. دیگر هم فرصت نکردیم تا این سفر پیش آمد. ما هم عهد

قدیمی را به یاد آوردیم و گفتیم ما می‌خواهیم برویم فدک. آن‌ها هم با روی باز پذیرفتند. ما را بردند به فدک. ولی همه نمی‌دانستند فدک چیست و کجاست. اصلًا من دنبال چه هستم. حتی آقای عَمری که از علمای بزرگ شیعه است و همان جا بزرگ شده و الآن نزدیک ۱۰۰ سال عمر دارد، می‌گفت: اگر شما فدک بروید چیزی نمی‌بینید. آنها هم نتوانسته بودند تا به حال بروند. من گفتم بالأخره ما می‌رویم. قرار گذاشتیم و رفتیم. اولین لحظه‌ای که به منطقه فدک وارد شدیم، یک چیزی مثل هدیه آسمانی دیدیم. تابلویی دیدیم نوشته بود: «الحائط تُرَحِّبُ بِکُم»، زیرش هم کلمه «فدک» را درشت نوشته بود. ما دیدیم که چطور می‌گویند فدک را نمی‌شناسیم. از آن لحظه دیگر بحث من با وزیر همراه و کسانی که با ما در ماشین بودند، درباره فدک عوض شد و درباره فدک خیلی حرف زدیم. شهر حائط را دیدیم. گشت زدیم کنار شهر. حائط شهر قدیمی است که آن فدک است و فدک مانده است. در تصویرها می‌بینید که چگونه شهری بوده. شهری است که از داخل یک رودخانه که دو طرفش به ارتفاع می‌رود، شروع می‌شود و اطراف همین جوری پله پله ساختمان است که ساختمان‌ها نوعاً از سنگ‌های آذری و آتشفشانی است. دیوارها ساخته شده‌اند. از سه تا دیوار عبور کردیم. این‌ها باروهای شهر بودند. برج‌هایی بودند که خراب شده بودند. به نقطه مرکزی رودخانه که رفتیم، دیدیم مسؤولان شهر آنجا منتظر ما هستند. استقبال کردند و ما خواستیم سؤال شروع کنیم که دیدیم آن‌ها آماده جواب هستند. پیرمرد خوش اخلاقی به نام آقای عبدالرحمان جابر، از طایفه آل جابر بود. می‌گفت ما قبلًا، از ۱۵۰ سال پیش، طایفه جابری، حاکم این منطقه بودیم ولی سعودی‌ها که آمدند از ما گرفتند وحال حاکم نیستیم ولی اینجا هستیم. پیرمرد توضیح داد. همان‌جا که ایستاده بود می‌گفت: «هذا وادی فاطمه»، من پرواز کردم! اولین بار نام فاطمه را از زبان این‌ها شنیدیم. بعد یک نخلستانی بود که قسمتی از آن خیلی سر سبز و در جوار رودخانه بود و یک قسمتی هم داشت نخل‌هایش از بین می‌رفت و داشت خشک می‌شد. گفت: «هذا بستان فاطمه» و بعد کنارمان یک ساختمان نسبتاً جالبی بود، گفت: «هذا مسجد فاطمه» و از دور هم چشمه‌هایی را نشان داد و گفت: «هذه عیون فاطمه». واقعا هر چه می‌خواستیم به دست آورده بودیم. شروع کردم سؤالات زیادی از این پیرمرد کردم.

- این مسجد کی ساخته شده بود؟

- گفت: این مسجد در زمان حضرت فاطمه ۳ ساخته شده است.

ص: ۷۰

گفتم: مگر حضرت فاطمه ۳ اینجا بوده است حالا من تاریخ را می‌دانستم اما می‌خواستم ببینم آن‌ها چه می گویند؟

گفت: نه، بعد از جنگ خیبر، مردم فدک رفتند آنجا، با پیغمبر صلح کردند و چون فدک با جنگ فتح شد، در اختیار پیغمبر ۹ بود. غنیمت نبود که به رزمندگان بدهند. پیغمبر ۹ هم به دستور خداوند این را در اختیار حضرت فاطمه ۳ گذاشت و حضرت فاطمه ۳ از سال هفتم تا آخر عمر پیامبر ۹ آنجا را اداره می کردند و از محصولاتش هزینه فقرای مدینه و به‌خصوص بنی هاشم را می‌پرداختند. آخرین چشمه‌ای که در فدک آب داشت یک قدری از خزه‌ها رویش را گرفته بود. دیدیم آب دارد آنجا حرکت می کند. رفتم قدری آب بخورم. نمی گذاشتند. یک مشتی از آب خوردم. طراوتش مرا گرفت. برایم خیلی لذّت بخش بود.

من در سفر قبلی، با آقای امیر مقرم، برادر کوچک ملک عبدالله که در مدینه آن موقع امیر بود، سر میز شام از او پرسیدم و گفتم: چرا آثار تاریخی را در معرض دید عموم نمی گذارید. گفت: ما اخیراً تصمیم گرفته‌ایم آثار تاریخی و فرهنگی اسلامی را احیا کنیم و مسلمان‌ها بیایند ببینند. در مدینه هزار اثر ارزشمند شناسایی شده است. در خود مدینه و اطراف مدینه. در کلّ مملکت عربستان ۵ هزار اثر تاریخی اسلامی شناسنامه دار شده‌اند.

من چند جا در این مدت که به مکه و مدینه سفر کرده‌ام دیده‌ام. یکی از این جاهایی که رفته‌ام همین در راه فرودگاه مدینه روستایی است به نام عُرَیض. بیرون جاده است. آنجا چون علی ابن ابراهیم عریضی آنجا هست و مسجدی به نام او بوده، ما رفتیم آنجا. در تاریخ هم خوانده بودم. چند نفر از ائمه ما در آن روستا زندگی می کردند. امام رضا ۷ را وقتی می‌خواستند به خراسان بیاورند، از این خانه حرکت دادند. نخلستان‌های خیلی زیبایی هم داشت. رفتیم میان نخلستان‌ها، گفتند این نخلستان‌ها همه الآن مال شیعیان است.

از همان زمانی که ائمه بوده‌اند، آنجا مزرعه و نخلستان بوده و هم اکنون مانده است. در آنجا معلمی شیعه بود و باغ خرمایی داشت. ما رفتیم باغ، این معلم شیعه وضع شیعیان منطقه را برای ما شرح داد. این یک‌جا بود. یکی از جاهایی که دیدنی است. مدائن صالح است. من این‌ها را خوانده بودم. مدائن صالح را و آثاری که در کوه‌ها و خانه‌هایی که تراشیده بودند. آن موقع پیغمبر ۹ به مسلمان‌ها می گفت که در قرآن هست و شما دارید می‌بینید خانه‌هایی که در کوه تراشیده‌اند و بعد بلا آمده. یک استانی است به نام العُلی که مدائن صالح بالای العلی است. من خواهش کردم از مقامات عربستان که ما را ببرند آنجا. یک میهمانی عشیره‌ای ترتیب دادند. یکی از کارهای خوب عرب‌ها این است که میهمان‌های صمیمی را می‌برند بیابان و زیر چادر پذیرایی می کنند. با هواپیماهای ۳۳۰ که در زمین خاکی هم می‌نشیند ما را بردند آنجا. رفتیم آنجا واقعاً دیدنی است. کوه‌های بلند متعلق به چندین هزار سال پیش. مردم خانه تراشیده‌اند. خانه راهرو دارد، سالن دارد، اتاق دارد. گاهی من می‌دیدم که ۴۰ متر ارتفاع خانه‌ها است. گفتم با چه ابزاری این بالاها را تراشیده‌اند. قوم عاد و ثمود و صالح که در قرآن همه این‌ها هستند. رفتیم آن خانه‌ها را دیدیم. واقعاً دیدنی و عبرت آموز است.

بعد از من آن نقطه شد یک نقطه توریستی. یکی از جاهایی که باز به خواهش من آن‌ها موافقت کردند ما برویم، یَنْبُع بود. ینبع هم چیزی شبیه همین خیبر و فدک، یک منطقه زراعی بوده. زمان پیغمبر دست یهودی‌ها بوده. فتح شده، تقسیم شده بین رزمندگان آن موقع. الآن و بعد از ۱۴۰۰ سال که من رفتم دیدم جاهایی به نام امام حسن، امام حسین، حضرت علی، چاه حضرت علی بود. منطقه‌ای به نام منطقه شرفا بود. چون طایفه قریش جزو شرفای آن زمان بودند. محله‌ای به نام شرفا بود. حقیقتاً خیلی آثار دیدنی در عربستان هست. ما آنچه در تاریخ می‌خواندیم، دیدیم. بدر را دیدیم. معمولًا زوار را نمی‌برند. منطقه جنگی بدر را دیدیم. مقبره شهدای بدر را دیدیم. خیلی دیدنی است. معجراتی که آنجا اتفاق افتاده. ملائکه‌ای که نازل شده‌اند و آن مرکز فرماندهی پیغمبر ۹ چاهی که برای آب بوده. یکی از جاهای واقعاً دیدنی بود.

آبار علی ۷ را در بیرون مدینه دیدیم. البته آن خادمی که آمد و به ما توضیح می‌داد وقتی ما را شناخت که ایرانی هستیم می‌خواست بگوید متعلق به حضرت علی ۷ نبوده و متعلق به یک علی دیگری بوده.

از مهم‌ترین نقاطی که مورد علاقه ما و همه شماها است، بقیع است. بقیع مملو از شخصیت‌های بزرگ صدر اسلام من‌جمله چند امام شیعه و احتمالًا حضرت زهرا ۳- شاید- آنجا هستند. نمی‌گذاشتند کسی داخل بقیع برود. وهابی‌ها حرام می‌دانند. زن‌ها را اجازه نمی‌دادند بقیع بروند. من یکی از کارهایم این بود که این سد را بشکنم.

وقتی خودم می‌روم با اجازه مقامات عربستان می‌روم و همه زوار به خصوص زن‌ها را هم همراه می‌برم. هر بار رفته‌ام به همه اجازه داده‌اند که زیارت بیایید. مذاکراتی با مقامات عربستان کرده‌ام. استدلال کردم و گفتم: شما نمی‌توانید تابع افکار خشک یک عده مقدس خشک که هیچ ارزشی برای میراث فرهنگی اسلامی قائل نیستند کشورتان را ضعیف کنید. دنیا برای آثار اسلامی منطقه عربستان ارزش قائل است. شما در عربستان بیشتر از همه دنیا میراث ارزشمند دارید. همه دنیا عاشق هستند که بیایند این میراث را ببینند. این‌ها را احیا کنید. بگذارید مردم دنیا مخصوصاً شیعه‌ها بیایند و از نزدیک با میراث اسلامی آشنا شوند. شما اگر بیایید و این کار را بکنید و بقیع را برای آن‌ها آزاد کنید و این آثار را نشان دهید، صدها میلیون شیعه و دوستداران اهل بیت را محب خودتان می‌کنید. شما چرا این سرمایه را استفاده نمی‌کنید چرا مردم دنیا را از دست خودتان عصبانی می‌کنید. این چه سیاستی است؟! مملکت داری این نیست.

ایشان منطق من را پذیرفت. مشکلاتش را گفت. فکر می کنم باب گفتگوی ما ان شاءالله اگر خداوند این توفیق را بدهد یک روزی برسیم به این که همه آثار متروکه در اختیار مسلمانان سراسر جهان قرار بگیرد.

خیلی ممنون حاج آقا. یک دعا برای ما بکنید.

ص: ۷۱

دعـایی که همه بایـد بکنیم و خداونـد خواسـته این طور دعا کنیم وقتی که اعمال مکه را انجام دادیم، خداونـد می فرمایـد: اگر می خواهید دعا کنید بگویید: رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَـنَهً وَ فِی اْلآخِرَهِ حَسَـنَهً وَ قِنا عَذابَ النَّار. هم دنیایمان را خوب کن و هم آخرتمان را خوب کن و هم ما را از آتش جهنم مصون بدار.

یکی از آثـار بـد تفکر وهابی ها و سـلفی ها که آن ها خودشان را توحیـدی می داننـد فکر می کننـد توجه به گذشـته و قبور و آثار قدیم این ها انسان را از خدا دور می کند. اشـتباه می کنند؛ چون خود قرآن از ما مکرر خواسته بگردید در زمین، آثار گذشتگان را ببینید و عبرت بگیرید. این میدان آموزش قرآن است و حتی آثار تاریخی را اسم می‌برد.

من در سـفر قبلی، با آقای امیر مقرم، برادر کوچک ملک عبـدالله که در مدینه آن موقع امیر بود، سـر میز شام از او پرسـیدم و گفتم: چرا آثار تاریخی را در معرض دید عموم نمی‌گذارید. گفت: ما اخیراً تصمیم گرفته‌ایم آثار تاریخی و فرهنگی اسلامی را احیا کنیم و مسـلمان‌ها بیایند ببینند. در مدینه هزار اثر ارزشـمند شناسایی شده است. در خود مدینه و اطراف مدینه. در کلّ مملکت عربستان ۵ هزار اثر تاریخی اسلامی شناسنامه دار شده‌اند.

ص: ۷۲

مقالات

اشاره

از صفا تا فدک

یادی از آن سفر نورانی

زهرای عزیز! ما به فدک رسیدیم

وصف خورشید به «شب پره اعمی» نرسد

فدک در گذر تاریخ

ماجرای فدک

ص: ۷۳

از صفا تا فدک

مسیح مهاجری

) مکه (در روزهـای اول اردیبهشت امسـال (۱۳۸۷) ملـک عبـدالله پادشاه عربسـتان با ارسال پیامی به آیت الله هاشـمی رفسـنجانی از ایشان دعوت کرد در اجلاسـی که قرار است در روزهای دهم تا دوازدهم خرداد ماه تحت عنوان «المؤتمر الاسلامی العالمی للحوار» (اجلاـس بین المللی گفتگوی اسـلامی) در مکه مکرمه برگزار شود شـرکت کننـد. این دعوت ابتـدا به دلیـل ملاحظات سیاسـی آن روزها که مسائل لبنان و عراق و دخالت‌های دولت عربسـتان همراه با کارشـکنی‌هایی مطرح بود و همینطور به این دلیل که ابعاد این اجلاس و اهداف آن روشن نبود، مورد قبول آیت الله هاشمی رفسنجانی قرار نگرفت

پادشاه عربسـتان دعوت را تکرار کرد و با دادن توضـیحاتی درباره ابعاد و اهداف اجلاس اصرار کرد که آقای هاشمی رفسنجانی در این اجلاس شـرکت کنند. این اصرار موجب شد بررسی‌هایی صورت بگیرد و مشورت‌هایی هم به عمل آید تا تصمیم درستی گرفته شود.

بررسـی‌ها نشان داد حضور شخصـیت شناخته شده و تأثیرگذاری چون آیت الله هاشمی رفسنجانی، که در میان علمای شیعه، به دلیل برخورداری از همه جنبه‌های لازم؛ از قبیل علمی، فکری، مبارزاتی، سیاسـی، مدیریتی و بین المللی، چهره‌ای منحصر به فرد و با نفوذ است، می‌توانـد اجلاس را به معنای واقعی کلمه به سوی گفتگوی مـذاهب اسـلامی سوق دهـد، اعتبار و وزن لازم را به آن بدهـد و هـدف مهم انقلاـب اسـلامی، که تلاش برای تحقّق وحـدت اسـلامی و تشـریح دیـدگاه‌های مترقی این انقلاب در جهت تعالی امت اسـلامی است، را در جامع‌ترین اجلاس علما و صاحب‌نظران مسـلمان؛ از همه مذاهب و ملت‌ها که از سراسر جهان در مکه مکرمه و در جوار کعبه گردهم می‌آیند مطرح نماید.

ص: ۷۴

برای دولت عربستان و شخص ملک عبدالله نیز حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی، با ویژگی‌هایی که دارد، اهمیت زیادی داشت؛ زیرا اجلاسی که تحت عنوان «گفتگوی اسلامی» آن‌هم با وصف بین المللی، در جوارِ خانه خدا برگزار می‌شود فقط با حضور و سخنرانی چنین شخصیتی است که می‌تواند جدّی تلقی شود. در این اجلاس علمایی از شیعیان ایران، لبنان، عراق و شرق عربستان نیز شرکت داشتند که حضورشان مفید نیز بود اما آنچه می‌توانست وزن اجلاس‌را تا حدّ مطلوب بالا ببرد، حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی بود. این نقطه نظری بود که خود علمای شیعه شرکت کننده در اجلاس نیز ابراز کردند و اصرار به این حضور داشتند و بعد از سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی در اجلاس نیز بر صحّت نظری که قبل از اجلاس داده بودند تأکید کردند.

با این‌که همه بررسی‌ها و مشورت‌ها نشان می‌دادند حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در اجلاس مکه مفید است، ایشان به دلیل این‌که این اجلاس با مراسم ایام سالگرد رحلت بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی- رضوان الله تعالی علیه- تقارن داشت و خود ایشان قرار بود در شب ۱۵ خرداد در حرم امام سخنرانی کنند، همین نکته را بهانه قرار دادند و دعوت را نپذیرفتند. اما ملک عبدالله زمان اجلاس را ۵ روز به تأخیر انداخت و تاریخ برگزاری آن را از ۱۵ تا ۱۷ خرداد اعلام کرد تا این مشکل نیز برطرف شود.

بدین ترتیب همه بهانه‌ها برطرف شدند و آنچه باقی ماند، یکی احساس وظیفه برای حضور در اجلاسی بود که زمینه بسیار مناسبی برای مطرح ساختن آرمان‌های انقلاب اسلامی دریک عرصه مهم بین المللی با حضور ۸۰۰ عالم و صاحب‌نظر جهان اسلام بود و دیگری اشتیاق زیارت خانه خدا و تربت پاک پیامبر گرامی و ائمه معصوم و حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا: بود که از انگیزه اول جاذبه بیشتری داشت.

آقای هاشمی رفسنجانی با توجه به این‌که مناسک عمره و آماده شدن برای سخنرانی در اجلاس مکه و گفتگوهایی که لازم بود قبل از آن صورت گیرد، نیاز به فرصتی داشتند که با سفر به عربستان بلافاصله بعد از سخنرانی در مراسم سالگرد حضرت امام قابل جمع نبود، سخنرانی شب ۱۵ خرداد را به دیگری سپردند و روز ۱۳ خرداد عازم جده شدند.

این سومین و البته مفیدترین سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان در سال‌های بعد از پایان مسؤولیت ریاست جمهوری بود. درباره آثار این سفر در ادامه همین سلسله مقالات مطالبی خواهم نوشت، لیکن اکنون لازم می‌دانم به نکته مهم‌تری اشاره کنم که این سفرها و فواید آن‌ها و حتی جایگاه ویژه آقای هاشمی رفسنجانی همگی به‌آن نکته مربوط می‌شوند و اگرحقیقتی وجود دارد بایدآن را در آنجا جستجوکرد ویافت. آن‌حقیقت این‌است‌که نهضت امام‌خمینی- که‌به پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران انجامید- کارکردی بسیار فراتر از آنچه در ایران پدید آمده داشته است. این نهضت را نه تنها نمی‌توان در احیای تشیع و مکتب اهل بیت محدود ساخت بلکه باید اعتراف کرد که امام خمینی ۱ حتی کاری فراتر از تجدید حیات اسلام انجام داده است.

کار بزرگ امام خمینی این بود که روح دینی را در جهان امروز که همه چیز در آن شتابان به طرف بی‌دینی و سوزاندن ریشه‌های اعتقاد به خدا و معنویت می‌رفت زنده کرد. همه ادیان الهی با جانی که امام خمینی از طریق نهضت دینی و معنوی خود در کالبد جهان مادی زده قرن حاضر دمید، تجدید حیات کردند. رشد الهیات آزادیبخش در آمریکای لاتین طی ۳۰ سال اخیر، ورود پاپ و کلیسای کاتولیک به عالم سیاست بعد از قرن‌ها انزوای ناشی از رنسانس، جان گرفتنِ کلیسای ارتودوکس در اروپای شرقی، فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و احیای کلیساها و مساجد و کنیسه‌ها در روسیه و جمهوری‌های جوان آسیای میانه و جرأت و جسارتی که علمای یهودی غیرصهیونیست برای ابراز وجود پیدا کرده‌اند و در سال‌های اخیر آزادانه تبرّی خود را از رژیم صهیونیستی و به‌طور کلی صهیونیسم جهانی اعلام می‌نمایند، همه این تحوّلات چشمگیر محصول نهضت امام خمینی ۱ است که به

احیا و تقویت روح دینی در عصر حاضر انجامید. قرن جدید از نظر مادیون؛ اعم از سوسیالیست‌ها و اردوگاه سرمایه‌داری قرار بود قرن حاکمیت سکولاریسم باشد اما اکنون همه صاحبنظران در شرق و غرب عالم اعتراف می‌کنند که نهضت امام خمینی موجب شد قرن جدید به قرن حاکمیت فکر دینی تبدیل شود. این واقعه را ملت‌ها مرهون امام خمینی هستند کما این‌که همه مسؤولان ایرانی و علمای شیعه؛ از جمله آقای هاشمی رفسنجانی که در اجلاس مکه خوش درخشید پرتوی از خورشید وجود امام خمینی هستند.

*** ساعت ۳ بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳ خرداد از فرودگاه تهران عازم جده شدیم. در هواپیما به ترکیب هیأت همراه آیت الله هاشمی رفسنجانی که نگاه کردم، برایم هم عجیب بود و هم جالب. عجیب بود چون بیشتر همراهان با کاری که قرار بود در این سفر انجام شود؛ یعنی شرکت در اجلاس گفتگوی اسلامی تناسبی نداشتند و جالب بود چون اکثرآن‌ها افراد فراموش شده‌ای بودند که کسی یادی ازآن‌ها نمی‌کندوحالی از آن‌ها نمی‌پرسد؛ افرادی که در سال‌های نه چندان دور، دارای مسؤولیت‌های بالا و منشأ خدماتی بوده‌اند و هم اکنون نیز بی سر و صدا درحال خدمت و تلاش هستند.

آیت الله موحّدی کرمانی، نماینده سابق چند دوره مجلس شورای اسلامی و نماینده مجلس خبرگان رهبری، آقای مصطفی میرسلیم وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای علی محمد بشارتی وزیر اسبق کشور، حجت الاسلام علی فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات، حجت الاسلام عبدالمجید معادیخواه وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای محسن رضایی فرمانده اسبق سپاه پاسداران و دبیر فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام، حجت الاسلام محمدرضا عباسی فرد عضو سابق حقوقدانان شورای نگهبان، آقای داود دانش جعفری وزیر سابق اقتصاد، آقای حسین مظفر وزیر اسبق آموزش و پرورش و نماینده مجلس هفتم، آقای حسین مرعشی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، آقای محمود واعظی از مسؤولین مرکز تحقیقات استراتژیک، آقای مولوی علی احمد سلامی عضو مجلس خبرگان رهبری، حجت الاسلام حسن روحانی دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی که شب پنج‌شنبه ۱۶ خرداد به هیأت ملحق شد و تأخیرش به خاطر این بود که در سالگرد رحلت حضرت امام در سمنان سخنرانی داشت.

ص: ۷۵

علاوه بر بعضی افراد، که نامشان برده شد و حضورشان در هیأت با موضوع سفر متناسب بود، افرادی هم در هیأت حضور داشتند که با موضوع سفر تناسب داشتند؛ مثل حجت الاسلام سید ابوالحسن نواب، قائم مقام سابق مجمع اهل البیت و مدیر مؤسسه ادیان حجت الاسلام سید حسین علمی حسینی رابط رییس مجمع تشخیص صلحت نظام با روحانیون.

برای من و سایر همراهان کاملًا قابل درک بود که آقای هاشمی رفسنجانی افراد فراموش شده را با هدف تکریم به سفر عمره دعوت کنـد، این از ویژگی‌های این روحانی با عاطفه است همان چیزی که امروز در جامعه انقلابی و اسلامی ما حکم اکسیر را پیدا کرده است.

البته بعضـی از این افراد خودشان پیشـنهاد کرده بودند در این سـفر حضور داشـته باشـند و آقای هاشمی رفسنجانی هم استقبال کرده بودند. آقای دانش جعفری به دلیل دعوتی که از دوران وزارت برای شـرکت در یک اجلاس اقتصادی در جده داشت و با این سـفر همزمان می‌شـد قصـد داشت بعـد از آن اجلاس به هیأت ملحق شود ولی آقای هاشـمی رفسـنجانی به ایشان گفتنـد از ابتـدا با هیأت همراه باشـند و در اثنـا به اجلاـس خودشان هم برونـد که همین کار را هم کردنـد. آقایان فلاحیان و محسن رضایی هم برای این‌که روی آن دسـته از اروپایی‌هـا- که در مسـند حکومتی‌شان می‌نشـینند و به پلیس بین الملل دسـتور می‌دهنـد فلان مسؤول ایرانی را به اتهـام واهیِ دست داشـتن در واقعه «آمیـا» یـا «میکونوس» در هر نقطه جهان که دیـده شود بازداشت کننـد- کم شود، به همراه آقای هاشـمی عازم سفر خارج از کشور شدند و به ۵ شـهر عربسـتان هم رفتند و علاوه بر انجام مناسک عمره و زیارت مدینه در میهمانی دولتمردان کشور عربسـتان هم شـرکت کردنـد و بعـد از ۱۰ روز مسـافرت خـارجی به تهران برگشـتند. البته بوقهـای تبلیغاتی رژیم صهیونیستی آن روزها سـرو صدای زیادی به راه انداختند و حتی به پلیس بین الملل توصـیه کردند که از موقعیت استفاده کند و این دو نفر را بـازداشت نمایـد ولی مثـل این‌که پلیس بین الملـل که می‌دانست اینجـا تیغش نمی‌برد، اصـلًا به روی خـودش نیـاورد و بی سروصدا از کنار قضیه گذشت.

ساعت ۵: ۶ بعـد از ظهر به وقت تهران و ۵ به وقت عربسـتان وارد جده شدیم. بعد از مراسم اسـتقبال که توسط مقامات عربستان در فرودگاه جـده صورت گرفت، به «قصـر المؤتمرات» یا هتل محل اقامت میهمانان اجلاس‌ها رفتیم و بعد از یک‌ساعت استراحت عازم «جُحفه» شدیم تا برای انجام مناسک عمره مفرده مُحرم شویم.

ورود ما به جحفه با اذان مغرب مقارن شد. نماز مغرب و عشا را با لباس احرام در مسجد جحفه به امامت آیت الله هاشمی رفسنجانی خوانـدیم و عازم مکه مکرمه شـدیم. یک‌ساعت و نیم بعـد به مکه رسـیدیم و در «قصـر الضـیافه» یا هتل محل اقامت میهمانان دولت عربستان مستقر شدیم.

قصر الضیافه ساختمان بلند مرتبه‌ای‌است که جنب کوه صفا قرار دارد و طبقات بالای آن به مسجدالحرام و کعبه مشرف است. علاوه بر اتاق‌هـایی که پنجره‌هایشان به کعبه دیـد نزدیک دارنـد در طبقه پانزدهم این ساختمان نمازخانه‌ای وجود دارد که مسـجدالحرام و کعبه و اطراف مسـجدالحرام کاملاـ زیر نگـاه قرار دارنـد و وقتی از آن بالاـ چشـمت به جمعیتی که درحال طواف کعبه است بیفتـد، حتی اگر خیلی خوددارباشـی تا مـدتی نمی‌توانی نگاهت را از این زیباترین منظره معنوی برداری. در کنار قصرالضـیافه دو ساختمان دیگر بـا همان قـد و قواره و شـکل و شـمایل و رنگ وجود دارد که یکی «قصـرالملکی» یا محل دیـدارهای پادشاه عربسـتان است و دیگری «قصـرالمؤتمرات» یا محل برگزاری اجلاس‌ها است. اجلاس بین المللی گفتگوی اسلامی قرار است روز چهارشنبه ۱۵ خرداد در این ساختمـان برگزار شود و قبـل از آن، دیـدار آیت الله هاشـمی رفسـنجانی و همراهـان بـا ملک عبـدالله پادشاه عربسـتان در آن دیگری انجام خواهد شد. این هر دو ساختمان هم مثل قصرالضیافه بر مسجدالحرام و کعبه مشرف هستند.

این‌ها همه حواشـی قضیه هستند، اصل این است که فعلا ساعت نزدیک ۱۲ شب سه شنبه ۱۴ خرداد است و حوله‌های سفید احرام ما

را به غرق شدن در دریای انسان‌های درحال طواف به دور کعبه دعوت می‌کنند. من و آقای علمی حسینی که سید بزرگواری است، ساعت ۱۲: ۵ به مسجدالحرام می‌رویم و در جمعیت درحال طواف محو می‌شویم. یکساعت و نیم بعد که خود را باز می‌یابم، طواف‌ها و سعی‌ها را انجام داده‌ام و نمازها را خوانده‌ام و مناسک عمره مفرده را به پایان برده‌ام اما نمی‌دانم آیا واقعاً خودم را یافته‌ام یا همانم که یکساعت و نیم قبل بودم! این عمره را که در اولین ساعات صبح روز ۱۴ خرداد انجام شد، به نیابت از امام خمینی و شهید بهشتی و سایر شهدا انجام دادم. خدا قبول کند.

آقای هاشمی رفسنجانی و دیگر همراهان، با این‌که حدود یک ربع دیرتر از ما وارد طواف شده بودند با چالاکی همه مناسک را پشت سرهم انجام دادند و همزمان با ما به پایان اعمال رسیدند.

*** دولت عربستان که مسعی را توسعه داده، برای زائران حلّ مشکل کرده ولی برای خودش دردسر درست کرده است. دراین طرح به اندازه مسعای قدیم، از سمت راست مسیر صفا به طرف مروه ضمیمه مسعی شده تا شروع سعی از این مسیر باشد و زائران از مروه که بر می‌گردند مسیر سابق را به طرف صفا طی کنند. بدین ترتیب وسعت مسعی دو برابر شده و کمک خوبی به زائران صورت گرفته است. اما همین اقدام برای دولت عربستان دردسر هم درست کرده است. مخالفت‌ها و ایرادهای بنی اسراییلی علمای وهابی که تازگی‌ها ترجیح می‌دهند به آن‌ها «سلفی» گفته شود نه وهابی؛ یعنی می‌خواهند بگویند ما پیروان سلف صالح هستیم نه محمد بن عبدالوهاب! همین هم غنیمت است، چون این امید وجود دارد که تبرّی جستن از این آقای محمد بن عبدالوهاب کم کم راه را برای دور شدن این حضرات از افکار خشک او هم هموار کند.

دردسرهای جدید را ملک عبدالله در دیدار با آیت الله هاشمی رفسنجانی در همان قصرالملکی که جنب کوه صفا قرار دارد به عنوان یک درد دل با ایشان در میان گذاشت.

ص: ۷۶

روز سه شنبه، بیشتر به استراحت و یکی دو دیدار که علمای شرکت کننده در اجلاس مکه با آقای هاشمی رفسنجانی داشتند گذشت؛ از جمله قاضی القضات اردن که علاوه بر این عنوان «رییس روضه الهاشمیه» را هم برای خودش یک اعتبار و افتخار می‌داند و پشت سر هم از دربار اردن به عنوان متولّی و متصدی امور اهل‌البیت نام می برد و از طرف ملک عبدالله دوم پادشاه اردن آقای هاشمی رفسنجانی را برای سفر به اردن دعوت می کند. آقای هاشمی رفسنجانی قاضی القضات را به حرف می گیرد و خیلی زود به این نتیجه می‌رسد که نباید خیلی برای حرف‌هایش اعتباری قائل شود و دعوت را هم با تعارفات تشریفاتی از سر می گذراند و جدّی نمی گیرد.

قاضی القضات از جلسه که خارج می شود پیش آقای نوری شاهرودی گله می کند که آقای هاشمی رفسنجانی ما را تحویل نگرفت و به دعوت سفر به اردن هم بی اعتنایی کرد.

مجال این که در آن جلسه به او چیزی بگویم نبود و بعداً هم او را ندیدم ولی تا در مکه بودم این سؤال در ذهنم بود که مرد حسابی! بلا- نسبت با پسوند «هاشمی» که شماها به اردن بسته‌اید مگر می‌شود دربار پادشاهانی که نوکری انگلیس و دلال اسراییل بودن مشخصه اصلی آنهاست را متولی امور اهل البیت جا بزنید! این روزها هم که دولت اردن به دستور آمریکا به منافقین چراغ سبز داده که اگر عراق آن‌ها را اخراج کرد، می‌توانند به اردن بروند. جالب است که سفیر اردن هم همین دو روز پیش نامه‌ای به من نوشت و از این که در سرمقاله شنبه ۱۵ تیر ماه روزنامه «جمهوری اسلامی» به دولت اردن به‌خاطر پذیرفتن منافقین اعتراض شده، گلایه کرد، گویی که آغوش برای یک گروهک تروریستی باز کردن از معیارهای پذیرفته شده عرف بین‌المللی است! این را در جواب نامه سفیر نوشتم و برایش فرستادم.

قبل از قاضی القضات اردن شیخ حسن الصفار از علمای معروف شرق عربستان به دیدار آیت الله هاشمی رفسنجانی آمده بود. او از وضعیت شیعیان عربستان گزارشی داد که جالب بود؛ به طوری که من احساس کردم درباره آنچه اکنون در شرق عربستان جریان دارد باید بیشتر بدانیم و به همین دلیل با آقای شیخ حسن الصفار قراری گذاشتم و بعداً به محل اقامتش رفتم و ساعتی با او صحبت کردم و مطالب جالبی شنیدم که در ادامه گزارش، اجمالی از آن‌ها را خواهم آورد.

شب ۱۵ خرداد آقای هاشمی رفسنجانی عدم حضور خود درحرم امام خمینی ۱ را با حضور در جمع زائران ایرانی، در بعثه رهبری در مکه جبران کردند.

ایشان در این جلسه پرجمعیت که مدیران گروه‌ها و دست اندرکاران حج و زیارت و روحانیون کاروان‌ها هم حضور داشتند، درباره نهضت امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد سخن گفتند و بر این واقعیت تأکید کردند که «خدمتی که امام خمینی به مکتب اهل بیت کرد در تاریخ نظیر ندارد.»

برنامه بعد از این سخنرانی، دیدار با ملک عبدالله پادشاه عربستان بود. در همین دیدار بود که او از علمای وهابی گله کرد و از دردسرهایی که آن‌ها برای دولت عربستان به خاطر توسعه مسعی درست کرده‌اند گفت.

بعد از ایستادن روی پله برقی‌های متعدد و صعود به آسمان، نمی‌دانم پله چندم به محل دیدارهای پادشاه رسیدیم که سالن بزرگی است مشرف بر مسجدالحرام و کعبه. بعد از چاق سلامتی با میزبان که البته جزو تشریفات است و گریزی از آن نیست، همراهان به جای آن که حواسشان به جلسه باشد، محو تماشای کعبه شدند که با نورپردازی قوی مسجد الحرام در آن ساعت شب، منظره چشم نوازی داشت. صحنه به قدری جالب بود که حتی پیرمردهای هیأت هم تلفن‌های همراه خودشان را از جیب‌ها در آوردند و شروع کردند به فیلم و عکس گرفتن. فرصت قهوه عربی خوردن برای کسی باقی نماند و با این که ملک عبدالله همه بزرگان آل سعود از سعودالفیصل گرفته تا مقرن و بندر بن سلطان و نایف و ... را به جلسه آورده بود حواس میهمانان ایرانی را کعبه به خود جلب کرده

بود که از آن بالا بسیار جذاب می‌نمود.

تا میهمانی شام برگزار شود، که در سالن بزرگی جنب سالن دیـدار ترتیب داده شد و سـران آل سـعود یک لقمه می‌خوردند و یک نگاه به تلویزیون العربیه که شبکه ماهواره‌ای خودشان است می‌انداختنـد، ساعت ۱۱: ۵ شـد و ما همراهان به محل اقامت برگشتیم و بعد از تجدید وضو برای طواف به مسجدالحرام رفتیم و آقای هاشمی رفسنجانی با ملک عبدالله ماندند تا با هم گفتگو کنند.

فردا پیش از ظهر در جلسه‌ای که با آقای هاشـمی رفسـنجانی داشتیم، ایشان گفتند گفتگوی دیشب تا ساعت ۲: ۵ بعد از نصف شب ادامه داشت و البته ناتمام مانـد ولی ملک عبدالله گفت حالا که تا این ساعت بیدار مانده‌ایم بهتر است اجلاس را که قرار بود ساعت ۹ صبح برگزار شود به تأخیر بیندازیم و در ساعت یک بعد از ظهر شـروع کنیم. گفتگوهای آقای هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله در لحظات قبل از شروع اجلاس و در روز چهارشنبه هفته بعد (۲۲ خرداد) در جده ادامه یافت.

درباره محتوای این گفتگوها جـداگانه خواهم نوشت لیکن در اینجا فقط این نکته را به مناسـبت توسـعه مسـعی لازم است یادآوری کنم که ملـک عبـدالله در اولین دیـدار، ضـمن ارائه گزارشـی به آقـای هاشـمی رفسـنجانی درباره کارهایی که در این زمینه صورت گرفته گفت: علمـای مـا بـا توسـعه مسـعی مخـالفت کردنـد درحالی‌که کوه‌های صـفا و مروه بسـیار عریض‌تر از آن چیزی است که تاکنون مورد استفاده سعی کنندگان بوده و در قسمت‌هایی از این کوه‌ها مردم خانه ساختند و ما خانه‌ها را از آن‌ها خریدیم و مسعی را توسـعه دادیم. بـا این‌حال علمای ما به ما اعتراض کردنـد و مشـکلاتی به‌وجود آوردنـد ولی ما اعتنا نکردیم و این کار را که برای رفاه حال زائران لازم بود انجام دادیم.

جـالب است که در خود عربسـتان شـیخ محمـد علی عمری، رهبر شـیعیان مـدینه طرح توسـعه مسـعی را تأییـد کرد و آن را منطبق با معیارهای شـرعی دانست و در ایران نیز مراجع تقلید همین نظر را داده‌اند. ملک عبدالله مشکلات دیگری هم با علمای عربستان دارد که در ادامه این یادداشت ها به آن‌ها نیز اشاره خواهم کرد.

ص: ۷۷

*** روز چهارشنبه ۱۵ خرداد به نیابت از شهدای ۱۵ خرداد، که به مصاف رژیم طاغوت رفتند و به خون غلطیدند تا اسلام بماند، طواف کردم و مثل هر روز در مسجدالحرام یک جزء قرآن خواندم و به محل اقامت رفتم تا برای شرکت در جلسه افتتاحیه اجلاس بین المللی گفتگوی اسلامی آماده شوم.

ساعت ۱۲: ۵ به «قصرالصفا» که محل اجلاس است، رفتیم و نماز را در سالن بزرگی که بر کوه صفا مشرف است و کعبه را جلوی روی خود دارد، به جماعت خواندیم و در اجلاس که در سالن دیگر و بزرگ تری در همانجا برگزار می شد شرکت کردیم. آقای هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله چند دقیقه بعد با هم به اجلاس آمدند و در جایگاه هیأت رییسه نشستند. دکتر محمد سید طنطاوی رییس دانشگاه الأزهر مصر شیخ عبدالعزیز آل الشیخ مفتی عربستان و شیخ عبدالله بن محسن الترکی رییس رابطه العالم الاسلامی، سه عضو دیگر بودند که همگی در جایگاه هیأت رییسه مستقر شدند. آقای تسخیری هم که در کشورهای عربی و اسلامی به «شیخ المؤتمرات» معروف است، در ردیف دست اندرکاران لجنه‌های اجلاس نشسته بود و برای سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی که انتظار داشت وزن و جایگاه این اجلاس را بالا ببرد، لحظه شماری می کرد.

درحالی که عنوان «المؤتمرالاسلامی العالمی للحوار» (اجلاس بین المللی گفتگوی اسلامی) در کنار نقشی از کعبه و دو دست که همدیگر را می‌فشرند و برروی نقشه جهان اسلام بر پیشانی میز هیأت رییسه نقش بسته بود و پارچه نوشته‌ای مشکی با نقش باب الکعبه با جملات «لاإله إلّا الله الملک الحقّ المبین- محمد رسول الله صادق الوعد الأمین» به همراه سوره مبارکه ایلاف، پشت سر هیأت رییسه و در مقابل چشمان شرکت کنندگان در اجلاس قرار داشت. جلسه افتتاحیه با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز شد. سپس با سخنان ملک عبدالله که فقط حدود ۵ دقیقه طول کشید و با خواندن مطلبی که دلایل برگزاری این اجلاس را در برداشت صورت گرفت، کار اجلاس رسماً شروع شد. حرف اصلی پادشاه عربستان که ۸۶ سال دارد و به دلیل کهولت، به کندی سخن می گوید و روخوانی او هم کند است و اعراب کلمات را هم رعایت نمی کند، این بود که این اجلاس را ترتیب دادیم تا با جهل و تنگ نظری مقابله کنیم و خط مشترکی توسط علما و متفکّران مسلمان ترسیم شود برای این‌که با پیروان سایر ادیان هم گفتگو کنند. وقتی این جملات را می‌شنیدم، در این‌که ملک عبدالله اعتقاد واقعی خود را بیان می‌کند تردیدی نداشتم چون او کسی است که از دوران جوانی و زمانی که ولیعهد بود، تعامل را بر تقابل ترجیح می‌داد. با این‌حال در این واقعیت نیز تردیدی نداشتم که شرایط منطقه و جهان هم عوامل مهمی هستند که پادشاه عربستان را به تشکیل این اجلاس و مطرح ساختن این مطالب وادار کرده‌اند. او به دلایل زیادی اکنون به ایجاد تعادل در کشور و جا انداختن و نهادینه کردن فرهنگ میانه روی نیازمند است و البته این نیاز را در اقشار روحانی و مذهبی عربستان بیشتر احساس می کند. تندروی های وهابی‌های عربستان مشکلاتی برای دولت پدید آورده که مواجهه با آن‌ها آسان نیست. اقدامات خرابکارانه گروه‌های افراطی و تروریستی منتسب به سلفی‌ها در خارج از عربستان نیز دولتمردان آل سعود را به شدت زیر سؤال برده و در کنار این مسائل دردسرهایی که سیاست‌های غلط و مداخله جویانه بوش و البته همراهی دولت عربستان با او در منطقه برای دولتمردان سعودی پدید آورده، اعتبار عربستان را کاهش داده است. پیروزی قطری‌ها در به دست گرفتن ابتکار عمل در حلّ بحران لبنان که به نوعی ناکامی دولت عربستان محسوب می شود شکست سیاست‌های عربستان در مواجهه با مسأله فلسطین که از پیروزی حزب الله لبنان درجنگ ۳۳ روزه تابستان ۱۳۸۵ و باطل شدن افسانه شکست ناپذیری ارتش رژیم صهیونیستی تاکنون ادامه دارد و مشکلاتی که برای عربستان در عراق در اثر پیروی از سیاست‌های اشغالگران پیش آمد، همگی عوامل مهمی هستند که ملک عبدالله را وادار می‌کنند برای حفظ اعتبار و جایگاه عربستان و آل سعود کاری انجام دهد. برگزاری اجلاس گفتگوی بین‌المللی اسلامی در چنین موقعیتی یک اقدام کاملًا قابل درک است.

اصرار ملک عبدالله به آیت الله هاشمی رفسنجانی برای حضور در این اجلاس نیز به همین واقعیت مربوط می‌شود. حضور چهره

شناخته شده و معتبری از جمهوری اسلامی ایران و جهان تشیع همچون آیت الله هاشمی رفسنجانی که از نظر علمی، فکری، سیاسی و مدیریتی در سطح بین المللی از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار است، طبعا به این اجلاس اعتبار زیادی می‌بخشید و آن را از یکجانبه بودن خارج می‌ساخت و موجب می‌شد ناظران، برگزاریِ اجلاس مکه را یک اقدام جدّی برای گفتگوی پیروان همه مذاهب اسلامی تلقی کنند.

بعد از ملک عبدالله به‌طور طبیعی نوبت شیخ عبدالعزیز آل الشیخ بود که به عنوان مفتی عربستان، رضایت خود و علمای سلفی را نسبت به برگزاری چنین اجلاسی که با گروه خونی سلفی‌ها به‌هیچ‌وجه تناسبی ندارد اعلام کند. جالب است که مفتی عربستان و رییس علمای وهابی؛ یعنی همان کسانی‌که فقط اعتقادات خود را اسلام واقعی می‌دانند و بقیه مسلمانان را گمراه و خارج از دین و حتی عده‌ای از آن‌ها (شیعیان) را مشرک می‌دانند، حالا در حضور ۸۰۰ عالم و صاحب‌نظر از همه مذاهب اسلامی و درکنار کعبه با صراحت اعلام می‌کنند: «حوار (گفتگو با دیگران) یک ضرورت اسلامی است». من وقتی این جمله را از مفتی عربستان در این اجلاس شنیدم، به کسانی که کنارم نشسته بودند گفتم بی‌جهت نیست که گفته‌اند بعضی‌ها زیر بار زور نمی‌روند مگر آن‌که زورش پر زور باشد!

این آقای مفتی چقدر هم با حرارت صحبت می‌کرد. هرکس‌که از پشت صحنه خبر نداشت، اگر صحبت آتشین رییس سلفی‌های عربستان را بدون صدا و از تلویزیون می‌شنید و تکان‌های شدید دست‌هایش را می‌دیدید، فکر می‌کرد شیخ دارد حکم تکفیر همه مسلمان‌های غیر وهابی را صادر می‌کند! پدر سیاست بسوزد که تندروترین رهبران وهابی را هم وقتی حفظ موقعیت ایجاب‌کند، مثل‌موم نرم می‌کند!

در جلسه افتتاحیه، سخنران اصلی آقای هاشمی رفسنجانی بود که طولانی‌تر از همه صحبت کرد و مطالب نیز جدی و کاملًا متفاوت با آنچه معمولًا در اجلاس‌های تشریفاتی گفته می‌شود بود. اما دو عضو دیگر هیأت رییسه؛ یعنی طنطاوی و ترکی هم بعد از آقای هاشمی رفسنجانی صحبت کردند. طنطاوی که رییس الأزهر مصر است، برخلاف انتظار، حرف‌های بسیار سست و نامربوطی زد. او برای تأیید گفتگو گفت قرآن سرتاسر گفتگو است؛ مثل گفتگوهای نوح و ابراهیم و هود با قوم‌های خودشان و گفتگوهای اهل جهنم با اهل بهشت! با شنیدن این حرف

ص: ۷۸

ها همه عقلای اجلاس مات و مبهوت مانده بودند که این آقای دکتر طنطاوی که فرق بین «حوار» و «هوار» را نمی‌داند چطور شده است رییس دانشگاه الأزهر!

برای من البته این صحنه چندان تعجب آور نبود چون در سال ۱۳۷۴ که به مصر رفته بودم و آن زمان همین آقای طنطاوی مفتی مصر و رییس محاکم آن کشور بود، در محلّ کارش ضمن صحبتی که درباره چگونگی صدور فتوا و حدود اختیاراتش با او داشتم، از او درباره چگونگی صدور حکم اعدام متهمین و عفو محکومان به اعدام که سؤال کردم، معلوم شد جناب مفتی فقط یک ماشین امضاست و حکم اصلی را حسنی مبارک صادر می کند تا بتواند بگوید: «أنا أحیی و أمیت»! خوب طبیعی است که چنین شخصی به خاطر این‌همه امتیازکه می‌دهد ارتقاء درجه پیدا کند و به مقام عالی ریاست الأزهر منصوب شود؛ مقامی که عزل و نصبش در اختیار همان آقای حسنی مبارك است!

*** شیخ عبدالله بن محسن الترکی رییس رابطه العالم الاسلامی، آخرین سخنران جلسه افتتاحیه بود. او به تناسب مسؤولیتی که دارد، قاعدتاً باید همه مسلمان‌ها را به هم‌صدا شدن با کسانی که از مکه سخن اسلام را به گوش‌ها می رسانند، دعوت کند؛ زیرا اصولًا مؤسسه «رابطه العالم الاسلامی» حدود ۵۰ سال قبل با هدف فراگیر ساختن افکار سلفی‌ها به عنوان اسلام مورد نظر عربستان تأسیس شد و بودجه کلانی را که همواره در اختیار داشته و دارد نیز در همین راه خرج کرده و می کند ولی یکی از عجایب جلسه افتتاحیه اجلاس بین المللی گفتگوی اسلامی این بود که رییس این مؤسسه هم برخلاف فلسفه وجودی مؤسسه متبوع خود گفت: حوار (گفتگو) جوهر اسلام است.

این سنگین‌ترین جمله‌ای بودکه درمکه تحت سیطره سلفی‌ها آن‌هم از زبان خود سلفی‌ها می‌توانست شنیده شود. البته آقای ترکی در ادامه صحبتش برای آن‌که از تهاجم تندروها در امان بماند، این را هم اضافه کرد که: «حوار زمینه را برای پیشرفت و رهبری جامعه معاصر فراهم می‌کند و ضمناً معنایش به هیچ‌وجه تنازل از اعتقادات نیست بلکه همانطور که قرآن کریم فرموده: لَکُمْ دینُکُمْ وَ لِیَ دین سوره مبارکه «کافرون» که این آیه شریفه، نکته محوری‌آن است در مکه نازل شده و مربوط به زمانی است که پیامبر خدا ۹ در تنگنای محاصره کفار قرار داشتند و اقتضای زمان و مکان ایجاب می کرد از چنین موضعی باکفار برخورد کنند. استناد رییس رابطه العالم الاسلامی به این آیه هر چند ذهن‌ها را متوجه این نکته کرد که او می‌خواهد بگوید این اجلاس که مقدمه گفتگوی ادیان است، به معنای کوتاه آمدن ما در برابر ادیان دیگر نیست ولی اهل فن متوجه این نکته ظریف‌تر هم شدند که آقای ترکی بدون آن‌که تصریح کند، می‌خواهد بگوید حتی در برابر مذاهب اسلامی هم ما کوتاه نخواهیم آمد.

قبل از رییس رابطه العالم الاسلامی و قبل از مفتی عربستان همانطور که قبلًا اشاره کردم، آقای هاشمی رفسنجانی سخنرانی کردند. این سخنرانی طولانی‌ترین صحبت جلسه افتتاحیه و در واقع سخنرانی اصلی بود. ویژگی این سخنرانی این بود که ازچارچوب‌های تشریفاتی فراتر بود وچون حاوی مطالب کاربردی بود، توانست فضای اجلاس را جدی کند. نکات مهم این سخنرانی اینها بودند:

- این‌همه عالم صاحب‌نظر که در این اجلاس جمع شده‌اند نباید در عالم الفاظ باقی‌بمانند بلکه همه باید با دستاورد خوبی از این اجلاس برویم.

- پیامبر اسلام اهل مشورت بودند و ما هم باید مشورت را محور میثاقمان قرار دهیم.

- اگر پیام این اجلاس درست منتقل شود، می‌تواند آثار مثبت زیادی داشته باشد و بسیاری از مشکلات را حل کند.

- این‌اجلاس می‌تواند مقدمه‌ای برای گفتگوی ادیان باشد به‌شرط‌آن‌که مذاهب اسلامی روی خط مشخصی به توافق برسند.

- پیامبر اسلام اهل کتاب را برای تکیه بر مشترکات دعوت کردند قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً. ما مسلمانان هم می‌توانیم اهل کتاب را مخاطب چنین دعوتی قرار دهیم ولی قبل از این اقدام باید مشکلات

خودمان را حل کنیم.

– تعصب از نشانه‌های جهل است و شنیدن حرف درست از نشانه‌های حکمت و عقل است.

– افراط و تفریط انسان را به جهالت می‌رساند ولی اعتدال انسان را در مسیری قرار می دهد که حاضر است به اطراف خود نگاه کند و طبق فرموده قرآن فَبَشِّرْ عِباد الَّذینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَه ... اقتباس نماید.

– من به عنوان یک مسلمان شیعه اسلام شناس، که عمرم را در میدان عمل صرف کرده‌ام، اعلام می‌کنم که مشترکات ما مسلمانان آنقدر زیاد است که فرصتی برای پرداختن به افتراقات باقی نمی‌ماند.

– ما باید بپذیریم که ضعیف عمل می کنیم. آنچه در لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان و سودان می‌گذرد، نتیجه همین عملکرد ضعیف ما مسلمانان است.

– صهیونیسم در اختیار کفر جهانی قرار دارد و ما با سرمایه‌های عظیمی که در جهان اسلام داریم، باید در مقابل آن‌ها بایستیم و به ملت‌های مسلمان که تحت ستم قرار دارند کمک کنیم.

ص: ۷۹

- جهان اسلام اکنون با تهدید جدّی قدرت‌های استکباری مواجه است و علمای اسلام وظیفه سنگینی برعهده دارند و نمی‌توانند در برابر این تهدید بی تفاوت باشند؛ کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ.

منکر را به تخلف از ظواهر شرع محدود نکنید بشریت را آگاه کنید و اجازه ندهید انرژی‌های ما مسلمانان صرف درگیری با یکدیگر شود که این بدترین اسراف است.

- ما باید برای تقویت جهان اسلام دست هماهنگی و دوستی به همدیگر بدهیم ما اگر روی مشترکات تکیه کنیم که بیش از ۹۵٪ احکام اسلام مشترک است و اصول اسلامی‌مان یکی است، می‌توانیم با خطرها مقابله کنیم و سپس اقدام به گفتگو با دیگران کنیم. اگر عیبی در کار ما هست، بپذیریم که اشتباه کرده‌ایم و این اشتباه را برطرف کنیم.

نمی‌گویم‌دیگران نظرشان‌را مطرح نکنند، می‌گویم نزاع نکنید ... وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیحُکُمْ ... آمریکا که عراق را اشغال کرده، درصدد است قرارداد امنیتی دراز مدت با عراقی ها امضا کند و این قرارداد عبودیت کامل عراق در مقابل آمریکا را به همراه خواهد داشت. مجاهدان عراقی نخواهند گذاشت چنین قراردادی امضا شود ولی رسالت جهانی شما علمای اسلام هم ایجاب می کند در مقابل این مسائل بی تفاوت نباشید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز ما ۲۱ کنگره وحدت و ده‌ها همایش برای گفتگو با دیگران تشکیل داده‌ایم و گام‌های مهمی در این زمینه برداشته‌ایم.

خطر بزرگ دنیای اسلام عدم ثبات و امنیت است و چون امنیت مقدمه همه پیشرفت‌هاست ما باید برای مقابله با اشغالگران و قدرت‌هایی که امنیت مسلمانان را به خطر انداخته‌اند احساس مسؤولیت کنیم.

آیت الله هاشمی رفسنجانی سخنان خود را با این جمله به پایان بردند که:

«رسالت اسلام جنگ نیست. هرجا جنگی پیش آمده دیگران بر پیغمبر تحمیل کرده اند. وقتی که آن‌ها مانع حرف حق شدند، درگیری پیش آمده است و الّا منطق اسلام و قرآن نیازی به نزاع ندارد. کسی که پیام خدای قادر مطلق جهان را برای مردم می‌خواند او اهل نزاع نمی‌تواند باشد، اهل صلح و صفاست: وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها ....

شرکت کنندگان در اجلاس استقبال خوبی از سخنرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی کردند و بسیاری از آن‌ها به ما گفتند: از این‌که کسی پیدا شد که توانست این اجلاس‌های تشریفاتی و سرد و بی روح را از چارچوب های فرمایشی خارج کند و حرف‌های اساسی و دردها و درمان‌های واقعی امت اسلامی را مطرح نماید بسیار خوشحالیم. برای ما که این قبیل سخنان را بارها و بارها در نماز جمعه‌ها و اجلاس‌ها در ایران شنیده‌ایم این سخنرانی یک واقعه معمولی بود ولی با توجه به زمان و مکان و حاضران و مخاطبان و مهمتر از همه پخش مستقیم این سخنرانی از شبکه‌های تلویزیونی عربستان و چند شبکه ماهواره‌ای می‌توان به اهمیت بسیار زیاد این سخنان پی برد؛ سخنانی که پیام نهضت امام خمینی را در بر داشت و خود علمای عربستان و میزبانان اجلاس به شنیدن آن بیش از دیگران نیاز داشتند و جالب است بدانید که روزنامه‌های جهان عرب آن را با عکس و تیتر صفحه اول به چاپ رساندند.

در اجلاس مکه که بودیم با خبر شدیم شبکه ۳ سیمای جمهوری اسلامی ایران هم سخنرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی را به‌طور مستقیم پخش می‌کند ولی همه خبرها چه در ایران و چه در عربستان حاکی از عدم پوشش مناسب اخبار سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان؛ اعم از سخنرانی در اجلاس مکه و سخنرانی‌های دیگر و مسائل دیگر ومسائل بقیع و فدک و مذاکرات و کارهای انجام شده بود.

واقعیت این است که صدا و سیما در زمینه پوشش اخبار مربوط به آقای هاشمی رفسنجانی سالها است که زیر سئوال است. این روش که رسانه ملّی حتی سرفه بعضی افراد معمولی را چندین بار پخش کند ولی اخبار کسی که علاوه بر جایگاه ممتاز ریاست

مجلس خبرگـان رهبری، خود از ارکـان نظـام و از پدیدآورنـدگان امکانـاتی از قبیـل رسانه ملی برای نظام است را تا رده‌های اخبار هواشناسـی و حوادث معمولی تنزل دهـد فقط مسؤولان صـدا و سـیما را زیر سؤال می‌برد. در این مقوله سـخن زیاد است و شاید در همین یادداشت‌ها باز هم به آن بپردازیم.

*** این‌همه از قصـرهای آل سـعود نوشتم، شاید ذهن شما را به طرف تصوّراتی برده باشم که از قصرهای شاهان دارید و فکر کنید در سـفر عمره، آن‌هم درکنار خانه خـدا ما چگونه در ناز و نعمت غرق بودیم و لابـد این نکته هم به ذهنتان می‌زند که قصرنشـین‌ها که نمی‌توانند با اخلاص عمره به‌جا بیاورند و در اجلاس بین المللی گفتگوی اسـلامی برای اسلام و امت اسلامی حرف بزنند و کار کنند.

اگر این‌ها که اسـمشان «قصـر الضـیافه» و «قصرالصـفا» و «قصـر المؤتمرات» است واقعا همان قصرهایی باشند که در ادبیات فارسی از کلمه «قصر» می‌فهمیم آن تصور هم تا حدودی می‌تواند درست باشد ولی خوشبختانه هیچ‌کدام از این‌ها قصر به آن معنا نیستند. البته کاخ‌های اختصاصـی شاهان عرب واقعاً قصرند؛ به‌طوری که وقتی ما ایرانی‌ها آن کاخ ها را می بینیم، احساس می‌کنیم در کل جهان فقط این‌ها هستند که شاهی می‌کنند ودر قصر زندگی می‌کنند و رؤسای جمهور کشورهایی مثل ایران در مقایسه با آن‌ها واقعاً ساده زیست هسـتند و این ساختمان ها که دفتر ریاست جمهوری و محل برگزاری جلسات آنها است در برابر آنچه در اختیار شاهان عرب و حتی حاکمانی مثل شیخ‌های

ص: ۸۰

خلیج فارس قرار دارند، اصلا چیزی به حساب نمی‌آیند. اما جاهایی مثل «قصرالضیافه» و «قصر المؤتمرات» که در مکه وجده محل اقامت ما بودند، چیزی در حد هتل‌های درجه ۲ بودند، آن‌هم منهای بعضی امکانات. درهیچ‌کدام از این به‌اصطلاح قصرها، در اتاقهایشان حتی مسواک و خمیردندان و دمپایی هم نگذاشته بودند. عجیب‌تر این‌که تلفن‌های اتاق‌ها قابل استفاده برای تماس‌های بین شهری و خارج از کشور نبودند و ما برای آن‌که با ایران صحبت کنیم ناچار بودیم از تلفن‌های همراه خودمان استفاده‌کنیم و فقط تلفن قسمتی که آقای هاشمی رفسنجانی در آن اقامت داشتند خط آزاد داشت. وضعیت عمومی اتاق ها و ساختمان‌های محل اقامت هم در همین سطح بود و اصولًا چیز فوق‌العاده‌ای که ما احساس کنیم در «قصر» زندگی می‌کنیم در آن‌ها وجود نداشت. وقتی در باره تلفن با مسؤول خدمات محل اقامت صحبت کردم، معلوم شد برای صرفه‌جویی صفرها را بسته‌اند! ولی در باره دم پایی و مسواک و خمیردندان و بقیه خدمات توضیحی نداشتند.

هدفم از نوشتن این نکته ایراد گرفتن به سعودی‌ها نبود، خواستم قدری ریا کرده باشم و اطمینان بدهم که با این میهمانی، دچار خوی کاخ نشینی نشدیم. البته از انصاف نگذریم آن نمازخانه طبقه ۱۵ محل اقامتمان در مکه، به لحاظ نمای زیبایی که به خاطر تسلّط بر مسجدالحرام و کعبه دارد، یک امتیاز بزرگ بود. خوشبختانه اتاق ما هم در همان طبقه ۱۵ بود و بحمدالله توفیق استفاده از این امتیاز معنوی هم دست داد.

شب پنج‌شنبه ۱۶ خرداد، طبق قراری که داشتیم بعد از خواندن نماز مغرب و عشا در مسجدالحرام به اتفاق آقای علمی حسینی به هتل اینتر کنتینانتال، که در همان نزدیکی‌ها بود رفتیم و حدود یکساعت و نیم با آقای شیخ حسن الصفار در باره وضعیت شیعیان عربستان و رفتار حکومت با آن‌ها صحبت کردیم. شیخ از سیاست «انفتاح» که توسط ملک عبدالله در پیش گرفته شده، بسیار راضی بود. او یک جلد صحیفه سجادیه به من داد و گفت این صحیفه را با مجوز دولت عربستان و در خود عربستان چاپ و توزیع کرده‌ایم و الآن که با شما صحبت می‌کنم، رساله توضیح المسائل آیت الله سیستانی هم با مجوزی که از دولت عربستان گرفته‌ایم، زیر چاپ است و به زودی توزیع خواهد شد.

شیخ حسن الصفار بعد از توضیحات مفصّلی که در باره آزادی‌هایی که در دوران ملک عبدالله به شیعیان داده شده و آن‌ها برای انجام مراسم دینی و ساختمان مسجد و حسینیه و انجام سایر امور بر طبق اعتقادات تشیع مشکلی ندارند داد، این را هم گفت که متأسفانه افرادی از حوزه علمیه قم به منطقه قطیف و شرق عربستان می‌آیند و تندروی‌هایی می‌کنند که فضای باز موجود را به خطر می‌اندازند. در مقابل این تندروی‌ها طبعاً افراطیون وهابی نیز بهانه‌هایی به دست می‌آورند و برای شیعیان مشکلاتی درست می‌کنند. شیخ در حالی که بشدت از این وضعیت نگران بود، به من گفت: وقتی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، شما گفتید ما می‌خواهیم انقلاب را صادر کنیم ولی الآن به‌جای آن‌که انقلاب صادر کنید در حال صادر کردن ارتجاع هستید. بعضی افرادکه از اهالی شرق عربستان هستند و در قم تحصیل می‌کنند هر سال چند نوبت به عربستان می‌آیند و از قول بعضی مراجع مطالبی نقل می‌کنند که قطعاً نظر آن مراجع نیست ولی برای تحقق اهداف خودشان هر چه می‌خواهند به بزرگان نسبت می‌دهند و در اینجا جنگ شیعه و سنی به راه می‌اندازند و همه زحمات ما را به باد می‌دهند.

وقتی از شیخ اطلاعات ریزتری در باره این جریان گرفتم، به این نتیجه رسیدم که او هم با همان مشکلی مواجه است که ما در ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. جریانی که با توسل به خواب و خیال و خرافات و اضافه کردن افکار خود به احکام و اعتقادات، هرچه می‌خواهند به اهل البیت: نسبت می‌دهند تا به دکانی که برای جذب عوام باز کرده‌اند رونق ببخشند و شیعیان عربستان نیز که به حوزه و مراجع دسترسی ندارند، همان مطالب را قبول می‌کنند واین‌ها می‌شود زمینه اختلاف و درگیری؛ از یک‌طرف میان خود شیعیان و از طرف دیگر میان این جماعت افراطی با افراطیون وهابی. روشن است که از این آب گِل آلود چه کسانی ماهی مقصود

خودشان را می گیرند ...

در باره شیخ حسن الصفار این نکته را ناگفته نگذارم که او دارای سوابق مبارزاتی با حکومت عربستان برای آزادی شیعیان است و در پرونده خود تحمل زندان و شکنجه و محرومیت‌های زیادی دارد. به همین دلیل او بیش از دیگران قدر فضای باز فعلی عربستان برای شیعیان را می‌داند و دقیقاً درک می کند که تخریب این فضا به نفع چه کسانی است.

نکته دیگر این که اهمیت چاپ صحیفه سجادیه و رساله عملیه و کتاب‌های دیگر وسایر کارهایی که شیعیان در شرایط فعلی عربستان انجام می دهند برای ما که در ایران و در سایه حاکمیت اهل البیت: هستیم قابل درک نیست. فقط کسانی می‌توانند اهمیت این شرایط را بفهمند که از مشکلات و شدایدی که شیعیان عربستان در گذشته با آن مواجه بودند، مطلع باشند و ضمناً این را هم بدانند که همین حالا ـ افراطیون وهابی هر لحظه در صدد پیدا کردن بهانه‌ای برای از بین بردن فضای متعادل موجود هستند و عده‌ای نیز منتظرند ملک عبدالله سرش را زمین بگذارد تا دمار از روزگار شیعیان عربستان در بیاورند. درست در چنین وضعیتی متأسفانه عده‌ای جاهل مرتکب اقدامات تحریک آمیز می‌شوند و بعضی سایت‌های وابسته به آن‌ها هم خبرهای دروغ و راست را با هم ممزوج می کنند وبه خورد مردم ایران می‌دهند تا به تخریب فضای کنونی کمک کنند، لابد قربةً إلی الله!

بعد از گفتگو با شیخ حسن الصفار وقتی به محل اقامت برگشتیم، تلویزیون عربستان در حال پخش مستقیم یک گفتگو در باره ضرورت تعامل و تفاهم میان پیروان مذاهب اسلامی بود که در آن آقای تسخیری و یک عالم سنی شرکت داشتند و لحظاتی بعد آقای شیخ حسن الصفار نیز به آن‌ها ملحق شد. این گفتگوی تلویزیونی مستقیماً از هتل اینترکنتینانتال مکه پخش می‌شد که محل اقامت همین آقایان بود و جالب این است که در تمام مدت برگزاری اجلاس بین المللی گفتگوی اسلامی در مکه، هر شب چنین میزگردهایی به‌طور زنده از تلویزیون عربستان پخش می‌شد که در آن‌ها علمای شیعه و سنی حضور داشتند و نقطه نظرهای خود را بیان می کردند. این علمای شیعه از ایران، عراق، لبنان و خود عربستان بودند که فعالانه در اجلاس مکه شرکت کرده بودند.

پخش مستقیم نقطه نظرات علمای شیعه از تلویزیون عربستان، پدیده‌ای بی‌سابقه است برای کسانی که با فضای آن کشور و عقاید و مواضع علمای سلفی نسبت به شیعیان آشنا هستند، یکی از شگفتی ها به حساب می‌آید. یک نمونه این‌که درست در روزهای قبل از برگزاری اجلاس مکه بیانیه‌ای به امضای ۲۲ نفر از همین علمای سلفی عربستان منتشر شد که در آن دولت‌های شیعه ایران و عراق به مقابله با مسلمانان سنی متهم شده و به حزب الله لبنان بی‌توجهی به مبارزه علیه اسراییل نسبت داده شده بود! خبرگزاری‌های خارجی که این خبر را مخابره کردند،

ص: ۸۱

در باره آن این تحلیل را نیز افزودند که امضا کنندگان این بیانیه که از جناح محافظه کار در نهاد دینی عربستان هستند با این اقدام در صدد بودند اجلاس بین المللی گفتگوی اسلامی را هدف قرار دهند و آن را به شکست بکشانند.

این اقدام بقدری از نظر دولت عربستان منفی بود که ملك عبدالله در اولین دیداری که با آیت الله هاشمی رفسنجانی داشت گفت: امضاکنندگان این بیانیه ما را پیش شما شرمنده کرده‌اند!

با توجه به چنین وضعیتی است که می‌توان اهمیت فضای باز کنونی برای شیعیان عربستان را درك کرد و طبعاً همه باید برای حفظ این فضا و استفاده صحیح از آن تلاش کنیم.

*** پرکاری آقای هاشمی رفسنجانی همه را متعجب کرده است. هر روز چند ملاقات و جلسه و سخنرانی و رفت و آمد و دیدار برای کسی که در سن بالای ۷۰ سال است کار زیادی است. روحانیون کاروان‌های زائران ایرانی که شب ۱۵ خرداد میزبان آقای هاشمی رفسنجانی در محل بعثه رهبری در مکه بودند و ایشان برای آن‌ها و مدیران گروه‌ها وعده‌ای از زائران سخنرانی کرده بود، دبه در آورده‌اند که چون بسیاری از ما روحانیون در آن جلسه نبودیم باید جلسه دیگری داشته باشیم.

جلسه دوم، شب جمعه ۱۷ خرداد در «قصرالضیافه» برگزار شد و آقای هاشمی رفسنجانی خطر نگاه‌های محدود و گرایش‌های قشری را گوشزد کردند و از روحانیون خواستند با مسائل منطقی و با سعه صدر برخورد کنند.

قبل و بعد از جلسه با روحانیون، جلسه مفصلی هم با سه نفر از مسلمانان آمریکا که در اجلاس مکه شرکت کرده بودند، برگزار شد که آقای هاشمی رفسنجانی به سؤالات متعدد آن‌ها درباره اوضاع منطقه جهان اسلام، ایران و برخورد قدرت‌های استکباری با مسلمانان پاسخ دادند و ضمن تشریح شرایط کنونی جهان به آن‌ها توصیه کردند در روابط با ایران بسیار شفاف و آشکار عمل نمایند و چیزی را از دولت آمریکا پنهان نکنند؛ زیرا همه مطالب و عملکردهای ما منطقی است و نیازی به پنهان کاری وجود ندارد. این‌ها دو نفرشان از اعضای مجمع مشورتی مسلمانان آمریکا هستند و یکی از آن‌ها یك سناتور است.

قبل از این جلسات، که شب برگزار شدند، عصر پنج‌شنبه به منا و عرفات رفتیم. در بالا رفتن از جبل الرحمه تقریباً همه کم آوردند ولی آقای هاشمی رفسنجانی یك نفس تا بالای کوه دوام آورد. وزیر همراه وسط های راه پیشنهاد توقف و استراحت داد و بقیه همراهان هم از این پیشنهاد خوششان آمد ولی با لبخند معنی دار آقای هاشمی رفسنجانی مواجه شد. از بنای جمرات هم که دو طبقه آن ساخته شده و بقیه طبقات درحال تکمیل است دیدن کردیم کاری اساسی که جلوی تلفات را می‌گیرد و مشکلات رمی جمرات را حل می‌کند. در جبل الرحمه آقای هاشمی رفسنجانی مقداری تسبیح چوبی خریدند تا به همکارانشان که در مجمع تشخیص مصلحت نظام به دیدنشان می‌روند سوغاتی بدهند. چقدر دست و دل باز است این رییس مجمع! لابد بچه‌های روزنامه جمهوری اسلامی این جمله را بخوانند به من خواهند گفت باز هم گلی به گوشه جمال آقای هاشمی رفسنجانی! تو که حتی تسبیح چوبی هم برای ما سوغاتی نیاورده‌ای!

هرقدر طواف شب جمعه و دعای کمیلی که در مسجدالحرام خواندم برایم لذت بخش بود. خطبه های نماز جمعه به همان اندازه مرا دچار افسوس کرد که این جمعیت زائران که از گوشه و کنار جهان آمده اند و ۸۰۰ نفر عالم و دانشمند شرکت کننده در اجلاس گفتگوی اسلامی و مکانی مثل مسجدالحرام چگونه چنین موقعیتی مفت از دست می‌رود و امام جمعه مرکز ظهور اسلام ظرف ۲۰ دقیقه دو خطبه نماز جمعه را می‌خواند و حتی یك کلمه از مسائل و مصائب جهان اسلام نمی‌گوید! امام جمعه که بر منبری در کنار مقام ابراهیم و پشت به کعبه صعود کرده بود، خطاب به جمعیت در خطبه اول درباره نماز جماعت و جمعه صحبت کرد و گفت: همه بندگان خدا باید برای دوری از جهنم و رفتن به بهشت خدا را بندگی کنند واعمال خود را از شرك و ریا پالایش نمایند و عبادات را درست انجام دهند.

در خطبه دوم هم همـان بحث را دنبال کرد و باز هم گفت که عبادت بایـد درست انجام شود و بـدون آن‌که حتی یک کلمه درباره اجلاس بین المللی اسـلامی که همان روزها در کنار کعبه برگزار بود، بگوید خطبه ها را که از رو می‌خواند به پایان برد و فقط چند دعـا در آخر کرد که خـدایا! مسـلمانان و فلسـطینی‌ها را حمـایت کن. دولتمردان مـا را هـدایت فرمـا و خادم الحرمین و ولیعهـد او و برادرانش را به سلامت بدار.

امـام جمعه بعـد از خطبه هـا به زیر سـایه بانی که همانجا بود رفت و رو به کعبه به نماز ایسـتاد و در رکعت اول بعـد از حمـد، سوره کافرون را و در رکعت دوم، هم سوره توحید را خواند.

هرچند با خوش‌بینی می‌توان گفت انتخاب این سوره‌های کوچک برای رعایت حال نمازگزارانی بود که زیر آفتاب قرار داشتند، اما فوراً این سـئوال هم مطرح می‌شود که چرا به جـای سوره کـافرون، سوره‌هـای ایلاـف یا کوثر و یا فیل را نخوانـد؟ آیا انتخاب سوره کافرون و بی‌تفاوت از کنار اجلاس گفتگوی اسـلامی که قرار است مقدمه‌ای برای گفتگوی ادیان باشد گذشتن هدف خاصی را به همراه نداشت! حالا بهتر می‌شود فهمید ملک عبدالله چرا دنبال ایجاد تعادل و مبارزه با افراط است.

بعد از نماز جمعه مسـجدالحرام که زیر حرارت مستقیم آفتاب ۱۷ خرداد قرار داشت یکباره از جمعیت خالی شـد. خلوتی دور کعبه آدم هـایی مثـل ما را که فقط چهار روز در مکه بودیم به یک طواف جانانه دعوت می‌کرد. من و آقای علمی حسـینی به این دعوت لبیک گفتیم و مشـغول طواف شدیم. ضمناً این طواف وداع ما هم بود چون قرار بود ساعت ۳ بعد از ظهر عازم جده شویم و از آنجا به مدینه برویم.

ص: ۸۲

بعد از نماز طواف به حِجر اسماعیل رفتم و دو رکعت نماز هم آنجا خواندم و ناگهان خود را چسبیده به پرده کعبه در زیر ناودان طلا یافتم و درحال دعا. آیا این نشانه پذیرفته شدن توسط صاحب خانه است.

از دو روز قبل در جلساتی که با آقای هاشمی رفسنجانی داشتیم، این سؤال مطرح بود که روز جمعه طبق برنامه به طائف برویم و شنبه عازم مدینه شویم یا سفر به طائف را حذف کنیم و عصر جمعه به مدینه برویم تا شب شنبه که شب شهادت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا ۳ است در کنار تربت ایشان باشیم. طبیعی بود که برای همه ترجیح با حذف سفر به طائف و درک فضیلت همجواری با تربت حضرت زهرا در شب شهادت باشد. برنامه رفتن به طائف هم البته برای دیدن باغی بود که گفته می‌شود پیامبر اکرم ۹ در جریان سفر تبلیغی به آن منطقه و آزار و اذیتی که دیده بودند به آن نقطه رفته بودند و آنجا اکنون به صورت یک باغ همچنان موجود است. در سفر اول آقای هاشمی رفسنجانی از این باغ دیدن کرده بودند.

در مکه هم آقای هاشمی رفسنجانی خواستار رفتن به داخل کعبه نشدند و در جواب یکی از همراهان که پرسیده بود آیا برنامه‌ای برای رفتن به داخل کعبه دارید؟ گفتند: در سفر اول عمره که به داخل کعبه رفته بودم وقتی از کعبه بیرون می‌آمدم در برابر عده زیادی از مردم که به ما نگاه می‌کردند و آن‌ها هم دلشان می‌خواست مثل ما وارد کعبه شوند احساس خوبی نداشتم و به همین جهت ترجیح می‌دهم این کار را نکنم.

در سفر سال ۱۳۸۴ هم که دومین سفر عمره آقای هاشمی رفسنجانی بود با توجه به همین نکته از رفتن به داخل کعبه صرفنظر کرده بودند.

*** ساعت ۳ بعد از ظهر عازم جده شدیم و مستقیم به فرودگاه رفتیم و با یک هواپیمای سعودی به مدینه منوره پرواز کردیم.

ساعت ۵: ۵ بعد از ظهر به مدینه رسیدیم و در هتل دارالایمان که در شمال مسجدالنبی قرار دارد مستقر شدیم.

خوشبختانه اینجا هم اتاق من به حرم مشرف است و گنبد خضرای رسول خدا چشم نوازی می کند. چه صفایی دارد در خلوت تنهایی از هیاهوی دنیا دور شدن و با حبیب خدا نجوا کردن.

ساعت ۱۱ شب شنبه ۱۸ خرداد که شب شهادت حضرت فاطمه زهرا ۳ (سوم جمادی الثانی) بود برای زیارت به حرم نبوی مشرف شدیم. هرچند حرم را برای آقای هاشمی رفسنجانی خلوت کرده بودند ولی عده‌ای از ایرانی‌ها هم به همراه ما وارد حرم شدند. در قسمت روضه، کنار ضریح مطهر حضرت رسول ۹ نشستیم و ذکر مصیبتی توسط یکی از مداحان اهل بیت شد و بعد از زیارت و نمازهای مستحبی در مکان‌های سفارش شده مثل ستون توبه و محراب حضرت رسول و ... عازم بقیع شدیم.

فقط آقای هاشمی رفسنجانی ضریح حضرت رسول را بوسیدند. هم این بوسه و هم آن ذکر مصیبت حضرت زهرا در کنار تربت پیامبر خدا که شور و حال زیادی در حضار ایجاد کرده بود، مأموران امر به معروف و نهی از منکر را خشمگین کرد؛ به‌طوری که عصبانیت در چهره آن‌ها موج می‌زد. یکی از آن‌ها وقتی دید آقای هاشمی رفسنجانی صورت خود را به ضریح نزدیک می کنند حرکتی کرد تا طبق عادتی که دارد و نمی‌گذارد کسی ضریح را ببوسد، مانع ایشان هم بشود ولی خیلی سریع متوجه موقعیت شد و خود را پس کشید، هرچند نتوانست خشم شدید خود را پنهان کند.

وقتی به طرف بقیع حرکت کردیم جمعیت ایرانی‌ها هر لحظه زیادتر می‌شد. زائران ایرانی در بین الحرمین آقای هاشمی رفسنجانی را در میان گرفتند و با شعارهای: «هاشمی هاشمی خدا نگهدار تو- صلّ علی محمد بوی خمینی آمد- صلّ علی محمد یاور رهبر آمد» ایشان را تا بقیع همراهی کردند. مأموران سعودی در مغتسل را برای ورود به بقیع در نظر گرفته بودند. شاید یک علت این بود که این در کوچک تر است و کنترل جمعیت برای جلوگیری از ورود افرادی که عضو هیأت همراه نیستند آسان‌تر بود. بین مغتسل و قبرستان هم یک در دیگر وجود دارد که آن‌هم کوچک است و کنترل را آسان‌تر می کند.

برخلاف پیش بینی مأموران وقتی به در مغتسل رسیدیم، جمعیت- که حالا دیگر زیادتر هم شده بود- به قدری فشرده و منسجم هجوم آورد که هیچ کاری از مأموران بر نمی‌آمد. مأموران تلاش کردند بلافاصله بعد از ورود آقای هاشمی رفسنجانی و تعدادی از همراهان، در را ببندند ولی مردم که اینجا شعارهایشان عوض شده بود و درحالی که شور و حال غیرقابل توصیفی داشتند با فریاد «یا زهرا» به پیش می‌رفتند به همدیگر گفتند «نگذارید در را ببندند» و سیل جمعیت وارد مغتسل شد و همین موج ایجاد شده، از بسته شدن در دوم هم جلوگیری کرد و زن و مرد وارد بقیع شدند.

بقیع در آن نیمه شب پرسوز و گداز که گریه خانم‌های ایرانی فضای آن را دگرگون کرده بود، بسیار حزن انگیزتر و معنوی‌تر از آنچه همیشه هست شده بود. اصلًا نمی‌شد فهمید این زن‌ها که گریه می‌کنند اشک شوق می‌ریزند که توانسته اند وارد بقیع شوند یا این اشک وجود حزن آلود آن‌هاست که بعد از قرن‌ها محرومیت اکنون آب می‌شود و خاک تفتیده بقیع را نمناک می‌کند. راستش را بخواهید ما هم نمی‌دانستیم تربت فاطمه زهرا ۳ را در حرم نبوی که در ذکر مصیبت شب شهادتش حضور داشتیم زیارت کرده‌ایم یا اکنون در بقیع باید جگر گوشه پیامبر را زیارت کنیم.

شب های دوم و سوم جمعیت همراه آقای هاشمی رفسنجانی چند برابر شد و در غلغله‌ای که برای ورود به بقیع در نیمه شب‌های فاطمیه برپا می‌شد، کسی به کسی نبود و همراهان ایشان معمولًا پشت در می‌ماندند و مردهای زائر هم سعیشان بر این بود که راه را برای زن‌ها باز کنند

ص: ۸۳

تـا آن‌ها که از رفتن به داخل بقیع در مواقع معمولی محروم‌انـد بتواننـد از این فرصت اسـتثنایی اسـتفاده کننـد و به داخل بقیع برونـد. خود آقای هاشـمی رفسـنجانی هم در شب‌های دوم و سوم بیرون ماندند تا خانم‌ها بروند و زیارت کنند، سپس خود ایشان وارد بقیع شدند.

روز سوم اقامت در مدینه، مسؤولان ارشد دولت سـعودی؛ از جمله وزیر کشور، وزیر همراه و مسؤولان امنیتی پیغام دادند که امشب ما برای آقای هاشـمی رفسنجانی احساس خطر می‌کنیم و بهتر است ایشان از رفتن به بقیع خودداری کنند. نکته‌ای که روی آن تکیه می‌کردنـد این بود که احتمالًا تعدادی از تندروهای وهابی به داخل جمعیت نفوذ خواهند کرد و شـعارهایی علیه شـما خواهند داد تا احساسات مردم را تحریک کنند و درگیری ایجاد نمایند و ممکن است جان شما در این میان به خطر بیفتد.

در مذاکرات و مشورت‌هایی که عصـر روز سوم صورت گرفت، نظر اطرافیان این بود که آقای هاشـمی رفسـنجانی توصـیه مسؤولان سعودی را بپذیرنـد ولی ایشـان قبول نکردنـد و گفتنـد امشب بعـد از زیـارت حضـرت رسول من در بین الحرمین می‌مـانم تا مردم به زیـارت بقیع برونـد و بعـد از پایـان زیـارت مردم نوبت زیـارت ما بشود و همین کار را هم کردنـد. شب چهارم‌که آخرین شب بود، جمعیت فوق العاده زیاد بود و همه چیز حکایت از این داشت که نگرانی مسؤولان ارشد سعودی چندان هم بی مورد نبود.

در اینجا شاید توضیح این نکته لازم باشد که آنچه در مدت حضور آقای هاشمی رفسنجانی در مدینه، در مورد بقیع رخ داد، ورود زائران به بقیع به هنگام شب و به‌ویژه ورود خانم‌ها به داخل بقیع بود. این امتیازی است که مخصوص زمان حضور آیت الله هاشـمی رفسنجانی در مدینه است ولی امتیازی که سفر عمره قبلی ایشان برای زائران ایرانی ایجاد کرد و هنوز هم باقی است، این است که به خواست ایشان و دسـتور ملک عبدالله، اولًا نوبت عصـر به باز شدن در بقیع و تشرف زائران به زیارت افزوده شد و ثانیاً به خانم‌ها هم اجازه داده شد به بالای پله‌ها و ایوان بقیع بروند و از پشت نرده‌ها به زیارت مشغول شوند امری که تا سال ۱۳۸۴ صورت نمی‌گرفت و از آن سال تاکنون پابرجاست.

*** از جمله خواسته‌های آیت الله هاشـمی رفسـنجانی از ملک عبدالله در سفرهای عمره، همواره این بود که سختگیری‌هایی را که مسؤولاـن و مـأموران امر به معروف و نهی از منکر نسبت به خانم‌هـا در زیـارت بقیع دارنـد از بین ببرد و کـاری کنـد که آن‌هـا هم فرصتی برای نزدیک شدن به قبور مطهّر معصومین: داشته باشند.

پاسـخ ملک عبـدالله هم همیشه این بود که علمای ما ورود زن‌ها به قبرسـتان را جایز نمی‌دانند و ما از این نظر مشـکل داریم. به‌همین دلیل درسـفرهای گذشـته، مطالبه آقای هاشمی رفسنجانی فقط در این حد بود که ملک عبدالله دستور بدهد خانم‌ها تا بالای پله‌ها و ایوان برونـد؛ جایی‌که به داخل بقیع چشم انـداز دارد و از آنجا می‌توان قبور را دیـد. این همان خواسـته‌ای است که پذیرفته شد و از سال ۱۳۸۴ تاکنون به آن عمل می‌شود. درگذشته نیز گاهی چنین مساعدت‌هایی صورت گرفته بود ولی معمولًا دوام نمی‌یافت.

در سـفر امسـال، آقـای هاشـمی رفسـنجانی مطالبـات خود را افزایش دادنـد و خواسـتار ورود خانم‌هـا به داخـل قبرسـتان بقیع و سایر قبرسـتان‌ها واماکن زیارتی شدند. درباره پاسخ ملک عبدالله به‌این خواسـته، در آخرین بخش این سلسـله مقالات خواهم نوشت ولی اکنون لاـزم است به این نکته اشاره کنم که در ایام حضور آقای هاشـمی رفسـنجانی در مـدینه، در همه سـفرها به این خواسـته عمل شده و خانم‌ها به همراه خودِ ایشان وارد قبرستان بقیع شده‌اند. خواسته‌های دیگر؛ ازقبیل جلوگیری از برخوردهای خشن مأموران امر به معروف و نهی از منکر بـا زائران، در نظر گرفتن فرصت زمـانی بیشـتر برای زیـارت بقیـع، جلـوگیری از تخریب امـاکن تـاریخی- اسـلامی، آزادسـازی زنـدانیان ایرانی و ... نیز از خواسته‌ها بودنـد که چون بیشتر آن‌ها با نظریات علمای وهابی در تضاد هسـتند، به بعضـی از آن‌هـا عمـل شـده و بقیه در کشـاکش وعـده و بررسـی باقی مانده‌انـد. در این سـفر، ملک عبـدالله قول داد دسـتور آزادی زندانی‌های ایرانی را که به دلایلی از قبیل مواد مخدّر دزدی و اعمال خلاف اخلاق دستگیر و محکوم شده بودند، صادر کند.

در باره مسائل بقیع، نکات دیگری هم وجود داشت که طرفین مطرح کردنـد. ملک عبـدالله از تنـدروی‌های بعضـی مدّاحان ایرانی و رفتـار نامناسب بعضـی زائران گله کرد و آقای هاشـمی رفسـنجانی هم از انتشار و توزیع کتاب‌های ضـدّ شـیعه و اظهارات روحانیون وهـابی افغـانی الأصـلی که در بقیع می‌ایسـتند و حرف‌هـای بی‌ربطی می‌زننـد و به اصـطلاح زائران ایرانی را به زبـان فارسـی موعظه می‌کنند که مثلًا زیارت مردگان شرک است، درخت کاشتن در قبرستان حرام است، کسی که مرده است باید او را به حال خود رها کرد و از این قبیل مطالب که گوش کسی هم بدهکار آن‌ها نیست، انتقاد کردند و خواستار جلوگیری از این کارها شدند.

امسـال پدیـده دیگری هم اضـافه شـده که گسترش حضور دسـتفروش‌ها تا بالای پله‌ها و ایوان بقیع و چنـد برابر شـدن آن‌ها در همه مکان‌های زیارتی؛ از قبیل مساجـد سـبعه و ذوقبلتین و احـد است. این وضـعیت را در دیـدار از مساجـد سـبعه بیش از هر جای دیگر احساس کردیم، هرچند ورودی بقیع هم وضع مشابهی دارد.

حجت الاسـلام حسـینی شـریف، نماینـده بعثه رهبر معظم انقلاب در عربسـتان معتقـد بود این یک شـگرد است که عمـداً و با هدف سرگرم کردن زائران به خریـد و بی‌توجه شـدن آن‌هـا نسبت به امـاکن زیارتی به ویژه بقیع به کار گرفته شـده و می‌گفت با این که تـذکرهایی هم داده‌ایم کاری برای مقابله با آن صورت نگرفته است. بعضـی‌ها مقـداری بدبینانه‌تر به این پدیده نگاه می‌کردند و آن را یـک اقـدام برای مراقبـت ونظـارت می‌دانسـتند ولی نظر دیگر ایـن بـودکه این‌هـا افراد فقیری هسـتند کـه برای آن‌کـه کمکی به زندگیشان بشود آن‌ها را به‌اینجا آورده‌اند. درعین حال همه در این نکته اتفاق نظر داشتند که وجود این دستفروش‌ها در این اماکن به ویژه بقیع به‌هیچ‌وجه قابل قبول نیست.

ص: ۸۴

در مساجد سبعه زائران ایرانی آقای هاشمی رفسنجانی را خیلی تحویل گرفتند؛ به‌طوری‌که بساط دستفروش‌ها تعطیل شد و همه چیز تحت الشعاع حضور ایشان قرار گرفت. در میان شعارها و خوش آمدگویی‌ها عده‌ای تلاش می‌کردند خود را به آقای هاشمی رفسنجانی نزدیک کنند و از ایشان قدردانی نمایند؛ از جمله یک زن شیرازی که خود را به قلب جمعیت زد و با جملاتی که بسیار عاطفی بودند از آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان کسی که افتخار ایران است یاد کرد و به اطرافیان گفت: «هاشمی خودمان است، بگذارید با او حرف بزنم» و سپس خود را به آقای هاشمی رفسنجانی رساند و گفت: «آقای هاشمی! خدا تو را برای ما نگهدارد، تو ما را زنده کرده‌ای».

مکان تاریخی مساجد سبعه که یادگار جنگ خندق است، متأسفانه از جمله آثار تاریخ اسلام است که درحال نابودی است. مسجد حضرت فاطمه که یکی از مساجد هفتگانه به یادگار مانده از ایام جنگ خندق است، سالها است که بسته است و زائران در کنار آن و در حاشیه خیابان نماز تحیت می‌خوانند. مسجد حضرت علی هم هرچند هنوز موجود است ولی به نظر می‌رسد در جریان اجرای طرحی که براساس آن یک مسجد بزرگ در همان منطقه ساخته شده و آماده بهره برداری است قرار است به همراه سایر مساجد تخریب و این بخش از تاریخ پرافتخار دوران صدر اسلام نیز محو شود.

*** علاوه بر زیارت شهدای احد و رفتن به مساجد سبعه، دیدار از طرح توسعه اطراف حرم نبوی هم از برنامه‌های پیش از ظهر یک‌شنبه ۱۹ خرداد بود. قسمت بین بقیع و شرق مسجدالنبی که از اوایل دهه هشتاد خالی شده بود، اکنون به سرعت درحال ساخت و ساز است. در اینجا هم قرار است هتل‌های بزرگی ساخته شود تا ظرفیت پذیرش زائران در مدینه بالا برود؛ همان کاری‌که در مکه درحال انجام است و روزهایی‌که در مکه بودیم عملیات تسطیح زمین‌های آن رو به پایان بود.

پشت کوه مروه که از بازار ابوسفیان شروع می‌شود و تا مسافت‌زیادی ادامه پیدا می‌کند، هرچه هتل و خانه و آثار تاریخی وجود داشت همه را خراب کرده‌اند و قرار است طرح تفصیلی هتل و پارکینگ و خیابان و آب نما بسازند. ظاهر حرف طراحان که می‌گویند برای بالا ـ بردن ظرفیت پذیرش زائران این کار باید انجام شود، مقبول است اما معلوم نیست تکلیف بافت قدیمی و آثار تاریخی‌که در همین زمین قرار داشتند و تاریخ اسلام را شکل می‌دادند چه می‌شود. آیا نمی‌شد این طرح را کمی آن‌طرف‌تر اجرا کنند تا این آثار مهم لطمه نبیند؟

در فاصله میان هتل تا طرح توسعه مدینه که پیاده می‌رفتیم، آقای هاشمی رفسنجانی درباره وضعیت بقیع اظهار ناراحتی می‌کردند که چرا باید هنوز ائمه: این‌همه غریب باشند؟! ایشان امروز هم مثل دیشب با قاطعیت اظهار امیدواری می‌کرد که روزی ائمه ما از غربت خارج خواهند شد و لحن کلام طوری بود که گویا چنین روزی نزدیک است. این را می‌گفت و گریه می‌کرد ...

دیشب آیت الله هاشمی رفسنجانی در جمع روحانیون کاروان‌های ایرانی در محل بعثه رهبری سخنرانی پرسوز و گدازی داشتند. ایشان با یادآوری رفتار نادرستی که با اهل بیت پیامبر بعد از رحلت آن‌حضرت شد و با نقل گفتگوی جانسوز حضرت علی ۷ با پیامبر خدا، به هنگام دفن کردن بدن مطهّر حضرت زهرا که عرض کرد «فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَال»؛ «او را سؤال‌پیچ کنید و آنچه رخ داده است را از او بپرسید شاید آنچه را به من نگفته به شما بگوید» و با یادآوری صبرها و تحمل‌های طاقت فرسا و تاریخ‌ساز حضرت زهرا و زحماتی که برای حفظ اسلام و قرآن کشیده شده نتیجه‌گیری کردند که همه باید برای ائتلاف مسلمانان کار کنند و اجازه ندهند افراطیون با کارهای نامعقول خود تلاش‌هایی را که برای حل مشکلات شیعیان صورت می‌گیرد خنثی کنند. در همین سخنرانی ایشان برای احیای بقیع اظهار امیدواری کردند وگفتند: «به امید روزی بمانیم که ان‌شاالله قبر مقدس زهرا را بشناسیم و بدانیم کجا با ایشان درد دل کنیم»

کسانی‌که آقای هاشمی رفسنجانی را می شناسند می‌دانند که ایشان وقتی چنین مطالبی را به زبان بیاورند، قبل از همه خودشان گریه

می کننـد و جلسه به یـک محفـل تمام عیار عزاداری تبـدیل می‌شود. اگر به این واقعیت این نکته را هم اضافه کنیـد که این جلسه در مدینه و در نزدیکی بقیع برگزار شده بود، می توانید حدس بزنید چه شور و حالی بر این محفل معنوی حاکم بود ...

پیش از ظهر یک‌شـنبه چند نفر از همراهان به منطقه خیبر رفتند تا قلعه معروف و تاریخی خیبر را ببینند. آقای هاشـمی رفسـنجانی در سفر اولشـان (سال ۷۶) از خیبر دیـدار کرده بودنـد و این‌بار دیـدار از فـدک را در برنامه داشـتند ولی آقایان حسـین مظفر، مصـطفی میرسـلیم، علی آقـا محمـدی، داود دانش جعفری و حجت الاسـلام معـادیخواه علاقمنـد بودنـد به خیبر هم برونـد و همین کار را هم کردند.

روایت آقایان مظفر و آقا محمدی، که ایشان هم از اعضای هیأت بود از سفر به خیبر چنین است:

دیدن قلعه خیبر که فتح آن خاطراتی حماسی و فتح الفتوحی بزرگ را در اذهان شیعیان شیفته علی ۷ مصوّر می‌سازد، از آرزوهای بزرگ ما بود کما این‌که آرزوی همه زائران مشتاق است. صبح روز سوم استقرار در مدینه (یک‌شنبه ۱ ۳ ۸۷) به سوی خیبر حرکت کردیم و ۱۸۰ کیلومتر به طرف شـمال مدینه پیش رفتیم و بعد از دو ساعت به منطقه خیبر رسیدیم. ابتدا وارد روستایی متروکه شدیم که خانه‌هـایی بـا دیوارهـای گِلی و اتاق‌های تو در تو و قـدیمی داشـتند. از نخلسـتانی قـدیمی و بی رمق با برگ‌های آغشـته به گرد وغبار، که بعضـی از آن‌ها زرد بودند، عبور کردیم و در انتهای باغسـتان به تپه‌ای بزرگ رسـیدیم که با سـیم‌هایی محصور شده بود. قلعه معروف خیبر در بالای همین تپه قرار داشت؛ قلعه‌ای با سنگ‌های بسیار سخت و خشن. تصوّر رفتن به بالای قلعه در وضع عادی بسـیار مشکل و شاید ناممکن بود. هیبت این دژ نفوذناپذیرکه اعاظم صدر اسلام از تسخیر آن عاجز شده بودند کاملًا مشهود بود اما تسـخیر آن توسـط مولاـی خیبرشـکن علی‌رغـم همـه تجهیزات و سـربازان آمـاده و تـا دنـدان مسلّح و تسـلط آن‌هـا بر اطراف قلعـه، اعجـاب‌انگیز و چیزی شبیه معجزه بود و نشـان داد که در برابر ایمـان مولاـی متقیـان حتی قلعه خیبر نیز از مصـادیق بـارز وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوت است.

ص: ۸۵

فاتحان خیبر که سحرخیز هم بودند تا نماز، خودشان را به مدینه رساندند و بعد از نماز همگی به میهمانی امیر مدینه رفتیم.

عبدالعزیز بن ماجد بن عبدالعزیز همانطور که از اسمش پیداست نوه ملک عبدالعزیز است. او که در باغ بزرگی در شمال مدینه و در منطقه‌ای پوشیده از نخلستان‌های سرسبز بر استان مدینه امارت دارد، همه سران کشوری و لشکری مدینه را به این میهمانی دعوت کرده بود. قاضی القضات منطقه سر میز غذا سمت چپ آقای هاشمی رفسنجانی نشسته بود و با اشتیاق به سؤالات ایشان درباره وضعیت قضایی و سایر مسائل پاسخ می‌داد.

شب دوشنبه برای دیدار شیعیان مدینه به حسینیه آن‌ها در منطقه العوالی رفتیم. از قدیم معروف بود که شیعیان مدینه وضع مالی خوبی ندارند اما حالا اینطور نیست. این واقعیت را از تجدید بنای حسینیه و شامی که آن‌ها به ما دادند و از ناهار امیر مدینه دست کمی نداشت به خوبی می‌شد فهمید. اشتغال شیعیان مدینه به مشاغل مناسب و مساعدت‌هایی که به‌آن‌ها شده، در سال‌های اخیر وضع آن‌ها را متحوّل کرده است. آقای عمری رهبر شیعیان مدینه که بالای ۹۰ سال سن دارد و تقریباً از کار افتاده است، آقای هاشمی را در آغوش گرفت و از این دیدار اظهار خرسندی زیادی کرد. او که با صبر و مقاومت و تحمّل شدائد و زندان‌های متعدّد توانست هویت شیعیان مدینه را حفظ کند، اکنون از فضای بازی که برای شیعیان در عربستان فراهم شده راضی است و آقای هاشمی رفسنجانی هم طی سخنانی که در جمع شیعیان در همین دیدار داشت صبر و متانت و مقاومت آقای عمری را عامل مهمی برای رسیدن به وضعیت مناسب دانستند. (متن کامل در صفحه ۱۱۳ (

*** دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۷ «روز فدک» بود. تا آن روز تصویر روشنی از این‌که فدک کجاست و چه خصوصیاتی دارد، در ذهن ما وجود نداشت. این را می‌دانستیم که بعد از فتح‌خیبر در سال هفتم هجری و شکسته شدن ستون فقرات یهود، اهالی فدک به این نتیجه رسیدند که بدون درگیری تسلیم شوند و همراه با این اقدام فدک را نیز به پیامبر خدا ۹ هبه کردند و ایشان هم به فرمان خدا وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّه) اسراء: ۲۶) آن را به حضرت فاطمه زهرا بخشیدند که درآمد آن خرج ضعفای بنی‌هاشم می‌شد و بعد از رحلت حضرت رسول غصب شد و توسط خلفای بنی امیه و بنی عباس هم دست به دست گشت وگاهی به اولاد حضرت فاطمه برگردانده شد و باز هم پس‌گرفته شد اما این‌که در حدود هزار سال اخیر با چه سرنوشتی مواجه شد مشخص نبود.

آیت الله هاشمی رفسنجانی درسفرهایی‌که به عربستان داشتند، معمولًا علاوه بر زیارت و دیدارها و گفتگوها از یک یا چند منطقه تاریخی که نقشی در شکل‌گیری حوادث صدر اسلام داشتند یا ارتباطی با هویت اسلامی کشور عربستان و یا با تاریخ اقوامی که سرگذشت آن‌ها در قرآن آمده، دارند دیدار به‌عمل آورده‌اند.

در سفر اول (۱۳۷۶) طائف و منطقه‌ای که منسوب به قوم ثمود است، مورد دیدار ایشان قرار گرفت و به شرق عربستان که محل زندگی اکثر شیعیان این کشور می‌باشد نیز رفتند و با شیعیان دیدار کردند.

درسفر دوم (۱۳۸۴) به آبارعلی، ینبع و بدر رفتند و دراین سفرکه سفر سوم بود فدک در برنامه بود.

شب دوشنبه که میهمان آقای عمری و شیعیان مدینه بودیم، وقتی آقای عمری متوجه شد که قرار است آقای هاشمی رفسنجانی و همراهان فردا به فدک بروند گفت در آنجا چیزی وجود ندارد که شما ببینید. این سخن قدری موجب تردید شد؛ به‌طوری‌که آقای هاشمی رفسنجانی بعد از این میهمانی و هنگامی که در نیمه شب عازم زیارت حرم حضرت رسول بودیم موضوع را با همراهان در میان گذاشتند و نظرخواهی‌کردند که: سفر به فدک که قرار است فردا باشد انجام شود یا نه، نظرها عموماً مثبت بود وسرانجام تصمیم این شد که این سفر انجام شود.

ساعت ۷: ۵ صبح دوشنبه ۲۰ خرداد عازم فدک شدیم. از آزاد راه «قصیم» که مدینه را به ریاض وصل می‌کند، حدود یکصد کیلومتر به طرف شرق رفتیم و از آنجا به جاده‌ای وارد شدیم که در جهت شمال به استان «حائل» می‌رود. تقریباً همین مقدار هم در

جاده «حائل» به طرف شمال رفتیم و بعد وارد جاده‌ای شدیم که به طرف غرب؛ یعنی به طرف مدینه می‌رفت. در مجموع بعد از طی مسافتی حدود ۲۶۰ کیلومتر در ساعت ۱۰: ۵ به شهری رسیدیم که برپیشانی دروازه ورودی آن نوشته بود: «الحائط تُرحِّبُ بِکُم»؛ شهر حائط به شما خوش آمد می گوید؛ زیر این جمله هم، کلمه «فدک» نقش بسته بود؛ یعنی این شهر که اکنون حائط نام دارد، نام اصلی آن «فدک» است؛ منطقه‌ای بین استان حائل و استان مدینه.

این شهر دو قسمت دارد؛ قسمت شرقی، که جدید ساخت است وشامل ادارات و خانه‌های مسکونی نوساز می‌باشد و قسمت غربی که نخلستان‌ها، خانه‌های قدیمی، چشمه‌ها و آثار تاریخی در آن به چشم می‌خورد. فدک همین قسمت قدیمی است.

راهنماها آقای هاشمی و هیأت همراه را مستقیماً به همین قسمت غربی بردند.

در لحظه ورود، یک پیرمرد که می گفت تا دو سال قبل رییس امر به معروف و نهی از منکر همین شهر بوده که بازنشست شده ولی باز هم به دعوت مسؤولان شهر با آن‌ها همکاری می کند، جلو آمد و ضمن خوش آمدگویی مشغول توضیح دادن شد. او گفت: این منطقه «وادی فاطمه» نام دارد به این نخلستان‌ها می گوییم «بساتین فاطمه» اینجا مسجدی هست که نامش «مسجد فاطمه» است و چشمه‌هایی در این نخلستان‌ها وجود دارند که اهالی به آن‌ها می گویند «عیون فاطمه».

ص: ۸۶

این جملات همه ما را به وجد آورد و چهره آقای هاشمی رفسنجانی کاملًا نشان می‌داد که با دیدن این صحنه و شنیدن این مطالب تکان خورده و شگفت زده شده است. با این‌که قرار بود فقط نیم‌ساعتی در فدک بمانیم و به مدینه برگردیم آقای هاشمی رفسنجانی به فرماندار که جز مستقبلین بود گفتند بگویید ناهار تهیه کنند ما تا ظهر در اینجا می‌مانیم و از پیرمرد راهنما خواستند هیأت را برای دیدن مسجد و چشمه‌ها و قسمت‌هایی از نخلستان‌ها راهنمایی کند.

مسجد چون در قسمت قدیمی قرار داشت تقریباً متروکه بود اکثر چشمه‌ها به دلیل خشک‌سالی و همچنین حفر چاه‌های نیمه عمیق توسط اهالی خشک شده بودند غیر از دو چشمه، که یکی از آن‌ها با آب قابل توجهی جاری بود و دیگری مرطوب بود ولی به دلیل عدم رسیدگی و لایروبی نشدن جاری نبود. نخل‌ها هم بیشترشان سرپا بودند و تعدادی هم خشک شده بودند. آقای هاشمی رفسنجانی وقتی به کنار چشمه جاری رسیدند، با اشتیاق زایدالوصفی با کف دست یک جرعه از آن نوشیدند و به توصیه راهنمای اهل محل و بعضی همراهان که می‌گفتند چون این آب بهداشتی نیست از آن نخورید، اعتنایی نکردند و گفتند این کمال بی سعادتی است که تا اینجا بیاییم و از آب چشمه فدک نخوریم.

کار بسیار ابتکاری و جالبی که آقای هاشمی رفسنجانی در فدک انجام دادند این بود که در کنار همین چشمه، روی تپه کوچکی ایستادند و درحالی‌که دوربین های تلویزیونی مشغول فیلم برداری بودند، از پیرمرد راهنما که «عبدالرحمان آل‌جابر» نام داشت درباره نام منطقه، نام نخلستان‌ها، نام چشمه‌ها، نام مسجد و سایر خصوصیات پرسیدند و عبدالرحمان هم به همه سؤال‌ها جواب داد؛ جواب‌هایی که در همه آن‌ها نام فدک موج می‌زد و در جواب این سؤال که اینجا مال چه کسی بود هم گفت: فدک ملک شخصی پیغمبر بود که آن را به دختر خود فاطمه بخشید. او در صحبت‌هایش این‌را هم گفت که اینجا تا یکصد سال قبل تحت حکومت خاندان آل جابر بود، که من‌هم از همین خاندان هستم، ولی از آن زمان به دست آل سعود افتاده. او وقتی به این جمله رسید، نگاهی به مأموران و مسؤولان حاضر در صحنه انداخت و این جمله را هم اضافه کرد که: البته آل سعود بحمدالله رفتار خوبی با ما دارند ...

پشت بام مسجد فاطمه چشم‌انداز خوبی به نخلستان‌های فدک داشت. همانجابه حاج خسرو ورکانی عکاس روزنامه گفتم از این بلندی عکس‌هایی از صحنه‌های دوردست بگیرد و او هم که از دیدن فدک هیجان زده شده بود تا توانست عکس گرفت. همان بالا که بودیم، یکی از مسؤولان فرهنگی شهر آمد و ضمن معرفی خود برای جواب دادن به سئوال‌ها اعلام آمادگی کرد. از او پرسیدم چرا نام این شهر حائط است. گفت: تا حدود یکصد سال قبل برای محافظت در برابر دزدان و اشرار اطراف این منطقه به وسعت ۶ کیلومتر در ۶ کیلومتر دیوار کشیده شده بود که هنوز قسمتی از دیوارها موجود است. به همین دلیل نام «حائط» که به معنای دیوار است روی این شهر مانده است. او درباره نام اصلی گفت: مردم این منطقه اینجا را به نام فدک می‌شناسند و این نام همچنان بر سر زبانهاست.

بعد از صرف ناهار- که حاضری بود- و خواندن نماز ظهر و عصر در بلدیه، در قسمت شهر جدید، ساعت یک بعد از ظهر عازم مدینه شدیم. درحالی که همه احساس می‌کردیم بعد از قرن‌های متمادی، یکبار دیگر «فدک» به‌دست آمده است. همینقدرکه فدک را بعد از این‌همه مدت پیداکرده‌ایم به این معناست که آن را به دست آورده‌ایم و این واقعه مقدمه‌ای است برای احیای فدک.

درباره موقعیت مکانی فدک، با توجه به مسیری که ما پیمودیم و با توجه به فاصله ۱۸۰ کیلومتری که خیبر تا مدینه دارد می‌توان به این نتیجه رسیدکه آنچه در تاریخ درباره تسلیم شدن اهالی فدک بعد از فتح خیبر آمده و نشان دهنده نزدیکی مکانی فدک با خیبر می‌باشد درست است؛ زیرا مسیر نیم دایره‌ای که ما برای رفتن به فدک پیمودیم موقعیت مکانی آن را در شرق خیبر ترسیم می‌کند؛

جایی که به طور طبیعی و میان بر، باید حدود ۸۰ کیلومتری شرق خیبر باشد.

نکته جالب توجه این است که اهالی عربستان، حتی نسل کنونیِ منطقه می‌دانند جایی به نام فدك وجود دارد، هرچند درباره شناسنامه فدك و تاریخ آن اطلاع چندانی ندارند. این نکته هنگامی برای ما جالب‌تر شد که وزیر همراه آقای هاشمی رفسنجانی و سایر همراهان سعودیِ ایشان، بعد از بازگشت به مدینه از ایشان به خاطر این‌که سبب آشنایی آن‌ها با مسائل مربوط به فدك و تعلّق آن به دختر پیامبر ۹ شدند، تشکر کردند.

*** روز سه شنبه، ۲۱ خرداد، بعد از وداع با پیامبر و معصومین بقیع: از مدینه عازم شهر «ابها» واقع در استان «عسیر» که هم‌مرز یمن است، شدیم. در فرودگاه، امیر مدینه آقای هاشمی رفسنجانی را بدرقه کرد.

عربستان از طریق سه استان عسیر، نجران و شرقیه با کشور یمن هم‌مرز است. در میان این سه استان، عسیر علاوه بر مجاورت با یمن، درساحل دریای سرخ هم قرار دارد و یمن نیز از طریق استان صنعا، که در مجاورت استان عسیر قرار دارد، به دریای سرخ متصل است.

شهر «ابها» که مرکز استان عسیر است، علاوه بر این‌که خود از هوای معتدلی برخوردار است، ییلاق خوش آب و هوا و خوش منظره‌ای هم دارد. استان «عسیر» به دلیل همین ویژگی‌ها و همینطور آثار تاریخی و هنرهای دستی و سنتی، یکی از جاذبه‌های سیاحتی عربستان است.

از فرودگاه شهر ابها، به شهر «خمیس مشیط» در نزدیکی همان شهر رفتیم و در دهکده «بن حمسان» که درحومه «خمیس مشیط» قرار دارد، از موزه میراث فرهنگی استان عسیر دیدن کردیم. رییس مرکز میراث فرهنگی توضیح داد که درسال ۸ هجری هیأتی از عسیر به مدینه رفت و ایمان آوردن مردم این منطقه به اسلام را به عرض پیامبر خدا رساند. آن‌حضرت نیز «عبدالله صرد» را به عنوان نماینده خود و امیر این منطقه تعیین فرمودند.

ص: ۸۷

مهم‌تر از دیـدن آثار تاریخی و میراث فرهنگی و سـنتی، مراسم اسـتقبالی بود که در دو- سه مرحله در همان محل موزه برگزار شـد. مردان عسیری با لباس‌های محلی در حالی که شمشیر در دست داشـتند و لبخند بر لب به بالا می‌پریدند و شعرهایی می‌خواندند که مضـمون خوش آمـد داشت. میزبانان به میهمانان خود گُل هـدیه دادنـد و غـذاهای محلی آوردند ولی کسـی نخورد، چون قرار بود ناهار میهمان امیر منطقه باشیم.

برای نماز ظهر و عصـر به هتل ابها رفتیم که بالای تپه‌ای قرار دارد و بعد از نماز به میهمانی امیر رفتیم که او هم یکی از شاهزاده‌های آل سـعود است و از میهمان‌های خود در میهمانسـرایی که بر روی تپه بلنـدی قرار دارد، پـذیرایی می‌کند. این میهمانسـرا چشم انداز بسـیار زیبایی دارد و شـهر ابها را با تمام ویژگی‌هایش از چهار طرف به نمایش می‌گذارد؛ شـهری بزرگ با خیابان های پردرخت و پستی و بلندی‌های موزون که با مزارع آباد احاطه شده است.

بعد از ناهار، به منطقه سـیاحتی سوده رفتیم که در ۲۰ کیلومتری ارتفاعـات حومه ابها قرار دارد و به امکانات تفریحی از قبیل ویلا و تله‌کابین مجهّز است و توسط کوه‌های مرتفع با درختان متوسط محاصـره شده است. فرصتی برای ماندن نداشتیم. بعد از شنیدن چند دقیقه توضـیحات عـازم فرودگـاه ابهـا شـدیم و به طرف جـده پرواز کردیم. البته بـاران تنـدی که در همـان لحظـات باریـدن گرفت برگشت را تسریع کرد.

اگر دیـدار آقای هاشـمی رفسـنجانی با ملک عبـدالله نبود که خودِ پادشاه عربسـتان خواسـتارآن شـده بود و قرار بود شب چهارشـنبه درجدّه برگزار شود می‌توانستیم همـان شب به تهران برگردیم ولی ناچـار شب را در جـدّه مانـدیم. بعـد از نمـاز مغرب و عشا آقای هاشـمی رفسـنجانی عازم دیدار شدند و من و آقایان علمی حسـینی و فلاحیان بعد از دیدار از یک مسـجد زیبا در جده که لب دریا ساخته شده، به محلّ اقامت برگشتیم و برای استراحت هر کدام به اتاق خود رفتیم.

فرصتی دست داد تـا قـدری تلویزیون هتـل را ورق بزنم. این تلویزیون سـعودی هم عجب معجونی است! از مکه تـا مـدینه و تا جـده هرجـا فرصـتی پیـدا کردم و آن را روشن کردم و ورق زدم، دیـدم از منتهـا الیه تحجّر دارد تـا منتهـا الیه بی مبالاـتی. مثـل این‌که در کارگاه خلقت قرار بر این شده که هرگز تعادل نصیب این برادران عرب ما نشود. همیشه یا حرف‌ها خشک است و یا زن‌های هفت قلم آرایش در حال ادا و اطوار با مردهای مثل خودشان در فیلم‌های هفت تا یک صنار که هیچوقت خالی از دعواهای خاله زنکی و روابط عشـقی نیست. تلویزیون‌های هتل‌های رسـمی سعودی علاوه بر این‌ها شبکه‌های الجزیره و بی. بی. سی و سی. ان. ان و مصر و سـودان و یمـن و امـارات و حـتی شـارجه را هـم می‌گیرنـد ولی المنـار و العـالم و شـبکه‌های ایرانی و سـایر شـبکه‌های آدمیزادی را نمی‌گیرند!

دور از جـان خود تلویزیون خودمـان که هفته‌ای هشت دفعه چشـممان را به جمـال بعضـی تازه به دوران رسـیده‌ها روشن می‌کنـد و گورپـدر کسـانی که از سـنگ بنـای انقلاب کنار امام خمینی بودنـد و تا امروز در تمام صـحنه‌ها نقش آفرینی داشـتند صـلوات! چه لزومی دارد آن‌ها را در سیره عملی امام نشان بـدهیم یا اعتراف کنیم که در دفاع مقدس حضور داشـتند و یا کشور جنگ زده را از بی برقی و آنهمه مشـکلات نجات دادنـد و ساخته شده تحویل بعدی‌ها دادند دنیا روی آن‌ها حساب می‌کند می‌خواست نکند. برای کشور آبرو هستند می‌خواستند نباشند. این‌ها قدیمی شده‌اند ما باید الآن را دریابیم.

صبح چهارشنبه ۲۲ خرداد در آخرین روز سـفر بعد از نماز صـبح مشـغول نوشـتن شدم و قدری هم خودم را به خواندن کتابی‌که به همراه برده بودم مشغول کردم.

ساعت ۶: ۵ آقـای بهنـام حسـینی مقـام دوم تشـریفات که خیلی پرتلاش است تلفن زد و برنامه کارها را داد: ساعت ۷ صبحانه ۷: ۵ جلسه با حاج آقای هاشمی رفسنجانی و ۸ و ربع حرکت به طرف فرودگاه برای رفتن به تهران.

مقام اول تشریفات آقای اصغر افشاری است که هر وقت با سعودی‌ها حرف می‌زند هر جمله‌اش ترکیبی است از عربی و انگلیسی و فارسی و عجیب است که سعودی‌ها هم حرف‌های او را خوب می‌فهمند! ومقام سوم تشریفات آقای مهرداد محمودی است که او هم مثل آقای حسینی وظیفه شناس است. علاوه بر این افراد سخت‌کوش بچه‌های روابط عمومی و حفاظت هم در این سفرها تلاش زیادی داشتند که قابل تقدیر است.

درآخرین روز سفر آقای هاشمی رفسنجانی علاوه بر نظرخواهی از همراهان درباره سفر و آنچه باید برای نتیجه‌بخش بودن آن انجام شود به همسفران گزارشی از مذاکرات خود با ملک عبدالله هم دادند.

محورهای مذاکرات در طول این سفر یکی پیشنهاد ملک عبدالله برای همفکری و همکاری دو کشور درباره مسائل منطقه بود که مورد استقبال آقای هاشمی رفسنجانی قرار گرفت ولی اجرایی شدن آن به نظر رهبری و مسؤولیت دولتمردان موکول شد. محور دیگر ایفای نقش توسط آقای هاشمی رفسنجانی در موضوع گفتگوی اسلامی و سپس گفتگوی ادیان بود که ایشان پذیرفتند و قرار شد فردی را برای این‌کار معرفی نمایند. محور دیگر مسائل زائران‌ایرانی به‌ویژه مشکلات خانم‌ها برای رفتن به زیارت و بقیع بود که علاوه برآنچه در دور اول مذاکرات مقرّر شد و به قسمت‌هایی از آن‌ها در طول سفر عمل هم شد آقای هاشمی رفسنجانی این‌بار این موضوع را به صورت اصولی‌تر مطرح کردند و به ملک عبدالله گفتند اسلام دراین مسائل فرقی بین زن و مرد قائل نیست همان‌طورکه در ایران زن‌ها مانند مردها به زیارتگاه‌ها و مساجد و قبرستان‌ها می‌روند، چرا شما این محدودیت‌هایی که در اسلام نیست را اعلام می‌کنید؟ ملک عبدالله گفت: نظر شما را قبول دارم ولی مشکل ما علمای ما هستند که حاضر نیستند زیر بار این نظر بروند. اتفاقاً ام فیصل (همسر ملک عبدالله) هم اخیراً ناشناس به زیارت رفت و از دست همین مأموران کتک خورد. آقای هاشمی گفتند: نتیجه این می‌شود که در هر سال چند صدهزار زن ایرانی‌که به مکه و مدینه می‌آیند و با این محدودیت‌ها مواجه می‌شوند با ناراحتی به ایران بر می‌گردند و از شما عصبانی هستند. شما نباید اجازه بدهید علمای شما بر این نظر ناحق پافشاری کنند و شما را زیر سئوال ببرند. ملک عبدالله گفت: شما به من فرصتی بدهید تا با علما صحبتی داشته باشم و مشکل را حل کنم.

ص: ۸۸

درباره موضوعاتی از قبیل توزیع کتاب‌های ضدّ شیعه و زندانیان ایرانی و سایر مسائل مربوط به ایرانیان هم صحبت‌هایی شد که قبلًا به آن‌ها پرداخته‌ایم.

بعد از جلسه به طرف فرودگاه رفتیم و ساعت ۱۰: ۵ به وقت جده (۱۲ به وقت تهران) حرکت کردیم و ساعت ۲: ۵ بعداز ظهر به تهران رسیدیم، والحمد لله أولًا و آخراً.

آقای هاشمی رفسنجانی افراد فراموش شده را با هدف تکریم به سفر عمره دعوت کند، این از ویژگی‌های این روحانی با عاطفه است؛ همان چیزی که امروز در جامعه انقلابی و اسلامی ما حکم اکسیر را پیدا کرده است

این اجلاس را ترتیب دادیم تا با جهل و تنگ نظری مقابله کنیم و خط مشترکی توسط علما و متفکّران مسلمان ترسیم شود برای این‌که با پیروان سایر ادیان هم گفتگو کنند.

وقتی این جملات را می‌شنیدم، در این‌که ملک عبدالله اعتقاد واقعی خود را بیان می‌کند تردیدی نداشتم چون او کسی است که از دوران جوانی و زمانی که ولیعهد بود، تعامل را بر تقابل ترجیح می‌داد.

من به عنوان یک مسلمان شیعه اسلام شناس، که عمرم را در میدان عمل صرف کرده‌ام، اعلام می‌کنم که مشترکات ما مسلمانان آنقدر زیاد است که فرصتی برای پرداختن به افتراقات باقی نمی‌ماند.

ما باید بپذیریم که ضعیف عمل می کنیم. آنچه در لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان و سودان می‌گذرد، نتیجه همین عملکرد ضعیف ما مسلمانان است

اهمیت چاپ صحیفه سجادیه و رساله عملیه و کتاب‌های دیگر وسایر کارهایی که شیعیان در شرایط فعلی عربستان انجام می دهند برای ما که در ایران و در سایه حاکمیت اهل البیت: هستیم قابل درک نیست. فقط کسانی می‌توانند اهمیت این شرایط را بفهمند که از مشکلات و شدایدی که شیعیان عربستان در گذشته با آن مواجه بودند، مطلع باشند و ضمناً این را هم بدانند که همین حالا افراطیون وهابی هر لحظه در صدد پیدا کردن بهانه‌ای برای از بین بردن فضای متعادل موجود هستند

) مدینه (پشت کوه مروه که از بازار ابوسفیان شروع می‌شود و تا مسافت‌زیادی ادامه پیدا می‌کند، هرچه هتل و خانه و آثار تاریخی وجود داشت همه را خراب کرده‌اند و قرار است طرح تفصیلی هتل و پارکینگ و خیابان و آب نما بسازند. ظاهر حرف طراحان که می‌گویند برای بالا ـ بردن ظرفیت پذیرش زائران این کار باید انجام شود، مقبول است اما معلوم نیست تکلیف بافت قدیمی و آثار تاریخی که در همین زمین قرار داشتند و تاریخ اسلام را شکل می‌دادند چه می‌شود؟!

ص: ۸۹

یادی از آن سفر نورانی

حسین مظفر

این دوّمین بار بود که همسفر مردی می‌شدم که نامش همراه با تاریخ انقلاب و همراه با امام در گوش‌های دل و جان یاران انقلاب طنین‌انداز است.

بار اول همسفر ایشان در سفر به استان مازندران برای شرکت در کنگره شهیدان سرافراز استان توفیق داشتم و این بار نیز همسفر او در دیار زائران و عاشقان و رهپویان حرم نبوی، بقیع مظلوم و در مرکز توحید که به یادماندنی است.

ص: ۹۰

صلابت هاشمی در عربستان، در حقیقت تبلور هیمنه و اقتدار نظام اسلامی بود و استقبال عزّت مدارانه عربستان از او، استقبال از امام و حرمت‌گذاری به ملت بزرگ ایران محسوب می‌شد و حضور و سخنرانی حکیمانه‌اش در کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی در ۱۵ خرداد ۸۷ در کنار خانه خدا، تجلّی عزّت اسلام نبوی و تشیّع علوی به شمار می‌آمد. برای اولین بار بود که عالمِ متفکّرِ شیعی و یک سیاستمدار مجرّب ایرانی در جمع ۸۰۰ نفر از علما و نمایندگان مذاهب اسلامی از سراسر جهان، در مراسم افتتاحیه‌ای بعد از پادشاه عربستان سخن می‌گوید و خوش می‌درخشد و اعجاب بزرگان در اجلاس را برمی‌انگیزاند و تجلّی‌بخش عزّت تشیع و اسلام ناب می‌گردد.

طرح مهم‌ترین مسائل مربوط به جهان اسلام، از قبیل فلسطین، عراق، افغانستان، لبنان و یادآوریِ خطر صهیونیسم بین‌المللی و سلطه و تجاوز آمریکایی‌ها در منطقه خاورمیانه و به غارت رفتن حیثیت معنوی و سرمایه‌های مادی مسلمانان منطقه و غفلت‌زدایی از سران و علمای کشورهای اسلامی و تأکید بر مشترکات اسلامی و اتحاد ملل مسلمان و بهره‌گیری از ثروت‌های عظیم و نیروهای خروشان امت اسلامی در مقابله با تهدیدها و تجاوزها توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جایگاه اجلاس را ارتقا داد و به گفت‌وگوها و روند اجلاس، جهت و رونق خاص بخشید.

حضورش در حرم نبوی و بقیع مطهّر، رویِ دیگرِ این هیمنه و صلابت را به نمایش می‌گذارد؛ هیمنه‌ای که یک سوی آن اقتدار و صلابت و سوی دیگرش تواضع و خضوع بود. صلابت و اقتدار در تحقّق خواسته‌هایش برای ورود بی‌مزاحمت مشتاقان اهل‌بیت عصمت و طهارت در بقیع و حرم مطهر نبوی و تواضع و خضوعش با حضور در کنار مضجع شریف نبوی، در کنار خانه کوچک زهرا و در مزار بی‌چراغ بقیع.

از یک سو افکار متحجّرانه وهابیونِ سلفی را منزوی می‌کند و راه را برای حضور زنان دلسوخته و پروانه‌های عاشق به بقیع مظلوم می‌گشاید و ازسوی دیگر در روضه رضوان نبوی می‌نشیند و در کنار خانه فاطمه می‌آساید و آرام آرام زمزمه می‌کند و می‌گرید و در حالی که وهابیون خشک مغز و متعصّب، صدای مناجات را برنمی‌تابند، به مداح اجازه مدیحه سرایی و روضه‌خوانی می‌دهند. مداح نیز از مظلومیت زهرا می‌سراید و مشتاقان نیز می‌گریند و اشک می‌ریزند.

و در پایان مراسم نیز این مرد با صلابت، با در آغوش گرفتن ضریح محبوب‌ترین مخلوق آفرینش و بوسه زدن بر آن مضجع شریف، شگفتی دیگری می‌آفریند و ژرفای وجودش را از عشق به سرور کائنات لبریز و دل عاشقان اهل بیت را مسرور و خشم متحجّران خشک مغز وهابی را که تماشاگر رابطه و شیوه عاشقی در این صحنه بودند، برمی‌انگیزاند.

داستان بقیع و حضور در آن بهشت بی‌بارگاه، در چهار شب متوالی حکایتی دیگر داشت.

شاید برای هاشمی انتظاری بیش از یک‌بار برای رفتن به زیارت ائمه بقیع متصور نبود، اما اصرار او برای حضور مقتدرانه‌اش در همه شبهایی که در مدینه بود در بقیع مطهر، چیزی جز باز کردن میدان عشق‌ورزی و عقده تکانی بیشتر زنان ایرانی با ائمه مظلوم بقیع نبود.

نشستن هاشمی در کنار دیوارهای بقیع و نظاره کردن هجوم عاشقانه زنان ایرانی برای حضور در بارگاه مقدس به منظور کام گرفتن از دریای کرم و محبت اهل بیت عصمت و طهارت و شنیدن ضجّه‌های جانسوز آنان در لحظه‌های وصال و پیوستن به آنان بعد از رفتن آخرینِ آن‌ها یدرک و لایوصف بوده؛ چه ناله‌هایی که در آن شب‌های نورانی فریاد نشد، چه اشک‌هایی که جاری نشد و چه دعاهایی که بر لبان زائران ایرانی زمزمه نشد؛ دعا برای امام، دعا برای رهبری فرزانه، دعا برای شهیدان و دعا برای آیت‌الله هاشمی و بالیدن بر خود به‌خاطر آن اقتدار و این افتخار.

العزه لله و لرسوله و للمؤمنین

ص: ۹۱

زهرای عزیز! ما به فدک رسیدیم

محمد رضا نوری شاهرودی

امسال از غربت همیشگی قبرستان بقیع در ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا ۳ خبری نبود چون بانوان ایرانی با حمایت رییس مجلس خبرگان رهبری وارد آن مزار نورانی شدند و در کنار دیگر زائران مشتاق به مرثیه سرایی و سوگواری یگانه دخت پیامبر اسلام ۹ پرداختند.

هجده سال زندگی دوران بسیار کوتاهی برای کسی است که لباس هستی به آفرینش او تکوین یافته است. در هیچ برهه‌ای از تاریخ سراغ نداریم که امت با این سرعت سفارش‌های پیامبرشان را فراموش کنند و کشتی نجات خود و بشریت آینده را به آتش بکشند. چه شد که فرشته‌ای معصوم که نگاه او دل رسول خدا را شاد و چهره‌اش را خندان می‌نمود به این روز افتد که برای جلوگیری از انحراف در رسالت پدر و احقاق حق جانشین مظلومش اینگونه در شب‌های تاریک و غریب مدینه به در خانه مهاجر و انصار رود و وصایای اشرف کائنات و غدیر جاودانه را به یک یک آن قوم کینه‌توز گوشزد نماید! صبوری و اصرار بر مقاومت و ایثار «امّ ابیها» در احقاق حقوق بزرگ مرد تاریخ انسانیت سبب گشت که نشانه‌های مرقد مقدسش هم مجهول بماند. بی‌جهت نیست‌وقتی که نزدیک بود جان از کالبد صاحب ذوالفقار بیرون رود، او با چشمی گریان و آهی سوزان زمزمه می‌کند که سنگینی بار مصیبت کمر تاریخ را می‌شکند چه رسد به تنهایی و غربت و بی‌کسی علی. محنت

ص: ۹۲

تاریخی وارثان به حق پیامبر از ساعتی آغاز شد که اهل بیت را از مراتب و درجاتی که خداوند برای آنان درنظر گرفته بود پایین کشیدند و نگذاشتندفضایل و مناقب و سیره کوثر کائنات هستی و الگوی زندگی همه زنان گیتی، به منصّه ظهور برسد.

عبادت و پرستش خالق هستی از سجده‌ها و قنوت‌های دخت پیامبر مفهوم و معنا گرفته است. آن تندیس رضا که با صبر و بردباری و اشک‌های سرشار از معنویت و مظلومیت تاریخ تشیع را در نشأه تکوین نگاشته است. او شجره طیّبه‌ای است که با اخلاق و عرفان و عفاف و حمایت از ولایت، با آن شجاعت و شهامت، آموزه چگونه زیستن را به پیروان خود ارزانی داشت و تاریخ را جوش و خروش دیگری بخشید. هر فصل از زندگی‌اش کتابی مرجع و وزین است که نیاز به کاوش و تحقیق و قرائت دقیق دارد. سردار بزرگ کارهای ماندنی تاریخ ایران که دوستی و آشنایی با وی جزو افتخارات زندگی‌ام محسوب می‌شود و گذشت ایام این ارادات قلبی را مضاعف نموده پس از یک سخنرانی بی نظیر که مستقیم برای اوّلین بار از همه کانال‌های تلویزیون عربستان سعودی در حضور بیش از ۸۰۰ نفر از دانشمندان، علما، فقها و صاحبان فکر وفتوا پخش می‌شد، مبانی نظری، عملی و علمی اسلام را در محورهای چهارده‌گانه تبیین نمود.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در مدینه تصمیم گرفت موقعیت جغرافیایی «فدک» که میراث قطعی همه سادات است را زنده کند و با عزمی راسخ با اتومبیل برای رسیدن به مقصود بیش از ۲۶۰ کیلومتر از شهر مدینه منوره، به سوی استان «حائل» را درنوردید و به شهر «حائط» و «حویطه» که به گفته آیت الله شیخ محمدعلی عمری رهبر شیعیان مدینه همان «فدک» است رسید.

در شهر حائط فرماندار و مسؤولان این شهر به استقبال میهمان ویژه خود آمده بودند. نایف فرماندار شهر گفت: «اینجا فدک است و الآن قدیمی‌ها هنوز به آن فدک می‌گویند. شهر حدود ۳۵ هزار نفر جمعیت دارد ولی جمعیت کلّ منطقه به اضافه روستانشینان و عشایر کوچ نشین به صدهزار نفر می رسد». فرماندار مردی را معرفی کرد که «محمد عبدالرحمان جابر» نام داشت تا توضیحات لازم را بدهد.

آیت‌الله هاشمی از او پرسید: چرا به این منطقه فدک می‌گویند؟

عبدالرحمن جابر: چون پیامبر خدا آن را به حضرت فاطمه بخشید.

هاشمی‌رفسنجانی: چرا پیامبر آن را به حضرت فاطمه بخشید؟

عبدالرحمان جابر: نظر ما این است که چون اهالی این منطقه بدون درگیری آن را به پیامبر خدا هدیه کردند و پیامبر نیز آن را به حضرت فاطمه هدیه کردند.

هاشمی‌رفسنجانی: در این منطقه چه چیزهایی به نام فاطمه وجود دارد؟

عبدالرحمان جابر: چشمه‌های هفت‌گانه فاطمه، مسجد فاطمه، وادی فاطمه، و بساتین (باغستان‌های) فاطمه.

هاشمی‌رفسنجانی: چرا اسم فدک را عوض کردید و حائط؛ یعنی دیوار می‌گویید؟

عبدالرحمان جابر: در این منطقه سه دیوار بلند است که به صورت حلقه، منطقه را احاطه کرده است. درون دیوارها باغ (بستان) فاطمه نام دارد که در «معجم البلدان» یاقوت حموی هم ذکر شده است. مسجدی که الآن ترمیم شده، مربوط به زمان پیامبر اسلام بوده که به مسجد فاطمه معروف است. ما آل‌جابر هستیم که قدمتی چند صدساله در منطقه داریم و پیش از دولت سعودی حکمران اینجا بوده‌ایم.

هاشمی‌رفسنجانی: مساحت کل فدک چقدر است»؟

عبدالرحمان جابر: مساحت منطقه فدک ۵۰ در ۵۰ کیلومتر است.

هاشمی‌رفسنجانی: وضع آب منطقه چگونه است؟

عبدالرحمان جابر: فدک دارای هفت چشمه آب بوده که به «عیون فاطمه» معروف است که به دلیل اهمال و بی‌توجهی به کشاورزی، آب آن کم شده وشاید علت کمی آب حفر چاه‌های عمیق در منطقه باشد.

هاشمی‌رفسنجانی: می‌خواهم از آب چشمه فاطمه بخورم.

جابر و دیگر همراهان، وی را منع کرده، گفتند: «آقای هاشمی! این کار را نکنید، چون نمی‌دانیم وضع آب چگونه است.

هاشمی در حالی که قطرات اشک چشمانش با چشمه فاطمه مخلوط شده بود، گفت: آیا بی‌سعادتی و حیف نیست که انسان تا اینجا بیاید و از چشمه فاطمه سیراب نشود؟!

این جمله باعث شد که قطرات اشکِ چشمان همراهان نیز در چشمه بریزد.

ص: ۹۳

صدا وسیما باید فیلم فدک را بارها پخش نموده و آن‌را به صورت یک سند در اذهان ملت عزیز ایران زنده نگاه دارد. اساساً رادیو وتلویزیون و مطبوعات حداقل در ایام شهادت آن بانوی بزرگ اسلام باید شرح زندگی و مجاهدت‌های آن اسوه کامل ارزش‌ها و مقاومت و فضایل اخلاقی که محور هدفمند تعالیم آسمانی و اهل‌بیت دانا و توانای اسلام است را به صورتی جذاب برای مخاطبان ولایت‌مدار خود بازگو کنند. آموزش وپرورش باید چکیده‌ای از زندگی سراسر افتخار این بانوی نمونه الهی که بیشترین قرابت مادی و معنوی در میان زنان جهان با خاتم رسل را دارد، برای یادگیری و الگوبرداری نونهالان این مرز وبوم در کتاب‌های درسی قرار دهد وجایگاه بانویی که سیده زنان عالم بوده و در تولدش مریم وآسیه، خدیجه همسر با وفای حضرت مصطفی ۹ را کمک می‌کردند و فرشتگان و زنان بهشتی بر او آب بهشتی می‌ریختند و برای خدمت به وی بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند و براین خدمت بر عرشیان و فرشیان فخر می ورزیدند را تبیین نماید. واقعاً فاطمه، جانِ پیامبر خدا، مام ائمه معصوم، که تبلیغ و ترویج او با گفتار و کردار آموزه‌هایی چون چشمه جوشان و دریایی مواج و خروشان و شمعی فروزان در گستره زمان برای آبادی دین و ایمان و دنیای خردمندان و ذخیره آخرت هر انسان است.

پیشنهاد آخر آن‌که عالمان و رهپویان معصومان و فرهیختگان به خصوص زنان مؤمن و معتقد این مرز وبوم با افتخار باید نهضت و جنبش «فاطمه شناسی» و «فاطمه پژوهشی» را در دستور کار خود برای جست وجوگران مسیر فضیلت و حقیقت قرار دهندکه اگر شگفتی زندگانی این خورشید عالم تاب روشن نشود، همگان مسؤولیم.

ص: ۹۴

وصف خورشید به «شب پره اعمی» نرسد

رضا مختاری

اشاره

از این ناچیز خواسته‌اند که در وصف حضرت صدّیقه طاهره، انسیّه حوراء، فاطمه زهرا «سَلَامُ الله وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِکَتِهِ عَلَیهَا وَ عَلَی أَبِیهَا وَ بَعلِهَا وَ بَنِیهَا» مقاله‌ای بنگارم.

بی هیچ تعارفی تعارفی باید بگویم: «چه نسبت خاک را با عالم پاک؟» و «أینَ الثُریّا و أینَ الثَّرَی؟»، من و امثال من، چگونه می‌توانیم درباره کسی که خدای سبحان و پیامبر خدا ۹ و ائمّه هدی: او را معرفی و وصف کرده اند، سخن بگوییم؟ و خلاصه «وصف خوشید به شب پره اعمی نرسد!»

از سوی دیگر، نمی‌خواهم از فضیلت و منزلتِ قلم زنانِ درباره حضرتش محروم بمانم و فیضی نبرم، به ناچار، از باب «ألقِ دلوَک فی الدِلاء» نه درباره وصف و عظمتِ آن یگانه عالَم، بلکه درباره پاره‌ای از حوادث و وقایعِ زندگیِ عادی و سیاسی او، این مقاله بسیار ناچیز را می پردازم و رانِ ملخی به محضر سیّده زنان عالم تقدیم می دارم:

جَاءَتْ سُلَیْمَانَ یَوْمَ الْعَرْضِ هُدْهُدَةٌ
أَهْدَتْ إِلَیْهِ جَرَادًا کَانَ فِی فِیهَا
وَأَنْشَدَتْ بِلِسَانِ الْحَالِ قَائِلَةً
إِنَّ الْهَدَایَا عَلَی مِقْدَارِ مُهْدِیهَا

درباره زندگی سیاسی و مبارزاتی حضرت صدّیقه طاهره ۳ زیاد سخن گفته و مطلب نوشته‌اند. بنابراین، برای روشن شدن پاره‌ای از مبهمات و پرهیز از تکرار مکرّرات، بهتر است در اینجا سؤالاتی را مطرح کنم تا اهل فن درباره آنها بحث و تحقیق کنند، هر چند جسته گریخته راجع به آنها پژوهش کرده و سخن گفته‌اند. برای برخی از آنها هم پاسخی در حد بضاعت خود یا از سخن بزرگان ذکر می کنم:

۱- مطالبات حضرت صدّیقه طاهره ۳ از ابی‌بکر علاوه بر رفع ید از خلافت و واگذاری آن به امیرالمؤمنین ۷ چه چیزهایی بود؟

الف) ارث خود از اموال شخصی پیامبر ۹

ب: فدک؛

ج: صدقات رسول الله ۹؛

ص: ۹۵

د: سهم خیبر؛

ه: سهم ذی القربی از غنائم جدید.

آیا حضرت فاطمه ۳ همه امور فوق را مطالبه کرد یا برخی را؟

۲- خطبه معروف به فدکیّه مربوط به کدامیک از مطالبات بالاست؟ مسلّماً مطالبه ارث رسول خدا ۹ درآن هست. علاوه بر آن آیا در خصوص فدک، آن حضرت جداگانه با ابوبکر محاجّه کرده است؟ چطور در متن خطبه از «فدک» با همین تعبیر، سخنی نیست و عمده احتجاج در خصوص ارث است. هرچند راویان زمان ایراد آن را پس از منع فدک می‌دانند (۱).

۳- در صورتی که بگوییم در خطبه فدکیه، مطالبه فدک به عنوان «ارث» بوده است، چه چیزی باعث شد که آن حضرت، از باب ارث آن را مطالبه کند با اینکه پیامبر خدا ۹ در زمان حیاتش فدک را به او بخشیده بود و پیش از وفات پیامبر خدا ۹ دراختیار حضرت صدّیقه ۳ قرار داشت؟ ۴- خطبه فدکیه چند روز پس از رحلت رسول خدا ۹ ایراد شده است (۲)؟ ۵- چرا در آن خطبه غرّا به صراحت سخنی از غصب خلافت و اعتراض به آن نیست؟ آیا کار از کار گذشته بوده است؟ آیا برای محکوم کردن خلیفه، موضوع ارث کاراتر بوده است؟ و چطور در آن خطبه، استشهادی به حدیث غدیر و مانند آن دیده نمی شود؟ هرچند توبیخ شدید مهاجر و انصار و شمّه‌ای از فضایل حضرت امیر ۷ در آن موجود است. ۶- چرا حضرت امیر ۷ در دوره خلافت خود، فدک را برنگرداند؟ ۷- ماجرای حمله به بیت و احراق یا تهدید به احراق، چند روز پس از وفات پیامبر ۹ روی داد؟ قبل از ایراد خطبه فدکیه یا بعد ازآن؟ ۸- مدفن مطهّر حضرت زهرا ۳ کجاست؟ آیا درست است که مدفن آن حضرت در بیت او واقع در شرق مسجد و شمال حجره پیامبر ۹ می‌باشد؟ ۹ (۳)- مسلّماً برای اعتراض به دستگاه خلافت، حضرت زهرا ۳ شبانه غسل، کفن و دفن شدند و خواستِ آن حضرت و نیز امیرالمؤمنین ۸ بر اخفای قبر مطهّر بوده است؛ ولی آیا بنا و خواسته معصومین: به عنوان سندی برای نارضایی حضرت صدّیقه ۳ از خطبه در همه دورانها و اعصار، بر مخفی ماندن قبر تا ظهور حضرت حجّت- عجّل الله تعالی فرجه- بوده است؟ یا همانطور که قبر حضرت امیرمؤمنان ۷ سالها مخفی بود، ولی پس از رفع خطر و حصول غرض از اخفا، ائمّه هدی: محل قبر را مشخص کردند و خود و شیعیان به زیارت آن قبر مطهّر شتافتند، در مورد قبر حضرت صدّیقه ۳ هم پس از مسجّل شدن غصب پاره تن رسول الله ۹ بر خلیفه و تأمین این هدف عالی، دیگر داعی بر اخفای قبر نبوده و ائمّه: مردم را به محلّ قبر مطهّر دلالت می‌فرموده‌اند؟ یا اینکه فقط نادراً و برای خواصّ اصحاب محلّ آن را مشخّص کرده‌اند؟ ۱۰- آیا حوادث هولناک و دردآور پس از وفات پیامبر خدا ۹ در همین خانه- که محلّ قبر حضرت صدّیقه ۳ و متصل به مسجد و حجره پیامبر خدا ۹ است- رخ داد؟ برخی از اشکالها به این موضوع را چگونه باید پاسخ داد؟ از جمله فضل بن روزبهان در نقد سخن علّامه حلّی درباره احراق بیت گوید: «من أسمج ما افتراه الروافض هذا الخبر، وهو إحراق عمر بيت فاطمه ... [۳] و ذلک لوجوه سبعه:

الأول: إن بيت فاطمه [۳] كان متصلًا ببيوت أزواج النبيّ، ومتّصلًا بالمسجد وقبر النبيّ [۹]، وهل كان عمر يحرق بيوت النبيّ [۹] والمسجد والقبر المكرم؟! نعوذ بالله من هذا الاعتقاد الفاسد؛ لأنّ بيوتهم كانت متصلةً معمولةً من الطين والسعف اليابس، فإذا أخذ الحريق في بيت، كان يحترق جميعَ البيوت والمسجد والقبر المكرّم (۴).

همچنین محمّد الیاس عبدالغنی در مقام ردّ دفن در بیت و تأیید دفن در بقیع می‌نویسد:

«توفّيتْ سيّدهْ نساء أهل الجنّه فاطمه [۳] في بيتها الذي كان بجوار حجره أُمّ المؤمنين عائشه و دفنتْ في البقيع، و قيل: دفنتْ في بيتها، و القول الأوّل هو الراجح والمعتمد. و يدلّ على ذلك يلي:

أوّلًا: أنّ فاطمه [۳] كانتْ تستحيي أن تُحمَلَ بعد الوفاه كما يُحمَل الرجالُ بأن يُطرح عليها الثوب فيصف جسدها الشريف، و لَمّا رأتْ هودجاً عملتْه أسماء بنت عميس لتحمل فيه للدفن أوصتْ أن تحمل فيه بعد أن تموت، كما روى عن أُمّ جعفر أنّ فاطمه بنت

رسول‌الله ۹ قالت لأسـماء بنت عمیس: «یا أسماء إنّی قد استقبحت ما یصنع بالنساء. أنّه یطرح علی المرأه الثوب فیصفها». قالت أسماء: «یا ابنه رسول الله، ألا أُریک شیئاً رأیتُه بأرض الحبشه». فدعت بجرائد رطبه فحنَّتها، ثمّ طرحت علیها ثوباً. فقالت فاطمه: [۳] «ما أحسن هـذا و أجمله! تعرف به المرأه من الرجل، فإذا أنا مِتُّ فاغسـلینی أنتِ و علیّ و لا تُـدْخِلی عَلَیَّ أحـداً ..». فلمّا توفّیت فاطمه [۳] جعلتْ لها أسماء مثل هودج العروس و قالت: «أمرتنی فاطمه [۳] أن أصنع ذلک لها.»

۱- بنابه نقل ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۵۱ در کتاب سقیفه جوهری آمده است: «آنگاه که فاطمه ۳ دریافت که ابوبکر می‌خواهد فدک را به او ندهد ... به مسجد آمد و خطبه خواند.» نیز. ر. ک. به: احتجاج، ج ۱، ص ۲۵۳

۲- ابن ابی الحدید گفته که این خطبه ده روز پس از رحلت رسول خدا ۹ ایراد شده. رک: شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۵۱.

۳- شواهد و روایات معتبر این موضوع را حجّه الاسـلام و المسلمین جناب آقای محمّد صادق نجمی در کتاب تاریخ حرم ائمّه بقیع، صص ۱۵۱- ۱۱۳ ذکر کرده‌اند.

۴- ر. ک. به: دلائل الصدق، ج ۳، صص ۸۰--۹۷

ص: ۹۶

و روی ابن شبه أیضاً أنّ فاطمه [۳] قالت: «إنّی لأستحیی من جلاله جسمی إذا أُخرجتُ علی الرجال غداً». و کانوا یحملون الرجال کما یحملون النساء، فقالت أسماء بنت عمیس رضی الله عنها: «انّی رأیت شیئاً یصنع بالحبشه فصنعت النعش» فاتّخذَ بعد ذلک سُنَّه.

وقد روی عن ابن عیّاش أنّ فاطمه [۳] أوّل من غُطِّی نعشُها من النساء فی الإسلام ثمّ بعدها زینب بنت جحش صنع ذلک بها أیضاً.

و بهذا ثبت أنّ فاطمه [۳] کانت تَعْرِفُ بأنّه تحمل من البیت بعد الموت لتدفن فی البقیع لذا کانت تستحیی أن تحمل مثل الرجال، فلمّا أخبرتْها أسماء بنت عمیس بها یستر جسدها الشریف أثناء التشییع، حسَّنتْ ذلک، و لمّا توفّیتُ عملتْ لها أسماء هودجاً لتحمل فیه للدفن.

و لو کان المقرَّر دفنها فی بیتها الذی توفّیت فیه لم یکن هناک ما یقتضی أن تستحیی فاطمه [۳] من حملها مثل الرجال و أن یُعمل لها هودج» (۱)

نیز مرحوم آیه الله کمره‌ای در کتاب ملکه اسلام همین ایراد را به علاوه ایراد ذیل بر دفن در بیت، مطرح کرده‌اند:

دفن آن پیکر مطهّر در خانه‌اش مناسب نبوده است؛ زیرا قبر همیشه در معرض دید و پیش چشم فرزندان صغیر و کودکان عزیز آن بانوی بزرگ واقع می‌شده و همواره داغ آنان را تازه می‌کرده است. بنابراین، دفن در بیت از جنبه عاطفی نمی‌تواند توجیه شود. (۲)

شاید بتوان بر این اشکال افزود: با توجه به زندگی روز مره در بیت، نمی‌توان دفن در بیت را توجیه کرد؛ زیرا با توجه به احترام فوق العاده امیر مؤمنان علیه افضل صلوات المصلّین برای همسر، و فرزندان برای مادر خود، زندگی در خانه‌ای که قبر در آن است و موضع آن هم عمداً مخفی نگه‌داشته می‌شود و معیّن نیست تا احترامش حفظ شود، مناسب نیست.

پاسخ همه این اشکالات- با اینکه حضرت زهرا ۳ در بیت خود و در جوار رسول الله ۹ دفن شده‌اند- آن است که:

حضرت امیرالمؤمنین ۷ و خانواده پس از رحلت پیامبر خدا ۹، در خانه دیگری- غیر از خانه متصل به مسجد و حجره پیامبر ۹- که در غرب بقیع و از آنِ حضرت علی ۷ بوده است، زندگی می‌کرده‌اند و حوادث هولناکِ پس از وفات پیامبر ۹ در آن خانه اتفاق افتاده است. شواهد وجود چنین خانه‌ای برای حضرت امیر ۷ عبارت‌اند از:

الف) بنا به نقل سمهودی در وفاء الوفا، ابن شبّه یکی از قدیمی ترین مدینه‌شناسان گوید:

«و اتّخذ علیٌّ بن أبی طالب بالمدینه دارین؛ إحداهما دخلت فی مسجد رسول الله- صلّی الله علیه] وآله [وسلم- و هی منزل فاطمهَ بنت رسول الله- صلّی الله علیه] وآله [و سلم- التی تسکن فیها، و الأخری دار علیٍّ [۷] التی بالبقیع، و هی بأیدی ولد علیٌّ [۷]» (۳)

ب) ابن نجّار از برخی نقل می‌کند:

«رأیت قبر الحسن بن علیّ بن أبی طالب]: [فی فم الزُّقاق الذی بین دار نبیّه [۹] و بین دار علیّ بن أبی طالب [۷]» (۴)

ج) سمهودی درباره موضعی می گوید:

«و أظنّه فی موضع دار علیّ بن أبی‌طالب [۷] الذی اتّخذه بالبقیع» (۵)

د) درباره تخریب حجره فاطمه ۳ به دستور ولید، نقل کرده‌اند که حسن بن حسن و همسرش فاطمه بنت الحسین: مجبور به ترک آن حجره و منتقل به خانه امیرالمؤمنین ۷ شدند:

«فخرجوا منه حتّی أتوا دار علیّ [۷] نهاراً» (۶)

بنابراین، مسلّم است که حضرت امیر ۷ خانه دیگری، غیر از حجره کنار مسجد داشته است؛ همچنان که برخی از دیگر صحابه، علاوه بر بیت جوار مسجد، خانه دیگری داشته‌اند. گفته‌اند که پیامبر خدا زمینی را در غرب بقیع برای ساختن منزل تقطیع کرد و هر قطعه‌ای را در اختیار یکی از مهاجرین قرار داد؛ از جمله حضرت امیر ۷ و ابوبکر و عثمان، که مرگ ابوبکر و قتل عثمان هم در همین خانه‌های غرب بقیع رخ داد نه در بیوت همجوار مسجد (۷)

امّا دلایل و شواهد اینکه حوادث هولناکِ پس از رحلت پیامبر خدا و شهادت حضرت صدّیقه کبری ۳ در این خانه اتفاق افتاده، متعدّد است؛ ازجمله:

الف) حضرت صدّیقه کبری ۳ هنگامی که برای ایراد خطبه به مسجد آمدند:

«لاثَتْ خِمارَهَا عَلَى رَأْسِهَا، وَ اشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا، وَ أَقْبَلَتْ فِي لُمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُيُولَهَا، مَا تَخْرِمُ مِشْيَتُهَا مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ ۹ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِى بَكْر» (۸)

۱- بیوت الصحابه حول المسجد النبوی الشریف، صص ۱۷۲- ۱۷۱.

۲- این حاصل سخنان مرحوم کمره‌ای در کتاب مذکور است که ساله پیش خوانده‌ام و الان آن کتاب در دسترس نبود تا عین سخن ایشان را نقل کنم.

۳- وفاء الوفا، ج ۲، ص ۴۶۹، بنا به نقل تاریخ حرم ائمّه بقیع، ص ۱۵۹.

۴- اخبار المدینه، ج ۱، ص ۵۴، بنا به نقل تاریخ حرم ائمهّ بقیع، ص ۱۶۰.

۵- وفاء الوفا، ج ۲، ص ۹۱۸، بنابه نقل تاریخ حرم أئمّه بقیع، ص ۱۶۰.

۶- وفاء الوفا، ج ۲، ص ۴۶۶، بنابه نقل تاریخ حرم ائمّه بقیع، ص ۱۶۰.

۷- ر. ک. به: تاریخ حرم ائمّه بقیع، صص ۱۵۹- ۱۵۸. البته این سخن از مؤلّف محقّق این کتاب است و باید پژوهش بیشتری درباره آن صورت گیرد.

۸- شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۵۱، بنا به نقل الغدیر، ج ۷، ص ۲۶۰، چ جدید؛ احتجاج، ج ۲، ص ۳

ص: ۹۷

«صدّیقه کبری ۳ خمار (چارقد) خود را بر سر کشید و چادری بر خود پیچید، و در میان گروهی از زنان همدل و زنانی از بستگانش، در حالی که بر دامنه‌های چادرش قدم می‌گذاشت و همچون پیامبر خدا گام بر می‌داشت به مسجد در آمد.»

پیداست که ذیل این وصف، با خروج از حجره فاطمه ۳ که متصل به مسجد بود، سازگار نیست و اگر آن حضرت در آن حجره بود، همینکه در کنار باب حجره به سوی مسجد، ایراد خطبه می‌کرد، همه می‌شنیدند و حتی نیازی به خروج از حجره هم نبود، چه رسد به وصف فوق؛ چنانکه راجع به اعتراض امّ سلمه به ابوبکر، هنگامی که در مسجد بود آمده است: «فأطلعتْ اُمّ سلمه رأسها من بابها وقالت: ...»

نیز آنچه در وصف امیر المؤمنین هنگام رفتن حضرت صدیقه برای ایراد خطبه فدکیه در منابع آمده است گویای این مطلب و شاهد ماست: «و أمیرالمؤمنین ینتظر و صولها إلیه و یتطلّع طلوعها علیه ...»

ب) هنگام حمله به بیت فاطمه ۳، علاوه بر آن حضرت و حضرت امیر ۷، عده‌ای از بنی‌هاشم و شماری از صحابه نیز در منزل حضرت حضور داشتند و در آنجا متحصّن شده بودند، مانند: عبّاس بن عبدالمطّلب، عتبه ابن ابی‌لهب، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمّار بن یاسر، مقداد بن اسود، براء بن عازب، ابیّ بن کعب، سعد بن أبی وقّاص، طلحه بن عبیدالله (۱)

پیداست که اقامت و تحصّن این عده در حجره کوچکِ همجوارِ مسجد ممکن نبوده است.

ج) با توجه به قطعی بودن دفن حضرت صدّیقه کبری ۳ در حجره مذکور، سخنان حضرت امیر ۷ پس از دفن، شاهد آن است که حضرت در آن حجره ساکن نبوده است:

«السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّی وَ عَنِ ابْنَتِکَ النَّازِلَهِ فِی جِوَارِکَ) بُقعَتِکَ- خ ل (وَ السَّرِیعَهِ اللَّحَاقِ بِکَ، وَ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا سَلَامَ مُوَدِّعٍ، لَا قَالٍ وَ لا سَئِمٍ، فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَهٍ، وَ إِنْ أُقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِین» (۲)

بنابراین، جواب درست به اشکال ابن‌روزبهان و دیگر ابهامات همین است که ذکر شد. و جواب مرحوم مظفّر در دلائل الصدق به ابن‌روز بهان ناتمام است:

«... إنّ إحراق بیت فاطمه ۳ لا یستلزم إحراق غیره لوجود الآجر والطین، فیمکن الإطفاء قبل السرایه» (۳)

اشکال دیگری را برخی مطرح کرده‌اند که پاره‌ای جوابها به آن ناقص است. اشکال کرده‌اند که حضرت صدّیقه کبری ۳ در جواب به حدیث ساختگی ابوبکر: «نحن معاشر الأنبیاء لا نُورَث» به عمومات آیات ارث در قرآن کریم و نیز ارث سلیمان از داود ۸ و مانند آن تمسّک کرده اند. در حالی که حدیث ابوبکر از عمومات ارث اخصّ مطلق است و این دو قابل جمع عرفی‌اند.

از سوی دیگر آیات ارث بردن برخی از وارثان پیامبران از آنها، اخصّ مطلق است که حدیث جعلی ابوبکر، و این دو از نظر دِلالی قابل جمع عرفی‌اند. بنابراین، به این حدیث، فقط اشکال سندی می‌توان وارد کرد نه دلالی؛ مانند مخالفت باقرآن.

مثلًا قرطبی در تفیسرش گوید:

«ویحتمل قوله علیه السلام: «إنّا معشر الأنبیاء لا نُورَثُ» أن یرید أنّ ذلک من فعل الأنبیاء وسیرتهم، وإن کان فیهم من وُرِثَ ماله کزکریّاء علی أشهر الأقوال فیه، وهذا کما تقول: إنّا معشر المسلمین إنّما شغلتنا العباده، والمراد أن ذلک فعل الاکثر.

ومنه ما حکی سیبویه: إنّا معشر العرب أقری الناس للضیف» (۴)

همچنین فخر رازی در تفسیر آیه یازدهم سوره نساء گوید:

«الموضع الرابع من تخصیصات هذه الآیه ما هو مذهب أکثر المجتهدین أنّ الأنبیاء: لا یُورَثون، و الشیعه خالفوا فیه ...» (۵)

فضل بن روزبهان هم در نقد سخن علّامه حلّی در نهج الحق می‌نویسد:

«... فصار عنده [أی عند أبی‌بکر] دلیلًا قطعیّاً مخصّصاً للعمومات الوارده فی بیان الإرث ...» (۶)

عالمان بزرگوار شیعه به این اشکال هم پاسخ‌هایی داده‌اند که برخی دقیق و صحیح و برخی ناصواب است (۷)

از جمله جواب‌های دقیق و درست، سخن علّامه امینی در «الغدیر» (۸) و دومین پاسخ فخر رازی از قول علمای شیعه (۹) و نیز توضیح آیه‌الله سیّد عزّ الدین حسینی زنجانی در شرح خطبه حضرت زهراست (۱۰) که چون همه این کتابها در دسترس‌اند به ذکر نشانی سخن آنها بسنده می‌کنم و از نقل مشروح سخنانشان چشم می‌پوشم.

۱- منابع متعدد این موضوع را علّامه عسکری در کتاب سقیفه، صص ۷۶ و ۷۷ ذکر کرده‌اند.

۲- نهج البلاغه، ص ۳۱۹- ۳۲۰، خ ۲۰۲، صبحی صالح، نیز رک: تاریخ حرم ائمّه بقیع، صص ۱۲۲- ۱۲۱.

۳- دلائل الصدق، ج ۳، ص ۸۹

۴- الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۱۶۴

۵- التفسیر الکبیر، ج ۹، ص ۲۱۰، ذیل آیه ۱۱ از سوره نساء.

۶- دلائل الصدق، ج ۳، ص ۴۴. نیز رک: اللمعه البیضاء، صص ۸۳۳- ۸۱۳.

۷- ر. ک. به: دانشنامه امام علی ۷، ج ۸، ص ۳۷۷- ۳۸۴، مقاله «فدک»؛ دلائل الصدق، ج ۳، صص ۴۱- ۴۰؛ اللمعه البیضاء، صص ۸۲۳- ۸۱۳ در پاسخ این ایراد شاید بتوان گفت که «نحن معاشر الأنبیاء لا نُورَث» آبی از تخصیص است، چون عدم ارث را یکی از ویژگی‌های نبوّت می‌شمارد، همان گونه که آیه شریفه «ان یتّبعونَ الّا الظَّنَّ و إنَّ الظَّنَّ لا یُغنی مِنَ الْحَقِّ شَیئاً» [نجم ۵۳: ۲۸] آبی از تخصیص و تقیید است [رک: مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۱۴]. بنابراین با آیات ارث برخی وارثان از انبیا قابل جمع عرفی نیست و با آنها مخالفت تباینی دارد، و چون مخالفت تباینی دارد از حجیّت ساقط است. و چون از حجیّت ساقط است عمومات ارث را هم نمی‌تواند تخصیص بزند، هر چند- با قطع نظر از عدم حجیّت- از عمومات ارث اخصّ مطلق و با آنها قابع جمع است. با این بیان، با قطع نظر از هر دلیل دیگری، می‌توان گفت حدیث ابوبکر با قرآن به نحو تباین مخالف و از حجیّت ساقط است.

۸- الغدیر، ج ۷، صص ۲۶۶- ۲۵۷، چ جدید، صص ۱۹۷- ۱۹۰، چ قدیم.

۹- التفسیر الکبیر، ج ۹، صص ۲۱۱- ۲۱۰، ذیل آیه ۱۱ از سوره نساء.

۱۰- شرح خطبه حضرت زهرا ۳، صص ۵۴۰- ۵۳۳، ۵۸۹- ۵۸۰، ۵۹۵- ۵۹۴، چاپ هشتم.

ص: ۹۸

نکته: حـدیث سـاختگی: «نحن معاشر الأنبیاء لا نُورَثُ، ما ترکناه صـدقه» در بیشتر کتابهای چاپ شـده عالمان شـیعه و نیز در منابر و خطبه‌ها، به اشـتباه «لُانوَرِّثُ» ضـبط شده و خوانده می‌شود. شـیخ مفید هم رساله‌ای دارد با نام رساله حول حدیث «نحن معاشر الأنبیاء لا نُورَثُ» که درچاپ کنگره شیخ مفید، روی جلد و در صـفحه عنوانِ آن «لا نُوَرِّث» ضـبط شده، ولی قطعاً اشـتباه بوده وصحیح آن همچنـان که در کتب عامّه و بحار الأنوار مرحوم مجلسـی ضـبط شـده است- «لا نُورَثُ» است. در این باره انـدکی در «جمع پریشان» توضیح داده‌ام و اینجا بیشتر به آن نمی‌پردازم. (۱)

قصّه: این قصّه را تـاکنون در کتـابی ندیـده‌ام و برای ثبت در تاریـخ در اینجـا می‌نویسم و آن را از حضـرت آیه الله بهجت (دام ظلّه) شنیـده‌ام. ایشان گفتنـد: روزی علمای اهل سـنت در بغـداد جلسه‌ای تشـکیل دادنـد و از عالم بزرگ شـیعه شـیخ محمّـد حسن مظفّر صـاحب «دلائـل الصـدق» یـا یکی دیگر از بزرگان خانـدان مظفّر خواسـتند که برای مناظره درباره امامت در آن جلسه حاضـر شود. هنگامی که وی حاضـر شد، از او پرسیدند: «نظر شما در خصوص دستور پیامبر به ابی‌بکر درهنگام بیماری‌اش چیست؟ آنگاه که به ابوبکر فرمـان داد به جـایش نمـاز بخوانـد و امـام جمـاعت شود؟ هنوز سؤال آنـان تمام نشـده بود که مظفر به آن پاسـخ داد و چنان عالمان سنّی را مات و مبهوت کرد که «کأنّ علی رؤوسـهم الطیر» همه ساکت شدند و هیچ کس هیچ حرفی نتوانست بر زبان بیاورد و مجلس منـاظره به نفع مظفّر خـاتمه یـافت و از هم پاشـید. جواب مرحوم مظفّر تنها یک جمله بود، وی پیش از تمام شـدن سؤال به سرعت گفت: «إِنَّ الرَّجُلَ لَیَهْجُر!»

یعنی بر فرض که پیـامبر در بیمـاری‌اش به ابوبکر چنین دسـتوری داده باشـد، خود اهـل سـنّت روایت کرده‌انـد که وقتی پیـامبر خـدا فرمود: «إیتونی بقلم و دواه ...» عمر گفت: «إِنَّ الرَّجُلَ لَیَهْجُر!» و شـما که سـخنان پیامبر در بیماری را- معاذالله- هـذیان می‌دانیـد، پس دستور نماز به ابی‌بکر هم یکی از همان هذیانهاست!

آیه الله بهجت می‌فرمود: این جواب مسـلّماً نوعی کرامت و امری خـارق العـاده است و هیـچ جوابی در آن مجلس، ماننـد این پاسـخ ویرانگر و کوبنده نمی‌توانست باشد.

۱- جمع پریشان، ج ۱، صص ۱۸، ۷۴، مقاله «الجواد قد یکبو». هنگام حمله به بیت فاطمه ۳، علاوه بر آن حضرت و حضرت امیر ۷، عـده‌ای از بنی‌هـاشم و شـماری از صـحابه نیز در منزل حضـرت حضـور داشـتند و در آنجـا متحصّـن شـده بودنـد، ماننـد: عبّـاس بن عبدالمطّلب، عتبه ابن ابی‌لهب، سـلمان فارسـی، ابوذر غفاری، عمّار بن یاسـر، مقداد بن اسود، براء بن عازب، ابیّ بن کعب، سـعد بن أبی وقّاص، طلحه بن عبیدالله.

حدیث ساختگی: «نحن معاشـر الأنبیاء لا نُورَثُ، ما ترکناه صدقه» در بیشتر کتابهای چاپ شده عالمان شـیعه و نیز در منابر و خطبه‌ها، به اشـتباه «لُانوَرِّثُ» ضبط شده و خوانده می‌شود. شیخ مفید هم رساله‌ای دارد با نام رساله حول حدیث «نحن معاشر الأنبیاء لا نُورَثُ» که درچاپ کنگره شیخ مفید، روی جلد و در صفحه عنوانِ آن «لا نُوَرِّث» ضبط شده، ولی قطعاً اشتباه بوده وصحیح آن همچنان که در کتب عامّه و بحار الأنوار مرحوم مجلسی ضبط شده است- «لا نُورَثُ» است.

ص: ۹۹

ص: ۱۰۰

فدک درگذر تاریخ

علی اکبر مهدی پور

براساس نویـدهای شـفّاف تورات، قوم یهود از طلوع خورشـید اسـلام از افقِ مکّه آگاه بودنـد و می‌دانسـتندکه نور محمد ۹ از «جبل فاران» خواهـد درخشـید (۱). بشـارت هـای تـورات در بـاره پدیـدار شـدن امّـتی عظیم از تبـار حضـرت ابراهیم، از نسـل اسـماعیل و اقامت‌هاجر در «صحرای فاران» بسیار صریح بود (۲).

از این رهگذر، قوم یهود پس از شناسایی نیاکان پیامبر و ناکام ماندنشان در ترور آنان، در صدد برآمدند که در برابر پیشرفت اسلام سدّهای مسـتحکمی ایجاد کنند و مطمئن شوند که نور اسلام به سرزمین قدس شریف نخواهد تابید و آنها در تأسیس پایتخت دولت جهانشـمول یهود در سـرزمین فلسـطین موفق خواهند شد. از این رهگذر تعدادی خاکریز بین مکه و قدس ایجاد کردند که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

.۱یثرب ۲. بنی قریضه ۳. بنی مصطلق ۴. بنی نظیر ۵. خیبر ۶. تبوک ۷. موته. سـپاه اسلام درعهد رسالت، تا موته پیش رفتند و لشگر اسامه به فرمان آن حضرت به سوی قدس گسیل شد که با کارشکنی منافقان عقیم ماند.

با مهاجرت پیامبر خدا ۹ به یثرب، خاکریز اول به راحتی فتح گردید.

یهود بنو قریضه، بنو نضـیر و بنو قینقاع، که محور شـرارت در منطقه بودند، به محضر آن حضرت رسیده، از محتوای دعوتش پرس و جو کردند.

پیامبر خدا در پاسخ فرمود:

۱- کتاب مقدس، عهد قدیم، سفر تثنیه، فصل ۳۳، فراز ۲؛ حبقوق نبی، فصل ۳، فراز ۳، انجمن پخش کتب مقدسه، لندن، ۱۹۰۴ م.

۲- همان، سفر پیدایش، فصل ۲۱، فراز ۲۱- ۱۸

ص: ۱۰۱

من به سوی خداونـد یکتـا و رسـالت خویش فرا می‌خوانم، شـما در تورات نشانه‌هـای مرا خوانده‌ایـد و دانشـمندانِ شـما به شـما خبر داده‌اند که من از مکّه خروج کرده، به سوی حَرّه (یثرب) هجرت می کنم.

گفتند: ما این‌ها را شنیده‌ایم، ولی اکنون می‌خواهیم پیمان صلح امضا کنیم.

سرانجام پیمان عدم تعرّض بسته شد که علیه پیامبر و یاران آن حضرت با دست، زبان، سلاح، در نهان یا آشکار، اقدامی نکنند (۱).

آنگاه گروهی از آنها به مکّه رفتند و در برابر بتها سجده کردند تا اعتماد مشرکان را به خود جلب کنند (۲)

بـا تحریک یهود، قریش آماده نبرد شدنـد و نامه تهدیـد آمیزی از سوی ابوجهل به سوی پیامبر فرسـتاده شـد و مقـدّمات جنگ بـدر فراهم گردید (۳)

پس از پیروزی مسـلمانان در جنگ بدر، یهودیان به مکه رفتند و برکشته‌های مشرکان اشک ریختند و مقدّمات جنگ احد را فراهم ساختند.

نخستین شورش یهود علیه مسـلمانان توسّـط «بنو قینقّاع» از داخل مـدینه آغاز شـد. پیامبر خـدا آنان را به مـدّت ۱۵ روز در محاصـره نگه‌داشت، سپس کـوچ داد (۴) آنگـاه «بنی نضـیر» اعلاـن جنگ کردنـد و سـپاه اسـلام آنها را نیز محاصـره کرده و وادار به تسـلیم نمودند. سپس ابوسفیان یهود «بنی قُرَیضه» را تحریک کرده، قول همکاری دادند و جنگ خندق را پیش آوردند.

پس ازجنگ خندق، پیامبر خدا دستور داد قلعه‌های آنها را نیز محاصره کرده، وادار به تسلیم نمودند (۵)

پس از شـکست بنوقریضه، یهود خیبر همپیمانـان خود را فراخوانـده، مهیّای حمله به مـدینه شدنـد. آنهـا به قلعه‌هـای مسـتحکم خود مغرور بودند و قلعه‌های خود را دژهای نفوذ ناپذیر می‌پنداشتند.

یهود خیبر شش قلعه داشتند که محکم‌ترین آنها «قموص» بود و مرحب خیبری در آن اقامت داشت.

۲۰ /۰۰۰

جنگجو در خیبر مهیّای حمله بودند که مسـلمانان آنها را به محاصـره خود درآوردند. هر روز یکی از اصـحاب مسؤولیّت حمله را بر عهده می گرفت و ناکام بر می گشت، تا اینکه پیامبر فرمود: فردا پرچم را به دست کسـی می‌سپارم که خدا و پیامبر را دوست دارد، خـدا و پیامبر نیز او را دوست دارنـد. او حمله می کند و فتح نکرده بر نمی گردد. آنروز پرچم را به دست امیر مؤمنان داد، او در یک حمله، قلعه را گشود و درِ خیبر را سپر قرار داد و سـپس از آن پل ساخت و سـرانجام چهل ذراع به کنار پرتاب کرد و مرحب خیبری را از پای درآورد و خیبر را فتح نمود (۶)

هشت نفر تلاش کردند که آن را جابه‌جا کنند ولی نتوانستند (۷)

پس از فتح خیبر، پیامبر خدا ۹ پرچمی فراهم ساخت و فرمود: چه کسی برای این پرچم داوطلب می‌شود؟

زبیر گفت: من، فرمود: دور شو.

سعد بن عباده گفت: من، فرمود: دور شو.

آنگاه فرمود: علی‌جان! این پرچم را بردار و به سوی قلعه «فدک» برو.

چون خبر دلاـوری امیرمؤمنـان در منطقه پیچیـد و آوازه فتـح خیبر و قتـل مرحب به گوش اهـالی فـدک رسـید، آنهـا در خود یارای مقاومت ندیدند و پیشنهاد صلح کردند. امیرمؤمنان فدک را در برابر حفظ خون اهالی فدک پذیرفت (۸)

بدینسان فدک بدون جنگ و خون ریزی در اختیار پیامبر خدا ۹ قرار گرفت و لذا خالصه پیامبر بود؛ چنانکه همه مفسّران، محدّثان و مورّخان بر آن تصریح کرده‌اند (۹)

*** پس، آیاتی از قرآن نازل شـد و پیامبر خدا ۹ مأموریّت یافت که آن را به حضـرت فاطمه ۳ عطا کند. ازاینرو، دخت گرامی‌اش

را فرا خواند و فدك را به او عطا كرد و به اميرمؤمنان فرمان داد كه قباله فدك را به عنوان «نِحله» به نام حضرت فاطمه بنويسد (۱۰)

سرگذشت فدك در پرتو آيات:

براساس روايات شيعه و سنّى از پيامبر خدا ۹ و پيشوايان معصوم:، آيات فراوانى در قرآن كريم به داستان فدك مربوط است و حضرت فاطمه ۳ در خطبه‌اى كه به عنوان استيضاح دولت وقت ايراد كرد، به برخى از آنها استدلال نمود:

۱- طبرسى، اعلام الورى، ج ۱، ص ۱۵۷، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۷ ق.

۲- شيخ طوسى، تفسير تبيان، ج ۳، ص ۲۲۳، داراحياء التّراث العربى، بيروت.

۳- واقدى، المغازى، ج ۱، ص ۱۸۰، اعلمى، بيروت، ۱۴۰۹ ق.

۴- همان، ص ۳۷۴.

۵- ابن هشام، السّيره النّبويه، ج ۴، ص ۱۹۵، دار الجيل، بيروت.

۶- يعقوبى، التّاريخ، ج ۲، ص ۴۶، حيدريه، نجف اشرف، ۱۳۸۴ ق.

۷- ابن هشام، السّيره النّبويه، ج ، ص

۸- طبرسى، اعلام الورى، ج ۱، ص ۲۰۹.

۹- ابن شبه، تاريخ المدينه المنوّره، ج ۱، ص ۱۹۳، دارالفكر، قم، ۱۴۱۰ ق.؛ بلاذرى، فتوح البلدان، ص ۲۷، محمد على بيضون، بيروت، ۱۴۲۰ ق.؛ ابن هشام، السّيره النّبويه، ج ۴، ص ۳۲۶؛ طبرى، تاريخ الأمم و الملوك، ج ۲، ص ۴۹۸، اعلمى، بيروت، ۱۴۱۸ ق.؛ ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۰، عيسى البابى، قاهره، ۱۹۲۶ م؛ ذهبى، تاريخ الاسلام، ج ۲، ص ۴۲۲، دار الكتاب، بيروت، ۱۴۱۰ ق.

۱۰- قطب راوندى، الخرائج، ج ۱، ص ۱۱۲، مؤسّسه الامام المهدى، قم، ۱۴۰۹ ق.

ص: ۱۰۲

.۱

وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ؛ «حقّ ذی الْقُرْبی را بپرداز.» (۱) بسیاری از محدّثان، مفسّران و مورّخان اهل سنّت این آیه را به داستان فدک تفسیر کرده‌اند؛ از آن جمله اند:

الف) حافظ عبید الله حسکانی، از علمای بزرگ اهل تسنّن در قرن پنجم هجری در ذیل این آیه شریفه، با سلسله اسنادش به شش طریق از «ابوسعید خُدری» روایت کرده که گفت:

«لَمّا نَزَلَتْ: وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ دَعا رَسُولُ اللهِ ۹ فاطِمَهَ فَأَعْطاها فَدَکاً».

چون این آیه نازل شد پیامبر خدا فاطمه را فرا خواند وفدک را بهاو عطا کرد (۲)

ب) آنگاه با سلسله اسنادش از امیرمؤمنان ۷ نیز به همین تعبیر روایت کرده است (۳)

ج) حافظ ابن کثیر (متوفای ۷۷۴ ق.) نیز با سلسله اسنادش از ابوسعید به همان تعبیر نقل کرده است (۴)

د) حافظ جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق.) در تفسیر این آیه از بزّار، ابویعلی، ابن ابی حاتم و ابن مردویه نقل کرده که با سلسله اسنادشان از ابوسعید خدری روایت کرده‌اند که گفت:

«چون این آیه نازل شد، پیامبر خدا فاطمه را فراخواند و فدک را به او عطا کرد.» (۵)

ه-) امام ثعلبی (متوفای ۴۲۷ ق.) بدون اشاره به فدک می‌نویسد:

برخی گفته‌اند: منظور از «ذَا القُربی» خویشاوندان پیامبرند (۶)

آنگاه از امام سجاد ۷ روایت کرده که به مردی از اهل شام فرمود: آیا این آیه را در سوره بنی اسرائیل خوانده‌ای؟ پرسید: آیا شما از خویشاوندان پیامبر هستید که خداوند امر فرموده حق آنها ادا شود؟ فرمود: آری (۷)

و) امام فخر رازی، متوفای ۶۰۶ ق. می‌نویسد: درمورد مخاطبِ این آیه دو قول است؛ قول نخست این است که:

این آیه خطاب به پیامبر ۹ است. خداوند به آن حضرت فرمان داد که حقوق خویشاوندانش را از فَیء و غنیمت عطا فرماید (۸)

ز) قرطبی (متوفای ۶۷۱ ق.) می‌نویسد: امام زین العابدین ۷ فرمود:

منظور از ذوی القربی خویشاوندان پیامبر هستندکه خداوند امرکرده حقوق آن ها ازبیت المال داده شود؛ یعنی ازسهم ذوی القربی ازجنگ وغنایم جنگی. پس والیانِ امر و جانشینان آن ها، به این امر مخاطب می‌باشند (۹)

ح) بیضاوی (متوفای ۷۹۱ ق.) نیز گوید:

گفته شده که منظور از «ذوی‌القربی» خویشاوندان پیامبر هستند (۱۰)

محدّثان، مفسّران و مورّخان شیعه، متّفق القول اند که این آیه در باره فدک نازل شده و اکنون اشاره‌ای داریم کوتاه، به برخی از آنها:

* فرات کوفی، از رجال برجسته عصر غیبت صغری، با سلسله‌اسنادش از امام صادق ۷ روایت کرده: هنگامیکه آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ نازل شد، پیامبر فدک را به فاطمه عطا کرد. ابان بن تغلب پرسید: پیامبر خدا آن را عطا کرد؟ فرمود: بلکه خداوند آن را به فاطمه عطا فرمود* (۱۱) علی بن ابراهیم قمی تصریح کرده که این آیه در حق حضرت فاطمه نازل شده و فدک را از آنِ او قرار داده است* (۱۲) عیاشی (متوفای ۳۲۰ ق.) از امام صادق ۷ روایت کرده که پیامبر خدا ۹ فدک را وقف کرده بود، پس این آیه نازل شد و پیامبر آن را به فاطمه عطا کرد (۱۳) سپس ازعطیّه کوفی نقل کرده که چون پیامبر خدا ۹ خیبر را فتح کرد، خداوند فدک را فَیْء آن حضرت قرار داد. پس این آیه نازل شد و پیامبر فرمود:

«یَا فَاطِمَهُ لَکِ فَدَکُ»؛ «ای فاطمه فدک از آن توست.» (۱۴)

۱- اسراء ۱۷: ۲۶

۲- حسکانی، شواهد التّنزیل، ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۴۷۲- ۴۶۷، چاپ وزارت ارشاد، تهران، ۱۴۱۱ ق.

۳- همان، ص ۴۴۲، ح ۴۷۳.

۴- ابوالفداء، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۵، المکتبه العصریّه، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

۵- سیوطی، الدّر المنثور، ج ۴، ص ۴۷۷، چاپ آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق. افست چاپ مصر.

۶- ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۶، ص ۹۵، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

۷- همان.

۸- فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۰، ص ۱۹۳

۹- قرطبی، الجامع لأحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۴۷، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۹۶۶ م

۱۰- بیضاوی، انوار التّنزیل، ج ۲، ص ۲۹۸، دارالرّشید، بیروت، ۱۴۲۱ ق.

۱۱- فرات کوفی، تفسیر فرات، ج ۳، ص ۲۳۹، ح ۳۲۲، مؤسّسه النّعمان، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۱۲- علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸، دارالکتاب، قم، ۱۳۸۷ ق.

۱۳- عیّاشی، التّفسیر، ص ۴۵، ح ۴۷، مؤسّسه البعثه، قم، ۱۴۲۱ ق.

۱۴- همان، ص ۴۶، ح ۵۰.

ص: ۱۰۳

* شیخ طوسی نیز به تفصیل نقل کرده که پس از نزول آیه، پیامبر خدا ۹ حضرت فاطمه را فراخواند و فدك را به او عطاكرد وكارگزاران فاطمه درطول حیات پیامبر درآنجا مستقر بودند. پس از ارتحال آن حضرت فدك را مصادره كردند* (۱) علّامه طبرسی از امام سجاد و دیگر معصومین: و از حافظ حسكانی روایت كرده كه پس از نزول این آیه، پیامبر خدا ۹ فدك را به حضرت فاطمه بخشید* (۲) سید هاشم بحرانی، بیش از ده حدیث از طریق شیعه و سنی روایت كرده كه پس از نزول این آیه، پیامبر به فرمان خدا فدك را به فاطمه عطا كرد* (۳) فیض كاشانی پس از نقل احادیث وارده، در ذیل این آیه می‌نویسد: احادیث در این معنی، به حدّ استفاضه رسیده است (۴)

* ابن مشهدی نیز بیش از ده حدیث در ذیل این آیه، در همین رابطه نقل كرده است. (۵)

وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ؛ «پس حق (ذِی القُربی) را بپرداز.» (۶) گروهی از مفسّران شیعه و سنّی در ذیل این آیه شریفه روایت كرده‌اند كه چون این آیه نازل شد، پیامبرخدا ۹ حضرت فاطمه ۳ را فرا خواند و فدك را به او عطا كرد، كه از آن جملهاند:

الف) حافظ حسكانی، با سلسله اسنادش از ابن عباس (۷)

ب) فرات كوفی، با سلسله اسنادش از امام صادق ۷ (۸)

ج) عیاشی، با سلسله اسنادش از امام صادق ۷ (۹)

د) علی بن ابراهیم، با سلسله اسنادش از امام صادق ۷ (۱۰)

ه‍) بحرانی با سلسله اسنادش از امام باقر، امام صادق و ابوسعید خدری (۱۱)

۳.

مَا أَفاءَ اللَّهُ عَلَی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی (۱۲) «آنچه خداوند از اهل آبادی‌ها بر پیامبر بر گرداند، از آنِ خدا، پیامبرِ خدا و ذوی‌القربی است.»

در این آیات مباركه، خداوند منّان در مورد آنچه مسلمانان برای به دست آوردنآن ركاب نزده، اسب واستری نتاخته‌اند، می‌فرماید: آنها «فَیْء» هستند و ازآنِ خدا و رسول و ذوی القربی می‌باشند.

در ذیل این آیات، مفسّران و محدّثان به داستان فدك پرداخته و آن را جزو «فَیْء» شمرده اند؛ از جمله آنها است:

الف) ثعلبی از ابن عباس نقل كرده كه منظور از این‌آیه، اموال بنو قُرَیضه، بنو نَضیر، فدك، خیبر، و عُرَینه می‌باشد، كه خداوند همه‌اش را در اختیار پیامبر قرار داد و این آیات را نازل كرد و منظور از ذوی القربی خویشان پیامبر هستند و آنها بنی‌هاشم و بنی‌عبد المطّلب هستند (۱۳)

ب) طبری نیز همین متن را با سلسله‌اسنادش از ابن عباس نقل كرده است (۱۴)

ج) قطب راوندی معجزه باهره‌ای از پیامبر خدا ۹ روایت كرده كه در فرازی از آن آمده است:

«جبرئیل امین پیامبر را با طیّ الأرض به سرزمین فدك برد و در خانه‌های آن به گردش در آورد و آیه شریفه را تلاوت كرده، گفت: ای محمد، این را خداوند به تو اختصاص داده، دیگران هیچ نصیبی درآن ندارند.»

پیامبر ۹ به مدینه باز گشته، كلیدهای فدك را به مردم ارائه كرد و به حضرت فاطمه ۳ فرمود:

«دخترم! خداوند فدك را به پدرت اختصاص داد. دیگر مسلمانان نصیبی در آن ندارند. هرگونه كه بخواهم درآن تصرّف می كنم. مادرت خدیجه مهریّه‌ای در عهده پدرت داشت، پدرت فدك را به عنوان مهریّه‌مادرت به تو داد، تا نحله تو باشد، سپس از آن فرزندانت.»

آنگاه پوست دبّاغی شده عُكاظی طلب نمود و به علی ۷ فرمود:

۱- شیخ طوسی، التّبیان، ج ۶، ص ۴۶۸، داراحیاء التّراث، بیروت، بی‌تا.

۲- طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۳۳، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۳- بحرانی، البرهان، ج ۶، صص ۷۸- ۷۵، مؤسّسه البعثه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

۴- فیض، الصّافی، ج ۴، ص ۴۰۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۹ ق.

۵- مشهدی، کنزالدّقایق، ج ۷، صص ۳۹۲- ۳۸۸، چاپ ارشاد، تهران، ۱۴۱۱ ق.

۶- روم ۳۰: ۳۸.

۷- حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۳، ص ۵۷۰، ح ۶۰۸.

۸- فرات کوفی، التّفسیر، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۴۳۷ و ۴۳۸.

۹- عیاشی، التفّسیر، ج ۳، ص ۴۵، ح ۴۹.

۱۰- علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۱۱- بحرانی، البرهان، ج ۷، صص ۴۴۳- ۴۴۷.

۱۲- حشر ۵۹: ۷.

۱۳- ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۹، ص ۲۷۳.

۱۴- طبری، جامع البیان، ج ۲۸، ص ۲۴، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

ص: ۱۰۴

«اکْتُبْ لِفاطِمَهَ بِفَدَکَ نِحْلَهً مِنْ رَسُولِ اللهِ».

«برای فاطمه فدک را به عنوان نِحله پیامبر خدا بنویس.»

حضرت علی، امّ ایمن و یکی از غلامان پیامبر بر آن گواه شدند (۱)

سپس راوندی گوید:

«اهالی فدک آمدند و پیامبر ۹ فدک را به آنها سالیانه به ۲۴۰۰۰ دینار مقاطعه نمود.» (۲)

د) به نقلی دیگر پیامبر ۹ و علی ۷ درکنار هم، فدک را گشودند (۳)

ه‍) امام رضا ۷ در مجلس مأمون با این آیه شریفه استشهاد نموده، فرمود: هنگامیکه این آیه نازل شد، رسول الله ۹ حضرت فاطمه ۳ را فراخواند و فرمود:

«این فدک بهمن اختصاص دارد، مسلمانان برای تصرّفآن رکاب نزده‌اند. خداوند به من امر فرموده که آن را به تو عطا کنم. پس آن را برای خود و فرزندانت بگیر.» (۴)

پیشینه فدک

براساس آنچه مرحوم نهاوندی از کتاب «زبده الأقارن» نقل کرده، پیشینه سرزمین فدک به قرن دهم پیش از میلاد می‌رسد.

وی در ضمن داستان بسیار مفصّلی نقل می‌کند که یکی از خواصّ اصحاب حضرت موسی ۷ به نام «ذَرخاء» مشهور به «ذَرخاءِ زاهد» از حضرت موسی ۷ وصف پیامبر اسلام ۹ و امیر مؤمنان ۷ را شنیده بود و آگاهی زیادی از رمل و اسطرلاب داشت.

در ضمن سیر و سیاحت خود، به محلّی در نزدیکی «یثرب» رسید، از آنجا خوشش آمد. چاه آبی حفر نمود، چشمه پر آبی پدیدار گردید. پس در آبادانی آنجا کوشید. زاهدان و عابدان از ایل و تبارش به آنجا کوچ کردند. در اندک زمانی هشت قریه در آنجا پدید آمد.

چون اجلش فرا رسید فرزندانش را گرد آورد و گفت:

«یکهزار وپانصد وپنجاه سال بعد، پیامبری به نام «محمد» دراینجا مبعوث می‌شود، دامادش که «علی» نام دارد، وصیّ و خلیفه اوست.»

آنگاه معجزه باهره‌ای از آن حضرت نقل کرده، افزود:

«چون او مبعوث شود و این معجزه از او صادر گردد، پس همگی به او ایمان آورده، این هشت قریه را تسلیمش نمایید.» (۵)

وجه تسمیه فدک

در اینکه چرا این سرزمین «فدک» نامیده می‌شود، دو وجه گفته شده:

۱.

پس از مهاجرت پیامبر ۹ به یثرب، یکی از نوادگانِ «ذَرخاء» به پیامبر ایمان آورد و معجزه‌ای را که نیای او (ذرخاء) پیشگویی کرده بود، توسّط آن حضرت به وقوع پیوست، پس او بر اساس لوحی زرّین، که در صندوقی در بسته از «ذرخاء» به او رسیده بود، آن هشت قریه را به آن حضرت تقدیم نمود و عرضه داشت: «فَداکَ»؛ «این سرزمین به فدای شما.»

پس آنجا به «فَداکَ» موسوم شد و در اثرکثرت استعمال، الفِ آن حذف گردید و به «فَدَک» شهرت یافت (۶)

۲.

زجاجی گوید: نخستین کسی که در این سرزمین فرود آمد «فدک بن حام» بود و لذا به نام او «فدک» نامیده شد (۷) گستره فدک

فدک بیش از آنکه به عنوان مال ومنال و جاه و مقام مطرح باشد، نمادِ حقّانیت اهلبیت: در برابر صاحبان زر و زور و تزویر است.

آنچه از معصومین: در مورد محدوده فدك رسیده، این معنی را به روشنی بیان می‌کند و اکنون به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف) امیرمؤمنان ۷ محدوده فدك را به شرح زیر بیان فرمود:

۱- قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲- همان، ص ۱۱۳.

۳- فرات کوفی، تفسیر فرات، ج ۲، ص ۴۷۴.

۴- مشهدی، کنز الدّقایق، ج ۱۳، ص ۱۶۱.

۵- نهاوندی، خزینه الجواهر، صص ۵۶۵- ۵۶۸، چاپ ششم، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۶- نهاوندی، همان، ص ۵۶۸.

۷- حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۴۰، داراحیاء التّراث، بیروت، ۱۳۹۹ ق.

ص: ۱۰۵

* یک حدّ آن کوه احُد*

یک حدّ آن عَریش مصر*

حدّ دیگرش سَیفُ البحر*

حدّ چهارمش دَومَهُ الجَندَل (۱) اگر حدود کشور پهناور اسلامی را در عهد مولای متقیان در نظر بگیریم، در واقع آن حضرت حدود کشور اسلامی را به عنوان محدوده فدک بیان فرموده است.

ب) روزی حضرت موسی بن جعفر ۸ بر مهدی عباسی وارد شد، او مشغول ردّ مظالم بود، حضرت فرمود: چه شده که مظالمِ ما به ما برگردانیده نمی شود؟!

خلیفه عباسی پرسید: چه مظلم های؟

امام ۷ سرگذشت فدک را به تفصیل بیان کرد. وی گفت: حدّ آن را برای من بازگو. فرمود:

* یک حدّ آن کوه احد*

حدّ دیگرش عریش مصر*

حدّ سومش سیف البحر*

حدّ چهارم دومه الجندل. خلیفه پرسید: همه اینها جزو فدک میباشد؟ فرمود: آری (۲)

ج) روزی هارون الرشید به حضرت موسی بن جعفر ۸ گفت: فدک را بگیر. حضرت امتناع کرد. هارون اصرار ورزید. حضرت فرمود: اگر فدک را پس می‌دهی، همه حدود آن را میخواهم.

هارون گفت: حدود آن چیست؟ حضرت فرمود: اگر حدود آن را بیان کنم، تسلیم نخواهی کرد. هارون گفت: به جدّت سوگند که تسلیم می کنم.

امام کاظم ۷ فرمود: یک حدّ آن، عدن است.

چهره هارون دگرگون شد.

حضرت فرمود: حدّ دیگر آن سمرقند است.

در این هنگام اضطراب و نگرانی به هارون دست داد.

حضرت فرمود: حدّ سوّم آن آفریقا است.

رنگ هارون سیاه شد.

امام ۷ فرمود: حدّ چهارم آن کرانه خزر و ارمنستان است.

هارون گفت: دیگر چیزی برای ما باقی نماند.

حضرت فرمود: گفتم که اگر حدود آن را مشخّص کنم، پس نخواهی داد.

اینجا بود که هارون تصمیم گرفت او را به شهادت برساند (۳)

روی این بیان، مطالبه فدک از سوی حضرت زهرا ۳ به جهت ارزش مالی آن نبود، بلکه فدک نماد حقّانیت اهلبیت بود و حضرت فاطمه برای حمایت از امام زمانش آن را از حکومت وقت مطالبه می کرد و در طلب آن پای می‌فشرد.

۱- طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ۲۸۳، مکتبه مرتضویه، تهران، ۱۳۶۵ ش.

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴۳، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

۳- سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۴۶۶، مجمع جهانی اهلبیت، قم، ۱۴۲۶ ق. به نقل از ربیع الأبرار زمخشری، ج ۱، ص ۳۱۵، شریف رضی، قم، ۱۴۱۰ ق.

ص: ۱۰۶

مطالبه فدک

به گفته روایات، خواسته‌های حضرت فاطمه ۳ از دولت وقت، منحصر به «فدک» نبود، بلکه ارث خود از پیامبر اکرم ۹، فَیْء، فدک و بازمانده خمس خیبر را نیز طلب می‌نمود.

بخاری با سلسله اسنادش از عایشه روایت کرده که گفت:

«إنَّ فاطِمَهَ ۳ بِنْتَ النَّبیّ ۹، أرْسَلَتْ إلی أبی بَکْرٍ تَسْأَلُهُ میراثَها مِنْ رَسُولِ اللهِ ۹ مِمّا أفاءَ اللهُ عَلَیْهِ بِالْمَدینهِ وَفَدَک، وَ ما بَقِیَ مِنْ خُمْسِ خَیْبَرٍ».

«فاطمه دخت پیامبر، کسی را نزد ابوبکر فرستاد ومیراث خود را از پیامبر، از آنچه خداوند برای او «فَیْء» قرار داده، از فدک و از بازمانده خمس خیبر طلب کرد.»

ابوبکر گفت: پیامبر فرموده است: «ما ارث نمی‌گذاریم، آنچه از ما بماندصدقه است ...»

ابوبکر از اینکه چیزی از آنها را به فاطمه بدهد امتناع کرد، پس فاطمه بر او خشم کرده، قهر نمود و تا زنده بود با او سخن نگفت.

وقتی وفات یافت، علی ۷ او را شبانه دفن کرد و خود بر او نماز گزارد و ابوبکر را از این امر آگاه نکرد (۱)

ابن ابی الحدید می‌نویسد:

«مردم خیال می‌کنند که حضرت فاطمه ۳ تنها میراث و نحله خود را از ابوبکر مطالبه می‌کرد، ولی من در احادیث یافتم که وی مطالبه سوّمی نیز داشت که آن را نیز ابوبکر دریغ نمود و آن سهم ذوی القربی بود.» (۲)

البته حضرت فاطمه ۳ دو مطالبه دیگر نیز داشت و آنها عبارت بودند از:

۱)

صدقات پیامبر ۲ ۹) سهم وی از غنایم جدیدکه در اختیار حکومت بود. صدقات پیامبر:

بحث در باره صدقات پیامبر ۹ زمان گسترده‌ای را می‌طلبد، در اینجا تنها به یک قلم از آنها اشاره می‌کنیم و آن اموال «مُخَیرِیق» یهودی بود که همه‌اش را در اختیار پیامبر قرار داد و حضرت آنها را جزو صدقات خود نمود.

اموال او شامل: دلال، برقه، اعواف، صافیه، مَیثب، حُسنی و مَشرَبه امّ ابراهیم بود (۳)

ابن شبّه با سلسله اسنادش نقل کرده که حضرت فاطمه ۳ کسی را نزد ابوبکر فرستاد ومیراثش را از فَیء، فدک، باقیمانده خمس خیبر وصدقات پیامبرطلب کرد (۴)

با توجه به نمادین بودن بحث «فدک»، بسیار طبیعی بود که حضرت فاطمه ۳ از غنایم جدیدی که در اختیار خلیفه قرار می‌گرفت، حق خود را مطالبه کند.

ارزش ریالی فدک

محدّثان، مفسّران و مورّخان حامی مکتب خلافت، کوشیده اند ارزش ریالی فدک را بسیار پایین نشان دهند و گفته‌اند که خلیفه دوم نصف فدک را از اهالی فدک به ۰۰۰ /۵۰ درهم خرید (۵)

این ادّعا یقیناً بی‌پایه است؛ زیرا:

اوّلًا: به نصّ آیات قرآن، تمام فدک در اختیار پیامبر بود، نه نصف آن.

ثانیاً: پیامبر ۹ درآمد فدک را به اهالی فدک سالیانه به ۲۴۰۰۰ دینار (معادل ۰۰۰ /۲۴۰ درهم) مقاطعه کرده بود (۶)

ثالثاً: درآمد سالیانه فدک به ۰۰۰ /۷۰ دینار (معادل ۰۰۰ /۷۰۰ درهم) می‌رسید (۷)

رابعاً: نخل‌های فدک، با همه نخلستان‌های کوفه برابری می‌کرد (۸)

۱- بخاری، الصّحیح، ج ۵، ص ۱۷۷، دارالجیل، بیروت، افست چاپ سلطانی یونینی.

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۰، چاپ عیسی الحلبی، قاهره، ۱۹۶۳ م.

۳- ابن شبه، تاریخ المدینه المنوّره، ج ۱، ص ۱۷۳.

۴- همان، ص ۱۹۶.

۵- واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۷۰۷، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۹.

۶- مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۱۶.

۷- سید بن طاووس، کشف المحجّه، ص ۱۲۴.

۸- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

ص: ۱۰۷

و نکته مهم اینجا است که مطالبه فدک از سوی حضرت فاطمه ۳ تنها برای احقاق حق بود وگرنه در تمام مدّتی که فدک در اختیار حضرت فاطمه بود، او درآمد فدک را به فقرا می‌داد و خود همانند وضع پیش از تملّکِ فدک زندگی می‌کرد.

حضرت فاطمه در زهد و ایثار همسنگ امیر مؤمنان است که معاویه در حقّش می‌گوید:

«اگر برای علی دو انبار؛ یکی از طلا و دیگری از کاه باشد، او نخست طلاها را انفاق می‌کند، سپس کاه‌ها را.» (۱)

روی این بیان، مطالبه ارث، فیء، نحله، خمس و صدقات، منحصراً برای دفاع از ولایت امیر مؤمنان ۷ بوده است.

قباله‌های فدک

پیامبر خدا با توجّه به علم گسترده‌ای که از رخدادهای بعدی داشت، برای حضرت فاطمه سندی نوشت و حضرت علی، امّایمن و یکی از غلامانش را برآن، شاهد گرفت، این نخستین قباله فدک بود (۲)

دوّمین قباله را ابوبکر، پس ازگواهی امیرمؤمنان و امّایمن، به عنوان عدم تعرّض، نوشت و به آن حضرت داد. حضرت زهرا وقتی از منزل خلیفه به خانه برمی‌گشت، با عمربن خطاب روبه رو آمد. عمر پرسید: این چیست که همراه تو است؟ فرمود: پسر ابی‌قحافه برای من نوشته است. گفت: بر من ارائه کن تا ببینم. وقتی آن را از حضرت گرفت، نگاه کرده، به آن آب دهان انداخت و پاره کرد (۳)

سومین قباله را مأمون عباسی (۴) وچهارمین قباله را عمر بن عبدالعزیز نوشتند (۵)

ماجرای فدک

داستان فدک بسیار گسترده و بستر سخن بسیار وسیع است و سخنان ناگفته و دُرهای ناسفته در این زمینه فراوان است که به جهت محدودیت صفحات مجلّه، از همه آنها صرف نظر می‌کنیم، فقط دست به دست شدن آن را به طور فشرده می‌آوریم:

۱- پیامبر ۹ به فرمان پروردگار، به عنوان «خالصه» آن را در دست گرفت. ۲- به فرمان خداوند آن را به عنوان «نحله» به حضرت زهرا تسلیم کرد. ۳- در طول حیات پیامبر، حضرت زهرا آن را در تصرّف خود داشت. ۴- پس از ارتحال پیامبر، ابوبکر آن را مصادره کرد. ۵- پس از آن، خلیفه دوم به مدّت دو سال فدک را تصرّف کرده، به امیر مؤمنان بازگرداند. ۶- عثمان آن را مصادره کرد. ۷- معاویه آن را به مروان بخشید. ۸- عمر بن عبدالعزیز آن را بازگرداند. ۹- پس از او، بار دیگر مصادره شد و سفّاح برگرداند. ۱۰- باز هم غصب شد و مهدی پس داد. ۱۱- باز هم مصادره شد و مأمون برگرداند. ۱۲- همچنین غصب شد و واثق پس داد. ۱۳- باز هم غصب شد و منتصر برگرداند. ۱۴- و باز مصادره شد و مهتدی برگرداند. ۱۵- باز برای چندمین بار مصادره شد و راضی بالله پس داد (۶) روی این بیان، فدک در ایّام خلافت امویان و عباسیان، ۱۰ بار مصادره شد و باز به فرزندان حضرت فاطمه بازگردانده شد.

۱- علامه حلّی، کشف الیقین، ص ۴۵۷.

۲- طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۰۹.

۳- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴۳.

۴- طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۶۳۴.

۵- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۲۲۵.

۶- ر. ک به: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۶؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۳۴؛ سمهودی، وفاء الوفا، ج ۳،

ص ۹۹۷، احیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۱ ق. بحرانی، البرهان، ج ۶، ص ۷۸ و محدّث قمی، فیض العلّام، ص ۲۱۱، نوید، قم، ۱۳۶۵ ش.

ص: ۱۰۸

از این دست به دست شدن، می توان کشف کرد که خلفا نیز یقین داشتند که حدیث «نحن معاشرالأنبیاء لاـ نورث» دروغ است و دروغ بودن آنرا، حضرت فاطمه با استناد به آیات قرآن در خطبه مشهور خود، که به عنوان استیضاح دولت وقت در میان مهاجران و انصار ایراد کرد، اثبات نمود (۱)

۱- نگارنده این خطبه را از ده منبع معتبر نقل کرده و کتابشناسی ۹۲ عنوان از شروح آن را در «کتابنامه آثار ماندگار تنها یادگار پیامبر» دلیل ما، قم، ۱۳۸۴ ش. آورده است. چون خبر دلاوری امیرمؤمنان در منطقه پیچید و آوازه فتح خیبر و قتل مرحب به گوش اهالی فدک رسید، آنها در خود یارای مقاومت ندیدند و پیشنهاد صلح کردند. امیرمؤمنان فدک را در برابر حفظ خون اهالی فدک پذیرفت.

بدینسان فدک بدون جنگ و خون ریزی در اختیار پیامبر خدا ۹ قرار گرفت و لذا خالصه پیامبر بود؛ چنانکه همه مفسّران، محدّثان و مورّخان بر آن تصریح کرده‌اند.

فرات کوفی، از رجال برجسته عصر غیبت صغری، با سلسله‌اسنادش از امام صادق ۷ روایت کرده: هنگامیکه آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ نازل شد، پیامبر فدک را به فاطمه عطا کرد. ابان بن تغلب پرسید: پیامبر خدا آن را عطا کرد؟ فرمود: بلکه خداوند آن را به فاطمه عطا فرمود.

مطالبه فدک از سوی حضرت فاطمه ۳ تنها برای احقاق حق بود و گرنه در تمام مدّتی که فدک در اختیار حضرت فاطمه بود، او درآمد فدک را به فقرا می‌داد و خود همانند وضع پیش از تملّکِ فدک زندگی می کرد.

حضرت فاطمه در زهد و ایثار همسنگ امیر مؤمنان است که معاویه در حقّش می گوید:

«اگر برای علی دو انبار؛ یکی از طلا و دیگری از کاه باشد، او نخست طلاها را انفاق می‌کند، سپس کاه‌ها را.

ص: ۱۰۹

ص: ۱۱۰

ص: ۱۱۱

ماجرای فدک

علی‌محمد بشارتی

تلاش ما بر آن است با بررسی دقیق موضوعِ فدك و كاوش در اسناد مربوط به آن و تجزیه و تحلیل مدارك مختلف، به این رویداد تاریخی بپردازیم.

علاقمنـدی شدیـد نگارنده به این موضوعِ حساس، به‌گونه‌ای است كه از سال‌ها پیش اسـناد و مدارك مختلف مربوط به فدك را از كتب معتبر اهل سنت و تشیّع استخراج و فیش برداری نموده و پس از دسته بندی به صورت دقیق تنظیم كرده‌ام.

اكنـون كه پس از ۲۰ سال، با عنایت ویژه پروردگار سـبحان، به نگارش این رویـداد مهم اقـدام می‌شود، تقریباً اسـناد و مـدارك آن كاملًا در دسترس می‌باشد.

ص: ۱۱۲

از سوی دیگر، بـا توجّه به اهمیت این موضوع از دیـد شـیعه و توجّه خـاص بسـیاری از بزرگـان اهل تسـنن به این رویـداد، دو اقـدام جدید به تلاش‌های مستمر گذشته اضافه شده است:

۱- سـفر به منطقه فـدک؛ نگارنـده از مناطق بـدر و حنین و تبوک و خیبر و فدک دیدار کرده و منطقه را به لحاظ استراتژیکی مورد بررسـی دقیق (البته از دیـد خود) قرار داده‌و یادداشت‌هـای مفیـد تهیه کرده‌ام. شایـد این تحلیـل دقیق، نخستین بـار است که در زبان فارسـی منتشر می‌شود. ۲- بررسـی‌دقیق‌تر اسـناد؛ همانگونه‌که پیش‌تر اشاره شـد، مـدارک مربوطبه فدک، هرچند از قبل تهیه وتنظیم گردیده، ولی برای پرهیز از یکجانبه‌گرایی و جلوگیری از عجله و شـتاب- که با کارهای پژوهشـی وتحقیقاتی منافات آشکار دارد- اسناد مربوط، مجدداً مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت تا چیزی از قلم نیفتد. سرزمین فدک

درجنوب شـرقی مدینه و در نزدیکی‌های خیبر، آبادی‌های پراکنده و چشـمه سارها و قنات‌های فراوانی در قدیم وجود داشـته که آن را «فدک» می‌خواندند.

با توجه به هوای داغ، گرم و خشک مکه و هوای گرم مدینه، فدک از هوایی نسـبتاً ملایم برخوردار بوده و هنوز هم نسبت به مکه و مدینه، هوای بهتری دارد.

این سـرزمین سوق الجیشـی و تپه ماهورهـا سـرزمینی بسـیار آباد و پرمحصول بوده و از این رو، همواره مورد توجه ساکنان و مردمی بوده که با اهالی آنجا در داد و ستد و رفت و آمد بوده‌اند.

فاصله فدک تا مدینه حدود ۱۴۰ کیلومتر است. به جهت حاصـلخیز بودن سرزمین آن، یهودیان از دیر باز بر آن استیلا یافته و قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را بر اطراف توسعه دادند و تقریباً همه مناطق؛ اعم از یثرب وحومه را زیر سلطه سنگین خود گرفتند. سلطه بر این سـرزمین حاصـلخیز و آباد، به یک نبرد نظامی نیرومند نیاز دارد؛ به همین دلیل سران سلطه‌گر یهود و رؤسای قبایل آن، همواره برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان در قلمرو گسترده خود، در یک حالت نظامی دائمی به سر می‌بردند.

اگر سـخن یعقـوبی را در مورد جمعیت یهودیـان این منطقه بپـذیریم، حساسـیت منطقه و موقعیت ویژه آن مشـخص می‌شود. یعقوبی جمعیت این منطقه را در آن زمان بالغ بر بیست هزار نفر نوشته است (۱)

موقعیت فدک

یهودیان ازدیرباز، عناصـری حریص و مال دوست بوده‌اند. درست است که مهاجرت آن‌ها به مدینه، برابر بعضـی از اسـناد، به منظور گرویـدن به اسـلام و ایمـان آوردن به پیـامبر اسـلام بوده، اما خوی مال دوستی و دنیا طلبی‌شان باعث شـد که پس از بعثت حضـرت محمد، نه تنها به اسلام ایمان نیاورند که به عکس، در تمامی توطئه‌ها و پیکارهایی که بر ضدّ اسلام صورت می‌گرفت سهیم شدند. آنان عناصـری موقعیت‌شـناس واقتصادی بودنـد. اسـتقرار در بهترین وخوش‌آب‌وهواترین و استراتژیک‌ترین نقاط جزیره العرب- که فدک یکی از آن‌ها بود- از همین خصلت آنان نشأت می‌گرفت.

فدک سـرزمینی تپه ماهور و کوهپایه‌بود. این مسأله را علاوه بر این‌که نگارنده خود از نزدیک مشاهده کرده، اسناد تاریخی نیز دلیل محکمی است بر این ادعا.

واقدی‌که مورخ قرن دوم بوده و درسال ۲۰۷ قمری از دنیا رفته است، می‌نویسد:

«یهویـان مردمی بودنـد که همواره محصول و میوه داشـتند. آب‌هـای ایشـان؛ چون آب ناحیه «تیماء»، چشـمه‌ای بود که از بُن کوهی جریان داشت و هیچ‌گاه کم نمی‌شد. خیبر آن قدر آب داشت که گویی بر روی آب قرار گرفته است. فدک هم اینگونه بود.» (۲)

از نوشته واقدی بر می‌آید که فدک منطقه‌ای کوهستانی بوده؛ زیرا درآن چشمه‌هایی وجود داشته است.

بسـیاری از مورّخان نوشـته‌اند: فاصـله فدک تا مدینه دو روز راه بوده است (۳) به نظر می‌رسـد این سـخن درست باشد؛ زیرا در آن

روزگار و با وسایل آن زمان، هر روز می‌توانستند حد اکثر ۷۰ کیلومتر راه طی کنند، جز موارد استثنایی و ضروری که با اسب‌های تندرو بسیار بیش از این می‌پیمودند. حال با توجه به این‌که اغلب اسناد حاکی است فاصله فدک تا مدینه دو روز بوده، البته با وسایل نقلیه مرسوم زمان پیامبر که اسب، استر و یا شتر بوده است، نتیجه می‌گیریم که فاصله فدک تا مدینه حدود ۱۴۰ کیلومتر است نه بیشتر. بنابراین، بعضی از نظریات، که فاصله مدینه تا فدک را ۲۲۰ یا ۲۵۰ کیلومتر دانسته‌اند صحیح به نظر نمی‌رسد.

محصول فدک

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۶.

۲- مغازی، ص ۵۴۴.

۳- مصباح المنیر فیومی و بهجه قلب المصطفی ص ۵۵ و مجمع البحرین و معجم البلدان، ج ۶، ص ۳۴۲.

ص: ۱۱۳

عمده تولیدات فدک خرما بوده و اگر جو یا گندمی تولید می‌شده، قابل توجه و ملاحظه نبوده است.

به گفته برخی روایات، محصول سالیانه فدک ۲۴ و یا ۷۰ هزار دینار بوده است (۱) البته هر دو دسته روایات می‌تواند درست باشد؛ زیرا همانگونه که گفتیم، عمده محصولات فدک خرما بوده و نخل خرما درختی است پر محصول که یک سال خوب ثمر می‌دهد و سال بعد حدود یک سوم محصول سال قبل بار می‌آورد.

بنابراین، عدد ۷۰۰۰۰ دینار، متعلق به سال‌های پر محصول و ۲۴۰۰۰ دینار (حدود یک سوم هفتاد هزار دینار) مربوط به سال‌های کم محصول است؛ یعنی متوسط درآمد سالیانه فدک چیزی حدود ۵۰ هزار دینار بوده است.

درآمد سابق فدک به وجه رایج امروز

تبدیل درهم و دینار- که وجه رایج زمان پیامبر بوده- به وجه رایج امروز، کار دشواری نیست. هر دینار معادل ده درهم و هر درهم به وجه رایج امروز، حدود بیست هزار ریال (دو هزار تومان) می‌شود. پس در آمد سالیانه فدک به وجه رایج امروز، چیزی حدود یک میلیارد تومان بوده است.

ممکن است برخی در رقم یاد شده تردید کنند. اکنون برای روشن شدن ذهن اینگونه افراد، توضیح می‌دهیم که برابر آنچه کتب معتبر شیعه در مورد در آمد سالیانه فدک نقل کرده‌اند و مرحوم شیخ عباس قمی در سفینه البحار آورده، (۲) محصول سالیانه فدک ۲۴ و یا ۷۰ هزار دینار بوده است.

گفتیم که تفاوت عدد ۲۴ هزار دینار و ۷۰ هزار متعلّق به تولیدات متفاوت خرمای فدک در سنوات مختلف بوده است. بنابراین:

در آمد دو سال فدک (دینار)

G ۲۴۰۰۰ /۹۴۰۰۰ ۷۰۰۰۰

میانگین درآمد سالیانه فدک (دینار)

۴۷۰۰۰/ ۲

۹۴۰۰۰

در آمد متوسط سالیانه فدک (ریال) ۰۰۰ /۰۰۰ /۰۰۰ /۲۰۰۰۰* ۴۷۰۰۰/ ۹۴۰

از طرفی تقریباً همه محقّقان، هر دینار را ده برابر درهم (۳) و هر ده دینار را معادل هفت مثقال طلا نوشته‌اند، (۴) پس اگر قیمت هرمثقال طلا را امروز ۰۰۰ /۳۶۲ ریال (۵) محاسبه کنیم، عدد زیر به دست می‌آید:

قیمت هفت مثقال طلا یا ده دینار به ریال ۰۰۰ /۴۹۲ /۰۰۰* ۷ /۲ /۳۵۶

قیمت یک دینار به ریال

۰۰/ ۲۴۹/ ۱۰

۰۰۰/ ۴۹۲/ ۲

ما برای سادگی محاسبات، قیمت هر دینار را بیست هزار تومان گرفته‌ایم تا محاسبات بعدی برای عموم قابل درک و فهم باشد.

وچون متوسط در آمد سالیانه فدک ۵۰ هزار دینار بوده است، به تومان می‌شود:

یک میلیارد تومان در آمد سالیانه فدک

(۵۰ /۰۰۰* ۲۰۰ /۰۰۰/ ۱۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰)

افرادی که متوجه نشدند، یک بار دیگر محاسبات را ملاحظه کنند.

وسعت و گستره فدک

حال‌که دانستیم حداقل در آمد سالیانه فدک چیزی حدود یک میلیارد تومان بوده است، با یک محاسبه علمی می‌توانیم وسعت فدک را هم به دست آوریم.

۱- مصباح المنیر فیومی و بهجه قلب المصطفی، ص ۵۵ و مجمع البحرین و معجم البلدان، ج ۶، ص ۳۴۶ و سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳- لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۴۱۷ و تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۹۹.

۴- لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۱۰۰۴۵.

۵- روزنامه جام جم چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۸۳، ص ۴.

ص: ۱۱۴

نخلبان‌ها و آشنایان به نخلداری و نخلکاری، به‌خوبی می‌دانند که مقدار تولید خرما از هر نخل متفاوت است و این تفاوت، به چند عامل بستگی دارد:

۱

– موقعیت زمین: هر چه زمین مناسب‌تر باشد، تولید خرما بیشتر و کیفیت آن بهتر می‌شود. در زمین‌های ماسه‌ای و شنزار، نخل زودتر و بهتر ثمر می‌دهد. ۲– آب و هوا: نخل در مناطق گرم و مرطوب، محصولِ مطلوب‌تری دارد و نیز در هنگام بارداری، باید هر هفته آب بخورد. گرم و خشک بودن محیط، کمیّت و کیفیت خرما را پایین می‌آورد. ۳– پیری و جوانی: نخل جوان، خرمای ممتاز و زیاد ندارد. نخل پیر نیز خرمای فراوان ومطلوب نمی‌دهد. بهترین خرما مربوط به نخل‌های ۱۵ تا ۴۰ ساله است. گفتنی است عمر نهایی نخل، مانند عمر انسان، از ۸۰ تا ۱۰۰ سال است. ۴– انواع خرما: تاکنون بیش از ۷۰ نوع خرما در جهان شناسایی شده است. خرمای جنوب کشورمان (ایران) از بهترین خرماهاست. خرمای مطلوب، خرمایی است که قندش متوسط و پروتئین و مواد مُغذّی آن مناسب باشد. در مناطق جنوب ایران، نزدیک به ۲۵ نوع خرما وجود دارد. بهترین خرمای ایران، خرمای شاهانی است. خرمای کشورهای شمال آفریقا؛ مانند الجزایر، تونس و مراکش بهترین و گرانترین خرما در دنیاست. قیمت هر کیلو خرمای این کشورها در اروپا، حدود ۵ تا ۱۰ دلار است؛ یعنی ۰۰۰ /۴۰ تا ۰۰۰ /۸۰ ریال.

در کشور عربستان بیش از ده نوع خرما وجود دارد. خرمای مدینه مطلوب و خوب است. قیمت هر کیلو خرمای بسیار معمولی در عربستان ده ریال سعودی است؛ یعنی ۲۵۰۰۰ ریال به پول ایران. البته این خرما از پست‌ترین و ارزان‌ترین خرماهای سعودی است. قیمت خرماهای بسیار مرغوب این کشور، هر کیلو تا ۱۰۰ ریال سعودی؛ یعنی بیش از بیست هزار تومان است.

اگر تولید متوسط خرمای هر نخل را در سال ۵۰ کیلو و هر کیلو گرم خرما در زمان پیامبر را یک درهم به حساب آوریم، می‌توانیم مقدار تولید نخل‌های مزرعه فدک را با محاسبه زیر به‌دست آوریم:

در آمد متوسط سالیانه فدک با درهم ۵۰۰۰۰* ۱۰/ ۵۰۰۰۰۰

تعداد نخل‌های فدک

۱۰۰۰۰/ ۵۰ ۵۰۰۰۰۰

خرمابان‌ها به خوبی می‌دانند که متوسط فاصله لازم برای کاشت و داشت هر اصله نخل حدود ده متر است. بنابراین، وسعت فدک با محاسبه زیر به‌دست می‌آید:

وسعت فدک

۱۰ /۰۰۰ *۱۰ /۱۰۰ /۰۰۰

متر مربعو چون هر ده هزار متر، یک هکتار است، پس وسعت فدک حدود ۱۰ هکتار بوده است. البته این محاسبه با دقت و مراقبت و مطالعه و تفحص صورت گرفته است و اولین باری است که چنین محاسبه‌ای انجام می‌شود.

وسعت فدک به هکتار

۱۰۰ /۰۰۰ ۱۰ /۰۰۰ /۱۰

پس خلاصه این بخش از بحث فدک، به قرار زیر است:

۱– وسعت ۱۰: هکتار ۲– تعداد نخل‌ها ۳ ۱۰۰۰۰:– در آمد سالیانه: یک میلیارد تومان ۴– مقدار تولید ۵۰۰: تن یا پانصدهزار کیلو

ص: ۱۱۵

البته در محاسبات فوق، که مستند به روایات و مسائل علمی در امور کشاورزی و تولید صنعتی است، کمترین تردیدی نیست. وسعت فدک و تولیدات خرما و عایدات سالیانه یاد شده، قدری بیشتر از مراتب فوق است اما این تفاوت در نتیجه گیری تأثیر چندانی ندارد.

اشکالات وارد بر این بحث

اشکالات و ایرادهایی که ممکن است خوانندگان و پژوهشگران بر این بحث بگیرند، از دو دسته و گروه خارج نیست:

۱- گروهی ممکن است این بحث را فاقد مبنای علمی بدانند و اصولًا بحث در باره یک مزرعه را توهین به ساحت عده‌ای! تلقّی کنند که باید گفت این ایراد کاملًا وارد است! و اصلًا بحث‌های این کتاب و دیگر آثار نویسنده تماماً از دید چنین کسانی پر از اشکال است؟! ۲- گروهی دیگر، صاحبنظران و پژوهشگران و محقّقان هستند که ممکن است کلیّت بحث را بپسندند ولی در آمار و ارقام آن تردید کنند. برای روشن شدن اذهان این عزیزان، به نکاتی اشاره می‌کنیم: الف: از آنجاکه این بحث کاملًا جدید و بی‌سابقه است و در اسناد؛ اعم از فارسی و عربی، ردپایی از آن دیده نمی‌شود، ممکن است اعجاب انگیز باشد ولی با دقت در اسناد و محاسبات، صحّت ارقام به اثبات می‌رسد.

ب: در اذهان ما، از فدک، یک مزرعه دور افتاده و کم ثمر تصویر شده است، در حالی‌که فدک از یک مبحث ساده، که عده‌ای دنبال آن بودند، به یک بحث علمی، اعتقادی، فلسفی و به قول امروزی‌ها به صورت یک بحث استراتژیک و راهبردی در آمده و هزار و چهارصد سال است که همچنان بحثی چالشی است.

ج: عده‌ای ممکن است در مورد در آمد سالیانه فدک تردید کنند. راستی که عدد یک میلیارد تومان عدد درشتی است. اگر خوانندگان به یاد داشته باشند، قیمت یک دلار قبل از انقلاب ۸۰ ریال و قیمت هر قطعه سکه رایج آن‌روز ۷۵۰۰ تا ۸۰۰۰ ریال بود، ولی امروز دلار ۸۳۷۰ ریال و هر قطعه سکه بهار آزادی ۰۰۰/ ۸۹۵ ریال است؛ (۱) یعنی قیمت دلار صد برابر و قیمت هر سکه نیز حدود صد برابر افزایش یافته است. با این محاسبه می‌توانیم بگوییم در آمد سالیانه فدک به قیمت بیست و پنج سال پیش، ده میلیون تومان بوده است.

د: گفتیم این مبحث جدید است، ولی طرح، توضیح و تفسیر و تشریح آن مبتنی بر اسناد و مدارک غیر قابل انکار می‌باشد. در محاسبات، کمترین خبط و خطایی راه نیافته است. اسناد و مدارک و مبانی آن هم محکم است. بنابراین، جای اشکال نمی‌ماند. ولی عزیزان با بررسی مستندات، به درستی محاسبات و نتیجه گیری پی‌می‌برند.

ه-: خوب است نگاهی به بعضی از اسناد و مدارک تاریخی بیندازیم تا اعداد و ارقام ارائه شده، علمی‌تر و دقیق‌تر جلوه کنند. سید قطب نویسنده معروف سنی مصری می‌نویسد:

«روزی که عثمان کشته شد (سال ۳۵ هجری)، یکصد و پنجاه هزار مثقال طلا ـ و یک میلیون درهم نقد داشت. قیمت ضیاع وی (اموال غیر منقول) صد هزار دینار بود. علاوه بر آن، وی دارای تعداد زیادی اسب و شتر بود.» (۲)

اگر از درهم و دینار و بقیه دارایی عثمان بگذریم، تنها قیمت یکصد و پنجاه هزار مثقال طلای وی، چیزی حدود پنج میلیارد و سیصد و چهل میلیون تومان می‌شود. چون وزن مثقال امروز با زمان عثمان تغییر نکرده است؛ یعنی قیمت اموال منقول عثمان ۱۰ میلیارد تومان بوده است!

و: وقتی از آغاز اسلام و به فرمان پروردگار سبحان، امیر مؤمنان ۷ جانشین بلافصل پیامبر شدند، باید آن حضرت به لحاظ مادی نیز از امکانات لازم برخوردار باشند تا بتوانند مشکلات عدیده نیازمندان را برطرف کنند. به گفته برخی از محقّقان و عالمان؛ پذیرش مقام و منصب، به هزینه سنگین نیاز داشت.

علی ۷ برای حفظ این مقام ومنصب می‌توانستند از درآمد فدک حداکثر استفاده را بکنند. گویا دستگاه خلافت از این پیش‌بینی آگاه شده بود که در همان روزهای نخست، فدک را در دست خودگرفت (۳) باید درآمد فدک به‌اندازه‌ای باشد که امیر المؤمنین و حضرت زهرا ۸ بتوانند مشکلات اقتصادی مردم و ارباب رجوع را برطرف کنند. به‌خصوص انبوه قبایل و عشایری که تازه مسلمان بودند و از تمکّن مالی بهره‌ای نداشتند.

ز: درآمد فدک در آغاز به مصرف عموم مردم می‌رسید. عثمان درآمد و عایدات آن را میان اقوام خود تقسیم می‌کرد. معاویه یک سوم در آمد فدک را به مروان بن حَکَم و دو سوم دیگر را به عمرو بن عثمان بخشید. معاویه پس از به شهادت رساندن حضرت مجتبی ۷ تمامی فدک را به مروان داد (۴)راستی اگر تصوّر شود که فدک یک مزرعه معمولی و کوچک و کم درآمد بود، ارزش آن را داشت که یک سوم آن را به مروان بن حکم بدهد و دو سوم دیگر را به فرزند عثمان هدیه کند؟!

این‌ها دلایل نویسنده این مقال، در تجزیه و تحلیل درآمد نجومی فدک است.

درمورد ارزش فدک و درآمد سالیانه آن، به دو سند مهم استناد می‌کنیم:

۱.

ابن ابی الحدید، دانشمند مشهور اهل تسنن در قرن ششم هجری می‌نویسد:

۱- روزنامه کیهان، سه شنبه دوم دیماه ۱۳۸۲ ش. ص ۴.

۲- العداله الاجتماعیه از سید قطب، ص ۲۰۹.

۳- آیه الله جعفر سبحانی، فروغ ابدیت ج ۲، ص ۶۷۰.

۴- میهمان آسمانی، ص ۲۵.

ص: ۱۱۶

«به یکی از دانشمندان علم کلام امامیه، به نام علی‌بن تقی از شهرستان نیل گفتم آیا فدک غیر از نخلستانی کوچک با زمینی نه چندان بزرگ بود؟ پاسخ داد، نه، این چنین نیست، بلکه بسیار بزرگ بود؛ به اندازه‌ای که هم اکنون در کوفه نخلستان وجود دارد، در آن‌جا درخت خرما بود. ابوبکر و عمر که حضرت زهرا را از تصرف در فدک منع کردند، منظوری جز این نداشتند که علی ۷ نتواند از طریق در آمد این نخلستان نیرویی جمع کند و بر سر خلافت درگیر شود. لذا به دنبال تصرف فدک، علی و فاطمه و دیگر افراد بنی‌هاشم را از خمس منع کردند و نگذاشتند در خمس تصرّف کنند؛ زیرا انسان تهی دست که مالی در بساط ندارد، همتش ناتوان و شخصیتش نزد خود خُرد و کوچک می‌نمایاند و به جای این‌که در ریاست و خلافت باشد، به دنبال کسب و پیشه‌ای است تا زندگی خود را اداره کند.» (۱)

۲.

علّامه مجلسی از کشف المهجّه سیّد بن طاووس نقل می‌کند که عواید و درآمد فدک در هر سال، بیست و چهار هزار دینار و در روایتی دیگر هفتاد هزار دینار بود و شاید این اختلاف رقم در آمد، مربوط به سال‌های مختلف است. به هر حال، از این ثروت فروان نمی‌شود بی‌جهت چشم پوشی کرد و از آن سخن نگفت (۲)در تجزیه و تحلیل دو سند پیش‌گفته، کافی است بگوییم: مقایسه نخلستان‌های فدک با میزان نخلستان‌های کوفه، درخور توجه بسیار وتأیید محاسبات ماست. حجم نخلستان‌های کوفه در قرن ششم که دوره اقتدار بنی عباس و توسعه بی‌سابقه این شهر است، بخوبی نشان می‌دهدکه همواره وسعت فدک و درآمد قابل ملاحظه آن، مورد توجه همگان بوده است. همچنین درآمد سالیانه فدک را اگر بخواهیم بر مبنای ۲۴ هزار دینار (بنابر بعضی از روایات) محاسبه کنیم، چیزی حدود ۴۸۰ میلیون تومان به وجه رایج امروز می‌شود ولی چنانچه براساس ۷۰ هزار دینار حساب کنیم، به رقم نجومی یک میلیارد و چهارصد میلیون تومان می‌رسد. هر عدد را که بخواهیم بپذیریم، به سیاست کلی خلفا و تمهیدات آن‌ها در محروم ساختن اهل بیت و هواداران آن‌ها از مسائل اقتصادی بر می گردد.

درمورد وسعت فدک به‌روایتی اشاره می‌کنیم‌که ازاهل تسنن نیزنقل‌شده است:

«لما نزلت وَ آت ذَا الْقُرْبى حَقَّه دَعَا النَّبِی ۹ فَاطِمَهَ فَأَعطَاهَا فَدَکَ الکَبِیرَ» (۳)

«زمانی که آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّه نازل شد، پیامبر فاطمه را خواست و فدک بزرگ را به او بخشید.»

تسلیم فدک بدون جنگ و درگیری

با توجه به پیروزی‌های گسترده و برق آسای مسلمانان در سرزمین‌های یهود، شکست سنگین یهودیان بنی قینقاع و بنو قریظه، ترس زیادی در دل‌یهود ایجاد شد. آن‌ها یقین‌کردند که روزی به سرنوشت یهودیان شکست خورده مدینه مبتلا خواهند شد، ولی لاف وگزاف‌های سران تبهکار یهود و حمایت‌های متقابل بت پرستان از آن‌ها و حمایت آن‌ها از بت‌پرستان، به صورت مصنوعی، مقداری به آینده کوتاه مدت خود امیدواریِ نسبی پیدا کرده بودند که البته این وضعیت چندان طول نکشید.

البته باید بگوییم که استحکامات نیرومند و فوق العاده یهودیان بنی نضیر، بعضی از مسلمانان را هم ترسانده بود. راستی هم که استحکامات آن‌ها نیرومند بود.

مسلمان‌ها تصور نمی‌کردند که بتوانند بنی نضیر را، با آن همه امکانات از پای در آورند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

مَا ظَنَنْتُم أنْ یَخرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللّهِ فَأَتاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَیْثُ لَمْ یَحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ (۴)

«شما تصور نمی‌کردید که آن‌ها از آنجا دفع شوند و خود آن‌ها هم تصور می‌کردند که استحکامات و قلعه‌های آن‌ها مانع شکستشان خواهد شد. پس خداوند از جایی بر آن‌ها ضربه زد که فکرش را نمی‌کردند. آری، خدا در دل آن‌ها وحشت انداخت ...»

ترس و وحشتی که پیروزی‌های برق آسای مسلمانان در مناطق مختلف، در دل‌های مشرکین انداخته بود را، از همین آیه به راحتی می‌توان فهمید. اما یهودیان سرکش و بد عهد و کینه توز و نا آرام، هرگز از این شکست‌ها درس نگرفتند. آن‌ها شبانه روز در صدد توطئه بر ضدّ اسلام بودند. اغلب با یک گام عقب نشینی، در سنگری جدید موضع می‌گرفتند و به برنامه‌ریزی و هماهنگی جهت حمله به مدینه مشغول می‌شدند. سنگر خیبر، قلاع و استحکامات کم نظیر، با امکانات گسترده و وسیع همراه با جنگجویان متعصب و زخم خورده! آنان حتی شرایط لازم برای پایداری در برابر لشکرکشی‌های ایران و رومِ آن‌روز را هم داشتند.

اگر حمایت‌های سیاسی و روانی و اطلاعاتی بت‌پرستان قریش را به این امکانات بیفزایم، موقعیت ممتاز خیبر را تا حدی به تصویر کشیده‌ایم، اما خداوند اراده دیگری داشت. قرار خداوند بر این بود که یهود را زبون، ذلیل و نابود سازد.

تسخیر خیبر تقریباً تمامی حیله‌ها و نقشه‌ها و برنامه‌های براندازی یهود را بر هم ریخت و دسیسه‌های آن‌ها را خنثی کرد و برنامه‌ریزی‌های آن‌ها را به‌کلی برهم زد و عقیم گذاشت.

امضای صلح «حدیبیه» در ذی قعده سال ششم هجری، تا حد زیادی مسلمانان را از ناحیه مکه و مشرکان قریش آسوده خاطر کرده بود. بنابراین، پیامبر با آسودگی بیشتر به دفع یهود پرداختند.

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

۲- سید محمد کاظم قزوینی، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت، ص ۳۳۰.

۳- ینابیع الموّده، باب ۳۹، تفسیر جلال الدین سیوطی، ج ۴ و شبهای پیشاور، ص ۶۳۴.

۴- حشر ۵۹: ۲.

ص: ۱۱۷

فتح خیبر در ماه رجب سال هفتم هجری، هرچند حادثه بسیار مهم و فوق‌العاده بود اما به لحاظ سیاسی، صلح حدیبیه بسیار مهم‌تر و ارزنده‌تر محسوب می‌شد؛ زیرا:

.۱مهم‌ترین و قوی‌ترین و مرکزی‌ترین مخالفان اسلام، بی‌طرفی اختیار کرده و از مخالفت بیهوده با اسلام دست کشیده بودند.. ۲ یهود، مؤثرترین متّحد استراتژیک خود را از دست داده بود.. ۳ عشایر و قبایل بت پرست که متّحد بالقوه و بالفعل قریش بودند، راه خود را انتخاب کردند و به تدریج مسلمان شدند. این‌ها اثرات صلح حدیبیه در داخل جزیره العرب بود. درعرصه خارجی نیز این صلح اثرات بسیار مفیدی به همراه داشت؛ مانند:

الف) رومِ آن روز، که با نا آرام کردن دائمی سرحدات و حدود کشور اسلامی آماده رو در رویی با اسلام بود، مصلحت خود را در بیطرفی و توقف اقدامات نسنجیده خود دید.

ب) قدرت مثال زدنی مشرکان قریش و یهودیان، در دل آن‌ها نیز ترس زیادی از قدرت اسلام انداخته بود. آن‌ها پس از آن‌که قدرت توفنده اسلام را در آرام کردن مکه و شکست دادن یهودیان مشاهده کردند، برای دفاع در مقابل اسلام حالت آماده باش به خود گرفتند؛ یعنی حالت تهاجمی آن‌ها به حالت تدافعی تبدیل شد. این موضوع مسأله بسیار مهم و فوق العاده‌ای بود.

ج) تحوّل بسیار مهم دیگر این‌که: پس از صلح حدیبیه پیامبر اسلام، رسالت جهانی خود را اعلام کردند و با نوشتن نامه‌های متعدد به سران کشورهای دور و نزدیک و اعزام هیأت نمایندگی به ایران و روم و حبشه و مناطق دیگر، دعوت جهانی خود را آغاز کردند.

فتح خیبر، در این روند سرعت ایجاد کرد و امور را بیشتر وفق مراد اسلام پیش برد. اکنون نمی‌خواهیم در باره این سؤال بحث کنیم‌که آیا صلح حدیبیه موجب شکست زود هنگام یهودیان خیبر و تسخیر قلعه‌های آنان شد و یا این‌که ضعف و شکست‌های یهودیان بنی قینقاع و بنی نضیر و نابودی یهودیان بنی‌قریظه، مکیان را واداشت که با پیامبر اسلام صلح‌نامه امضا کنند؟

هرچه هست به نظر ما هر دو رویداد بر یکدیگر اثرات غیر قابل انکار داشت که حاصل آن فراگیر شدن اسلام در جزیره العرب بود.

پیروزی‌های برق آسا

رویدادهای سال‌های پنجم و ششم هجری تأثیرات زیادی بر جزیره العرب گذاشت و دیگر هیچ شهر و قلعه و روستا و هیچ قبیله و عشیره‌ای نبود که از اسلام و از موج هدایت گر توحیدی- که از مدینه آغاز شده بود- سخن نگوید و اظهار علاقه برای شنیدن آخرین اخبار در مورد پیروزی‌های سپاه اسلام نکند. هر چند عرب جاهلی از وسایل خبررسانی به شکل آن روز و آن سال‌ها که در ایران و روم مرسوم بود، بهره‌ای نداشت، اما در انتشار اخبار مربوط به اسلام و مسلمانان ید طولایی داشت؛ یعنی در آن سال‌ها، برابر اسناد تاریخی، هیچ حادثه‌ای در جزیره العرب به مانند اخبار اسلام، تکان دهنده و توفنده نبود.

جنگ‌های طولانی ایران و روم نیز مسأله بسیار مهمی بود که میان دو قدرت مسلّط منطقه‌ای جریان داشت و خبرهای آن جنگ هم بسیار موحش و تکان دهنده بود. هر روز خبرهای تازه‌ای از جبهه‌ها می‌رسید. گاهی ایرانیان پیشروی می‌کردند وزمانی رومیان دست به پیشروی در جبهه ایرانیان می‌زدند. این جنگ‌ها از سال ۶۰۴ تا ۶۲۸ میلادی به مدت بیست و چهار سال به درازا انجامید. طولانی شدن این جنگ‌ها قدری ازحساسیت‌آن می‌کاست و اخبارآن را نیز کمرنگ می‌کرد. سرانجام رومیان توانستند قوای ایران ساسانی را در سال ۶۲۸ میلادی شکست دهند. آن سال دقیقاً مقارن سال‌ششم هجری وسال صلح‌نامه حدیبیه بود؛ (۱) یعنی‌قوای‌اسلام درهمه‌جا به برتری رسیده بود. حال شاید خشم و عصبانیت خسرو پرویز را بتوانیم از دریافت نامه پیامبر اسلام بفهمیم. خسرو پرویز پادشاه فاسد و خودکامه و ستمکار ساسانی‌که بر اثر بی‌کفایتی، نیروهایش از رومیان شکست خورده بودند و وی به شدت ذلیل و تحقیر شده بود با دریافت نامه پیامبر اسلام بیشتر تحقیر شد و از روی عصبانیت نامه پیامبر اسلام را پاره کرد.

وقتی خبر حرکت زشت خسرو پرویز به پیامبر رسید، آن حضرت فرمودند: «اللّهُمّ مَزّقْ مُلْکَه» (۲) «خداوند! پادشاهی‌اش متلاشی ساز!»

نفرین پیامبر اثر گذاشت. طولی نکشید که «شیرویه» فرزند خسرو پرویز، که پدرش را مسبّب شکست‌های سنگین از رومیان می‌دانست، شبانگاه به سراپرده وی راه یافت و از پایش در آورد؛ «فَمَزّقَ اللّهُ مُلْکَهُ وَ مُلْکَ قَوْمِهِ» (۳) بگذریم.

نقل این فرازهای تاریخی، از قدرت رو به توسعه اسلام در سال‌های پنجم و ششم هجری حکایت دارد؛ حرکت و توسعه‌ای که هرگز متوقف نشد.

اهالی فدک چه کردند؟

با توجه به مقدماتی که آوردیم، اهالی فدک از حوادثی که پیرامون آن‌ها می‌گذشت آگاه می‌شدند. فاصله آن‌ها تا خیبر فقط یک منزل راه بود. آن‌ها تصمیم گرفتند با پیامبر اسلام صلح کنند، که این تصمیم عاقلانه‌ای بود.

۱- از ظهور اسلام تا سقوط بغداد، ص ۱۲۴.

۲- فرازهایی ازتاریخ پیامبر اسلام، ص ۳۸۴.

۳- از ظهور اسلام تا سقوط بغداد، ص ۱۲۵.

ص: ۱۱۸

واقدی می‌نویسد: «مُحَیِّصه گوید: مردی از سران فدک که به او «نون بن یوشع» می‌گفتند، همراه تنی چند از یهودیان با من آمدند و با رسول خدا صلح کردند تا خونهایشان محفوظ بماند. آن حضرت ایشان را از آن سرزمین تبعید کند و تمام اموال خود را به پیامبر واگذارند و چنین شد. در پیشنهاد صلح چنین آمد که: نیمی از خاک فدک از یهودیان و نیمی از پیامبر خدا باشد و پیامبر این پیشنهاد را پذیرفتند. این مطلب از مطلب نخست صحیح‌تر است.» (۱)

«فدک قریه‌ای است در حجاز که از آنجا تا مدینه دو روز راه است (۲) و گویند سه بخش بوده است. هنگامی که پیامبر خدا ٩، خیبر و قلاع آن را فتح کرد، سه قلعه پایداری کردند و محاصره آن‌ها به دشواری گرایید و اهل فدک قاصدی نزد پیامبر خدا فرستادند که اموال و میوه‌های خود را به نصف تقسیم و مصالحه نمایند. پیامبرخدا این غنیمت جنگی را پذیرفت. در این ناحیه چشمه‌ها و نخلستان‌ها بود.» (۳)

فدک متعلّق به پیامبر است

بنابراین، مزارع گسترده فدک از آنِ پیامبر شد. باز برابر نصّ قرآن کریم اگر سرزمینی و یا اموالی بدون جنگ و لشکرکشی به دست پیامبر اسلام بیفتد، تعلّق مطلق به پیامبر دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

وَ ما أَفاءَ اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَما أَوْجَفْتُمْ عَلَیْهِ مِنْ خَیْلٍ وَ لا رِکابٍ وَ لکِنَّ اللّه یسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلی مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۴)

«چیزی که خداوند به رسولش از آن‌ها داد، چیزی است که برای به دست آوردن آن نتاختید ولی خداوند پیامبرش را بر آن مسلّط کرد و خداوند بر تمامی کارها تواناست.»

تداوم فقر، با دور شدن علی ٧ از خلافت

با توجه به بررسی‌های اسناد و مدارک غیر قابل انکار، می‌توان گفت: نتیجه در اختیار گرفتن و تصرف فدک از سوی خلفا، محروم کردن مردم از عواید سرشار و در آمد هنگفت و نجومی آن گردید. واضح بودکه نشستن بر مسند خلافت در جای امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب کار ساده‌ای نیست؛ زیرا تنها ۷۰ روز از ماجرای شورانگیز غدیرخم که در آن، پیامبر گرامی اسلام، علی بن ابی طالب ٨ را به عنوان خلیفه و جانشین بلافصل بعد از خود به مردم معرفی کردند، می‌گذشت. ذهن‌ها همچنان آکنده و خاطره‌ها مشحون از رایحه دلکش ولایت و امامت بود. هنوز عطر دلپذیر غدیر به مشام می‌رسید و ترانه زیبا و شنیدنی غدیر، زیباترین سرود آزادگی و بالندگی تلقّی می‌شد. قلب‌ها مملو بود از نسیم فرح بخش «اکمال دین» و روح‌ها با نشاط از پیام دلنواز «اتمام نعمت».

آری، اگر اهل بیت: خلافت را در اختیار داشتند، مردم را در مسیر تعیین شده توسط پیامبر راهنمایی می‌کردند. مشکلات اعتقادی واقتصادی مردم حل می‌شد و اسلام به عنوان دین عزّت و عظمت و معنویت و زندگی، به دنیای پرظلم و جور حاکمان روم و ایرانِ آن روز معرفی می‌گردید.

بیفزاییم بر این مطلب که با طلوع اسلام، آفتاب امپراتوری‌های ایران و روم در شُرف غروب بود.

آثار زوال این دو امپراتوری که زمانی بر بخش اعظم زمین حکومت می‌کردند، در همه جا مشهود و محسوس بود. عدم تعرض این دو قدرت مسلّط منطقه‌ای به عاصمه اسلام، یکی از دلایل این مدعاست.

اگر امیرالمؤمنین ٧ زمام امور را به دست می‌گرفت، علاوه براین‌که ریشه شرک و کفر و نفاق برای همیشه می‌خشکید و از جوامع بشری کَنده می‌شد و مردم در مسیر صلاح و فلاح طی طریق می‌کردند، دنیای مردم نیز آباد و پر رونق و چشم‌گیر و خدایی می‌شد؛ یعنی اشتغال و توسعه و تولید و عدالتخواهی، ضامن سعادت دنیای مردم می‌گشت.

راستی که اگر امیرالمؤمنین ٧ به قدرت می‌رسید، مشکلات عدیده مردم به سرعت حل و رفع می‌گردید. اهل بیت همواره در جهت

حلّ مشکلات اقتصادی مردم گام برمی‌داشتند و از این جهت مشهور خاص وعام بودند؛ به‌طوری‌که خداوند سبحان از این روحیه آسمانی آنان تقدیر نمود، آنجا که فرمود:

وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُوراً (۵)

«غذا را در حالی که خود به آن نیاز دارند، به مسکین ویتیم و اسیر می‌بخشند. این حرکت را فقط و فقط به خاطر خدا انجام می‌دهند و انتظار یک تشکّر ساده را هم ندارند.»

اهل بیت بهتر از هرکس دیگر می‌دانستند که اگر مشکلات اقتصادی مردم حل شود، مردم با شوق و علاقه فراوان، به اسلام روی می‌آورند و عاشقانه گِردِ شمع اسلام می‌چرخند. این مهم را خداوند بزرگ بیان کرده، آنجا که می‌فرماید:

فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَیْتِ الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ. (۶)

«خدای کعبه را عبادت کنند؛ خدایی که آن‌ها را از گرسنگی رهانید وبه آن‌ها امنیت بخشید.»

۱- شیخ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین. نقل از بهجه قلب المصطفی، ص ۵۵۰.

۲- واقدی، ص ۵۳۹.

۳- معجم البلدان، ج ۶، ص ۳۴۲.

۴- حشر ۵۹: ۶.

۵- انسان ۹: ۸ و ۹

۶- قریش ۱۰۶: ۵- ۳.

ص: ۱۱۹

پروردگار نمی‌فرمایـد به خدایی ایمان بیاورید که به شـما تعالی و بالندگی و عزّت و کرامت داد، بلکه می‌فرماید: گرسنگیِ شـما را برطرف سـاخت. پس گرسـنگی و فقر عامـل اصـلی همه نابسامانی‌هـا؛ از جمله بی‌دینی و قـانون‌گریزی است بلکه معیشت منـاسب و اقتصاد قابل قبول، موجب گرایش مردم مسلمان به دین و رعایت ملاحظات دینی خواهد شد. این موضوع بسیار مهم است.

اگر امیرالمـؤمنین بعـد از پیـامبر ۹ عهـده‌دار امـور می‌شدنـد، کارهـا وفـق مراد خـدا وپیـامبر پیش می‌رفت و امـور سامـان می‌گرفت ونارسایی‌هـا با برنامه‌ریزی‌های علی ۷ مرتفع می‌گشت؛ زیرا امـام امیرالمؤمنین ۷ اهل برنامه‌ریزی بودند. بهترین سـند برای اثبات این ادعا، نهج البلاغه است.

بخشی از برنامه‌های امیرالمؤمنین برای حکومت، که از فرمان تاریخی به مالك اشتر گرفته‌ایم، به شرح زیر است:

.۱ایجاد اشتغال در جهت افزایش تولید و قطع وابستگی و کاهش واردات و افزایش صادرات.. ۲ عمران شهرها و روستاها در راستای تقویت تولیـد و کم‌کردن جاذبه شهرنشـینی.. ۳ ترمیم راه‌هـای موجود و ایجـاد راه‌های جدیـد وتوسـعه آن‌ها و ایجاد کاروانسـراها و چاپارخانه‌ها به منظور تقویت ارتباطات سهل‌تر شهرها و روستاها با مرکز.. ۴ توسعه تجارت جهت تشویق تولید و صادرات و تحکیم قدرت اقتصادی بخش خصوصی.. ۵ ایجاد کارگاه‌های تولیدی جهت تولید سـلاح‌های سبک و نیمه سبك.. ۶ تولید انبوه اسب‌های رونده و قوی در مسـیر تقویت نیروهای رزمی و آمادگی دایمی.. ۷ تعلیم و تدریب و آموزش نظامی با تشـکیل کلاس‌های آموزش تئوری و آموزشگاه‌ها و دانشکده‌های فرماندهی و ستاد جهت آموزش فرماندهان ارشد نظامی.. ۸ تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و پژوهشـکده‌های مختلـف در جهـت فنـاوری علمی در زمینه‌هـای مختلـف.. ۹ تأسـیس مـدارس در اقصـی نقـاط کشـور درجهت سوادآموزی عمومی و پایان دادن به بی‌سوادی.. ۱۰ توسعه کشاورزی و دامداری در جهت تولید انبوه محصولات کشاورزی و دامی به منظور خود کفـایی و نیل به صادرات.. ۱۱ اعزام هیأت‌هـای فرهنگی و تبلیغی به کشورهای دور و نزدیک، همراه با پیام در جهت معرفی اسـلام به مردم تشـنه عدالت.. ۱۲ رفع بیمـاری با تأسـیس بیمارسـتان در نقاط مختلف کشور و ترویـج بهـداشت عمومی.. ۱۳ تخصـیص زکات در سـیر الهی، در جهت فقرزدایی و ایجاد تمایل در غیر مسلمانان برای پذیرش اسلام.. ۱۴ کمك درجهت ساخت مساجد در نقاط مختلف و تشویق مردم در این راه.. ۱۵ ساخت برج و باور در مرزها و ایجاد پادگان‌ها در نقاط مرزی و انجام گشت دائم در پاسداری از مرزها به منظور حفاظت دائمی از تمامیت ارضی و برگزاری مانورهای مرتب در جهت آمادگی دفاعی دائمی و ایجاد ترس در دل دشـمن.. ۱۶ ایجـاد کلاس‌هـای آموزش قضاوت، در تکمیل برنامه نیل به عـدالت اجتماعی.. ۱۷ رسیدگی به‌امور اقلیت‌های مذهبی وتوجه به رفاه آن‌ها در راسـتای گرایش آن‌ها به اسـلام.. ۱۸ تشویق دائمی مردم به کار و تلاش و تولیـد، با ایجاد زمینه‌های آن و تقویت تولیـد.. ۱۹ ایجـاد یـک سازمان نیرومنـد اطلاعات مردمی در جهت کشف توطئه‌های خارجی و خنثی کردن اقدامات خرابکارانه و شـناسایی عوامل داخلی آن‌ها.. ۲۰ بها دادن به علما و دانشـمندان و علم، با احترام به آن‌ها و ارتباط پیوسـته با ایشـان و تشویق و تقویت آنـان در نشـر آثار علمی و دانش جامعه.. ۲۱ ارتباط با کشورها و قـدرت‌ها و انعقاد قرار داد صـلح و عدم تجاوز و در عین حال آمادگی کامل و زیر نظر داشتن دشمن و عدم اعتماد به او.

ص: ۱۲۰

«وَ لَكِنِ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صُلْحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَ اتَّهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّن» (۱)

«زنهار! زنهار از دشمن خود پس از آشتی بپرهیز، چه بسا دشمن به تو روی آورده تا غافلت کند وآنگاه ضربه‌ات زند. پس دور اندیش باش و به دشمن، زیاد خوش بین مباش.»

.۲۲بازرسی دائمی و محترمانه از مقدمات و مأموران در مناطق دور و نزدیک که مردم گریز نشوند و به رفاه و خود محوری مبتلا نگردند و خود را از مردم خود بالاتر نپندارند.. ۲۳ توجه به عوامل مالیات و خراج که ظلم نکنند. گرفتن مالیات به منظور رفاه عمومی و حل مشکلات عامه است. نکنند با شعار رفاه مردم، مردم آزاری شود.. ۲۴ به توده مردم بهای ویژه داده شود. مأموران و مقامات باید در عمل به آنها بیندیشند و به آنها گرایش داشته باشند. مردم محبوب خدا ورسول و مطلوب‌آنانند. «إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيَكُنْ صِغْوُكَ لَهُمْ وَ مَيْلُكَ مَعَهُم» (۲)

«همانا آنان که دین را پشتیبانند و موجب انبوهی مسلمانان و آماده پیکار با دشمنان عامه مردم‌اند، پس باید گرایش تو به آنان باشد و میلت به سوی ایشان.»

کارگزاران، مسؤولان ومقامات باید همواره به مردمی بها دهندکه سهم بیشتری در تقویتِ دین‌باوری و امنیت شهرها و مرزها دارند؛ همان‌هایی‌که هر وقت نیازی بوده، سریع‌تر وصادق‌تر و بی‌ادعاتر از دیگران به‌صحنه آمده‌اند و ازخودگذشتگی‌ها داشته‌اند و دارند.

این‌ها بخش‌هایی از استراتژی امام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب به عنوان جانشین پیامبر در اداره جامعه بود.

در آمد سرشاری که به تدریج به دست مسلمانان افتاد، بقدری فراوان بود که اگر زمامداری مانند امیرالمؤمنین در عرصه بودند، تمامی مشکلات اقتصادی مردم وفقر فزاینده آنها حل می‌شد.

در مورد استفاده از درآمد سرشار مسلمانان و غنیمت‌های فراوانی که پس از تسخیر تیسفون نصیب شد کافی است به یک سند اشاره کنیم:

مسلمانان پس ازآن‌که کاخ خسرو پرویز را تسخیر کردند، فرش بسیار نفیسی را که در تالار «بهارستان» پهن شده و تار و پودش از طلا بود، یافتند و آن را به مدینه آوردند. این فرش را قطعه قطعه نموده و بین اصحاب تقسیم کردند. سهم امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب از آن فرش چیزی حدود یک کف دست بود. حضرت آن را به قیمت ۳۰ هزار درهم فروختند؛ یعنی چیزی حدود ۶۰ هزار تومان و آن را میان فقرا تقسیم کردند.

راستی اگر تمام آن فرش به دست علی می‌رسید، ایشان چند فقیر و مسکین را می‌توانستند از فقر نجات دهند؟ و اگر تمامی خزائن ساسانیان، که نصیب سپاه اسلام شد، در اختیار آن حضرت قرار می‌گرفت چه اتفاقی می‌افتاد؟! به یقین مسلمانان از فقر و نداری رهایی می یافتند.

بیهقی می‌نویسد: درزمان خلافت عثمان، فدک در اختیار مروان‌بن حکم قرار گرفت (همان کسی‌که همراه پدرش، به دلیل نفاق وحشتناکشان، به دستور پیامبر از مدینه تبعید شدند (۳)

معاویه در زمان سلطنت خود ثلث فدک را به مروان بن حکم داد و ثلث دیگر را به عمربن عثمان و ثلث سوم آن را به پسرش یزید. این تقسیم بعد از شهادت امام حسن بن علی ۸ صورت گرفت (۴)

معاویه تنها یک سوم فدک را به مروان داد و بقیه را از وی پس گرفت. درآمد سرشار فدک از این فراز تاریخی مشخص می‌شود. هنگامی‌که عمربن عبدالعزیز به خلافت رسید خطبه‌ای ایرادکرد وگفت: فدک از اموالی بودکه خداوند به رسول خویش بخشید. مسلمان‌ها در راه دستیابی به فدک هیچگونه جنگی نکردند وکوشش نداشتند. فاطمه ۳ آن‌را از پیامبر درخواست کرد ....

معاویه که به حکومت رسید آن را به مروان بن حکم بخشید و مروان به پدرم و به عبدالملک داد و بعد به من و ولید و سلیمان

رسید. ولید که به حکومت رسید، از او خواستم سهم خود از فدك را به من ببخشد و هم‌چنین از سلیمان خواستم که سهمش را به من دهد. آن دو با درخواست من موافقت کردند و سهم خود را واگذار کردند و من دیگر اموالی که دارم بیش از این مال دوست می‌دارم لذا آن را به همان موردی که در اصل بود واگذار کردم (۵)

در دوران حکومت عمر بن عبدالعزیز فدك در دست فرزندان حضرت زهرا بود و بعد که یزید بن عبدالملک به حکومت رسید از آنان گرفت و تا پایان خلافت بنی امیه بین بنی مروان دست به دست می گشت.

۱- سیّد جعفر شیهدی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۳۸.

۲- همان، ص ۳۲۷.

۳- سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۱.

۴- فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ص ۶۱۸.

۵- فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ص ۶۱۸.

ص: ۱۲۱

هنگامی که سفّاح مؤسس سلسله بنی عباس به قدرت رسید، آن را به عبدالله بن حسن بن علی بن امیر المؤمنین برگردانید.

بعدها که منصور دوانیقی به قدرت رسید، فدک را از فرزندان امام حسن پس گرفت. مهدی پسر منصور عباسی فدک را به فرزندان حضرت فاطمه برگردانید.

موسی بن مهدی برادرش که در خشونت مشهور بود، فدک را از فرزندان حضرت زهرا پس گرفت. مأمون در سال ۲۱۰ هجری پس از این‌که حکومتش مستقر و بلامنازع شد، فدک را به فرزندان حضرت زهرا برگرداند.

سرانجام پس از به قدرت رسیدن متوکّل، دشمن خونخوار اهل بیت؛ همان عنصر پلیدی که فرمان داد قبر مطهّر ابا عبدالله الحسین را تخریب کنند، وقتی متوجه شد که سادات و کودکان بنی هاشم در ایام حج، خرمای فدک را میان حجاج تقسیم می‌کنند واین امر موجب تقویت ومحبوبیت آن‌ها شده‌است، دستور داد تمامی نخل‌های فدک را قطع کنند و چنین شد.

در این تبادل فدک میان خلفا و فرزندان حضرت زهرا، دو نکته بسیار مهم وجود دارد:

۱.

بسیاری از خلفا نظر خلیفه اول و دوم را که می‌گفتند: پیامبر ارث نگذاشته و هر چه از ایشان برجای مانده صدقه است، قبول نداشتند. بازگرداندن فدک به فرزندان حضرت زهرا درحقیقت رد حدیثی است‌که ابوبکر به‌پیامبر نسبت‌داده است.. ۲ در تمامی مواردی که خلفا فدک را به ذراری حضرت فاطمه زهرا پس دادند، هرگز به هیچ‌یک از ائمه اطهار تحویل نشد. در بازگرداندن فدک هرگز وارث حقیقی حضرت زهرا که امامان معصوم بودند، مورد توجه قرار نگرفتند؛ یعنی بازگرداندن فدک را هم نوعی کار سیاسی می‌توان محسوب کرد. دلیل ناراحتی‌ها و مخالفت‌های حضرت زهرا و امام علی ۸

اکنون با زبان وشیوه دیگری رفتار تصرف کننده‌گان فدک را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم تا به علل رنج‌ها و ناراحتی‌های حضرت زهرا پی ببریم و از انگیزه‌های مخالفت غیر قابل انعطاف علی بن ابی‌طالب و و اهل بیت و به تبع آن‌ها شیعه آگاه شویم.

۱

- دلیل بر عهده مدّعی استدر قضای اسلامی، قانونی محکم و زیبا وجود دارد که همواره در قضاوت‌ها مورد توجه قرار می‌گرفته است. اتفاقاً این حکم در قضاوت‌های کشورهای غربی نیز آمده است و آن، موضوع «ارائه دلیل از سوی مدعی» است؛ یعنی اگر کسی ادعایی بر چیزی و یا برکسی دارد باید دلیل بیاورد. «البینه علی المدّعی و الیمین علی المدّعی علیه».

با توجه به این اصل معقول و اسلامی، وقتی حکومت درباره فدک با حضرت زهرا چالش پیدا کرد و ادعا نمودکه فدک متعلّق به حضرت زهرا نیست، باید برای ادعای خود دلیل بیاورد نه آن‌که از آن حضرت مطالبه دلیل و شاهد کند.

خلیفه اول پس از استقرار در مسند خلافت، با نظر خلیفه دوم، مزرعه گسترده فدک را، که پیامبر به حضرت زهرا بخشیده بود، تصرف کرد و کارگزاران حضرت فاطمه را از آن اراضی اخراج نمود. وی پس از آن‌که با اعتراض شدید حضرت فاطمه مواجه شد، گفت: اگر ادعا داری که فدک تعلّق به شما دارد شاهد بیاور. در حالی که او خود مدّعی فدک شده بود باید بیّنه و دلیل اقامه می‌کرد. چون فدک در دست حضرت زهرا بود و مدعی خودش بود که باید دلیل می‌آورد. حتی علی ۷ پس از این رویداد، نزد ابوبکر رفتند و ضمن اعتراض به وی، حکم قضای اسلامی را برای ایشان تشریح کرد، اما او نپذیرف و عمرگفت: ما در مقابل حجّت و دلیل تو توانی نداریم که استدلال کنیم ولی باید فاطمه دلیل بیاورد که فدک ملک اوست و تا دلیل ارائه نکند از وی نخواهیم پذیرفت.

روایات اسلامی که فریقین؛ اعم از شیعه وسنی نقل‌کرده‌اند و آن‌ها بر ارائه دلیل از سوی مدعی حکایت دارد، به صورت محکم مالکیت فدک بر حضرت زهرا را اثبات می‌کند.

نکته مهم دیگر که در اینجا بایـد به آن توجه کرد، این که ارائه دلیل و بیّنه در جایی مطرح می‌شود که موضوع مجهول بوده و نیاز به اثبات داشـته باشـد؛ یعنی ارائه دلیل در جایی طرح می‌شود که یا مـدّعی‌علیه مشـکوک باشد و یا موضوع غیر روشن و نامفهوم و در یک جمله نیاز به اثبات و اسـتدلال داشـته باشد. وقتی فدک در دست حضـرت زهراست و حضـرت زهرا بنا به قول صـریح خداوند، مُطهّر و به دور از هر گونه «رِجس» هسـتند و هرگز ادعـای خلاـفی نمی‌کننـد، چگونه است که حکومت بـا این همه دلایـل روشن و آشکار، باز هم ادعاهای حضرت زهرا را نمی‌پذیرد؟!

نکته دیگر، اگر خلیفه اول و دوم مـدعی بودند که فدک ملک حضـرت زهرا نیست و از حضـرت زهرا شاهد و دلیل می‌خواسـتند و حتی نظر «صدیقّه طاهره» را به تنهایی کافی نمی‌دانسـتند، آن حضـرت، شاهد کامل و محکم و مسـتدلّ و فوق‌العاده‌ای مانند علی بن ابی‌طالب ارائه کردند؛ همان شخصیت برجسته و آسمانی که هرجا باشند، حق آنجاست که پیامبر فرمودند: «عَلِیٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ»؛ (۱) «علی همواره با حق است و حق با علی است.»

۱- الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۹۸ و شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۲۴ و الفصول المختاره، ص ۲۲۱.

ص: ۱۲۲

بعضی از علما و محققان اهل تسنن، این روایت بسیار معروف پیامبر اسلام درباره امیرمؤمنان علی ۷ را به شکل‌های دیگری نقل کرده‌اند؛ ازجمله گروهی گفته‌اند:

«عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (۱)

«علی با حق است و حق با علی است و هرگز از هم جدا نمی شوند تا روز قیامت در حوض (کوثر) بر من درآیند.»

این حدیث به قدری مشهور است که فخر رازی می گوید: هرکس در دینش به علی‌بن ابی‌طالب اقتدا کند، بی گمان هدایت می‌یابد و دلیل آن، گفته پیامبر است که فرمود: «خدایا! حق را همیشه بر مدار او بگردان.» (۲)

مطالبات حضرت زهرا از خلیفه

بسیاری از محقّقان و مورّخان و تقریباً بیشتر آنان‌که در تجزیه و تحلیل حوادث صدر اسلام و به خصوص در مسائل پس از ارتحال پیامبر اسلام به بحث و بررسی پرداخته‌اند، مطالبات گسترده حضرت زهرا از ابوبکر را به فدک منحصر کرده و از پرداختن به عمده‌ترین مسائل، تجاهل و یا غفلت کرده‌اند.

باید توجه داشت که حضرت زهرا علاوه بر فدک، سه موضوع مهم دیگر را هم از آنان مطالبه می کردند:

الف) جانشینی امیرمؤمنان‌که پیامبربارها مطرح کرده بودند وبرآن اصرار داشتند.

ب) اموال پیامبر اسلام که در مدینه بود و از سوی حکومت تصرف گردید.

ج) باقی‌مانده خمس خیبر، که خلیفه اول و دوم از پرداختن آن‌ها به حضرت زهرا خودداری کردند.

ابن ابی الحدید معتزلی می‌نویسد: ابوبکر حاضر نشد چیزی به فاطمه بدهد. حضرت زهرا بدین جهت ناراحت شد و از او دوری گزید و تا هنگام وفات با او تکلّم نکرد.

ادامه جدال حضرت زهرا

با خلیفه اول

همانگونه که اشاره شد، ابوبکر پس از استقرار بر مسند خلافت، نه تنها فدک را که اموال منقول و غیر منقول پیامبر را ضبط کرد و حضرت زهرا را که وارث پیامبر بود، از تصرف در آن اموال منع نمود. قرائن حاکی از آن است که با این اقدام، حضرت زهرا از ما ترک پدر محروم گردید؛ به‌طوری که در اداره امور عادی منزل هم دچار عسرت و مشکل بسیار شدید شدند. چیزی که متأسفانه از قلم بسیاری از مورّخان و محقّقان افتاده است.

ابن ابی الحدید می‌نویسد: «حضرت زهرا به ابوبکر پیغام داد: آیا تو وارث رسول پیامبری یا اهل او؟ ابوبکر پاسخ داد: اهلش. حضرت زهرا فرمود: پس سهم رسول خدا از غنایم چه شد؟ ابوبکر گفت: من از پدرت شنیدم که فرمود: خداوند برای پیغمبرش طعمه‌ای قرار داد. آنگاه که او را قبض روح نمود آن مال را برای خلیفه‌اش قرار داد. من خلیفه پدر تو هستم. پس باید آن اموال را به مسلمانان برگردانم.» (۳)

ابوبکر مطالبه خمس دختر پیامبر را اینگونه پاسخ می‌دهد. روشن است که با چنین پاسخی، راه هرگونه بحث و استدلال بسته می‌شود. خواست حضرت زهرا خمس بود که تعلّق به پیامبر و حضرت زهرا داشت ولی ابوبکر به حاشیه می‌رفت و از متن فاصله می گرفت.

۲

- نفی میراث پیامبریکی از دلایل مدعیان خلافت و فدک، جعل حدیثی از قول پیامبر بود. وقتی حضرت زهرا با مراجعه به ابوبکر پرسیدند: چرا شما کارگزاران مرا از ملک شخصی‌ام (فدک) اخراج کرده‌اید و آن را به تصرّف خود در آورده‌اید؟ ابوبکر گفت: از

پیامبر شنیدم که گفت: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ»؛ (۴) «ما پیامبران میراثی باقی نمی‌گذاریم.»

عمر می‌گوید: ابوبکر این جمله را از قول پیامبر نقل کرد و سوگند یاد نمود که ابوبکر راستگوست (۵)

اولًا: باید پرسید: چگونه است‌موضوع به این مهمی را، دیگران نشنیدند و تنها خلیفه اول شنید؟

ثانیاً: چگونه می‌شود پیامبر دستوری خلاف قرآن کریم در مورد نفی ارثِ پیامبران صادر کنند! مگر نه این است که خداوند متعال در کتاب آسمانی خود، آیاتی بر ارث گذاشتن پیامبران و قانون ارث اسلامی، آورده است؟

۱- تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۲۱ و تاریخ دمشق و کفایه الأثر و الإستغاثه، ج ۲، ص ۶۳ و بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۲۸۶.

۲- تفسیر فخر رازی، ج ۱، ص ۲۱۰، تمامی احادیث فوق از دانشنامه امیرالمؤمنین، استاد محمدی ری شهری، ج ۲، صص ۲۲۵ و ۲۲۶ نقل شده است.

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۹.

۴- شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

۵- مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۳.

ص: ۱۲۳

ثالثاً: شما که چنین مطلبی از پیامبر نقل می‌کنید و برآن اصرار می ورزید، چگونه است که از حضرت زهرا دلیل می‌خواهید؟ مطلب به قدر کافی روشن است و نقل عباراتی از این دست، همانگونه که گفتیم با شرع و عقل منافات دارد. قرآن کریم در سوره مریم در مورد ارث گذاشتن زکریّا می‌فرماید:

إِذْ نادی رَبَّهُ نِداءً خَفِیًّا* قالَ رَبِّ إِنِّی وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّی وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَیْباً وَ لَمْ أَکُنْ بِدُعائِکَ رَبِّ شَقِیًّا* وَ إِنِّی خِفْتُ الْمَوالِیَ مِنْ وَرائِی وَ کانَتِ امْرَأَتِی عاقِراً فَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا یَرِثُنِی وَ یَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیًّا (۱)

«... درآن هنگام که زکریا از نداشتن فرزند سخت ناراحت بود، پروردگارش را در خلوتگاه عبادت خواند و گفت: پروردگارا! پیر شده‌ام و استخوان‌هایم سست گشته و برف پیری بر سرم نشسته است. پروردگارا! من هرگز در دعای خود از تو محروم و مأیوس نبوده‌ام و در هیچ امری مرا مأیوس نساخته‌ای. پروردگارا! من از خویشان خویش پس از خود بیمناکم، همسرم پیر و نازاست. پروردگارا! تو برای من از خودم جانشینی عطا نمای. فرزندی عطا کن که جانشین من شود. جانشینی که وارث من و دودمان یعقوب باشد. سپس او را مورد توجه خود قرار ده و از وی راضی باش.»

آیه فوق، موضوع وراثت زکریای پیامبر را به روشنی بیان می‌کند.

ازسوی دیگر، طبق مدارک تاریخی، کسی ادعای خلیفه را، مبنی بر این‌که پیامبر فرموده‌اند: «ما پیامبران ارث بر جای نمی‌گذاریم!» تأیید نکرده است و تمام‌آنان‌که ادعای ارث نگذاشتن پیامبران را تأیید کرده‌اند، در واقع قول خلیفه را تأیید کرده‌اند نه این‌که خودشان از پیامبر شنیده‌باشند (۲)

به عبارت دیگر، ادعای خلیفه در ارث نگذاشتن پیامبران و حمایت خلیفه دوم و سوم از این ادعا، رنگ و بوی سیاسی داشته نه اعتقادی. جالب‌تر این‌که در دوران خلیفه دوم، وقتی قاضی القضات «عبدالجبار» به دنبال مشروعیت بخشیدن به آن بود، غیر از عمر و عثمان و مالک بن اوس بن حَدَثان، هیچ‌کس؛ اعم از مهاجر و انصار، ادعای ارث نگذاشتن پیامبران را تأیید نکردند (۳) خود خلیفه دوم هم گفته است:

ابوبکر این حدیث را به من گفت و سوگند یاد کرد که او راستگوست و از پیامبرخدا ۹ شنیده است که گفت: پیامبر ارث نمی‌گذارد. میراث او در میان فقرا و مساکین است (۴)

مقصود از نقل این حدیث، شهادت و گواهی عمر بر این نکته است که حدیث را عمر از ابوبکر شنیده است نه از دیگران (۵)

بسیاری ازمورّخان وعالمان اهل سنت ازعایشه روایت‌کرده‌اند: هنگامی‌که پیامبرخدا رحلت کرد و در میراث آن حضرت اختلاف کردند، در نزد هیچ کس در این باره مطلبی نیافتند، تنها ابوبکر بود که گفت: از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «هر آنچه که از ما گروه پیامبران بازمانده صدقه است.» (۶)

اظهارات عایشه و موضعگیری صریح او در این مورد، نشانگر آن است که ناقل این سخن تنها خلیفه اول بوده است؛ چنانکه ابن ابی الحدید هم چنین نظری دارد.

دانشمند ارزشمند سیدهاشم معروف الحسنی می‌نویسد: «مورّخان و محدّثان همگی بر این موضوع اجماع دارند که این روایت تنها از ابوبکر رسیده و تنها منبع و مستند اولیه، اوست ...».

چگونه ممکن است شخصی مانند پیامبر، چنان مسأله مهمی را مطرح کنند که هم مخالفت صریح با قرآن و قول خدا داشته باشد و هم از دختر و از جانشین به حق خویش مخفی کنند؟! اصولًا رسم پیامبر این بود وقتی می‌خواستند مطلبی را که جنبه تشریع و قانونگذاری داشت، طرح کنند، آن را در جمع مسلمانان و اصحاب مطرح می‌کردند و گروه کثیری به ضبط آن می‌پرداختند ....

گمان نمی‌کنم کسی که به خدا و رسول ایمان داشته باشد و با سبک و روشی که پیامبر در تبلیغ احکام الهی داشته، آشنا بوده و

مقام حضرت زهرا ۳ و حضرت علی ۷ را در پیشگاه آن حضرت بداند و تردید در نادرست بودن حدیث کند (۷)

۳

- ادای سوگندبا توجه به این‌که خلیفه مدعی بود پیامبران ارث نمی‌گذارند و دلایل حضرت زهرا را بر مالکیت فدک کافی نمی‌دانست، برابر رسم و عرف و شرع، باید از حضرت زهرا بخواهد که برای اثبات ادعای خود قسم یاد کند.

در قضای اسلامی، در مواردی که موضوع برای قاضی روشن نیست، قاضی از مدّعی می‌خواهد که سوگند یاد کند. پس از ادای سوگند، دادگاه مختومه می‌شود و حکم به نفع مدّعی صادر می‌گردد. اما خلیفه باز هم از چنین موضوعی خودداری نمود و از صدور حکم مانع گردید.

۴

- تقاضا از مدّعی برای ادای سوگند توسط قاضی

۱- مریم ۱۹: ۳ و ۴. ۳۸

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

۳- شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲۸.

۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۳.

۵- فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ص ۶۰۱.

۶- علامه مظفّر، دلائل الصدق، ج ۳، ص ۵۶.

۷- سیره الائمه، ج ۱، ص ۱۲۰.

ص: ۱۲۴

وقتی در قضاوت‌ها، موضوع مبهم باشد و کار صدور حکم نهایی طولانی شود، راه دیگری وجود دارد که قضات به آن تأسی می کنند. در نزاع مفروض وقتی حضرت زهرا ۳ مدعی بودند که پیامبر فدک را به ایشان بخشیدند و خلیفه منکر چنین ادعایی بود، قاضی موظف است به مدّعی تذکر دهد که چون شهود تو ناقص است، حق داری از منکر (خلیفه اول) مطالبه قسم کنی. بنابراین، باید خلیفه به حضرت زهرا تذکر می‌داد که چون دلایل شما کافی نیست، اگر میل داری من که منکر هستم حاضرم قسم یاد کنم. لیکن خلیفه به این قانون قضا عمل نکرد و به مجرد نقص شهود، نزاع را مختومه اعلام کرد (۱) و رأی را بر ضدّ ایشان صادر نمود.

۵

- قاضی منکرخلیفه در قضیه فدک، خود در موضع قاضی نشست و منکر تفویض و بخشش فدک به دختر پیامبر شد و قضاوت در چنین مسأله مهمی را، خود به عهده گرفت! و خود قاضی و حاکم و شاکی و مدعی شد!

در قضای اسلامی، اگر شخصی برچیزی ادعایی داشته باشد ومنکر آن را انکار کند، باید موضوع به شخص ثالث بی‌طرف، به عنوان قاضی ارجاع گردد و قاضی پس از بررسیِ ادعای مدعی و اظهارات منکر و با توجه به قوانین و قرائن، به موضوع رسیدگی کند و رأی نهایی را صادر نماید. اما در موضوع فدک، شرایط به‌گونه دیگری رقم خورد؛ یعنی خلیفه که منکر بخشش فدک توسط پیامبر به حضرت زهرا بود، خود به عنوان قاضی اظهارات مدعِی را رد کرد و حکم بر «صحت انکار» خود داد. چیزی که کاملًا جدید بود و بعدها این روش مورد سوء استفاده خلفای جور شد.

در حالی در تاریخ می‌خوانیم، روزی عربی در دوران اقتدار پیامبرخدا، بر شتر ایشان ادعایی داشت و حضرت انکار کردند. به دستور پیامبر داوری در این مورد به شخص ثالث ارجاع گردید. در زمان خلافت ظاهری علی بن ابی‌طالب ۷ نیز روزی عربی در زره آن حضرت ادعا کرد و ایشان منکر شدند. قاضیِ محکمه، شاکی و متهم را احضار کرد. این قضاوت در تاریخ اسلام بسیار مشهور و از افتخارات اسلام و تشیّع است. حضرت هم با کمال تواضع و وقار در محکمه حاضر شدند و حتی به قاضی محکمه که به ایشان احترام ویژه گذاشتند، تذکر دادند. اتفاقاً در هر دو موضوع و در هر دو محکمه، رأی به صداقت پیامبر و امیرالمؤمنین ۸ صادر شد.

۶

- ضرورت پایبندی به روش پیامبرپیامبر عالی‌قدر اسلام که ظهور محبّت، عنایت، عواطف و رحمت خداوند بودند، در بسیاری از موارد لطف‌های بی‌حد و فراوانی نسبت به افراد مختلف داشتند که در تاریخ اسلام ثبت و ضبط است. عفو مردم گستاخ و بت‌پرست و خونخوار مکه دلیل این عواطف بود. پیامبر افراد زیادی را که مرتکب اشتباه و یا اسائه ادب نسبت به ایشان می‌شدند، عفو می کردند. برخورد صمیمانه ایشان حتی با مخالفین خود و حتی بخشش اموال منقول و غیر منقول به اصحاب و دیگر موارد در تاریخ ثبت است.

پیامبرخدا بخش‌هایی از زمین‌های یهودیان بنی نضیر را به ابوبکر وعبدالرحمان ابن عوف و ابو دجاجه واگذار کردند (۲) هیچ‌کس هم ادعایی نکرد و اعتراضی نداشت. این زمین‌ها پس از ارتحال پیامبر در دست آن‌ها ماند و خلیفه حرفی در آن اموال نداشت.

پیامبر همچنین قواره قابل ملاحظه‌ای از زمین‌های بنی‌نضیر را با درخت‌هایش به زبیر بن عوام واگذار نمودند (۳)

مؤلف فتوح البلدان می‌نویسد: پیامبرخدا یک قطعه زمین را که دارای کوه و معدن بود، به بلال و چهار قطعه زمین را به علی بن ابی‌طالب واگذار کردند (۴)

خوب بود خلیفه که در جای پیامبر نشسته و خود را برای چنین مقامی محق‌تر از دیگران می‌دانست، به شیوه پیامبر عمل می کرد و در ماجرای فدک، به فرض اگر دلایل حضرت زهرا در مالکیت بر فدک کافی نبود، فدک را به عنوان صاحب قدرت و زمامدار امور مسلمانان، به آن حضرت واگذار می کرد.

۷

- پشیمانیِ احساسی نه اساسیخلیفه اول پس از تصرف فدك و آزرده خاطر شدن دختر بزرگوار پیامبر از این ماجرا، از کار خود پشیمان و از عاقبت خویش نگران شد.

ابن قتیبه دینوری موضوع مهمی را در پشیمانی خلیفه اول و دوم نقل کرده است. این گفته را برای تأیید مطلب خود می‌آوریم:

«... عمر به ابوبکر گفت بیا برویم نزد فاطمه، چون ما او را به خشم آورده‌ایم. با یکدیگر به منزل حضرت زهرا رفتند و اجازه خواستند که بر آن حضرت وارد شوند. حضرت اجازه نداد. نزد حضرت علی رفتند و با او صحبت کردند. آن حضرت آن دو را به حضور فاطمه برد. هنگامی که روبه‌روی آن حضرت نشستند، حضرت زهرا روی خود را به طرف دیوار برگرداند. آنان به آن حضرت سلام کردند. حضرت پاسخ سلام نداد. ابوبکر لب به سخن گشوده، گفت:

ای حبیبه پیامبرخدا، به خدا سوگندکه خویشاوندان رسول الله از خویشاوندان خودم نزد من محبوب‌تر می‌باشند و تو در نزد من از عایشه دخترم محبوب‌تری. دوست می‌داشتم که روز رحلت پدرت من نیز از دنیا می‌رفتم و بعد از او، در این دنیا نمی‌بودم. آیا شما مرا چنین آدمی می‌بینید

۱- آیه الله ابراهیم امینی، بانوی نمونه اسلام، ص ۲۲۲.

۲- احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، ص ۳۱.

۳- فتوح البلدان، ص ۳۴.

۴- فتوح البلدان، ص ۲۷.

ص: ۱۲۵

که با آن‌که عارف به حق شما هستم و فضیلت و شرافت تو را به خوبی می‌دانم، در عین حال حق تو را بگیرم و از میراث پیامبر خدا مانع شوم ...؟

حضرت زهرا فرمود: آیا شما خود این چنین می‌بینید که اگر من حدیثی را از پیامبرخدا برایتان نقل کنم که شما با آن حدیث آشنا باشید به آن عمل خواهید کرد؟

گفتند: آری. فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا از پیامبرخدا ۹ نشنیده‌اید که می‌فرمود: «خشنودی فاطمه خشنودی من و خشم فاطمه موجب خشم و غضب من است. هر کس فاطمه دخترم را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را خشنود و راضی سازد مرا خشنود و راضی ساخته است و هر کس فاطمه را به خشم درآورد مرا به خشم در آورده است؟»

گفتند: آری، این حدیث را از رسول خدا شنیده‌ایم.

فرمود: پس من، خداوند و فرشتگانش را شاهد و گواه می‌گیرم که شما مرا به خشم در آورده و راضی نساختید و هرگاه پیامبر ۹ را ملاقات کردم از شما به او شکایت خواهم کرد.

ابوبکر گفت: من از خشم و غضب آن حضرت و از خشم و غضب تو، ای فاطمه به خداوند پناه می‌برم و شروع به گریه کرد و چنان می‌گریست که نزدیک بود جانش به در رود. در آن لحظه حضرت زهرا فرمود: به خدا سوگند، به دنبال هر نمازی که می‌خوانم تو را نفرین می‌کنم.» (۱)

شواهد و قرائن نشان می‌دهد خلیفه اول از رنجاندن حضرت زهرا پشیمان بود اما هیچ‌گونه اقدامی که موجب جبران شود انجام نداد؛ یعنی پشیمانی وی نه اساسی که احساسی و عاطفی بود.

۸

– کفایت شهادت امیرالمؤمنین بر رسالت پیامبر ۹ مقام و منزلت علی ۷ به قدری برجسته و عظیم و در نزد خداوند به اندازه‌ای مقرّب و محبوب‌اند که پروردگار سبحان شهادت ایشان را به تنهایی بر نبوّت پیامبر کافی می‌داند. آنجا که می‌فرماید:

وَ یَقُولُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ کَفی بِاللَّهِ شَهِیداً بَیْنِی وَ بَیْنَکُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ (۲)

«کافران می‌گویند تو پیامبر نیستی. به آن‌ها بگو شهادت خداوند و کسی که دارای علم کتاب است، بر نبوت من کافی است.»

علما و مفسّران شیعه و بسیاری از اهل تسنن، با نقل حدیثی از پیامبر اسلام معتقدند که صاحب علم کتاب، که شهادتش بر رسالت پیامبر کافی است، امیرالمؤمنین است. خلفا باید شهادت امیرالمؤمنین را بر ادعای حضرت زهرا می‌پذیرفتند و از او شاهد دیگری نمی‌خواستند.

خُزیمه بن ثابت (ذو الشهادتین)

مرد عربی در مورد ناقه پیامبر ادعایی کرد و اظهار داشت که این ناقه (شتر ماده) متعلق به اوست. پیامبر فرمودند: این شتر، تعلّق به من دارد؛ زیرا قبلًا پول آن را به تو داده‌ام. مرد عرب از پیامبر پرسید: آیا شما بر این حرف خود شاهد دارید؟ شخصی به نام «خزیمه بن ثابت» اظهار داشت که من گواهی می‌دهم این شتر تعلّق به پیامبر دارد. پیامبر از خزیمه پرسیدند: تو ازکجا به چنین یقینی رسیده‌ای؟ خزیمه گفت: چون من به رسالت شما یقین دارم به ادعای شما در مالکیت شتر هم یقین دارم. حضرت پیامبر استدلال خزیمه را پذیرفتند و فرمودند: من شهادت تو را به تنهایی کافی و نافذ می‌دانم و به منزله دو شهادت قرار می‌دهم. سپس به ماجرا خاتمه دادند. از آن روز خزیمه به «ذوالشهادتین» شهرت یافت (۳)

وقتی شهادت و گواهی شخصی مانند خزیمه، به منزله دو شهادت حساب می‌شود، آیا خلیفه نباید شهادت امیرمؤمنان را که به تنهایی بر رسالت پیامبر از منظر خداوند کفایت می‌کرد بپذیرند؟

۹

– تضاد و تناقضمورّخان می‌نویسند: وقتی حضرت زهرا با استدلال محکم و قوی در مورد فدك بحث کردند، ابوبکر سند و قباله‌ای بر مالکیت حضرت زهرا بر فدك نوشت و امضا کرد و به وی تقدیم کرد. وقتی حضرت زهرا از خانه ابوبکر با سند مذکور مراجعت می کرد، خلیفه دوم ایشان را دید و ماجرا را پرسید. فاطمه ۳ موضوع را گفت و سند را نیز به وی نشان داد. امّا خلیفه سند را گرفت و پاره کرد (۴) اما خود وی پس از رسیدن به خلافت، فدك را به ورثه پیامبرخدا واگذار کرد (۵)

اکنون در اینجا پرسشی پیش می‌آید و آن این که:

۱– الامامه و السیاسه ابن قتیبه دینوری عالم مشهور سنی قرن سوم متوفای سال ۲۷۶ هجری، ج ۱، ص ۱۳.

۲– رعد ۴۳: ۴۳.

۳– تلخیص الشافی، ج ۳، ص ۱۲۲، فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ص ۵۸۱.

۴– سیره حلبی، ج ۳، ص ۳۹۱.

۵– عمده کتب اهل تسنن؛ مانند صحیح بخاری باب فرض الخمس، صص ۵ و ۱۰ و صحیح مسلم و سنن بیقهی، ج ۶، ص ۲۹۹ و معجم البلدان، ج ۶، ص ۳۴۳ و تفسیر ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۸۸، این مطلب را نقل کرده‌اند که عمر در دوران خلافت خود، فدك را به امیرالمؤمنین و به عباس بن عبدالمطلب باز گرداند.

ص: ۱۲۶

اگر پیامبران ارث نمی‌گذارند، پس دادن سند فدک به حضرت زهرا برای چیست؟ و اگر در نظر خلیفه دوم، باید درآمد فدک در مسائل عمومی هزینه شود، چرا خودِ وی نسبت به واگذاری آن به ورثه پیامبر اقدام کرد؟

این نکته نیز جالب است که طبق مدارک اهل سنت، فدک به حضرت علی و عباس‌بن عبدالمطّلب باز گردانده شد. اگر این مطلب صحت دارد، می‌توان این پرسش را طرح کرد که مگر عباس بن عبدالمطّلب وارث پیامبر بود؟! و مگر نه این است که با بودن حضرت زهرا و پس از وی، با بودن فرزندان حضرت زهرا، ارث به طبقه دوم نمی‌رسد؟!

ص: ۱۲۷

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹